

نگرشی بر اخبار
و علایم ظہور
حضرت مہدی
(عج)

نویسنده: استاد علی اکبر عارف

نگرشى بر

اخبار و علائم

ظهور

حضرت مهدى

(عجل الله تعالى فرجه الشريف)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عارف، علی اکبر، ۱۳۲۴ -

نگرشی بر اخبار و علائم ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) / علی

اکبر عارف، - قم: دارالنور، ۱۳۸۱.

۲۷۱ ص.

کتابنامه: ص ۲۷۰ - ۲۷۱، همچنین به صورت زیر نویس.

شابک: ۹۶۴-۹۳۵۶۷-۵-۴

۱. مهدویت - انتظار، ۲. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۶ ق - ۳.

آخرالزمان، الف، عنوان

۲۹۷/۴۶۲

BP۲۲۴/ع ۲ ن ۸

□ شناسنامه کتاب

- عنوان کتاب: نگرشی بر اخبار و علائم ظهور حضرت مهدی (عج)
- مؤلف: استاد علی اکبر عارف
- ناشر: انتشارات دارالنور
- نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۸۱
- چاپ: شریعت
- تیراژ: ۳۰۰۰ نسخه
- قطع: وزیری
- قیمت: ۱۳۰۰۰ ریال

شابک: ۹۶۴-۹۳۵۶۷-۵-۴

ISBN: 964 - 93567 - 5 - 4

«حق چاپ برای ناشر محفوظ است.»

مرکز پخش: قم، خیابان ساحلی، به طرف مصلی، نرسیده به پل نیروگاه،

ساختمان شهاب، انتشارات دارالنور، تلفن: ۷۷۳۷۴۶۹

فهرست مطالب

- فهرست مطالب «۴»
پیش گفتار «۱۳»

فصل اول

- فصل اول «۱۶»
حضرت مهدی کیست؟ «۱۷»
لوح حضرت زهرا علیها السلام و اسامی ائمه علیهم السلام «۱۸»
اهمیت اعتقاد به امامت و حضرت مهدی «عج» «۱۹»
تولد حضرت مهدی «عج» «۱۹»
داستان تولد امام عصر (عج) از زبان حکیمه خاتون «۲۱»
ملاقات احمد بن اسحاق با امام عصر (عج) در دوران طفولیت «۲۴»
خبر دادن امام مهدی «عج» در سنین کودکی به احمد ابن اسحاق قمی و سعد بن عبدالله قمی «۲۶»
ملاقات بعضی دوستان با امام عصر (عج) در طفولیت «۳۱»
سیمای حضرت مهدی «عج» «۳۳»
رحلت امام عسکری علیه السلام و نماز خواندن امام عصر (عج) بر پدر «۳۴»
پیرامون نام، لقب و کنیه امام عصر (عج) «۳۷»

فصل دوم

- غیبت صغری (کوتاه) و غیبت کبری (طولانی) «۳۹»
سفرای خاص امام عصر (عج) (نواب اربعه) «۴۰»
نامه (توقیع) حضرت حجت (عج) به شیخ مفید رحمته الله علیه «۴۲»
امداد رسانی امام عصر (عج) به شیخ مفید در مقام فتوا «۴۳»
تأثر و تألم حضرت مهدی در فقدان شیخ مفید رحمته الله علیه «۴۴»
آیا حضرت ولی عصر (عج) در غیبت کبری رؤیت می شود؟ «۴۵»

- کدام یک زیباتر است: عصر حضور ائمه یا عصر غیبت و یا عصر ظهور؟ «۴۷»
 ارزش وجودی حجت و راهنمای معصوم «۴۸»
 حضرت خضر یکی از ندیمان امام عصر (عج) «۴۸»

فصل سوم

- اخبار و احادیث فریقین درباره ظهور مصلح جهانی «۵۱»
 حکومت جهانی مهدی «عج» در قرآن «۵۲»
 بعضی از آیات غیر صریح (تأویل آن‌ها) «۵۴»
 نمونه بارز حدیث راجع به ظهور «۵۶»
 روایت مفضل درباره استخلاف صالحان «۵۷»
 کتب عامه و حضرت مهدی «عج» «۵۷»
 بیان تورات، انجیل و زند، کتاب هندوان «۶۳»
 تورات و زبور «۶۳»
 کتب مسیحیت و ظهور مصلح «۶۴»

فصل چهارم

- طول غیبت؛ حکمت‌ها، سختی‌ها و زیبایی‌های آن «۷۲»
 حضرت مهدی (عج) شخص واحد و معین و دارای عمری طولانی می‌باشد «۷۳»
 اشاره‌ای به مُعَمَّرین جهان «۷۳»
 غیبت برای صاحبان ثبات قدم، نعمت بزرگی است «۷۵»
 حضرت، مأمور به تقیّه نیست «۷۶»
 توقیع (نامه) حضرت به اسحاق بن یعقوب «۷۷»
 علّت طول غیبت بعد از ظهور روشن می‌شود «۷۸»
 یکی از علل آن جدا شدن اهل یقین از اهل شک است «۷۸»
 مثالی از روش حضرت علی علیه السلام در حکمت طول غیبت «۷۹»
 ارزش نور بعد از تاریکی شدید است «۸۰»

مصلحت و زیبایی طول غیبت «۸۰»

جمع بندی و برداشت از حکمت‌های غیبت «۸۲»

فصل پنجم

ارزش انتظار و معنای عام و خاص آن «۸۵»

انتظار فرج و تشبیه حضرت مهدی «عج» به انبیاء علیهم‌السلام «۸۸»

شبهات حضرت به موسی علیه‌السلام «۹۱»

شبهات به حضرت عیسی علیه‌السلام «۹۲»

شبهات به حضرت نوح علیه‌السلام «۹۲»

شبهات حضرت حجت «عج» به حضرت یوسف علیه‌السلام و حضرت محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم «۹۳»

حضرت رضا علیه‌السلام و انتظار (با اشعار دعبل) «۹۴»

دفع توهم درباره انتظار «۹۵»

دامن زدن به ظلم و فساد «۹۶»

فصل ششم

انتظارات امام عصر (عج) از ما «۱۰۰»

به این داستان توجه کنید «۱۰۱»

خواسته (دعای حضرت حجت) «۱۰۳»

سخنی درباره استجابات دعای امام «عج» «۱۰۴»

خواسته امام عصر «عج» از ما، همان خواسته خداوند است «۱۰۶»

منفورترین کارها نزد خداوند و امام عصر (عج) --- - - چه اصواتاً؟ «۱۰۸»

فصل هفتم

نشانه‌های آخر الزمان و فتنه‌های آن (خصوصیات اهل آخر الزمان) «۱۱۰»

تذکری درباره علائم آخر الزمان و فتنه‌های آن «۱۱۱»

حتمی و غیر حتمی چیست؟ «۱۱۱»

اخبار غیبی آخر الزمان در احادیث «۱۱۲»

- عیوب مردم آخر الزمان «۱۱۳»
- حدیث صعصعه از امیرالمؤمنین علیه السلام درباره فتنه‌ها «۱۱۷»
- حدیث حضرت باقر علیه السلام درباره فتنه‌ها و علایم ظهور «۱۲۱»
- رواج شراب و غنا و نوازندگی و --- «۱۲۲»
- مردم بیش از حد پا را فراتر گذاشته و برای خدا کار نمی‌کنند «۱۲۳»

فصل هشتم

- آستانه ظهور مشکل‌ترین زمان‌ها برای دینداری «۱۲۶»
- پول پرستی، رشوه، ربا و فقر «۱۲۷»
- اسلام و قرآن غریب خواهد شد «۱۲۸»
- غربت مسجد «۱۲۸»
- تباه شدن نوجوانان «۱۲۹»
- انحراف زن و مرد (پیر و جوان) و تسلط زنان بر کارهای کلیدی «۱۳۰»
- دوری کردن از عالم واقعی، گرایش شدید به دنیا و آثار دنیوی آن «۱۳۳»
- کاسته شدن عالم و علم ربانی و معنویات «۱۳۴»
- آثاری از گناه «۱۳۵»
- سروری کردن افراد بی‌ایمان «۱۳۶»
- به صابران بشارت بده «۱۳۷»
- نتیجه و حاصل ما از بیان علائم «۱۳۸»
- امراض و عیوب مردم آخر الزمان چه اصواتاً؛ «۱۳۹»

فصل نهم

- مکان‌های نزدیک یا دور به هدف امام عصر (عج) در آخر الزمان ... «۱۴۳»
- خالی شدن کوفه از علم و رونق قم «۱۴۴»
- قم حرم اهل بیت و اهمیت آن «۱۴۴»
- اهمیت قم «۱۴۴»

- اهل قم یعنی عالمان و دانشمندان ربانی آن «۱۴۵»
 قیام مهم در قم «۱۴۵»
 مسجد جمکران «۱۴۶»
 مسجد سهله و کوفه مأوا و مرکز حکومت «۱۴۹»
 مکان و محیط زوراء «۱۵۰»
 تهران در روایات «۱۵۱»
 بر مکان‌هایی که حجّت تمام شده عذر پذیرفته نیست چه اصواتاً ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲؛ «۱۵۳»

فصل دهم

- جنگ و ناامنی بخشی بزرگ از جهان «۱۵۴»
 بغداد و آشوب‌های آن «۱۵۵»
 جنگ و ناامنی در خاورمیانه «۱۵۵»
 عراق و شام «۱۵۶»
 قبل از جنگ جهانی حج کنید «۱۵۷»
 جنگ و خرابی توسط یکی از قدرتهای خودکامه و بزرگ «۱۵۸»
 جنگ و ویرانی در بصره، هند، کرمان، آذربایجان و دیگر شهرها «۱۵۹»
 شکست چینی‌ها یکی از علامات ظهور است «۱۶۰»

فصل یازدهم

- خروج و ظهور لشکرهای عظیم خراسانی، یمانی، سفیانی --- .. «۱۶۱»
 نبرد خراسانی‌ها (ایرانی) با جبهه باطل --- «۱۶۲»
 درگیری شدید در شام و بلاد دیگر «۱۶۲»
 درگیری مصر و ظهور پرچم‌های حقیقت طلب سیاه رنگ «۱۶۳»
 هجوم سفیانی و بعضی از مشخصات او «۱۶۴»
 صاحب پرچم‌های زرد «۱۶۵»
 خزیمه یکی از فرماندهان سفیانی «۱۶۶»

- قتل شایستگان و نبرد لشکر شعیب بن صالح با سفیانی «۱۶۶»
 حیطة تسلط سفیانی «۱۶۸»
 بررسی کوتاه «۱۶۸»
 کشته شدن سیدی هاشمی و نفس زکیه «۱۶۹»
 در امان ترین مواضع «۱۷۰»

فصل دوازدهم

- ظهور در شدت تاریکی ها و نومیدی ها «۱۷۱»
 اشاره‌ای به یک نمونه از غلبه صفات ناپسند «۱۷۲»
 مبارزین مسلمان نما «۱۷۲»
 تغییر آیین در آخر الزمان «۱۷۳»
 تفرقه و ارتداد «۱۷۴»
 بیان انجیل و آشوب جهان «۱۷۵»

فصل سیزدهم

- سروشها و نداها و زمزمه‌های حق و باطل «۱۷۶»
 ندا و سروش در ماه مبارک و صدای مخصوص «۱۷۷»
 روایتی منسوب به امام صادق علیه السلام «۱۷۷»
 صدایی تکان دهنده و وحشت آور «۱۷۸»
 گفتار انجیل «۱۷۸»
 دل‌های مستعد، کشف می‌کنند «۱۷۹»

فصل چهاردهم

- دَجَّال (یعنی یک شیادِ عوام فریب) «۱۸۰»
 دَجَّال، یک صفت است «۱۸۱»
 جاهلان و مغرضان به دجال موقعیت می‌دهند «۱۸۱»
 دَجَّال نشانه ظاهری هم دارد «۱۸۲»

- اکثر اتباع دجال «۱۸۳»
 حضرت عیسیٰ علیه السلام دجال را به قتل می‌رساند «۱۸۳»
 بعضی‌ها از دجال هم موذی‌تر هستند «۱۸۴»

فصل پانزدهم

- طلوع خورشید امام منتظر و روش حکومتی حضرت --- «۱۸۵»
 روز قیام حضرت از ایام الله است «۱۸۶»
 حضرت، مصداق اعلاى بعضی آیات است «۱۸۶»
 ظهور از بیت حمد است «۱۸۷»
 ظهور از مکه «۱۸۷»
 باز شدن پرچم «۱۸۸»
 خلاصه‌ای از روایاتی که مجلسی نقل کرده «۱۹۰»
 یاران حضرت «۱۹۱»
 یاران از نقاط مختلف جمع می‌شوند «۱۹۳»
 خوشا به حال مؤمنانی که در محضر حضرت مهدی «عج» هستند «۱۹۴»
 اشاره حضرت رضاع علیه السلام به بروز توانایی حضرت مهدی «عج» «۱۹۵»
 زنده شدن بعضی از نیکان «۱۹۶»
 زمین از ضلالت پاک شود «۱۹۷»
 منصور به رعب است «۱۹۸»
 توضیحی درباره قیام به سیف و منصور به رعب «۱۹۸»
 ظهور عیسی علیه السلام موهبت بزرگی است «۱۹۹»
 مبارزه مسلحانه چرا؟ پس معنای «لا إكراه فی الدین» چیست؟ «۲۰۲»
 سلاح و شمشیر با مهر الهی منافات ندارد بلکه لازمه جامعه است «۲۰۶»
 آیا ارتقای فرهنگ موجب استغناء از سلاح نیست؟ «۲۰۷»
 بیعت‌های نخستین «۲۰۸»

- مخالفت بعضی افراد موجه با حضرت «۲۰۹»
- روش حضرت «۲۱۰»
- انقلاب حضرت موجب برکات دینی و دنیوی است «۲۱۲»
- نمونه‌ای از روش حضرت در قضاوت «۲۱۸»
- اشاره‌ای به مدت عمر مبارک حضرت «۲۱۹»
- احتمال متأهل بودن حضرت «۲۲۰»
- جمع‌بندی کوتاه درباره منافع ظهور «۲۲۲»

فصل شانزدهم

- رجعت (بازگشت عده‌ای از اموات به همین دنیا) «۲۲۵»
- آیات پنجگانه رجعت «۲۲۶»
- رجعت و تفسیر و تأویل آیات مذکور «۲۲۶»
- وعدۀ یاری و نصرت «۲۲۸»
- دابة الارض «۲۲۸»
- تفسیر علی بن ابراهیم در معنای جُنْبِنْدَةُ زمین «۲۲۹»
- بیان عمّار یاسر «۲۲۹»
- تفسیر یا تأویل محشور شدن فوجی از مردم «۲۳۰»
- ایمان خالص و کفر خالص «۲۳۱»
- سؤالی از شیخ مفید رحمته الله درباره نوعی حشر در رجعت «۲۳۱»
- مصدق جمله انکم عائدون «۲۳۲»
- نقل بیان امام باقر رحمته الله درباره دولت آل رسول «۲۳۳»
- کلامی از انجیل درباره رجعت «۲۳۴»
- بیان دو نظریه درباره رجعت «۲۳۴»

فصل هفدهم

- علائمی از قیام قیامت «۲۳۷»

علائم قیامت «۲۳۸»

فصل هجدهم

رجعت و بازگشت به خویشتن خویش «۲۴۴»

بازگشت به خویشتن «۲۴۵»

در این عصر امام زمان را فراموش نکنیم «۲۴۶»

آداب زنده نگه داشتن ارادت به حضرت «۲۴۷»

نماز مخصوص حضرت ولی عصر (عج) «۲۴۷»

چه خوش است نماز و سلامی بعد از نماز «۲۴۸»

سلام الله الكامل «۲۴۹»

...اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حَجَّتَكَ «۲۵۰»

فصل نوزدهم

متون عربی در علایم ظهور «۲۵۲»

متن عربی حدیث در علت غیبت «۲۵۶»

متن در نشان ظهور «۲۵۷»

قطعاتی از ادعیه (سخن عشق در ادعیه) «۲۶۲»

متون عربی در رجعت «۲۶۵»

رجعت در ادعیه «۲۶۵»

متن عربی در اشراف ساعت و قیامت «۲۶۷»

منابع و مصادر «۲۷۰»

پیش‌گفتار

هدف از خلقت بشر، این است که با نیروی اختیار و نیروهای مافوق (ملکوتی) که در او هست؛ از قوه به فعل برسد و کامل گردد.

انسان باید کشتزار وجود خود را در مقابل نور قرار دهد؛ تا بذره‌های نهفته در وجودش؛ جوانه زند و ساقه‌اش محکم شده؛ ثمر آورد و هر قدر مورد توجه و رسیدگی بیشتری قرار گیرد، درخت کمال وی قوی‌تر و سالم‌تر می‌شود و اتصال او به اصل هستی و علم و قدرت و ... زیادتر می‌شود.

در حد ممکن، نازل منزله مقام ربوبی و جانشین خداوند خواهد شد، و از سنخ اراده او در انسان تجلی خواهد کرد؛ به عبارت دیگر خلق شده تا پیش از هر موجود، از فیوضات الهی و رحمت و کرم حق برخوردار شود، و بدون شک بزرگترین لطف و کرامت به انسان شده است و به همین دلیل مشکلات، تضادهای، اختلاف‌ها، جاذبه‌ها و دافعه‌ها و آزمایش‌ها در زندگی او قرار داده شده که؛ اگر در این مسیر به وظیفه خود عمل کند، خودسر نباشد و نسخه‌های حکیمانه الهی را نادیده نگیرد به درجه‌ها و مقام‌های معنوی و ملکوتی خواهد رسید، آن‌گاه خواهد دانست که از کجا به کجا آمده است و مفهوم و معنای «تَبَارَكَ اللهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» را آشکارا لمس می‌نماید. مطلبی که مطرح شد فقط ادعا نمی‌باشد بلکه نمونه عینی دارد.

رسول گرامی اسلام ﷺ نمونه بارز آن است که به بام هستی قدم گذارد، و بر جهان و جهانیان مسلط شد و همه چیز نزد او مشهود و آشکار گردید. نمونه دیگر، امام امیرالمؤمنین علیه السلام و معصومین علیهم السلام و سپس سلمان و مقداد، که همه چیز را همان گونه که بود می‌دیدند؛ و این ویژگی بندگان واقعی است و احاطه و سلطه آنها بر جهان دیگر آشکار می‌گردد.

همه انسان‌ها می‌توانند با حفظ اصول و شرایط بندگی حق، نیروی لایزال و جهان

بزرگی که در وجود آنها به ودیعه گذاشته شده است، شکوفا کنند و بهره و نصیب خود را از حیات طیبه دریافت کنند. ولی اگر از بندگی حق غافل شود و سرمایه نهفته درون خود را نادیده بگیرد، بی اندازه سقوط خواهد کرد؛ بسان ورشکسته‌ای که به زندان تاریک غم مبتلا و خود را مدیون طلبکاران گوناگون می‌داند؛ و پیوسته شرمنده، خجل و سرافکنده است؛ و به فرموده قرآن «از بهائیم پست‌تر می‌شود»؛ زیرا حیوان‌ها با سرمایه و شعوری که دارند، زندگی می‌کنند؛ اما انسان سرمایه خود را بدون جهت ضایع می‌کند لذا واژه مقصر برای انسان به کار می‌رود نه برای حیوان زیرا انسان توانا از توانایی خود استفاده نکرده است.

در راستای رسیدن به کمال، راه منحصر به فرد، همان برنامه و راهی است که؛ خالق حکیم توسط انبیاء علیهم‌السلام برای ما ترسیم نموده و به طور کلی دو جنبه دارد: ۱- مثبت؛ ۲- منفی؛ باید‌ها و نباید‌ها. همان گونه که نظیر آن را در جنبه طب و پزشکی مشاهده می‌کنیم که اگر رعایت شود انسان از سلامت جسم برخوردار می‌گردد.

این دو جنبه منفی و مثبت در سه بُعد خلاصه می‌شود: ۱- عقائد؛ ۲- احکام؛ ۳- اخلاق؛ و تمامی تلاش پیامبران الهی و اولیاء و حتی کشته شدن آنها به دست مخالفین، در همین راستا بوده است. آنها می‌خواستند عقائد فاسد که از هر نوع میکرب برای روان انسان خطرناک‌تر و مانع اصلی کمال است؛ از بین رفته، و به جای آن عقاید سالم باشد. اگر در مصادیق خداشناسی، پیامبرشناسی و امام‌شناسی که تمام دستورات دینی از آنها سرچشمه می‌گیرد؛ اشتباهی رخ دهد، در همه چیز اثر خواهد گذاشت و انحراف به وجود می‌آید و هر چه زمان از آن بگذرد، انحراف، بیشتر و عمق سقوط زیادتر می‌شود. عقاید، احکام و اخلاقی که خداوند از ما خواسته؛ اگر نادیده گرفته شود، فرد و اجتماع دچار ظلمت خواهد گردید و نورانیت فطری آنها در زیر پوشش هوی و هوس از بین خواهد رفت.

از آنجا که در آخر الزمان اکثر مردم راهی را که انبیاء الهی برای رسیدن به کمال

ترسیم کرده‌اند رها نموده و حتی افرادی به ظاهر مذهبی، دین را تا آن جا یدک می‌کشند که به دنیای آنان صدمه وارد نشود، و در نتیجه تابع هوی و هوس می‌شوند؛ تا چه رسد به کسی که خدای نخواسته، به شرع و دین پشت پازده و در صدد تمسخر و یاریشخند برمی‌آیند بر آن شدیم که؛ شمه‌ای از ملاحم و اخبار آخر الزمان را که در روایات و اخبار ائمه معصومین علیهم‌السلام آمده است بیان کنیم. امید است که چراغی روشن فراروی حقیقت جویان بوده، و مردم آخر الزمان را بیدار نموده، که فریب منحرفین را نخورند و راه صحیح را از غیر آن بشناسند و بیشتر مراقب دیانت خود باشند. مادر این زمینه تلاش کرده‌ایم که حقایق را بیان کرده و ادعایی نداریم که عاری از هر عیب و نقص باشد.

امید است که مورد قبول خداوند و خشنودی امام عصر (عج) قرار گیرد.

من الله التوفیق و علیه التکلان

بهار ۱۳۸۱

علی اکبر عارف

فصل اول

حضرت مهدی کیست؟

رسول اکرم ﷺ فرمودند: امامان عَلَيْهِمُ السَّلَامُ بعد از من دوازده نفر می‌باشند: به تعداد نُبّاء بنی اسرائیل، به تعداد اسباط موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ، و به تعداد حواریون حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَامُ. هر کس که با آنها مخالفت کند، با من مخالفت کرده؛ و کسی که آنها را انکار کند، مرا انکار کرده است. کسی که آنها را دوست بدارد و به آنها اقتداء کند، (امر آنها را اطاعت کند) رستگاری و نجات به دست آورد؛ و گرنه گمراه و منحرف است. خوشا به حال کسی که دوست آنها بوده، و وای به حال کسی که مخالف آنها باشد.^۱

رسول اکرم ﷺ فرمودند: ائمه بعد از من دوازده نفر می‌باشند. نه نفر از نسل حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ است و نهمین آنها قیام‌کننده آنهاست، آنها اهل بیت (خاص) و عترت من هستند؛ و از گوشت و خون من می‌باشند.^۲

رسول اکرم ﷺ فرمودند: بعد از من دوازده نفر مسئول (بزرگ) که آنها نجیب و (زُبده‌اند) و از غیب به آنها الهام می‌شود و معلوم شده از ناحیه خداوند، عقل و فهم آنها کامل گردیده و همیشه یاری می‌شوند؛ و اشتباهی در فکر آنها نیست؛ و آخرین آنها قیام‌کننده است.^۳

روزی رسول اکرم ﷺ به امام حسن و امام حسین عَلَيْهِمُ السَّلَامُ نگاه کردند و فرمودند: قسم به پروردگاری که مرا به حق مبعوث کرد؛ مهدی این امت، از نسل این دو می‌باشد. هنگامی که دنیا هرج و مرج شود، و فتنه‌ها آشکار گشت، و راه‌ها ناامن

۱. قال رسول الله ﷺ: الْأَئِمَّةُ بَعْدِي اثْنَا عَشْرَةَ بَعْدَ نُبَّاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعْدَ الْأَسْبَاطِ وَبَعْدَ حَوَارِيِّ عِيسَى، مَنْ خَالَفَهُمْ فَقَدْ خَالَفَنِي وَ مَنْ رَدَّهُمْ فَقَدْ رَدَّنِي وَ مَنْ أَحَبَّهُمْ وَ أَقْتَدَى بِهِمْ فَازَ وَ نَجَا... الملاحم و الفتن ص ۲۷ - بحار ج ۵۲، ص ۳۷۸.

۲. قال رسول الله ﷺ: الْأَئِمَّةُ مِنْ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ: تِسْعَةٌ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ ...

صحیح مسلم ج ۲، ص ۳؛ المهدی ص ۱۰۴؛ کشف الغمّة ج ۲، ص ۲۹۴.

۳. قال رسول الله ﷺ: مِنْ وَلَدِي اثْنَا عَشَرَ نَجِيًّا نَجَبًا، مُخَدَّثُونَ، مُفَهَّمُونَ. أَخْرَجَهُمْ قَائِمٌ بِالْحَقِّ. اصول الكافي ج ۱،

شد، و غالب مردم یکدیگر را چپاول نمودند، و بزرگترها به کوچکترها بسی مهتری کردند و کوچکترها، بزرگترها را احترام نکردند؛ خداوند متعال از نسل این دو نفر کسی را برمی‌انگیزد که؛ قلعه‌های ضلالت و گمراهی را فتح کند، (به هدایت مبدل کند) و دل‌های بسته را بگشاید (پراز علم و حکمت می‌کند) و شریعت در آخر الزمان احیاء شود.^۱

لوح حضرت زهرا علیها السلام و اسامی ائمه علیهم السلام

جابر ابن عبدالله، که شخصیتی بزرگ و از افراد مورد اعتماد و از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله است می‌گوید: روزی محضر حضرت زهرا علیها السلام رسیدم؛ در برابر حضرت لوحی دیدم که در آن اسامی ائمه از نسل آن حضرت نگاشته شده بود. آنها را شمردم، دوازده نفر بودند، که آخرین آنها قائم آنها بود، لذا دانستم که این امر حتمی است و از جمله مطالبی که در آن دیدم این بود؛ ... ای محمد صلی الله علیه و آله؛ به تو عطا کردم، کسی را که یازده راهنما از نسل او خارج خواهیم نمود، که همگی از نسل دخترت (زهرا) بتول است؛ آخرین آنها مردی است که به دست او جهانیان را از هلاکت نجات می‌دهم و از گمراهی‌ها هدایت بخشم؛ و به دست او آنها را بینائی دهم و شفا بخشم؛ و زمین را به وسیله او از دشمنانم پاک سازم؛ و شرق و غرب جهان را به او تملیک نموده، بادهای را مسخر او نمایم؛ و ابرها را زیر پای او قرار دهم، با فرشتگانم او را یاری می‌کنم، او دعوت مرا آشکار، و همه مخلوقات را بر توحید من گرد آورد.^۲

۱. قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ... إذا صارت الدنيا هرجاً و مرجاً و تظاهرت الفتن و تقطعت السبل و آغاز بعضهم على بعض، فلا كبير يرحم صغيراً و لأصغير يوقر كبيراً يبعث الله عند ذلك منهما (۲) من يفتح حصون الضلالة...

اصول کافی ج ۱، ص ۵۳۴؛ ينابيع المودة ج ۳، ص ۱۶۲

(۲) توضیح این عبارت که فرمود از آن دو (امام حسن و امام حسین علیهم السلام) چون امام عصر (عج) از طرف پدر (جد) به امام حسین علیه السلام و از طرف جد فاطمه بنت الحسن زوجه امام سجاد علیه السلام و مادر امام باقر علیه السلام است به امام مجتبی علیه السلام می‌رسد.

۲. بشارة الاسلام ص ۵ و ۱۲ و ۱۳؛ ينابيع المودة ج ۳، ص ۱۶۰؛ الزام الناصب ص ۶۴.

اهمیت اعتقاد به امامت و حضرت مهدی «عج»

امام صادق علیه السلام فرمودند: اسلام پنج پایه دارد: نماز، زکات، حج، روزه، ولایت؛ و چیزی همانند ولایت نیست. اما بسیاری از مردم چهار رکن را گرفتند، و ولایت را رها کردند. اگر کسی هر روز را روزه و هر شب را به عبادت پردازد، ولی بدون ولایت بمیرد (در حالی که توان شناخت ولی بر حق را داشته باشد) اعمالش قبول نخواهد شد.^۱

حضرت صادق علیه السلام فرمود: هر کس به تمامی ائمه اعتراف کند؛ ولی حضرت مهدی «عج» را انکار کند؛ مانند کسی است که، به همه پیامبران اعتراف کند ولی حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را انکار کند.^۲

توضیح: یعنی هیچ کس حق ندارد، رسالت مقام ربوبی را ردّ و تکذیب نماید؛ زیرا هر رسول پیام الهی را بیان می نماید و ردّ و تکذیب رسول با معرفه الله تضاد دارد. پس هر پیامبری که از طرف خدا مبعوث شده، پیامبر راستین است و باید پذیرفته شود. امام هم نازل منزله پیامبر است، و نباید هیچ یک از امامان راستین را رد کرد.

تولد حضرت مهدی «عج»

حضرت مهدی «عج» فرزند امام حسن عسکری علیه السلام و جانشین یازدهم پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است.

مادر حضرت مهدی «عج» نرجس را اغلب مورخان دختر یشوعا و یشوعا را پسر قیصر روم دانسته اند، و نرجس از طرف مادر به شمعون - وصی حضرت عیسی علیه السلام - منتسب می باشد؛ که در یکی از جنگ ها به اسارت نیروهای مسلمین درآمد. تا زمانی که محضر حضرت هادی نرسیده بود، کسی نمی دانست که او؛ دختر قیصر پادشاه روم است و خود او هم اظهار نمی کرد؛ وقتی که به اسارت درآمد از آنجا که لغات مختلف

۱. بیبی الإسلام علی خمس ...

الکافی ج ۲، ص ۱۸.

۲. ... أَلَا إِنَّ الْمُقَرَّبَ بِالْأئِمَّةِ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمُتَّكِرُ لِوَلَدِي كَمَنْ أَقْرَبَ بِجَمِيعِ أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَرُسُلِهِ ثُمَّ أَنْكَرَ نُبُوَّةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، لِأَنَّ طَاعَةَ آخِرِنَا كَطَاعَةِ أَوْلِنَا وَالتُّكْرَارُ لِآخِرِنَا كَالْمُتَّكِرِ لِأَوْلِنَا. منتخب الاثر ص ۲۲۶؛ اعلام الوری ص ۴۱۲

و از جمله عربی که پدرش به وی تعلیم داده بود، با زبان عربی فرمود: (اسمی نرجس) من نرجس هستم، چون فروشندگان اسیران جنگی، او را نمی شناختند. مشتری‌ها نیز رغبتی به خرید او نشان نمی دادند، و زمانی که امام هادی علیه السلام یکی از اصحاب را برای خرید جاریه‌ای فرستاد، او را خریدند و به خانه امام هادی علیه السلام آوردند. حضرت هادی علیه السلام خواهرش حکیمه را که عالمه بود به حضور پذیرفت و فرمود: این همان است، به او فرائض دین را تعلیم کن؛ او را برای فرزندم حسن به خانه آوردم و همسر وی خواهد شد، و مادر قیام کننده می باشد.^۱

نام‌های دیگر مادر امام زمان (عج) عبارتند از: ریحانه، سوسن، صیقل؛ و در کتب ادعیه زیارتی برای والده ماجده حضرت ولی عصر (عج) نقل شده، که ظاهراً مأثور است، ولی بعضی از ادعیه و زیارت‌نامه‌ها به تناسب مقام و شأن زیارت شونده توسط عالمان و عاشقان بیان شده و نگاشته‌اند، که متن یا بعضی از متن آنها از طرف معصومین علیهم السلام وارد نشده است.

نوشته‌اند: نرجس، قبل از اسارت، در عالم رؤیا دید، که در محضر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دین اسلام تشرّف یافته است. از سعادت این زن پاکدامن آن بود که اسیر لشکر اسلام شد و شناخت عمیق‌تری نسبت به این جهان بی اعتبار پیدا کرد و روح معنویت وی قوی گشت. اصولاً شکست‌ها می تواند مقدمه‌ای برای از دیاد معرفت باشد.

نازپرورده تنعم نبرد راه به جای عاشقی شیوه مردان بلاکش باشد
بهر تقدیر، وقتی که نرجس به خانه امام عسکری علیه السلام آمد، فهمید که؛ توفیق بزرگی نصیبش شده است، قدر و موقعیت آن را دانست و به تهذیب نفس پرداخت، و زمانی که ظرف وجودش قابلیت حمل امام عصر (عج) را پیدا نمود، چندین بار از طرف خلیفه عباسی تحت بازرسی قرار گرفت، که اگر آثار حمل در وی ظاهر باشد، حمل او معدوم گردد. اما خداوند بزرگ آثار حمل را پوشانده و با قدرت کامل خویش نرجس

و امام عصر (عج) را نگه داشت: لذا از دیدگاه روایات، تولد امام زمان به جریان تولد حضرت موسی علیه السلام تشبیه شده است.

داستان تولد امام عصر (عج) از زبان حکیمه خاتون

حکیمه خاتون، دختر امام جواد علیه السلام و عمه امام عسکری علیه السلام، از بهترین زنان عصر خویش است. وی می گوید: روزی امام عسکری علیه السلام به من فرمود: عمه جان! اکنون که روزه دار هستی برای افطار نزد ما بمان؛ که خداوند تبارک و تعالی به همین زودی حجت خود را ظاهر می نماید. عرض کردم از کدام زن؟ فرمود: از نرجس! گفتم: قربانت کردم، به خداوند سوگند که در نرجس آثار حملی وجود ندارد. حضرت فرمود: همان مطلب که گفتم. (واقع خواهد شد). حکیمه خاتون می گوید: رفتم و برای افطار نزد امام علیه السلام برگشتم، سلام کردم و نشستم.

نرجس آمد و با من احوالپرسی کرد و گفت: ای سیده و سرور من و سرور اهل من؛ گفتم: بلکه شما سرور و سیده من و اهل من هستید. او گفت: خیر! چه شده؟ که مرا این قدر احترام می کنید. به او گفتم: دخترم! خداوند تبارک و تعالی به زودی در این شب، پسری را که در دنیا و آخرت سرور می باشد؛ به تو عطا می فرماید. از این سخن، حالت شرم و حیا در صورتش پیدا شد و گفت: (چگونه کسی که حامله نیست فرزند بزاید؟ به هر حال نماز عشا را خواندم، افطار کردم، به بستر رفتم و خوابیدم، اما وقتی که نیمه شب برای نماز بیدار شدم و تهجد را به جا آوردم، سراغ نرجس رفتم ولی هیچ اثری از وضع حمل در وی پیدا نبود. تعقیب خواندم و دوباره به بستر رفتم دیدم، نرجس برخاست و به نماز ایستاد. ساعتی گذشت من هم برخاستم، از اطاق خارج شدم و برای رؤیت طلوع فجر به افق نگاه کردم، و دوباره مشاهده کردم که نرجس به خواب رفته است. مردد شدم و شک و تردید مرا فرا گرفت

که طلوع فجر نزدیک است در حالی که امام عسکری علیه السلام به من فرموده است که: «امشب از نرجس فرزندی متولد می شود!» ناگهان امام عسکری علیه السلام از درون اطاق خود مرا صدا زدند و فرمودند: عمه جان! شتاب مکن، آن جریان که گفتم نزدیک است.

من نشستم و مشغول خواندن قرآن شدم، دیدم نرگس بیدار شد. زود خود را به او رسانیدم و گفتم: آیا چیزی احساس می کنی؟ گفتم: بلی عمه جان! به وی گفتم دل خود را قوی دار که آنچه قبلاً به تو گفتم زمان آن رسیده است. درست در همان لحظات مرا حالت سستی و چرت فرا گرفت؛ بعد متوجه شدم، نرگس فرزندی به دنیا آورده او را به دامن گرفتم، دیدم؛ مولودی نظیف و تمیز است^۱.

پدرش مرا صدا زد و فرمود: عمه! پسر را بیاور. او را به امام عسکری علیه السلام دادم، فرزند را به دامن گرفت و قدری بالا برد، پای کودک را روی سینه خود گذارد، سپس در گوش راست او اذان، و در گوش چپ وی اقامه گفت. سپس حضرت زبان خود را در دهان کودک گذارد؛ گویا به او شیر می خورانید. بعد از آن دست خود را به چشم، گوش و مفاصل کودک می مالید، و کام او را بالا برد و فرمود: ای پسر عزیزم: سخن بگو؛ طفل به زبان آمد و گفت: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» و بعد درود بر امیرالمؤمنین و ائمه علیهم السلام فرستاد و سلام به پدر خویش رساند، سپس ساکت شد.

در این حال امام عسکری علیه السلام به من فرمود: ای عمه! کودک را نزد مادرش برسان. من کودک را به مادرش رسانیدم؛ در این هنگام حضرت به من فرمود: عمه جان روز هفتم نزد ما بیا؛ (برای اینکه تا روز هفتم، این کودک را به کسی نشان نمی دهند زیرا؛ جاسوسان بنی عباس در جستجو هستند).

۱. تفصیل جریان ولادت حضرت مهدی در کتب معتبری چون غیبت شیخ طوسی و بحارالانوار ج ۵۲، ص ۲ و ۳ و ص ۱۳ و ۱۴ بیان شده است.

حکیمه فرمود: چون طفل را به مادرش (نرجس) دادم به دنبال کارهای خود رفتم؛ ولی همان روز برگشتم و به امام عسکری علیه السلام سلام کردم. در اطاق‌ها به دنبال کودک گشتم، ولی اثری از او ندیدم، عرض کردم: فدایت شوم، سرورم چه شد؟ فرمود: عمه جان به همان کسی که مادر موسی علیه السلام طفلش را سپرد، مانیز طفل خود را به او سپردیم. بعد از سه روز باز مشتاق شدم که بروم و ولی خدا را ببینم، به حجره نرجس رفتم؛ اثری از طفل ندیدم، حتی مادرش نیز از وی نامی نمی‌برد. در حالی که نرجس لباس زردی پوشیده بود و پارچه‌ای هم به سر خویش پیچیده بود، در کنار گهواره‌ای نشسته بود که روی آن پارچه‌ای سبز بود. نزد امام عسکری علیه السلام رفتم، حضرت تا مرا دیدند، فرمودند: ای عمه جان! (او) در کنف و حفظ خدا و امان اوست، و خداوند نگهبان او می‌باشد تا آن که، اجازه بدهد ظهور کند. ولی شما بعد از این که من وفات یافتم و دیدید که در شیعه من آراء مختلفی پیدا شد، جریان ولادت مهدی «عج» را به افراد مطمئن بگو، و کتمان مکن، باید خیلی مواظب باشی^۱. چون روز هفتم فرا رسید، به محضر امام رسیدم، حضرت به من فرمودند: برو فرزندم را بیاور، رفتم دیدم کودک نزد مادر است. او را آوردم و به آن حضرت دادم، امام همان کاری که در مرحله اول با وی کرد، تکرار نمود و سپس فرمود: فرزندم سخن بگو! کودک شهادت به وحدانیت خدا و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله داد و بر ائمه علیهم السلام درود فرستاد.

سپس برای این که حکیمه یقین کند و به افراد مطمئن بگوید که گمراه نشود و بدانند که وی امام است چنین خواند: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ: وَ تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»^۲.

توضیح: طبق احادیث وارده تفسیر این آیه مربوط به بنی اسرائیل و موسی علیه السلام

۱. براساس بعضی روایات و تواریخ، حکیمه خاتون و نرجس خاتون قبل از وفات امام عسکری علیه السلام وفات

نمودند. بحار ج ۵۱، ص ۵؛ منتخب الاثر ص ۲۴۵.

۲. سوره قصص آیه ۶.

است اما تأویل آن درباره ائمه علیهم السلام است.^۱

در روایتی نقل شده که امام عسکری علیه السلام به طفل خود رو کرد و فرمود: مژده باد، ای فرزندانم، که تو صاحب زمانی، تویی مهدی و تویی حجت خدا بر روی زمین و تو وصی من هستی.^۲

از روایات چنین استفاده می شود که امام عسکری علیه السلام به عثمان بن سعید (که یکی از نواب اربعه می باشد) دستور دادند که؛ گوشت فراوانی تهیه کند و میان بنی هاشم و بعضی از اصحاب (که حافظ اسرار خانه امام حسن عسکری علیه السلام بودند) به عنوان عقیقه تقسیم نماید.^۳

ملاقات احمد بن اسحاق با امام عصر (عج) در دوران طفولیت^۴

احمد بن اسحاق قمی، یکی از اصحاب امام عسکری علیه السلام می گوید: روزی بر حضرت حسن بن علی علیه السلام وارد شدم؛ قصد داشتم از جانشین آن حضرت سؤال کنم، امام بدون آن که مسئله ای را ابراز کنم فرمود: خداوند تبارک و تعالی از وقتی که حضرت آدم را آفرید، زمین را خالی از حجت الهی قرار نداده و تا قیامت هم چنین است. زمین به واسطه حجت اهلی دارد، بارانی بر آن می بارد و برکات آن ظاهر می شود.

عرض کردم: بعد از شما چه کسی خلیفه است؟ حضرت شتابان برخاست و به اطاق وارد شد. بعد که از اطاق بیرون آمدند، دیدم؛ پسری بر دوش دارند که صورتی زیبا داشت و سن او سه ساله می نمود. به من فرمودند:

۱. بحارالانوار ج ۵۳، ص ۲۶؛ ینابیع المودة ج ۲، ص ۱۱۳؛ الزام الناصب ص ۲۲۰.

۲. بحارالانوار ج ۵۲، ص ۱۷.

۳. بحارالانوار ج ۵۱، ص ۵.

۴. توضیح: احمد بن اسحاق قمی؛ نماینده امام عسکری برای ارسال نامه ها و گردآوری اموال از بعض بلاد بود در بازگشت از عراق به قم در منطقه سرپل ذهاب (از شهرهای کرمانشاه) درگذشت رحمته الله و مشهور است مسجد امام حسن در قم را احمد بن اسحاق با اجازه و یا تأیید امام عسکری در آن شهر بنیان نهاد.

ای احمد بن اسحاق! اگر نزد خداوند و حجت‌های الهی ارزش و منزلتی نمی‌داشتی؛ او را بر تو آشکار نمی‌کردم (یعنی تو نگهدار اسرار ما هستی و راز ما را بین بنی عباس فاش نمی‌سازی).

فرزندم (مهدی) هم نام و هم کنیه رسول خداست. «يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلِئْتُ جَوْرًا وَ ظُلْمًا» - زمین را پر از عدل و داد می‌کند، چنان‌چه پر از ظلم و جور شده باشد.

ای احمد ابن اسحاق! مثل او در این امت، همانند خضر و ذوالقرنین است. او غیبتی طولانی دارد و فقط آنها که خداوند دل‌هایشان را بر امامت او ثابت گردانیده (از آمدن حضرتش مأیوس نگشته و منتظر می‌باشند که بالاخره روزی زمین را پر از عدل و داد کند و لو این که آن زمان بسیار طولانی باشد) برای ظهور وی و تعجیل در فرج او دعا می‌کنند و در ایمانشان باقی می‌مانند.

سپس احمد بن اسحاق می‌گوید: گفتم ای سرور من، علامتی که دل من مطمئن شود وجود دارد؟ ناگهان آن فرزند بازبانی فصیح فرمود: «أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ الْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِهِ» من به جا مانده الهی در زمین هستم و از دشمنان خدا انتقام می‌گیرم. ای احمد بن اسحاق، چه علامت دیگری بعد از این علامت می‌خواهی؟ این صحابی بزرگوار می‌گوید: خدا حافظی کردم و از خانه امام عسکری علیه السلام شادمان خارج شدم. فردای آن روز، خدمت امام شرفیاب شدم، عرض کردم: خیلی مسرور و خوشحالم که به من منت گذاری و هدایت شدم، می‌خواستم بپرسم این که امام مهدی «عج» را به حضرت خضر و ذوالقرنین شبیه نمودید از چه نظر بود؟ حضرت فرمود: از نظر طول غیبت؛ (آنها هم به مدت طولانی از مردم غائب شدند) عرض کردم: غیبت امام عصر (عج) خیلی به طول می‌انجامد؟ فرمود: آری به خدا سوگو کند آنقدر که اکثر معتقدان به آن حضرت از اعتقاد به زنده بودن وی برگردند و بگویند: اگر کسی بود، آمده بود. و در ایمان به آن حضرت ثابت قدم نمی‌ماند مگر کسی که خداوند

از او پیمان ولایت گرفته باشد، (بسیار محکم و استوار و معتقد باشد) و خداوند ایمان را ملازم قلب او گرداند و با پرتو روح الهی او را حفظ کند.

ای احمد ابن اسحاق! غیبت رمزی از جانب خداوند و سرّی از اسرار الهی است و معلوم نیست چرا غیبت آن حضرت طولانی است؟ مگر بعد از ظهور، این مطلب را بگیر (فَخُذْ مَا آتَيْتُكَ وَ اَكْتُمُهُ وَ كُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ) تا با مادر علیون و در ملاء اعلیٰ قرار گیری^۱.

خبر دادن امام مهدی «عج» در سنین کودکی به احمد ابن اسحاق قمی و

سعد بن عبدالله قمی

مورخین نوشته‌اند: یکی از بزرگان اهل حدیث، سعد ابن عبدالله قمی می‌باشد. می‌گوید: روزی به شخصی ناصبی (مخالف اهل بیت) برخورد کردم، آن فرد در ضمن بحث و گفتگو به من گفت: وای بر شما روافض^۲ که مهاجرین و انصار را نکوهش می‌کنید و به آنها طعنه می‌زنید. مگر ابوبکر مهاجر نبود؟ و قبل از آن که دیگران به پیامبر بگروند، مسلمان نشد و پیامبر او را به حدی دوست می‌داشت که در شب لیلة المبیت او را با خود به غار ثور برد؛ زیرا می‌دانست که بعد از وی خلیفه اوست. او را با خود برد که محفوظ باشد و دشمن صدمه‌ای به او نزنند و علی ابن ابیطالب را جای خود نهاد، برای آن که می‌دانست اگر او کشته شود ضرری به اسلام نمی‌رسد.

مسئله دیگر این که شما رافضی‌ها می‌گوئید: عمر و ابوبکر نفاق داشتند و حکایت لیلة عقبه را دلیل می‌آورید. سپس رو به من کرد و گفت: ای رافضی! اسلام این دو نفر از روی میل و علاقه بود یا از روی اکراه؟ بگو بدانیم. من نتوانستم جواب بدهم، با خود فکر کردم که اگر بگویم از روی عشق و علاقه ایمان آوردند، در جواب خواهد

۱. کشف الغمة ج ۳، ص ۳۱۶؛ اعلام الوری ص ۴۱۲؛ بشارة الاسلام ص ۱۶۷.

۲. روافض جمع رافضی یعنی ترک کننده راه خلفای اولیه (ابوبکر، عمر و عثمان) و از قدیم الایام اهل سنت به شیعه‌ها رافضی می‌گفتند.

گفت: پس نفاق نداشتند و عاشق اسلام و پیامبر بودند؛ و اگر بگویم از روی اکراه و اجبار ایمان آوردند، می‌گویید: در مکه؛ اسلام و پیامبر در غربت بودند و پیامبر موقعیتی نداشت؛ اسلام در مدینه قوت گرفت و ابوبکر و عمر در مکه به اسلام گرویدند. از جواب دادن عاجز ماندم، دلگیر شدم و تصمیم گرفتم جواب تهیه کنم. نامه‌ای تنظیم کرده و چهل سؤال، از جمله همین مسائل را نوشتم که به محضر امام عسکری بفرستم. با احمد بن اسحاق نماینده حضرت آشنایی داشتم؛ سراغ ایشان رفتم، حقیقت قضیه را گفتم. فرمود: «همراه من به خدمت امام بیا و مسائل خود را از حضرت بپرس.» سعد ابن عبدالله قمی می‌گوید: «رفتیم تا به منزل امام عسکری علیه السلام رسیدیم؛ اجازه گرفتیم و وارد شدیم.» احمد ابن اسحاق نیز با خود همیانی آورده بود؛ (و بعداً معلوم شد در آن یکصد و شصت کیسه (کوچک)، درهم و دینار است) در محضر امام عسکری علیه السلام نشستیم، در آن هنگام حضرت مشغول نوشتن نامه‌ای بودند و طفلی در آن جا می‌دوید و گاهی به روی زانوی حضرت می‌نشست و بلند می‌شد. احمد ابن اسحاق، همیان را گشود و جلوی حضرت گذاشت. امام علیه السلام رو به آن طفل کردند و فرمودند: اینها هدیه‌ها و تحفه‌های شیعیان تو می‌باشد تصرف نما! (منظور امام عسکری علیه السلام این بود که بدانند این طفل امام بعد از اوست). آن طفل که صاحب الامر (عج) بود گفت: مولای من، آیا جایز است دست خود را به اموال ناپاک دراز کنم و تصرف نمایم؟ سپس حضرت مهدی «عج» به احمد ابن اسحاق رو کرده فرمودند: ای پسر اسحاق آنچه در همیان است بیرون بیاور؛ تا حلال و حرام آن را جدا سازم.

احمد ابن اسحاق، همه کیسه‌ها را بیرون آورد؛ حضرت فرمود: این از فلانی است که در فلان محله قم است و شصت و دو دینار در این کیسه است، چهل و پنج دینار آن قیمت ملکی است که از پدر به وی ارث رسیده و فروخته و چهارده دینارش قیمت هفت جامه است که فروخته و سه دینار از کرایه دکان می‌باشد. حضرت عسکری علیه السلام

فرمود: راست گفתי ای فرزندا! سپس امام عسکری علیه السلام رو به طفل کردند و فرمودند: چه چیز در اینها حرام است؟ فرمود: یک دینار به سکه ری و تاریخ آن این چنین است (تاریخ رقم زده روی سکه را بیان فرمود) و نصف نقش سکه نیز محو شده است، و یک دینار نیز معیوب است و ثلث دینار قیمت دارد و همین دو دینار در کیسه حرام است، و علت حرام بودن آنها، این است که فردی این کیسه را برای ما در فلان سال و فلان تاریخ فرستاد؛ مقداری ریسمان نزد همسایه اش که پارچه باف بود گذارد ولی دزد به آن دستبرد زد و آن را به سرقت برد؛ با توجه به این که همسایه در حفظ آنها دقت کرده بود وقتی جریان را با آن فرد در میان گذاشت وی قبول نکرد و تاوان آن را طلب نمود و ریسمانی به همان وزن ولی باریکتر به جای ریسمان خویش از پارچه باف گرفت و به بافنده داد و بافته شد و فروخت و این دو سکه از قیمت آن است. احمد، کیسه را گشود، دینارها را به همان علامت‌ها که فرموده بود یافت، آن دو دینار را کنار گذاشت و بقیه سکه‌ها را تحویل داد. کیسه دیگری را تسلیم حضرت نمود. امام فرمود این کیسه مال فلانی است و در فلان محله قم سکنی دارد و محتوی آن پنجاه دینار است و به این پول دست دراز نمی‌کنم و آن را نمی‌گیرم، زیرا؛ آنها قیمت گندمی است که میان او و کشاورز دیگری مشترک بوده ولی این شخص سهم خود را بیشتر از شریک خود برداشته است.

امام عسکری علیه السلام فرمودند: راست گفתי ای فرزندا!

سپس حضرت حجت علیه السلام رو به احمد ابن اسحاق نمود و چیزی گفت که احمد آن را فراموش کرده بود و آن امانتی بود که در خورجین مانده بود. سپس فرمود: آن جامه‌ای که فلان پیرزن برای ما فرستاده بیاور! احمد رفت و به جستجو در خورجین پرداخت.

در این حال امام عسکری علیه السلام رو به سعد ابن عبدالله که برای حل مسائل مشکل خود آمده بود کردند و فرمودند: به چه کار آمده‌ای؟ عرض کردم: علاقه دیدار شما مرا

به اینجا کشانده؛ فرمود: سؤالاتی داشتی آنها را از فرزندم پرس. رو به آن طفل کردم و گفتم: ای مولا و ای سرور من؛ روایت است که؛ حضرت پیامبر ﷺ اختیار طلاق زنان خود را به حضرت امیر ﷺ داد ... حضرت حجت ﷺ فرمود: خدای تبارک و تعالی شأن و مقام زنان پیامبر را بزرگ و آنها را مادر مؤمنین دانست، اما پیامبر ﷺ به حضرت امیرالمؤمنین ﷺ فرمود: این شرافت تا زمانی برای آنها باقی است که، از اطاعت خدا بیرون نروند؛ ولی هرگاه بر تو خروج کنند از اطاعت خدا خارج و شرافت خود را از دست داده‌اند، و آن گاه می‌توانی آنها را طلاق بدهی. سؤال دیگرم آن است: که مرا از تفسیر آیه شریفه «فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى» مطلع ساز. (ترجمه: دو کفش خود را درآور، زیرا تو در وادی پاکیزه طوبی قرار گرفت و به پرداخت.

در این حال امام عسکری ﷺ رو به سعد ابن عبدالله که برای حل مسائل مشکل خود آمده بود کردند و فرمودند: به چه کار آمده‌ای؟ عرض کردم: علاقه دیدار شما مرا به اینجا کشانده؛ فرمود: سؤالاتی داشتی آنها را از فرزندم پرس. رو به آن طفل کردم و گفتم: ای مولا و ای سرور من؛ روایت است که؛ حضرت پیامبر ﷺ اختیار طلاق زنان خود را به حضرت امیر ﷺ داد ... حضرت حجت ﷺ فرمود: خدای تبارک و تعالی شأن و مقام زنان پیامبر را بزرگ و آنها را مادر مؤمنین دانست، اما پیامبر ﷺ به حضرت امیرالمؤمنین ﷺ فرمود: این شرافت تا زمانی برای آنها باقی است که، از اطاعت خدا بیرون نروند؛ ولی هرگاه بر تو خروج کنند از اطاعت خدا خارج و شرافت خود را از دست داده‌اند، و آن گاه می‌توانی آنها را طلاق بدهی. سؤال دیگرم آن است: که مرا از تفسیر آیه شریفه «فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى» مطلع ساز. (ترجمه: دو کفش خود را درآور، زیرا تو در وادی پاکیزه طوبی قرار گرفتی!) که علماء می‌گویند: نعلین موسی ﷺ از پوست مردار بوده است! آیا این صحیح است؟ حضرت فرمود: خیر؛ محبت زن و فرزند به منزله نعلین است که می‌بایست در آن

وادی و سرزمین؛ موسی علیه السلام علاقه و عشق به خدا را خالص کند و دل از محبت زن و فرزند صافی کند. سئوالات دیگری از ولی عصر (عج) کرد، تا این که حضرت سئوال اصلی را که سعد برای آن سفر نموده بود یادآور شد و فرمود: ای سعد! شخص مخالف تو می گفت: «رسول اکرم صلی الله علیه و آله ابوبکر را به غار برد زیرا می دانست او خلیفه بعد از اوست و مبادا کشته شود...» چرا در جواب نگفتی، شما از پیامبر روایت کرده اید که؛ خلافت بعد از من سی سال است. شما این سی سال را بین چهار خلیفه تقسیم کرده اید. یعنی شما این چهار نفر را به حق خلیفه می دانید. حال اگر صرفاً به غار رفتن همراه پیامبر علامت خلیفه پیامبر شدن است، پس چرا پیامبر، آن سه خلیفه دیگر را که در مکه بودند به غار نبردند؟

آیا آن سه نفر را خلیفه نمی دانست؟ پس صرف به غار بردن دلیل بر لیاقت خلافت نیست. اما سئوالی که درباره اسلام ابوبکر و عمر، از تو شد. که آیا به اکراه یا از روی عشق و علاقه مسلمان شدند؟ جواب این است: که خیر، نه از روی اکراه بود و نه از روی علاقه بلکه از روی طمع دنیا، اسلام را پذیرفتند و گرد پیامبر بودند، زیرا با یهود رفت و آمد داشتند و یهود از کتاب های خود احوال پیامبر صلی الله علیه و آله را برای اینها خوانده بودند. و گفته بودند، که وی پیامبری است که بر عرب تسلط پیدا می کند. و **قدرتش توسعه می یابد** ... و اینها برای ریاست و حکومت و ... همراه پیامبر صلی الله علیه و آله شدند ولی چون می دیدند پیامبر صلی الله علیه و آله (در کارهای کلیدی و مهم)، امام علی علیه السلام و بعضی صحابه را بر آنها ترجیح می دهد، مأیوس شدند و با منافقین همراهی می کردند. از آن جمله، در بالای گردنه ای که پیامبر صلی الله علیه و آله با مرکب از آن بالا می رفتند در حالی که چهره خود را پوشانده بودند که کسی آنها را نشناسد، شتر پیامبر صلی الله علیه و آله را رم دادند که او سقوط کند؛ ولی خداوند پیامبر را حفظ نمود. وضعیت این دو، شبیه به طلحه و زبیر در زمان امام علی علیه السلام است که وقتی از حکومت مأیوس شدند بیعت را شکستند و غائله به راه انداختند.

چون سخن حضرت حجت علیه السلام به اینجا رسید، امام عسکری علیه السلام برای نماز آماده شدند. احمد ابن اسحاق برای پیدا کردن جامه‌ای که آن زن به او سپرده بود که به امام عسکری علیه السلام برساند، رفته بود، آن را نیافت و گریان و ناراحت برگشت، زیرا پیراهن گم شده بود. سعد گفت: به احمد گفتم برو و جریان را برای امام علیه السلام توضیح بده که تقصیری نکرده‌ای و اتفاقی است که افتاده است: او نیز نزد امام علیه السلام رفت و دیدم خندان برگشت؛ گفت: همان جامه را دیدم که زیر پای امام افتاده است و امام بر روی آن نماز می‌خواند. سعد گفت: چند روزی در آنجا بودیم و خدمت امام علیه السلام می‌رسیدیم تا وقت خدا حافظی رسید، و باید از خدمت امام مرخص شویم، و چقدر سخت و ناراحت کننده بود، فراق و دوری ما از امام عسکری علیه السلام و امام عصر (عج). در آخرین لحظه گفتیم که؛ خداوند شأن و مقام شما را رفیع گرداند و دشمنان شما را سرکوب نماید و این آخرین دیدار ما با شما نباشد. اشک امام عسکری علیه السلام جاری شد و فرمود: ای پسر اسحاق! در دعا زیاده روی نکن! که در همین مراجعت به رحمت حق واصل می‌شوی (دیگر ما را نخواهی دید). احمد آنقدر گریه کرد که از هوش رفت. جامه‌ای را برای کفن طلبید، حضرت سیزده درهم به او دادند و فرمودند: کفن به تو خواهد رسید. سعد و احمد برگشتند اما احمد در حُلوان (سرپل ذهاب) درگذشت، اکنون قبرش در آنجا^۱ زیارتگاه دوستان اهل بیت علیهم السلام است.

ملاقات بعضی دوستان با امام عصر (عج) در طفولیت

محمد بن عثمان که از اصحاب امام عسکری علیه السلام می‌بود می‌گوید: خدمت امام علیه السلام رسیدم؛ حضرت از پدر و اجداد خود روایت کردند و فرمودند:

«إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُوا مِنْ حُجَّةِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَإِنَّ مَنْ مَاتَ وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مَيِّتَةً جَاهِلِيَّةً» زمین از حجت خدا تا روز قیامت خالی نمی‌ماند. به

راستی هر کس امام وقت خود را نشناسد، مُردن او مانند مرگ در زمان جاهلیت است.^۱ عرض کردم: یا بن رسول الله: حجت و امام بعد از شما کیست؟ فرمود فرزندم (م - ح - م - د) و او امام و حجت است که هر کس او را نشناسد به مرگ زمان جاهلیت مرده است.^۲ آگاه باشید که غیبت او به طول می انجامد، و به علت طولانی شدن غیبت (آنها که در آخر الزمان به ظهور وی نزدیک شوند) بسیاری در اثر جهل و غفلت سرگردان شده، (و به امام زمان شک می برند) و باطل گرایان هلاک شوند (ایمانشان ضایع شود) و آنها که برای ظهور وقت تعیین کنند، دروغ می گویند. به هر حال حجت خدا ظاهر می شود، و من می بینم که **پرچم های سفید** بالای سرش در نجف و (بیابان کوفه) به حرکت در می آید.

در روایت دیگر فرمودند: این امر (ظهور حجت) واقع نمی شود مگر بعد از ناامیدی بسیاری از مردم، تا وقتی که دقیقاً مردم از یکدیگر جدا شوند (مؤمنین واقعی از غیر واقعی) معلوم شوند، و خوب آزمایش شوند و شقی در شقاوت بماند و سعید به سعادت برسد. همچنین محمد بن عثمان گوید: ما با چهل نفر از موالیان خدمت امام عسکری علیه السلام رسیدیم؛ حضرت فرزند خود را به ما نشان داد، و فرمود: «این است امام شما بعد از من و خلیفه من بر شما، و شما باید از او اطاعت کنید و جدا نگردید؛ و گرنه در امر دین هلاک می گردید».

شخصی به نام یعقوب بن منعوش گوید: «به خدمت امام عسکری علیه السلام وارد شدیم طفلی با پیشانی گشاده و خوش روی که در گونه راست او خالی بود، بر زانوی پدر نشست؛ حضرت به ما فرمودند: «این صاحب شماست.» سپس طفل بلند شد. حضرت فرمود: برو تا وقت دیگر؛ او به اطاق رفت و چیزی نگذشت، در حالی که

۱. زمان جاهلیت: در جامعه آن روز حیات و رشد دینی مطرح نبود. موقع مرگ بی اعتقاد می مردند آنها از درجات عالی و مقامات اخروی محرومند و اگر در جهل خود مقصر بوده اند و از کتب الهی قبل از اسلام اطلاع داشته و عمل نکرده اند معذب خواهند بود و اگر جاهل قاصر بوده اند، پس از مرگ درجات عالی ندارند و عذاب هم نمی شوند.

۲. الکافی ج ۱، ص ۳۷۱ و ۳۷۷؛ کشف النعمة ج ۳، ص ۳۱۸

چشم من به اطاق بود، فرمودند: برو نگاه کن؛ من رفتم و کسی را در اطاق نیافتم.

سیمای حضرت مهدی «عج»

رسول اکرم ﷺ فرمود: مهدی: زیباروی؛ زیبا محاسن و چهارشانه است.
رسول اکرم ﷺ: ... مهدی «عج» از خانواده ما می باشد، او دارای پیشانی گشاده، بینی کشیده و وسط بینی اش برآمده است. همچنین پیامبر ﷺ فرمود: او چشمانی مشکی و محاسنی انبوه دارد و برگونه راست او خالی است.
امام صادق ﷺ: مهدی «عج» صورتی ملیح و گندم گون دارد. او نه بسیار بلند قد و نه کوتاه می باشد، سر او مدور و سینه اش گشاده می باشد.^۱

توضیح: در بعضی روایات آمده است که، صورت حضرت مهدی «عج» یا سایر معصومین مثل قمر است یا نور صورت او خورشید را می پوشاند و از این قبیل مطالب! اینها تشبیه است یا استعاره و کنایه است و واقعیت ندارد.

و واقعیت آن ملیح بودن و خوشرو بودن است یا کنایه از محبوبیت و مجذوبیت آنها نزد دوستان است. صورت و اندام آن حضرت و دیگر معصومین مثل دیگران است، زیرا ائمه و دیگران همه از آدم ﷺ و آدم از خاک آفریده شده است. تفاوت کلی از ناحیه ایمان و قلبها است. چنانچه درباره پیامبر ﷺ وارد شده که وقتی آن حضرت در میان جمعی نشسته بود، آنهایی که پیامبر ﷺ را ندیده بودند (نمی شناختند) می گفتند: کدام یک از شماها پیامبر خدا ﷺ هستید؟ قرآن کریم نیز این واقعیت را این چنین بیان می کند:

«قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ» - «بگو: همانا من بشری مثل شما می باشم با این تفاوت که به من وحی می شود.» ائمه طاهرين ﷺ نیز همین گونه می باشند. شبها از چراغ استفاده می کردند با این که دارای معجزه و کرامت بودند، و می توانستند با

اشاره‌ای فضا را روشن کرده و در همه چیز تصرف کنند، ولی آنها می‌خواستند مثل دیگران به صورت عادی و طبیعی زندگی کنند، تا در سختی‌ها با مردم همدرد و همراه بوده و برای مردم قابل قبول باشند که مردم نگویند: آنها از جنس دیگرند و ما نمی‌توانیم از آنان پیروی کنیم، لذا شرایط خاصی مثلاً برای تثبیت نبوت و امامت خرق عادت می‌نمودند و این که بعضی‌ها در صدد برآمدند که پیامبر ﷺ و ائمه را غیر بشر معرفی می‌کنند، در اشتباه بوده‌اند و به جای خدمت، خیانت کرده‌اند. متأسفانه بعضی از اهل سخن و اهل منبر بدون تحقیق و از روی سادگی مطالبی ناصحیح در کنار مطالب معتبر بیان می‌کنند که مستمع را دچار مشکل می‌کنند و جای تأسف است؛ که ناآگاهی مردم باعث شده است که هم افراد دانا و هم اشخاص بی‌اطلاع و کم‌سواد، روی یک مسند و منبر قرار گرفته و به عنوان سخنور و مبین دین و مذهب محافل مذهبی را اداره می‌کنند و در نتیجه از ارزش عرفی جلسات دینی کاسته می‌گردد!!

رحلت امام عسکری علیه السلام و نماز خواندن امام عصر (عج) بر پدر

ابوالادیان که یکی از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام است می‌گوید: من خدمتگزار امام علیه السلام بودم و نامه‌های حضرت را به شهرها می‌رساندم. روزی خدمت امام رسیدم و آن حضرت چند نامه را آماده کرده به من دادند که آنها را به مدائن برسانم. در این حال به من فرمود: «بعد از پانزده روز به سامرا برمی‌گردی و صدای شیون اهل بیت را در گرد من می‌شنوی، در آن هنگام است که مرا غسل می‌دهند.» ابوالادیان بسیار متأثر گردید، و گفت: «ای سرور من، هر گاه چنین اتفاقی بیافتد، امر با چه کسی می‌باشد؟ (امام بعد از شما چه کسی است؟) فرمود: «هر کس که جواب نامه‌های مرا از تو بخواهد.» عرض کردم: «علامت دیگر بفرمائید.» فرمود: «هر کس که بر جنازه من نماز بگذارد او جانشین من است.» عرض کردم: «علامت دیگر بفرمائید.»

فرمود: «هر کس خبر از داخل همین بدهد.» در این حال هیبت امام مانع شد که بپرسم کدام نامه‌ها و کدام همیان؟. نامه‌ها را به مدائن رساندم، جواب نامه‌ها را گرفته و درست در روز پانزدهم به سامرا برگشتم، و صدای شیون را از منزل امام شنیدم. چون به در خانه امام رسیدم، جعفر (عموی حضرت که بعدها به جعفر کذاب معروف شد) را دیدم که بر در خانه نشسته و شیعیان برگرد او جمع شده او را تسلیت و تعزیت می‌گفتند. و بر امامت او مبارک می‌گفتند. وقتی چنین دیدم، به خود گفتم که؛ اگر این امام است! پس مسئله امامت نوع دیگر شده، این شخص فاسق و بدکردار است. (زیرا گاهی شراب می‌نوشید و قمار بازی می‌کرد) چگونه لیاقت امر عظیم امامت را دارد؟ بدن امام را غسل دادند، یکی از خادمان امام عسکری علیه السلام که آگاه از امر امام زمان (عج) نبود رو به جعفر کرد و گفت: برادر شما را کفن کرده‌اند، بیا و بر او نماز بگذار!

جعفر برخواست و شیعیان با او همراه شدند همین که جعفر جلو ایستاد و خواست تکبیر بگوید، طفلی گندم‌گون، پیچیده موی، گشاده دندان و با عظمت و وقار بیرون آمد و ردای جعفر را کشید و گفت: ای عمو؛ من سزاوارترم که بر پدر نماز بگذارم، جعفر عقب رفت و رنگ از صورت او پریده بود. آن طفل (در میان بهت و حیرت مردم) نماز را خواند و سپس جنازه پدر را کنار قبر امام هادی علیه السلام دفن کردند. سپس رو به من کرد و فرمود: ای بصری (لقب ابوالادیان بوده است) جواب نامه‌هایی که با توست بده! من آنها را به آن حضرت دادم و با خود گفتم: دو تا از آن سه نشانی ظاهر شد؛ یکی از نماز خواندن بر جنازه و دیگری خواستن جواب نامه‌ها. در این میان شخصی به خاطر این که به جعفر بفهماند که امام نیست به او گفت: این طفل که بود؟ جعفر گفت: به خدا هرگز او را ندیده‌ام و نمی‌شناسم. لحظاتی نگذشت که عده‌ای از اهل قم وارد خانه شده؛ و از احوال امام حسن علیه السلام جو یا شدند. به آنان خبر دادند که حضرت همین امروز وفات یافتند. گفتند: بعد از آن حضرت امام کیست؟ عده‌ای به طرف جعفر اشاره کردند. آنان نزد جعفر رفتند و تسلیت، تعزیت و تهنیت

گفتند و اظهار نمودند که: ما حامل نامه‌ها و اموالی هستیم که شما بگویید؛ از چه کسانی هستند؟ جعفر تا این سخن را شنید، از جا بلند شد و گفت: «مردم از ما علم غیب می‌خواهند!» و بلند شد، و غبار لباس خود را با دست تکان داد و از آنها روی گرداند. در این میان خادمی از داخل منزل، رو به اهل قم کرد و گفت: «با شما نامه‌های **فلانی و فلان شخص و ... است** و هزار دیناری که در همین است ده دینار آن را روکش طلا کرده‌اند.» سپس آن عده نامه‌ها و پول‌ها را به خادم دادند و گفتند: این نامه‌ها و پول‌ها را به آن کسی که تو را فرستاده بدهید، که او امام ما است. در این اثناء، جعفر گزارش وقایع را نزد خلیفه عباسی (معمد) رساند. احتمالاً جاسوسان خانه امام هم آن خبرها را به خلیفه رساندند، بلافاصله مأموران خلیفه به خانه هجوم آوردند و به جستجو پرداختند، ولی کسی را نیافتند. کنیزی از کنیزان امام عسکری علیه السلام را دستگیر کرده و گفتند: باید طفل را به ما نشان بدهی! اما او انکار کرد که من خبر ندارم و برای خلاصی از چنگال آنها گفتم: «من خود حامله هستم». مأموران او را به قاضی سپردند که محاکمه کند و نگه دارند، تا فرزند او به دنیا آمده او را بکشند. چیزی نگذشت که درگیری‌ها و آشوب‌هایی در نقاط مختلف حکومت معتمد پیدا شد و کنیز آزاد گردید.

آری، خداوندی که حضرت موسی علیه السلام را از دست فرعونیان نجات داد و حضرت عیسی علیه السلام را از دست مخالفانش حفظ کرد، حضرت مهدی «عج» را از انظار و دیدگان آنها پنهان نموده و محفوظ نگاه داشت. گفته شده است که: چون سپاهیان وارد سرای امام عسکری علیه السلام شدند، از سرداب مقدس صدای قرآن شنیدند، همگی سرداب را محاصره کردند، در این میان حضرت مهدی «عج» در برابر دیدگان آنها از سرداب خارج و از جلوی فرماندهان عبور کرد ولی کسی او را شناخت؛ مأمورین که احتمال دادند همان کودک است هر چه به جستجو و تفحص پرداختند کسی را نیافتند.^۱

۱. غیبت طوسی، ص ۱۶۰ - سفینه البحار، ج ۲، ص ۷۰۴.

پیرامون نام، لقب و کنیه امام عصر (عج)

از امام علی علیه السلام پیرامون نام امام عصر (عج) سؤال شد، حضرت فرمودند: نام او را نمی‌برم! زیرا حبیب من (رسول الله) از من پیمان گرفت که اسم او را نگویم که هنگام ظهور روشن و آشکار می‌شود و این از امانت‌های الهی است که پروردگار به پیامبرش سپرده است. (فقط به خواص بازگو شود و نباید آن را علنی بیان نمایند).^۱

از امام عسکری علیه السلام سؤال شد که؛ چگونه حجت بعد از شما را نام ببریم؟ فرمود؛ بگوئید: حجت آل محمد وآل رسوله.

توضیح: از بسیاری اخبار و احادیث استفاده می‌شود که نام حضرت حجت هم نام با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و کنیه او کنیه پیامبر است و احتمال دارد نامی غیر از (م - ح - م - د) داشته باشد که وقت ظهور مشخص می‌گردد. والله العالم.

در بعضی روایات آمده است که رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: برای من پنج اسم است: محمد، احمد، ماحی، حاشر و عاقب.

مهمترین القاب حضرت مهدی «عج» عبارتند از: مهدی، حجت، صابر، قائم - صمصام المنتقم، بقیة الله، منتظر، شریک القرآن، صاحب الامر، صاحب الزمان، خاتم الاوصیاء.

مهدی: یعنی هدایت شده، رهنمون شده. به این معناست که در تاریکی‌های کفر و ظلم و جهل از طرف خداوند رهنمون می‌شود و لغزش ندارد، دقیقاً می‌داند چه بکند، کسی که مهدی است می‌تواند هادی و راهنمای جهانیان باشد.

بقیة الله یعنی باقی مانده و ذخیره خاص الهی در روی زمین. بقیة الله در سوره هود از قول حضرت شعیب آمده، که قوم خود را نصیحت می‌کرد و می‌فرمود: «از راه کم فروشی و تجاوز به حقوق دیگران امرار معاش نکنید و به بقیة خدا یعنی؛ آنچه برای

شما مقرر کرده، باقی گذارده و حلال است قناعت کنید». امام معصوم نیز چون باقی گذارده و مقرر شده الهی است بقیة الله نام دارد.

شریک القرآن؛ پیامبر و ائمه معصوم است که بدون آنها مقاصد قرآن معلوم نخواهد شد. به ویژه که عمده‌ترین اهداف امام عصر پیراستن قرآن مجید از هر دستبرد و تفسیر و تأویل غلطی است که در طول قرون و اعصار پیرامون آن وارد شده است.

صاحب الامر یعنی از طرف خداوند یا رسول الله و یا معصوم قبل از خود مأموریت یافتند که رهبری جامعه را عهده‌دار باشند.

فصل دوم

غیت صغریٰ (کوتاه)

غیت کبریٰ (طولانی)

امام عصر (عج) در کنار پایگاه نظامی حکومت عباسی در سامرا به دنیا آمد و هرگونه پیشگیری و کنترل دستگاه حاکم نتوانست، از به وجود آمدن آن حضرت جلوگیری به عمل آورد. ولی به علی^۱ که خدا می‌داند، امام عصر (عج) برای جهان بشریت و روزی که وجود آن حضرت از هر زمانی برای احیای دین و گسترش آن و منکوب کردن ظلم و فساد، ضروری‌تر باشد، ذخیره شده است. آن حضرت دارای غیبت کوتاه که حدود شصت و نه سال به طول انجامید؛ یعنی درست از سال ۲۶۰ هجری (که امام عسکری علیه السلام وفات یافت) تا سال ۳۲۹ هجری؛ و در این مدت مردم، توسط نواب خاص آن حضرت که عبارتند از: ۱- عثمان ابن سعید؛ ۲- محمد بن عثمان؛ ۳- حسین بن روح نوبختی؛ ۴- علی بن محمد سمری؛ راهنمایی می‌شدند. با مرگ چهارمین نایب خاص آن حضرت (علی بن محمد سمری) نیابت خاصه، پایان می‌یابد و غیبت کبری (طولانی) آن حضرت آغاز می‌شود و زمانی که خداوند مصلحت بداند، ظهور خواهد کرد. انشاءالله.

در این مبحث، روایتی از امام چهارم علی ابن الحسین علیه السلام نقل شده است که در ذیل آن فرمودند: برای قائم ما، دو غیبت است: یکی؛ طولانی‌تر از اولی است، دومی؛ زمانش طولانی است تا این که اکثر معتقدان به ظهور در عقیده خود متزلزل شده، بلکه بی‌اعتقاد می‌شوند؛ مگر آن کس که یقین او قوی و معرفتش درست باشد و با هر نوع تبلیغات سوء و گرفتاری تزلزلی به خود راه ندهد و تسلیم اهلیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باشد.^۲

سفرای خاص امام عصر (عج) (نواب اربعه)

اولین سفیر خاص امام زمان علیه السلام؛ عثمان ابن سعید می‌باشد، که ملقب به زیات و یا

۱. یکی از علل و عوامل آن است که؛ اگر ظاهر شده بود؛ کشته می‌شد زیرا؛ دشمنان در صدد قتل آن حضرت قبل از تولدش بوده‌اند.

۲. بحارالانوار ج ۵۱، ص ۱۳۴.

سَمَان بود، زیرا؛ روغن فروشی می کرد. در طی پنج سال در دوران حکومت ظالمانه معتمد عباسی با امام عصر (عج) مرتبط بود و قبل از آن نیز از طرف امام هادی علیه السلام و امام عسکری علیه السلام نیز وکالت داشته است. امام زمان در توثیق و معتبر بودن وی نوشت: **عَمْرُوی**^۱ مورد وثوق ماست، آنچه از ناحیه ما نقل کند واقعاً از جانب ما بوده است. از او بشنوید و اطاعت کنید، زیرا او فردی مطمئن و امین است.

وفات ایشان در سال ۲۶۵ هجری واقع شده علیه السلام.

دومین سفیر امام عصر (عج)، محمد بن عثمان است که به وی نیز لقب **عَمْرُوی** (عَمْرُوی) داده اند. ایشان با چهارتن از خلفای ستمگر و مغرور دوران عباسی معاصر بود و **قریب به چهل سال** واسطه بین امام زمان (عج) و مردم بود. او نیز مانند پدرش مورد توثیق امام عصر (عج) بود. در سال های اختناق در مقابل فشار حکومت عباسی استوار ماند، و اسرار امام و مرتبطين با آن حضرت را حفظ نمود؛ و نامبرده ضمن ارتباط نزدیک با امام زمان (عج)؛ سئوالاتی از محضر آن حضرت به ویژه مسائل ظهور می نمود؛ امام در جواب سئوالات ایشان فرمودند: اما ظهور، مربوط به اجازه و اذن خداوند متعال است، و آنانی که وقت و زمان خاص تعیین کنند؛ (فلان سال، فلان ماه، فلان روز) دروغ گفته اند.

سومین سفیر امام عصر (عج)، ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی است که با مقتدر عباسی و راضی عباسی معاصر بود و با همه اختناقی که این دو ستمگر به وجود آورده بودند، از امام عصر (عج) نیابت می کرد و مسائل ضروری و لازم را از ولی عصر (عج) می گرفت و به افراد لایق و مستعد انتقال می داد.

نیابت وی مدت **۲۶ سال به طول انجامید** و در سال ۳۲۶ هـ ق بدرود حیات گفت علیه السلام^۲ چهارمین سفیر امام عصر (عج) علی ابن محمد سَمْرُوی یا (سَیمِری) است، که

۱. عَمْرُوی نوشته می شود و عَمْرُوی (بر وزن سعدی) خوانده می شود.

۲. کشف الغمه ج ۳، ص ۳۲۱.

نیابت خاصه حضرت ولی عصر (عج) به ایشان ختم می‌گردد. وی با وصیت حسین بن روح منصوب و مدت نیابت او سه سال و اندی به طول انجامید و با راضی و متقی عباسی هم عصر بود. حضرت حجت (عج) به وسیله همین نایب بزرگوار و وظیفه مردم را در عصر غیبت تحصیل حجت شرعی می‌داند که؛ برای امت تنها راهی است که مقبول درگاه احدیت قرار می‌گیرد.» و آن رجوع به راویان است که به وسیله رجوع به فقهای اعلم میسر می‌باشد.

فرمود: «... وَ أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَأَقِعَةَ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ أَحَادِيثِنَا: فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حِجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ.» و در زمان نزدیک شدن وفات وی حضرت نوشتند: ای علی بن محمد سمری؛ خداوند برای از دست دادن تو، پاداش برادرانت را بزرگ گرداند. تا شش روز دیگر وفات خواهی یافت، کارهایت را جمع‌آوری و مرتب کن، و کسی را به جای خودت معین نکن، زیرا غیبت تامه؛ واقع خواهد شد^۱.

نامه (توقیع) حضرت حجت (عج) به شیخ مفید رحمته الله

شیخ مفید از شخصیت‌های علمی اوائل دوران غیبت تامه کبری، و از مدافعان مکتب و معتقدات شیعه می‌باشد^۲. ایشان آن قدر جلیل‌القدر است که امام عصر (عج) نامه‌ای برای وی فرستادند و در آن مکتوب آمده است: «خدای متعال تو را در مقابل مارقین و منحرفین یاری کند، و بتوانی براساس آنچه ما می‌خواهیم عمل نمایی، و اسرار ما را به کسانی که مورد اعتماد می‌باشند انتقال دهی، گرچه ما در جایی که از دستبرد ستمکاران دور است زندگی می‌کنیم و این انتخاب مکان با راهنمایی خداوند متعال است و مادام که دنیا در دست ستمکاران است، وضع ما و شیعیان ما این چنین

۱. کشف الغمة ج ۳، ص ۲۲۱.

۲. محمد بن محمد بن نعمان عکبری متوفای سال ۴۱۳ ملقب به شیخ مفید از اجله علمای شیعه است که استاد سید رضی و سید مرتضی است و سید رضی شاگرد وی جمع‌آوری کننده کلمات امیرالمومنین علیه السلام است که موسوم به نهج البلاغه می‌باشد.

است بدانید: که به خواست خداوند، علم و آگاهی ما بر کارها و رفتار شما احاطه دارد و امور شما را زیر نظر داریم و لغزش‌های شما را می‌دانیم... ما شما شیعیان خود را به حال خود واگذار نمی‌کنیم و شما را فراموش نخواهیم کرد. اگر شما را رها کنیم، بلاهای بزرگ به شما روی آورد و دشمنان شما از هر طرف به شما حمله‌ور می‌شوند و شما را شکار خواهند نمود. تقوای الهی را در عقیده و گفتار و عمل پیشه کنید و ما را در رفع گرفتاری خودتان کمک کنید. (وقتی که عملکرد شما صحیح باشد. ما، در رنج و گرفتاری نمی‌باشیم). آن گاه که ماه جمادی الاولی برسد، متوجه باشید که؛ چه حوادثی رخ می‌دهد و بعد از آن چه خواهد شد. نشانه‌ای از آسمان و مانند آن از زمین آشکار شود و در مشرق زمین (کشورهایی که در شرق عربستان هستند) حوادث دلخراش رخ می‌دهد. **(مانند مشکلات پاکستان، افغانستان، ایران و ...)** و بر سرزمین عراق افرادی حاکم شوند که بهره‌ای از اسلام نبرده‌اند (ولی داعیه اسلام دارند). و به لحاظ فساد در عقیده و رفتار آنها، مردم عراق با کمبود و قحطی مبتلا می‌شوند. پس از آن با از بین رفتن طاغوت گرفتاری‌ها برطرف گردد و نیکان و صالحان با هلاکت آنها شادمان گردند (در زمان حاکمیت مادل‌های بندگان صالح شاد و مردم به نحو شایسته و ظایف دینی خود را به جا آورند). و مردم حج مطلوب خود را انجام دهند و ما نیز در تسهیل کار آنان مددکار می‌باشیم. هر فردی از شماها باید به گونه‌ای عمل کنید که به محبت ما نزدیک‌تر باشد و از آنچه که ما را آزرده‌خاطر می‌کند دوری کنید. که امر ظهور ما ناگهانی فرا می‌رسد و ...^۱

امداد رسانی امام عصر (عج) به شیخ مفید در مقام فتوا

مردی از روستا محضر شیخ مفید رحمته الله علیه می‌رسد و سؤال می‌کند که: «زوجه من در حالی که حامله بود مرده است؛ با چه آدابی او را دفن کنیم؟ شیخ مفید دستوری

می دهد، ولی قضیه حمل را فراموش می کند. وقتی آن مرد می خواهد زن را دفن کند، ناگهان شخصی از میان جمعیت صدا می زند که آقا فرموده است: «پهلوی زن (میت) را بشکافید، جنین را درآورید، سپس جنازه را دفن کنید»؛ طبق دستور عمل کردند. پس از مدتی همان شخص با فرزندش به دیدار شیخ مفید نائل می گردند و به شیخ رو کرده و می گوید: «این همان جنینی است که فرمودید پهلوی مادرش را شکافته و او را درآوریم، اکنون کنار من است.» شیخ مفید، متوجه جریان و امداد رسانی امام زمان (عج) می شود. بعد از این جریان، نقل کرده اند که شیخ مفید، از فتوا دست کشید و کناره گیری کرد. طولی نکشید از ناحیه امام عصر (عج) توقیعی (نامه ای) دریافت می کند، که در آن نوشته شده: «أَيُّهَا الشَّيْخُ! مِنْكَ الْفَتْوَىٰ وَ مِنَّْا التَّسَدِيدُ»، تو فتوا بده و ما آن را اصلاح می کنیم؛ زیرا تو لیاقت فتوا دادن را داری و اگر احیاناً غفلتی از تو سرزد، ما کمک خواهیم نمود. پس از آن شیخ، کار فتوا را ادامه داد^۱.

تأثر و تألم حضرت مهدی در فقدان شیخ مفید رحمته الله

مرگ این عالم بزرگ، آن چنان ضایعه ای بس سنگین به شمار رفت که نوشته اند: در فقدان این بزرگ مرد اشعاری بر سنگ مزارش نوشته شده بود که بی گمان ناشی از تأثر و تألم حضرت مهدی «عج» می باشد.

لَا صَوْتَ النَّاعِي بِفَقْدِكَ إِنَّهُ
 إِن كَانَ قَدْ غُيِّبَ فِي جَدِّ الثَّرَى
 وَالْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ «عج» يَفْرَحُ كُلَّمَا
 يَوْمٌ عَلَى آلِ الرَّسُولِ عَظِيمٌ
 قَالَعِلْمٌ وَ التَّوْحِيدُ فَيْكَ مُقِيمٌ
 تَلَيْتَ عَلَيْكَ مِنَ الدَّرُوسِ عِلْمٌ^۲

مضمون ابیات این چنین است: فقدان تو (شیخ مفید) بسی ناگوار و مشکل است؛ این روز برای آل پیغمبر صلوات الله علیهم روز بزرگی است. اگر جسم تو در زیر خاک پنهان

۱. قصص العلماء.

۲. مجالس المومنین ج ۱.

گردید، استوانه علم و توحید به خاک رفت، ولی زمانی را که تو درس و بحث آغاز می کردی؛ مهدی «عج» خوشحالی می نمود.

آیا حضرت ولی عصر (عج) در بیت کبری رؤیت می شود؟

حضرت مهدی «عج» - روحی و ارواح العالمین له الفداء - در دید و منظر نمی باشند؛ که بتوان او را مشاهده نمود. آن حضرت مانند خورشید پشت ابر می باشد. اما گاهی برای بعضی افراد که اعتقاد کامل و عمل صالح دارند، در شرایط خاص جلوه می کنند. در این راستا افراد زیادی خدمت حضرت شرفیاب شده اند، و در توقیعی که به علی بن محمد سمیری نوشته اند که: «فَمَنْ ادَّعَى الْمَشَاهِدَةَ قَبْلَ خُرُوجِ السُّفْيَانِي وَ الصَّيْحَةِ فَهُوَ كَذَّابٌ مُفْتَرٌ» «کسی که ادعای مشاهده مرا قبل از آمدن سفیانی و صیحه و ندای آسمانی نماید، دروغگو و افترازننده است.» و در حدیث دیگری که از امام صادق علیه السلام از پدرانش علیهم السلام تا به امام حسین علیه السلام می رسد، می فرماید: «لَا يَعْلَمُ بِمَكَانِهِ إِلَّا خَاصَّةٌ مَوَالِيَةٌ فِي دِيْنِهِ»^۱ «مکان حضرت مهدی «عج» را جز دوستان خاص او در دین نمی دانند».

هنگام بررسی این دو حدیث کنار هم معلوم می شود، منظور از مشاهده این نیست که خواص و کسانی که در دین استوارند آن حضرت را ملاقات نمی کنند، بلکه منظور از مشاهده همان معنای نیابت خاصه است، که بعد از نواب اربعه ممنوع شد.

مشاهده، در مقابل غیبت و ناپیدا بودن است. پدران بزرگوار حضرت مهدی «عج» آشکار بودند، ولی حضرت زمانی مانند پدرانش آشکار می گردد که، سفیانی خروج کند و صیحه و ندا، که مقدمه ظهور حضرت است واقع شود. لذا به تعبیر دیگر، ادعای مشاهده و ظهور آن حضرت قبل از خروج سفیانی و صیحه کذب محض است و این مطلب با ملاقات آن حضرت با افراد مؤمن و مخلص هیچ گونه ارتباطی ندارد. کسی

از سید بحر العلوم پرسید: «آیا کسی خدمت حضرت مهدی (عج) می‌رسد؟». سید بعد از کمی تأمل در جواب گفت: «چه بگویم در حالی که حضرت بقیة الله (عج) مرا به سینه خود چسباند (در آغوش گرفت) و از طرفی هم روایت شده اگر کسی ادعای مشاهده کند، دروغگو می‌باشد و چند مرتبه این کلام را تکرار نمود». سپس فرمود: «کسی را که ادعای مشاهده کند، باید تکذیب کنند.^۱ در توضیح کلام سید بحر العلوم احتمالاتی است:

۱- احتمال اول این که منظور سید این بوده که من ادعا ندارم که حضرت از پرده غیبت درآمده است و از غیب به شهود و مشاهده و ظهور قدم گزارده است؛ بلکه من آن غایب را (با این که پشت پرده غیبت است)، مشاهده کردم.

۲- احتمال دوم این است که؛ سید فرمود: «کسی را که ادعای مشاهده کند باید تکذیب کرد.» ادعای مشاهده یعنی؛ زمانی که انسان بخواهد، بتواند خدمت حضرت شرفیاب شود و هر سؤال و مطلبی که داشته باشد از حضرت پرسد؛ یعنی هیچ گاه بین ارتباط وی با امام مانعی و رادعی نباشد که این معنای ارتباط و ملاقات برای هیچ کس میسر نباشد.

۳- احتمال سوم این است که فرمود: «هر کس ادعای مشاهده کند دروغگو و کذاب است.»؛ مثل فرقه بهائیت که اعتقاد داشتند، حضرت مهدی (عج) ظهور کرده و قیام نموده است یعنی اگر ظهور را قبل از علائم و قبل از صیحه و عثمانی ممکن بدانند و مردم را فریب داده‌اند.

سید بحر العلوم رحمته الله بارها خدمت حضرت مهدی می‌رسید! روزی سید را در مقابل قبر امیرالمؤمنین علیه السلام دیدند که این شعر را زمزمه می‌کند:

چه خوش است صوت قرآن ز تو دلربا شنیدن

به رخت نظاره کردن، سخن خدا شنیدن

شاگردان اصرار کردند سبب زمزمه این شعر چه بود؟ (اینجا کسی قرآن نمی خواند) در جواب گفت: وقتی وارد حرم مطهر شدم، دیدم امام عصر (عج) بالای سر قبر جدش امیرالمؤمنین علیه السلام نشسته و قرآن می خواند، لذا این شعر بر زبانم جاری شد.^۱

کدام یک زیباتر است: عصر حضور ائمه یا عصر غیبت و یا عصر ظهور؟

عصر حضور ائمه: آیا درک و حضور در زمان امامت ائمه معصومین زیباتر بود، و انسان می توانست محبوبیت الهی را بیشتر به دست آورد، یا درک زمان غیبت امام عصر (عج) و یا زمان ظهور حضرت ولی عصر (عج)؟ در جواب باید گفت: این سه دوران با هم تفاوت هایی دارند و هر کدام خصوصیت خود را دارا می باشند.

عصر ائمه طاهرین بسیار زیبا بوده؛ زیرا مردم، امام معصوم و حجّت خدا را درک می کردند و البته تا حدودی که حکومت های طاغوتی بنی امیه و بنی عباس مهلت می دادند، از محضر امام علیه السلام استفاده می کردند. ولی آن زمان چون حجّت برای مردم، تمام بود، اگر کسی به مبانی امام علیه السلام پشت می کرد صد در صد مورد غضب خداوند قرار می گرفت.

عصر غیبت:

زندگی در عصر کنونی که عصر غیبت امام عصر (عج) است، بسیار باارزش است زیرا انتظاری که خداوند از مردم عصر حضور و ظهور دارد، از مردم این دوران ندارد؛ به خاطر غیبت امام عصر (عج) و دسترسی نداشتن مردم به امام و حجّت خدا، خداوند ارفاق ها و الطافی به انسان های نوین کرده است. اما اگر کسی در عصر غیبت، سخت کوش بوده و وظیفه شرعی خود را خوب بشناسد و به آن عمل کند، ثواب او به مراتب از مردم عصر حضور و ظهور بیشتر خواهد بود.

ارزش وجودی حجت و راهنمای معصوم

جهان هستی با تمام عظمت آن، براساس نظم و حکمت و عدل پابرجاست اگر به اندازه سِرِ سوزنی از مدار منظم خویش خارج شود، در عالم تکوین دگرگونی پیش خواهد آمد. قرآن کریم می‌فرماید: «ماه و خورشید روی حساب دقیق استوار شده‌اند، و در تمامی عالم وجود، سنجش، حکمفرما است».

وقتی که جهان دارای حساب و قانون است. چگونه انسانی که اشرف مخلوقات است و هستی به خاطر او بنا گردیده، بدون حساب و قانون می‌تواند به مقصد برسد؟ خداوند برای رسانیدن بشر به سعادت پیامبران را فرستاد. بعد از پیامبران رهبران بزرگ الهی و حجت‌های خدا بر روی زمین، برای هدایت بشر بزرگترین محور می‌باشند و بشر اساساً بر محور آنان باید قدم بردارد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «اگر دو نفر در زمین باقی بماند، باید یکی از آنها حجت بردیگری باشد^۱ و او امام محسوب می‌گردد و آن دیگری باید از او پیروی کند^۲.»
باز امام صادق علیه السلام فرمود: «اگر زمین بدون امام باشد، اهلش را فرو می‌برد^۳.»

حضرت خضر یکی از ندیمان امام عصر (عج) می‌باشد

امام هشتم علی ابن موسی علیه السلام می‌فرماید: حضرت خضر پیغمبر از آب حیات نوشید و تا نفخه صور و به پا شدن قیامت زنده است. هر سال در مراسم حج به مکه می‌آید و مناسک حج را به جا می‌آورد و در صحرای عرفات حضور پیدا می‌کند و دعاهای مؤمنین را (آمین) می‌گوید و تنهایی حضرت مهدی به وسیله حضرت خضر

۱. نُؤْبَقِي اثْنَانِ لَكَانَ أَحَدُهُمَا الْحُجَّةَ عَلَيَّ ضَاحِبَهُ.

۲. نُؤْكَانَ النَّاسُ رَجُلَيْنِ، لَكَانَ أَحَدُهُمَا الْإِمَامَ.

۳. لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ بَعْدَ إِمَامِ لَسَاخَتْ.

بحار الانوار ج ۵۲، ص ۱۴۱

کافی ج ۱، ص ۱۷۹.

رفع می شود و با آن حضرت همدم می باشد^۱. حضرت خضر رسالت‌هایی را ایفا کرده و خواهد نمود.

به یک نمونه تاریخی از رسالت خضر در زمان امیرالمؤمنین علیه السلام توجه کنید. ضمناً در آن اشاره‌ای به احوال آخر الزمان شده است.

امام امیرالمؤمنین علیه السلام در حال سخنرانی بودند. شخصی از میان جمعیت برخاست و عرض کرد: یا علی! مرا به عملی که از آتش دوزخ برهاند راهنمایی کن.

حضرت فرمود: ای مرد! خوب گوش کن و در ذهن خود بسیار و سپس در قلب جای ده و به این باور باش، که دنیا به سه چیز پایدار است:

۱- به دانشمندی که بیانگر معارف دین باشد و به علم خود عمل کند؛

۲- به ثروتمندی که ثروتش را در راه گسترش دین دریغ ننماید؛

۳- به فقیری که با استقامت باشد.

پس اگر زمانی عالم و دانشمند علم خود را کتمان کند و ثروتمند بخل ورزد و فقیر بی استقامت شود، آن ملت بیچاره و منحط می شوند.

اگر اجتماعی به این سه مرض گرفتار گردید. آنانی که از ناحیه خداوند شناخت و معرفت دارند، درک می کنند که کفر جایگزین ایمان شده است.

ای پرسش کننده! کثرت نمازگزار و رفت و آمد در مساجد تو را مغرور نگرداند، (زیرا وقتی جامعه‌ای به انحطاط کشیده شد،) اجساد نمازگزاران با هم مجتمع می شوند، ولی دل‌های آنان از یکدیگر جدا و پراکنده است (زیرا دل‌ها و قلب‌های امت را، عمل عالم، جود و سخاوت ثروتمند و صبر و شکیبایی فقیر، به هم نزدیک

۱. عن الرضا علیه السلام: إن الخضر شرب من ماء الحنأة، فهو حي لا يموت حتى يفتح في الصور... و إنّه ليحضر الموسم كل سنة فيقضي جميع المناسك و يقف بعرفه فيؤمن على دعاء المؤمنين و سيؤنس الله به و حشة قائمنا علیه السلام في غيبته و يصل بها و خذته و یکی دیگر از برنامه‌های حضرت خضر علیه السلام در طول زندگی او چه قبل از ظهور اسلام و چه در زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و امامان شیعه، این بوده است که مرجبات بیداری مردم و تنبیه آن و اتمام حجت نمودن بر آنها بوده است.

بحارالانوار ج ۵۲، ص ۱۵۲؛ منتخب‌الانوار ص ۲۶۲.

می گرداند و موجب ترخّم خداوند بر بندگان می شود). سپس فرمود: ای مردم: انسان‌ها سه دسته‌اند: ۱- زاهد؛ (دل‌کنده از دنیا) ۲- راغب؛ (علاقه‌مند به دنیا) ۳- صابر (انسان مقاوم).

زاهد: آن کسی است که از اقبال و رو آوردن دنیا به وی خرسند نگردد و ادبار و پشت کردن دنیا وی را ناراحت و غمناک نگرداند.

راغب: آن کسی است که بسیار تمنای دنیا دارد و به آخرت توجهی ندارد، و از به دست آوردن ثروت از مسیر حلال و یا حرام هراسی در دل ندارد.

صابر: کسی است که قلباً تمایل به دنیا دارد، اما وقتی که دنیا به او رو آورد، سخت مواظب است که مبادا به دنیا علاقه‌مند شود و موجب خسران عاقبت وی گردد (در واقع از دنیا به نفع آخرت خود استفاده می‌کند).

باز پرسش‌کننده عرض کرد: یا امیرالمؤمنین علیه السلام! در آن دوران (که مردم به دنیا روی آورده و موجبات خروج از ایمان برای آنها فراهم شده) مؤمن چه کسی است؟ امام علی علیه السلام فرمود: مؤمن کسی است که، در شناخت حق، دقت لازم را داشته باشد و از آنچه که مخالف حق است اگر چه دوست و آشنا و فامیل او باشد، اعراض کند و از آن تنفر داشته باشد. پرسش‌کننده عرض کرد: حقیقت را بیان فرمودی و از دید مردم پنهان گردید. حضار هر چه این طرف و آن طرف نگاه کردند، کسی را نیافتند؛ حضرت تبسمی کردند و فرمودند: چه تصور می‌کنید؟ این شخص، برادرم خضر پیامبر علیه السلام بود^۱.

فصل سوم

مهدی در قرآن

و

دیگر کتب آسمانی

اخبار و احادیث فریقین درباره ظهور مصلح جهانی

حکومت جهانی مهدی «عج» در قرآن

در مورد جانشینی بندگان صالح خدا در روی زمین دو دسته آیات قرآنی وجود دارد:

دسته اول: آیاتی که تفسیر آنها صراحت دارد؛

دسته دوم: آیاتی که تأویل آنها بر این موضوع دلالت دارد.

آیاتی که بر این موضوع صراحت دارد:

۱- «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» خداوند آنان را از میان شما که اهل ایمان و عمل صالح بوده‌اید در زمین خلیفه پیشینیان قرار دهد، چنان چه سرانجام امت‌های قبل، چنان بود (مثلاً طرفداران موسی سرانجام بعد از سقوط فرعون و هامان قدرت پیدا کردند) و با همان آئین که طرفدار آن بودند و خداوند برای آنها پسندید تمکینشان می‌دهد و به جای آن مشکلات و صحنه‌های خوف‌انگیز (که قبلاً دست به گریبان بودند) امنیت و آرامش پیدا نمایند و آن وقت من را به طور شایسته و دلخواه، بندگی کنند و به من هیچ شرکی نیاورند. مصداق کامل این آیه، زمان ظهور حضرت حجّت است. چنان چه از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده که فرمود: آیه ذکر شده درباره قیام کننده (اهل بیت) نازل شده^۱ (یعنی زمان حضرت حجّت با کمال امنیت خدا را اطاعت کنند و مانند زمان‌های قبل تقیه نکنند). (امام عصر از هیچ قدرتی تقیه نکند) از امام صادق علیه السلام منقول است که فرمود: به خدا سوگند مُحِبَّانِ مَا أَهْلُ بَيْتِ، مؤمنان هستند، خداوند برای آنها به دست مردی از ما این لطف را عنایت می‌فرماید^۲.

۱. بحار الانوار ج ۵۱، ص ۵۸؛ الزام الناصب ص ۲۶؛ بشارة الاسلام ص ۱۲۷ و آیه ۵۵ سوره نور

۲. الامام المهدی ص .

۲- ﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ﴾^۱ او خداوندی است که رسولش را همراه هدایت و دین حق فرستاد و هدفش آن بود که بر همه ادیان پیروزش نماید، گرچه مشرکان از پیروزی او سخت خشنودند. (مواع زیاد ایجاد کنند).

امام صادق علیه السلام فرموده است: قسم به خدا این آیه تاکنون واقع نشده و نخواهد شد، مگر آن که، قائم ما خروج نماید، وقتی که قائم خروج فرمود مشرک (عنودی) نمی ماند مگر آن که از آمدن امام ناخشنود است. (و هر کس خشنود است با ایمان است).

قرآن در سوره قصص به صراحت وعده می دهد. آنها که مظلوم گردیده، از حق خود محروم شدند و صالح بودند؛ امامان اهل زمین خواهند شد و وارث گذشتگان می گردند و آیه شریفه این است:

﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾^۲
یعنی ما اراده کرده ایم و آنها که شایسته رهبری بودند اما در استضعاف نگه داشته شدند (اجتماع از مدیریت صحیح آنها، بهره زیادی نبرد) مورد لطف ما قرار گیرند و ما آنها را خلیفه و پیشوا قرار دهیم و بعد از حکومت های مختلف وارث آنها گردند.
امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از تلاوت این آیه فرمود: خداوند مهدی را بعد از مشکلات آنها مبعوث کند و آنها را عزیز و دشمنان آنها را خوار نماید.^۳

ابن ابی الحدید به دنباله این آیه در شرح نهج البلاغه می گوید: اصحاب ما می گویند؛ خداوند وعده داده امامی را بیاورد که مسلط بر همه ممالک گردد.
و خداوند متعال در آیه دیگری می فرماید:

۱. سوره توبه، آیه ۳۲ و سوره صف، آیه ۹ و سوره فتح، آیه ۲۸ می باشد اما در سوره فتح به جای ولو کره المشرکون (و کفی بالله شهیداً هست که خالی از یک نکته لطیف نیست).

۲. سوره قصص، آیه ۶.

۳. الامام المهدی صحه ۲۶۷؛ يوم الخلاص ص ۲۷۹.

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾^۱

و ما در زبور نوشتیم بعد از آن که آن حکم را، در تورات نوشته بودیم که بندگان صالح من وارث (حکومت) پیشینیان شوند.

از حضرت امام باقرالعلوم علیه السلام نقل شده که اینها: یعنی این بندگان صالح که وارث هستند اصحاب مهدی «عج» در آخر الزمانند.^۲

و در سوره نمل می فرماید:

﴿أَمِنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ﴾^۳

(آیا خدایان دروغین را می پذیرید)، یا کسی که استجابت دعای مضطر را هنگام گرفتاری و مشکلات بنماید و رفع مشکل نماید و شما را بعد از تحمل مشکل، خلیفه زمین قرار دهد.

امام صادق علیه السلام فرمود: آیه مزبور درباره قائم نازل شده (یکی از تأویل ها یا تفسیرهای آن درباره حضرت مهدی است)، به خدا سوگند آن حضرت مضطر است که خدا اجابتش فرماید و بدی را از وی دور کند و او را روی زمین خلیفه قرار دهد.^۴

بعضی از آیات غیر صریح (تأویل آن ها)

آیات دیگری در قرآن کریم وجود دارد که با اشاره به ظهور یا به زمان ظهور آن حضرت عنایت دارد؛ یعنی صراحت در این موضوع ندارد ولی می تواند یکی از مصادیق یا تأویل آیه باشد، از جمله:

﴿إِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا﴾^۵

۱. انبیاء، آیه ۱۰۵.

۲. مجمع البیان - و عن الصادق فی الزام الناصب ص ۲۵.

۳. سوره نمل، آیه ۶۲.

۴. الامام المهدی ص ۲۲۶؛ الزام الناصب، ص ۱۷۲.

۵. سوره حدید آیه ۱۷.

بدانید که خداوند زمین را بعد از مردن آن زنده می‌کند. تفسیر آن توجه به قدرت خدا در راستای باطراوت شدن زمین بعد از خزان و بی‌طراوتی است که دلیلی برای قیامت و زنده شدن مردگان می‌باشد، و تأویل آن زنده شدن ایمان پس از کفر و بی‌ایمانی است؛ چنان چه از حضرت امام محمد باقر علیه السلام وارد شده است.

حضرت صادق علیه السلام می‌فرماید: «خداوند زمین را بعد از مرگش زنده می‌کند، مرگ آن کفر و ظلم اهل آن است و خداوند آنها را (به ایمان) به واسطه حضرت قائم (عج)^۱ زنده می‌کند.

آیه دیگر: «و خداوند هر کس که در آسمان و زمین است چه بخواهند چه نخواهند تسلیم حق گرداند»^۲.

از علی بن موسی الرضا علیه السلام نقل شده: (آیه (تأویلش) درباره ظهور حضرت حجت است و آنها که تسلیم می‌شوند و در دل ناخشنودند منکرین اسلام و کفار شرق و غرب هستند. اگر بعد از دعوت (و اتمام حجت) به اختیار ایمان آوردند، به نماز و زکات و آنچه مسلمان به آن مامور است، موظف می‌گردند و اگر تسلیم نشوند از میان خواهند رفت و کسی در شرق و غرب عالم نماند مگر آن که خدا را به یگانگی یاد می‌کند.

راوی عرض کرد جمعیت جهان بیش از این است (یعنی مخالفین زیادند آیا همه کشته می‌شوند). حضرت فرمود: وقتی که خدا بخواهد زیاد، کم و کم، زیاد می‌شود (یعنی قدرت حضرت را دیده، تسلیم می‌شوند و تعداد کمی از جمعیت جهان در مقابل حضرت قرار می‌گیرند و مغلوب می‌شوند).

آیه دیگر: «سوگند به ستارگان بازگردنده، که به گردش آیند و پنهان گردند. حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: (تأویل ستاره حضرت حجت علیه السلام است که

۱. الزام الناصب، صفحه ۲۴۲؛ الامام المهدی ص ۵۷-۵۸ از امام باقر علیه السلام جمله بعد موتها بالظلم دارد.

۲. وله اسلم من فی السموات و الارض طوعاً و کرها ...

آل عمران، آیه ۸۳؛ حدیث از منتخب الاثر ص ۴۸۹.

در شب ظلمانی چون شهاب ظاهر شود^۱

آیه دیگر ای پیامبر، به مردم بگو اگر آب شما خشک گردد، چه کسی (غیر از خداوند) آبی گوارا برای شما بیاورد. امام صادق علیه السلام فرمود: آب گوارا حضرت ولی عصر (عج) است.^۲

یعنی اگر مشکلات قبل از ظهور، باعث بیداری آنها نشود، ممکن است در صف مخالفین حضرت قرار گیرند.

نمونه بارز حدیث راجع به ظهور

و عده الهی درباره حضرت ولی عصر و ظهور آن حضرت است و روایات زیادی از جمله روایاتی که هرگونه شک و تردید را درباره حتمی بودن ظهور از قلب ما می زداید، وجود دارد. چنان چه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: شب و روزها پشت هم می آیند و (بارفتن آنها) عمر دنیا کاسته می گردد تا آن که مردی از اهل بیت من که همانام من است و زمین را پر از عدل و قسط می سازد، چنان چه قبل از آن از جور و ظلم فراگیر شده بود.^۳

همچنین نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اگر از عمر دنیا جز یک روز نماند (یعنی اگر فرضاً به شما گفته شد فردا و پس فردا جهان منهدم می شود) خدا همان روز را چنان طولانی می کند و مردی از فرزندان من را برمی انگیزد که اسم او با اسم من تفاوتی ندارد، دنیا را پر از عدل و داد کند چنان چه پر از ظلم و جور شده بود.^۴

۱. قل ارايتم ان اصبح ماءكم غوراً فمن ياتيكم بماء معين

سوره ملک آیه ۳۰ و حدیث در اصول کافی ج ۲، ص ۱۷۷.

۲. ولنديقيتهم من العذاب الادي دنون العذاب الاكبر لعلهم يرجعون

سوره الم سجده و حدیث در یوم الخلاص در بحث آیات و خوارق ص ۵۰۳ و بحار الانوار ج ۵۱، ص ۵۹ بلفظ قریب.

۳. قال رسول الله صلی الله علیه و آله: تنقص الايام والليالي حتى يبعث الله رجلاً من اهل بيتي اسمه اسمي يملأها عدلاً وقسطاً كما ملئت جوراً وظلماً.

۴. و قال صلی الله علیه و آله: لو لم يبق من الدنيا الا يوم واحد لطول الله ذلك اليوم حتى يبعث الله فيه رجلاً من ولدي يواطى اسمه

روایت مفضل درباره استخلاف صالحان

مفضل که یکی از شاگردان برجسته حضرت صادق علیه السلام است می گوید: به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم، یابن رسول الله: ناصبی ها (مخالفین امیرالمؤمنین علیه السلام) معتقدند که آیه «وعد الله الذين آمنوا منكم و عملوا الصالحات ليستخلفنهم في الأرض»^۱ درباره خلفای ظاهری رسول خدا، حضرت محمد صلی الله علیه و آله بوده است «جواب آنها چیست؟».

حضرت فرمود: خداوند قلب ناصبی ها را هدایت نکند. (که چنین تفسیری می نمایند) آیه می فرماید: دینی که خداوند برای آنها پسندیده و از آن خوشنود است حاکم می گردد و تمکین پیدا شود و همه تسلیم گردند. آیه دیگری می فرماید: بعد از خوف. آرامش پیدا شود؛ «یعنی از هیچ قدرتی هراس نداشته و تقیه نمی نمایند» و فقط در زمان آرامش (تمکین)؛ خدا را اطاعت کنند و شرکی نباشد. در عهد کدام یک از خلفای رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین وضعی پیدا شد؟

در عهد امیرالمؤمنین علیه السلام هم چنین چیزی نبوده، بلکه فتنه ها و ارتدادها و جنگ ها وجود داشته سپس امام صادق علیه السلام این آیه را تلاوت فرمود:

حَتَّى إِذَا اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ ... تا آن گاه که رسولان به نومیدی گرایش کنند، تصور کنند که وعده به وقوع نمی رسد «و به آنها دروغ مصلحتی گفته شده»، چنین حالتی وقتی در مردم پیدا شد استخلاف صورت خواهد گرفت).

کتاب عامه و حضرت مهدی «عج»

اسمی یملاءها عدلاً و قسطاً كما ملئت ظلماً و جوراً (از کتاب علم الیقین؟؟؟)
 ۱. وعد الله الذين آمنوا منكم و عملوا الصالحات ليستخلفنهم في الارض كما استخلف الذين من قبلهم و ليمكنن دينهم الذي الرضى لهم و ليدلنهم من بعد خوفهم انما يعبدونني لا يشركون به شيئاً.

در کتب شیعه، درباره حضرت حجّت و ظهور آن حضرت، روایات زیادی وارد شده و در کتب اهل سنت نیز روایاتی وجود دارد. شافعی گوید: درباره مهدی علیه السلام احادیث متواتر وجود دارد.

ثعلبی پنج روایت نقل کرده است. حافظ ابونعیم در حلیة الاولیاء دوازده روایت در احوال و اوصاف و خروج حضرت دارد. ابن ماجه قزوینی سی حدیث، شعبی دو حدیث، ابن اخطب خوارزمی چهار حدیث، بخاری در صحیح خود سه حدیث، مسلم در صحیح خود پانزده حدیث، ابن قتیبه چهار حدیث، دارقطنی سه حدیث، احمد بن جعفر المنادی در ملاحم خود سی حدیث، ترمذی در صحیح خود پنج حدیث، همچنین ابن عبدالبرّ در استیعاب و ابن بطریق و احمد حنبل در مسند، درباره حضرت حجّت از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند.

مثلاً صحیح بخاری و مسلم و ابوداود و ترمذی از ابوهریره روایت کرده‌اند که؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به خدایی که جانم در دست قدرت اوست آن گاه که حاکم عادل باشد، فرزند مریم نازل شود، چلیپای نصاری را بشکند و خوک‌ها را معدوم کند و **چندان مال را فراوان کند که اگر به فردی دهند نگیرد و نخواهد، چگونه خواهید بود، وقتی که پسر مریم نازل شود و امام شما از شما باشد.** (یعنی حضرت مهدی علیه السلام) ترمذی از ابن مسعود روایت کرده که: اگر از دنیا یک روز نمانده باشد، البته حق تعالی آن روز را طولانی کند تا برانگیز مردی را از اُمت من (یا از اهل بیت من) که نام او موافق نام من باشد، پُر کند زمین را از عدالت، چنان چه پر از جور و ظلم شده باشد.

از مناقب خطیب خوارزمی حنفی از جابر بن زید جُعی از جابر بن عبدالله گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای جابر اوصیای من و ائمه مسلمین بعد از من؛ اول آنها علی سپس حسن، حسین، علی بن حسین، بعد محمد بن علی معروف به باقر که او را درک خواهی کرد، وقتی ملاقاتش کردی سلام مرا به او بخوان (برسان)، سپس جعفر بن

محمد، بعد موسی بن جعفر، سپس علی بن موسی، پس از او محمد بن علی و بعد علی بن محمد، سپس حسن بن علی، بعد قائم است، اسم او اسم من و کنیه او کنیه من است؛ این همان است که به دست او، شرق و غرب گشوده شود، همان است که از میان دوستان غایب شود و بر اعتقاد بر امامت او نمانند، **جز آنها که قلبشان آزمایش شده و خالص گشته است.** جابر گوید: عرض کردم یا رسول الله آیا مردم در غیبت او از او بهره می‌برند؟ فرمود: بله، سوگند به آن کس که مرا مبعوث نموده ﴿إِنَّهُمْ يَسْتُضِيئُونَ بِنُورِ وِلَايَتِهِ فِي غَيْبَتِهِ كَانْتِفَاعِ النَّاسِ بِالشَّمْسِ وَاِنْ سَتَرَهَا السَّحَابُ. هَذَا مَكْنُونٌ سَرَّ اللهُ وَاَمْخَزُونُ عِلْمِ اللهِ فَآكُتْمُهُ اِلَّا مِنْ اَهْلِهِ﴾.

مردم همان طور که از خورشید پشت ابر بهره‌مند می‌شوند، از او هم استفاده می‌کنند و این سر پوشیده الهی در خزینه علم خدا است. (ای جابر) این معنا را جز به اهلش مگو و از نااهلان کتمان کن.^۱ (زیرا برای ظاهرینان مخالف حق، هم چون بنی عباس شنیدن آن سنگین است).

در سنن ترمذی و ابواسحق روایت شده: روزی حضرت علی عليه السلام نظر کرد به پسر خود حسین عليه السلام و گفت: این پسر من سید و مهتر قوم است چنانچه حضرت رسول صلى الله عليه وآله او را سید نام نهاده و از صلب او مردی بیرون خواهد آمد که نام پیامبر شما را دارد و شبیه است به آن حضرت، زمین را پر از عدل خواهد کرد.

حافظ ابونعیم که از علمای اهل سنت است، از علی بن هلال که علی بن هلال از پدرش هلال، جریان مفصلی نقل کرده، در انتهای آن می‌گوید: سپس رسول خدا گفت: به حق خداوندی که مرا به حق فرستاد، مهدی این امت از حسن و حسین عليهما السلام^۲ به هم خواهد رسید، وقتی که دنیا هرج و مرج شود و فتنه‌ها و انحرافات و کجروی‌ها ظاهر و راه‌ها (درهای هدایت) بسته و بعضی از مردم بعض دیگر را چپاول و غارت

۱. المهدی الموعود المنتظر عند اهل السنة و الامامیه، ص ۲۵۷، باب ۱۸.

۲. المهدی ... عنه اهل السنة و الامامیه، ص ۱۳۲.

کنند، نه سالخورده بر خردسال رحم کند و نه خردسال و جوان بر سالخورده احترام گذارد، خداوند برانگیزد از فرزندان ایشان (حسن و حسین) کسی را که فتح قلعه‌های ضلالت کند و دل‌ها را متوجه حق نماید. قیام کند هم چون قیام من، او زمین را پر از عدل و داد کند چنان چه پر از جور و ظلم شده باشد.

شیخ سلیمان حنفی در ینابیع المودّة^۱ نقل کرده که، رسول خدا ﷺ خیلی از چیزها که در قیامت واقع می‌شود را برای ما بیان کرد سپس فرمود:

«اگر از عمر دنیا جز یک روز نماند خداوند آن روز را طولانی کند تا مردی از فرزندان مرا که اسم او اسم من است، مبعوث کند.» سلمان عرض کرد از کدام فرزند: دست به شانه حسین گذارد و فرمود از فرزند این شخص^۲.

حاکم نیشابوری شافعی نقل کرده که، رسول خدا ﷺ فرمود: مهدی ﷺ از ما و از اهل بیت عصمت است (بینی کشیده و پیشانی گشاده و وسط بینی قدری برآمده است) او زمین را پر از عدل و داد کند چنانچه پر از ظلم و جور شده باشد، دست چپ را گشود و از دست راست دو انگشت را کنار انگشتان دست چپ نشان داد و فرمود: زندگی او چنین می‌باشد^۳.

اهل سنت از حضرت علی ﷺ نقل کرده‌اند که فرموده است: «برای حضرت مهدی ﷺ مغزهای زمین بروز می‌کند و کلیدهای زمین تسلیم او خواهد شد سپس به شما نشان می‌دهد که روش عادلانه یعنی چه؟ و او آنچه از دستورات کتاب و سنت در میان مردم مرده است، زنده می‌کند^۴.»

باز از آن حضرت نقل کرده‌اند که فرمود: آن حضرت در دنیا با چراغی روشن

۱. عن حذیفه فی ینابیع، ص ۲۲۴ و ص ۴۹۰.

۲. المهدی ... عند علماء اهل السنه و الامامیه، باب ۳، ص ۱۰۲.

۳. مستدرک الصحیحین للحاکم جزء ۴، ص ۵۵۷ توضیح: دست چپ پنج انگشت و دو انگشت دیگر روی هم هفت انگشت می‌شود احتمالاً منظور هفت سال یا هفتاد سال حکومت حضرت است یا اینکه منظور تسلط بر هفت اقلیم یعنی کل جهان است.

۴. ینابیع المودّة ص ۴۲۶ و ۴۲۷.

حرکت می‌کند (یعنی با دلایل روشن و بیان حقایق بدون کم و زیاد) گردن‌هایی را از بند ظلم نجات و گردن‌هایی (همچون گردن ظالمان و ...) را در بند تسلیم نماید. جمعی را متفرّق (اهل باطل را متفرّق) و جمعی را گردآوری می‌کند. او در زمان غیبت، در پوششی از چشمان مردم قرار دارد (غالباً) او رانیابند، اگر بینند پنهان شود.^۱ در کتاب اسعاف الراغبین که از ابن صبان شافعی است وارد شده که؛ حضرت مهدی تابوت سکینه (حضرت موسی را) از غار انطاکیه و اسفار تورات را از کوه شام خارج و با یهودیان بحث و مُحاجّه می‌نماید و بسیاری از آنها تسلیم شده و مسلمان می‌گردند.^۲

در فرائد السّمطین حموینی شافعی آمده که، رسول خدا ﷺ فرمود: امام امت من و خلیفه من بر امت بعد از من، علی بن ابیطالب است و از فرزندان او قائم است که ظهورش مورد انتظار می‌باشد. «یملأ الارض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً» زمین را از قسط و عدل پر کند چنان چه هنگام ظهورش، پر از جور و ظلم بوده و سوگند به کسی که مرا به حق برانگیخت و بشیر و نذیرم قرار داد، آنها که بر اعتقاد به امامت او در زمان ظهورش باقی هستند از کبریت احمر کمتر هستند. جابر ابن عبدالله بلند شد عرض کرد برای آن فرزند غیبتی هست؟ فرمود: بله، سوگند به پروردگارم، خداوند مؤمنان را تصفیه و غربال و کافران را زایل نماید، ای جابر، این امری از دستورات الهی و پوششی از پوشش‌ها است که علتش پوشیده است پس بترس از شک، که در این امر شک کردن کفر است.^۳ (یعنی شک را باید به یقین تبدیل کرد).

گنجی شافعی در کتاب بیان نقل کرده که ثوبان گفت: رسول خدا ﷺ فرمودند: در حوالی گنج (سرزمین) شما سه فرمانده که فرزند خلیفه هستند، به جنگ می‌پردازند؛ سپس پرچم‌های سیاه از طرف مشرق می‌آید و با آنها جنگی سخت می‌نماید؛ سپس

۱. ینابیع المودة، ص ۴۳۶ و ۴۳۷.

۲. المهدی عند علماء اهل السنة و الامامية، ص ۲۵۶.

۳. المهدی عند علماء اهل السنة و الامامية، ص ۲۵۷، باب ۱۸.

راوی حدیث می گوید: پیامبر چیزی گفت که در ذهنم نمانده. سپس پیامبر فرمود: وقتی که آن شخصیت ظاهر شد با او بیعت کنید؛ اگر چه با زانوهای روی برفها بروید که او خلیفه خداوند و حضرت مهدی است.^۱

مسلم در صحیح خود آورده که جابر بن عبدالله انصاری گفت: شنیدم رسول خدا ﷺ می فرمود امت من همیشه در مبارزه هستند... (مشکل دارند) تا وقتی که عیسی بن مریم علیه السلام نازل شود و امیر لشکر (پیروزمندانه حق) به او گوید: بیا نماز را امامت کن، حضرت عیسی گوید: نه، شما خانواده ممتاز هستید و از هم دیگر جدا نیستید و شما لیاقت امارت دارید، که این بزرگواری را خدا به شما داده است.^۲

از حدیث نقل شده که رسول خدا ﷺ فرمود: ناگهان حضرت مهدی «عج» حضرت عیسی علیه السلام را می بیند که نازل شده در حالیکه از موی سر و ریش عیسی علیه السلام آب می چکد، (حضرت) مهدی به (حضرت) عیسی می گوید: جلو بایست (و نماز جماعت را امامت کن) (حضرت) عیسی می گوید جماعت و نماز برای تو به پا شده، (تو سزاوارتری) سپس حضرت عیسی علیه السلام پشت سر او که مردی از اولاد من است نماز می گزارد، پس از نماز عیسی علیه السلام می ایستد تا حضرت مهدی «عج» در مقام قرار گیرد، **آن وقت دست بیعت به حضرت مهدی علیه السلام می دهد و حضرت چهل سال می ماند علامات زمانش متعدد است اول علامات، دَجَال است سپس نزول عیسی علیه السلام،^۳ سپس آتش است که از دریای عدن، مردم را به حشر (و تجمع و فریاد) می کشاند.^۴**

۱. صفحه ۷۱ کتاب المهدی الموعود عند علماء اهل السنة و الامامیه از شیخ نجم الدین عسکری، باب ۱۲ - و منظور از گنج شما احتمالاً کوفه است.

۲. ص ۲۴۱ حدیث ۳۴، کتاب المهدی الموعود... عند علماء اهل السنة باب ۱۷.

۳. حضرت عیسی با لشکر دجال نبرد می کند و دجال را به قتل می رساند.

۴. المهدی عند علماء اهل السنة و... ص ۳۵۹، باب ۱۱.

درباره مدت حکومت حضرت مهدی «عج» در بعضی روایات ۷ سال بعضی آنها ۱۴ بعضی آنها ۱۹ یا ۲۰ سال بعضی سی و اندی سال ذکر شده، ما با توجه به جهانی بودن دعوت و طبیعت زمان برای آن، اقل آن را که چهل سال است حدس می زنیم

بیان تورات، انجیل و زند، کتاب هندوان

در کتب عهدین (تورات و انجیل) با آن که تحریف شده‌اند و مغرضین تلاش کردند که نام پیامبر اسلام ﷺ را از آنها محو کنند، مطالبی درباره خاتمیت دین محمد ﷺ و جهانی بودن آن بعد از موسی ﷺ، عیسی ﷺ تصریح شده است، طالبان راه حقیقت مطالب را با انصاف و دور از تعصب دنبال کنند تا این که خداوند دل‌های آنها را به همان راهی که مطلوب است راهنمایی کند.

تورات و زبور

در تورات یهودیان از قول حضرت موسی ﷺ نوشته است:

ای ابراهیم! دعای تو را در حق اسماعیل شنیدم، اینک او را برکت داده بارور گردانیده به مقام ارجمند خواهم رسانید؛ به وسیله محمد ﷺ و دوازده امام از نسل وی او را امت بزرگی خواهم نمود.^۱

در رموز (زبور) داود ﷺ است که:

شریران منقطع خواهند شد اما متوکلان به خداوند، وارث زمین می‌گردند... از کثرت سلامتی (و امان) بهره‌مند خواهند شد.^۲

توضیح: در قرآن است: ما در زبور نوشتیم بعد از آن که در تورات هم نوشتیم که وارث زمین، بندگان صالح من خواهند گردید.

در مرموز ۷۲ زبور داود آمده است:

ای خدا، شرع و احکام خود را به ملک، و عدالت خود را به ملک زاده عطا فرما تا

و احتمال بیش از چهل سال نیز بعید نیست چنان چه روایت هفتاد سال هم وارد شده است.

۱. وُلِّشْمَعِيلَ شَمْعَتِيخَا هِنَه بَرخْتِي أُوتُو وَ هِيْفَرْتِي أُوتُو وَ هِيْرَبْتِي أُتُو بِمُدْمُنْدُ شِنِيم غاسار نِسِيم يُولد وَ نَتِيُو لِيغُوِي

غادل. (بشارت عهدین محمد صادق از تکوین ۱۷: ۲۰)

۲. بشارت عهدین ص ۲۳۶.

این که قوم (یاران دین) تو را به عدالت، و فقیران را به انصاف فرمان نماید و به اهل کوه‌ها (و دشت‌ها) سلامت ... دهد. پسران مسکینان را نجات دهد و ظالم را بشکند تا باقی مانده ماه و آفتاب (مردم قدرتمند روزگار) از تو بترسند، بر گیاه بریده شده مثل باران خواهد بارید، در روزگارش صدیقان، شکوفه خواهند داد ... از دریا تا به دریا و از نهر تا به اقصای زمین و خشکی سلطنت خواهد کرد. صحرانشینان در حضورش خم خواهند شد و دشمنان او خاک را خواهند بوسید. (تسلیم گردند) ملوک ... و پادشاهان هدیه و پیشکش‌ها خواهند آورد و همه سلاطین در مقابل او کرنش و تواضع کنند و او را نوکری نمایند؛ زیرا فقیر و مسکین را نصرت کند و به داد آنها برسد و به محتاج و گرفتار ترحم کند؛ جان مظلوم را نجات دهد خون مسکینان نزدش با ارزش باشد ... اسم او برای ابد بماند، به واسطه او مردم برکت خواهند یافت^۱.

کتاب مسیحیت و ظهور مصلح

در اناجیل، مطالب زیادی درباره ظهور مصلح بزرگ در آخر الزمان آمده است. با این که کتب آسمانی بعد از حضرت عیسی علیه السلام تحریف و دستخوردگی شده، باز هم مطالبی درباره صفات پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و ظهور مصلح آخر الزمان در آنها وجود دارد؛ به خصوص در انجیل برنابا که از آمدن پیامبر اسلام و ظهورش در مکه و جهانی شدن دین آن حضرت توسط جانشین او خبر می‌دهد. در انجیل متی (۲۴: ۳۲-۳۳) آمده: آن گاه که از درختان انجیر (یعنی از امت یهود) شاخه‌های آن خارج شود نمونه عالی پدید آید، آن وقت خواهید دانست که تابستان نزدیک است، حقیقت این است وقتی که چنین شد، بدانید آن شخصیت نزدیک دروازه است^۲.

۱. بشارات عهدین ص ۲۴۹.

۲. انجیل متی (۲۴: ۳۲-۳۳)

فَإِذَا سَجَرَةُ التِّينِ تَعَلَّمُوا الْمَثَلُ مَثَى صَارَ غَصْنُهَا رَحْصاً ... تَعَلَّمُونَ أَنَّ الصَّيْفَ قَرِيبٌ هَكَذَا أَنْتُمْ أَيْضاً مَثَى رَابِعاً ذَلِكَ كَلِمَةٌ فَاعْلَمُوا أَنَّهُ عَلَى الْأَبْوَابِ.

در انجیل متی (۲۵-۳۱-۳۴) آمده است:

«چون فرزند انسان در جلال خود خواهد آمد با جمیع ملائکه مقدسه بر کرسی بزرگ (با عظمت) خود قرار خواهد گرفت همه قبایل نزد وی جمع شوند و آنها را از هم تفکیک کند، چنان چه شبانی، میش‌ها را از بزها جدا می‌کند... آن گاه (آن) ملک به اصحاب یمین خود گوید: ای برکت یافتگان خدا بیایید و آن مملکت را که از ابتدای عالم برای شما مهیا شده بود تصرف کنید.»^۱

در انجیل لوقا (۱۹-۱۳) آمده است:

ملت‌ها در بلا و گرفتاری خواهند افتاد و به حیرت و سرگردانی دچار شوند، ترس آنها را بگیرد (در عین حال) منتظر نجات باشند...».

انتظار مرا (که عیسی هستم) بکشید، مأجورید و من خواهم آمد.^۲

در مُرقس (۱۳-۳۳-۳۷) در مورد انتظار فرارسیدن صاحب خانه فرماید:

«پس بر حذر باشید، بیدار شوید و دعا کنید؛ زیرا نمی‌دانید که آن وقت کسی فرا می‌رسد، - مثل شخصی که عازم سفر شده و خانه خود را به کسی واگذار کرده و ملازمان خود را بر آن گماشته و هر یکی را به شغلی خاص موظف کرده و دربان را امر کرده که بیدار بماند، باید چنین بیدار باشید. زیرا نمی‌دانید که صاحب خانه کی می‌آید، در موقع شام (نصف شب)، بانک خروس (سحر)، صبح (هنگام فجر)، مبادا ناگهان آید و شما خفته باشید. (و در غفلت بوده و علایق دنیوی شما را فریفته باشد)».^۳

و در لوقا (۱۲-۳۵-۳۶) آمده است:

«کمرهای خود را بسته و چراغ‌های خود را فروخته دارید (آماده باشید) مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می‌کشند تا درب را باز نماید.»^۴

در انجیل یوحنا (۱۴: ۱۶) آمده است:

۱. بشارات عهدین ص ۲۴۴.

۲. ص ۳۴۹ یوم الخلاص.

۳ و ۴. بشارات عهدین ص ۲۷۷ از انجیل.

«... من از پدر خواهم خواست و او پارقلیطای دیگر به شما خواهد داد که تا ابد با شما باشد.»^۱

توضیح: یعنی دینی بعد از او نیاید فقط جانشینان و دین او تا قیامت ادامه داشته باشند.

در انجیل برنابا نیز آمده است:

«خداوند به ابراهیم وعده داده بود و فرمود: بین به درستی که به نسل تو همه قبائل زمین را برکت می‌دهم و همچنان که ای ابراهیم بتان را شکستی، نسل تو در آینده چنین کند.»^۲

در انجیل برنابا صریحاً دارد که: محمد ﷺ و آل او از نسل اسماعیل است نه اسحاق اما یهودیان کسی را از نسل اسماعیل پیامبر نمی‌دانند تا بتوانند موسی را خاتم بدانند. آن وقت شاگردان گفتند: ای معلم در کتاب موسی چنین نوشته که عهد به اسحاق بسته شده؛

یسوع آه کشید جواب داد:

(یعنی حواریین به حضرت عیسی ﷺ گفتند: در کتاب موسی ﷺ چنین می‌بینیم که اسحاق پیامبر است ولی اسماعیل پیامبر نیست در حالی که هر دو پیامبرند؛ عیسی آه کشید و جواب داد) نوشته شده همین است و لیکن نه موسی نوشته و نه یشوع (یوشع) بلکه اخبار ما آنها که از خدا نمی‌ترسند (نوشته‌اند) ...^۳

در برنابا آمده که خدا با ابراهیم به سخن آمده و فرمود: «پسر خود اسماعیل را گرفته و برکوه برو تا او را به قربانی تقدیم کنی، پس چگونه اسحاق، اول زاده شده و

۱. اَنَابِتِ طَالُوتَ مِنْ بَنِي وَحِينَ پارقلیطا بَتُّ يَتَلُّ لُوخون هَلْ اَبَد.

بشارات عهدین ص ۲۲۰ - تذکر کلمه پارقلیطا سربانی است پریکلیطوس بوده به معنای بسیار ستوده و نامدار است.

۲. بشارات عهدین ص ۲۱۳ نقل از (برنابا ۴۳: ۱۳-۲۰).

۳. بشارات عهدین ص ۲۱۴ - از برنابا فصل ۴۴.

حال آن که او چون تولد یافت اسماعیل هفت ساله بود.^۱»

در فصل ۲۰۸ فرماید: راست می‌گوییم که پسر ابراهیم همان اسماعیل بود که واجب است از نسل او مسیّا (حضرت رسول اسلام) که ابراهیم به (آمدن) او وعده داده شده بود بیاید که همه قبایل زمین به او برکت یابند، پس همین که رئیس کاهنان (یهود) این سخن را شنید به خشم آمد فریاد برآورد؛ که ما باید این فاجر را سنگسار کنیم زیرا که او (یعنی حضرت عیسی) اسماعیلی است، (از بنی اسرائیل نیست) همانا که بر موسی و شریعت خدا کفر ورزیده است.»

پس هر یک از نویسندگان و فریسیان با بزرگان قوم سنگ‌ها گرفتند تا یسوع (عیسی) را سنگسار نمایند، که از چشم‌های ایشان پنهان شد.^۲
در انجیل برنابا آمده است:

«بیاید ساعتی که گشایش قوی گردد او بیاید، (قدرت) رسالت همانند سیل، زیاد شود و جهان را پر کند.»^۳

در اشعیا (۱۱-۱-۹) گفته است:

«نهالی از تنه یسی برآمده و شاخه‌ای از ریشه‌هایش قد خواهد کشید، روح خداوندی که روح کمال و فطانت، مشورت، جبروت، علم و خشیت است، بر آن خواهد آرمید و او را در خشیت، تیزهوش گردانید، او موافق نظرش حکم کند و مطابق مسموع گوش‌هایش، کیفر ندهد. بلکه ذلیلان را به عدالت حکم و برای مسکینان زمین به راستی، آگاهی و بی‌نیازی خواهد داد و زمین را به عصای دهانش زده (تسلیم نموده) و با روح لب‌هایش شریر را خواهد کشت، کمر بند کمرش عدالت و نطق میانش وفا خواهد بود.»

۱. برنابا فصل ۴۴ به نقل از بشارات عهدین ص ۲۱۴.

۲. بشارات عهدین از انجیل برنابا.

۳. حرف تاء - تیتی شاعاه و تیت قوف تشوعاه و بیر به نبواه شاطط و یملا کال از عاه.

گرگ با بره سکونت کند ببر با بزغاله، و گوساله و پرواری‌ها با شیر جوان کنار هم استراحت کنند و طفل کوچکی را عی آنها خواهد بود - کودک دست خود را به مغاره افعی دراز کند (در امان باشد)^۱.

توضیح: جمله فوق دلالت بر شدت امنیت، نظم و آرامش و نبود تشویش دارد. در کتاب حضرت ادریس پیامبر نوشته شده:

ادریس به اصحاب خود فرمود: روزی میان فرزندان آدم پدر شما و فرزند زادگان او در تعیین افضل مخلوقات اختلاف شد، بعضی از آنها گفتند پدر ما آدم افضل، که خداوند او را به دست قدرتش آفرید و او اصل بشر است و از روح خویش در او دمید فرشتگان بر او سجده کردند. دسته‌ای گفتند ملائکه بالاترین مخلوقات هستند زیرا گناه نمی‌کنند - گروهی گفتند حضرت جبرئیل اشرف است تا آن که حضرت آدم شنید و مسئله را فیصله داد.

حضرت آدم فرمود: چون خداوند مرا آفرید و از روح خود در کالبدم دمید، نشستم و عرش اعظم الهی را مشاهده کردم، پنج شبح نورانی در نهایت جلالت و کمال و ضیاء در آن بالا دیدم به طوری که جذب آنها شده و به حیرت آمدم. این اشباح زیبا و نورانی کدامند؟

پروردگار به من خطاب کرد: اینها اشرف مخلوقات من و واسطه (لطف و خلقت) بین من و سایر آفریدگان هستند، اگر اینها نبودند تو را و آسمان، زمین، بهشت، جهنم، خورشید و ماه را نمی‌آفریدم^۲ عرض کردم پروردگارا نام اینها چیست؟

خطاب رسید: پارقلیط (محمد ﷺ) ایلیا (علی ﷺ) طیبه (فاطمه ﷺ) شَیْر (حسن ﷺ) شَیْر (حسین ﷺ).^۳

۱. بشارات عهدین ص ۲۵۳ - کلمه یسی به معنای قوی است و او پدر حضرت داود علیه السلام بود «داود بن یسی» و حضرت حجت از ناحیه مادرش نرجس نوازه دختری داود بن یسی است.

۲. اِنِّیْ لَهَوْبُوهُ اَنَا لَبْرَبِّیْنَ وَ اِرْخْ لَالشَّمَاىِ وَ لَالَ اِرْعَا وَ لَالَ اَلْهَرْدَسْ وَ لَالَ الْکَیْهِنْ وَ لَالَ الشَّمْسْ وَ لَالَ السَّعْر.

۳. در بشارات عهدین صفحه ۲۳۰ از کتاب ادریس طبع شده لندن به زبان سریانی قسمت ۴۵ ص ۵۱۴ و ۵۱۵.

در کتاب هندوان «پاتیکل» که از اعظم هندوان است نقل شد که: «چون مدت روز تمام شود دنیای کهنه نو شده و زنده گردد و صاحب مُلک تازه پیدا شود از فرزندان دو پیشوای بزرگ جهان که یکی «ناموس آخر الزمان» و دیگری «صدیق اکبر» یعنی وصی بزرگتر وی که «پشن» نام دارد و نام آن «صاحب مُلک» راهنما است، او به حق پادشاه شود و خلیفه رام (خداوند) باشد و حکم براند و او را معجزه بسیار باشد. هر که به او پناه ببرد و دین پدران او اختیار کند؛ نزد (حضرت) رام (خداوند) سرخ رو (آبرومند) باشد.»^۱

توضیح: منظور هندوان از ناموس آخر الزمان حضرت محمد ﷺ و پشن، حضرت علی علیه السلام و کلمه رام یعنی خداوند است. در کتاب شاکمونی هندوان آمده است:

«پادشاهی دولت دنیا به فرزند سید مخلوقات دو جهان، کشن بزرگوار تمام شود و او کسی باشد که بر کوه‌های مشرق و مغرب حکم براند و فرمانروایی کند و بر ابرها سوار شود و فرشتگان، کارکنان او باشند و جن و انس در خدمت او شوند و از سودان که زیر خط استوا است تا عرض تستعین که زیر قطب شمالی است و ماوراء بحار را صاحب گردد، و دین خدا یک دین شود و دین زنده گردد و نام او ایستاده و خداشناس باشد.»^۲ (قائم بالحق)

توضیح: (کشن) پیامبر اسلام است و ایستاده خداشناس قائم بالحق است.

«أین جامع الکلیمة علی التقوی».

در کتاب زرتشتیان زند زرتشتیان به حکومت عدالت گستر در نهایت روزگار اشاره شده است. شرح آن چنین است: «لشکر اهریمنان با ایزدان، دائم در روی خاکدان، محاربه و کشمکش دارند و غالباً پیروزی با اهریمنان باشد. امانه به طوری که

۱. بشارات عهدین ص ۲۴۷.

۲. بشارات عهدین دکتر محمد صادقی ص ۲۴۲، و شاکمونی از بزرگان و حکیمان هند است.

بتوانند ایزدان را محو و منقرض سازند. چه: در هنگام تنگی از جانب اورمزد که خدای آسمان است با ایزدان که فرزندان اویند، یاری می‌رسد و محاربه ایشان نه هزار سال طول می‌کشد، آن گاه نیروی بزرگ از طرف ایزدان می‌شود و اهریمنان را منقرض می‌سازند و تمام اقتدار اهریمنان در زمین است و در آسمان راه ندارند و بعد از پیروزی ایزدان و برانداختن تبار اهریمنان عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده، بنی آدم بر تخت نیک بختی خواهند نشست.^۱

در جاماسب نامه آمده است:

«پیغمبر عرب آخر پیامبران باشد که در میان کوه‌های مکه پیدا شود و بر شتر سوار گردد قوم او شترسواران خواهند بود و با بندگان خود چیز خورد و به روش بندگان نشیند، او را سایه نباشد، از پشت سر مثل پیش رو می‌بیند، دین او اشرف ادیان و کتاب او همه کتاب‌ها را باطل گرداند، دولت او تازیک (یعنی عجم) را بر باد دهد، دین مجوس و پهلوی را بر طرف کند، آتشکده‌ها را خراب کند و روزگار پیشدادیان کیانیان ساسانیان و اشکانیان را ختم کند، از فرزندان دختر آن پیامبر که خورشید جهان و شاه زنان نام دارد به حکم خدا کسی پادشاه شود که جانشین آخر آن پیامبر در مکه باشد، دولت او تا به قیامت متصل شود، بعد از پادشاهی او دنیا خاتمه یابد، آسمان‌ها جفت گردد، زمین به آب فرو رود، کوه‌ها بر طرف شود، اهریمن کلان را که ضد ایزدان و بنده عاصی او باشد بگیرد و در حبس کند، گروه زیادی از خوبان و پیامبران و گروهی نیز از بدان گیتی و کافران را زنده کند.»^۲

در کتاب جاماسب (که از شاگردان زرتشت بوده) تصریح شده است:

«مردی از زمین تازیان از فرزندان هاشم بیرون آید، مردی بزرگ سر، بزرگ تن و بزرگ ساق (یعنی جسمی قوی و روحی با استقامت و پرتوان دارد) بر دین جد خود

۱. بشارات عهدین از کتاب زند.

۲. بشارات عهدین ص ۲۷۲.

باشد، با سپاه بسیار باشد و روی به ایران نهد و آبادانی کند و زمین را پُر از داد نماید...^۱

فصل چهارم

طول غیبت

حکمت‌ها، سختی‌ها و زیبایی‌های آن

حضرت مهدی (عج) شخص واحد و معین و دارای عمری طولانی می‌باشد:

از روایات متواتر می‌توان فهمید که، حضرت امام عصر (عج) همان حجت ابن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب و وصی رسول الله ﷺ است.

پس آن حضرت شخص واحد و شناخته شده‌ای است و تعدد هم ندارد. اکنون که سال ۱۴۲۱ هجری قمری است و این نوشته را می‌نگارم از سنّ مبارک حضرت، ۱۱۶۶ سال می‌گذرد.

طولانی بودن عمر حضرت در جهان، منحصر به ایشان نبوده که برای بعضی باور نکردنی باشد. در اینجا نمونه‌هایی از معمرین را ذکر می‌کنیم تا بدانیم صاحبان عمر زیاد، در میان افراد دیگر نیز بوده تا چه رسد به ولی عصر (عج) که حجت خداوند و ذخیره او می‌باشد.

اشاره‌ای به مُعَمَّرین جهان

حضرت آدم <small>عليه السلام</small>	۹۳۰ (نهصد و سی سال) ^۱
حوّا	۹۳۱ (نهصد و سی و یک سال) ^۲
شیت	۹۱۲ (نهصد و دوازده سال) ^۳
نوح	۲۵۰۰ (دو هزار و پانصد سال) ^۴
ذوالقرنین	۳۰۰۰ (سه هزار سال)
فریدون	۱۰۰۰ (هزار سال)

۱ و ۲ و ۳. حیوة القلوب مجلسی ص ۱۱۴ محل دفن حضرت آدم را در مکه کوه ابوقیس و در نجف هم نوشته‌اند.

۴. حیوة القلوب مجلسی ص ۱۲۴.

ضحاک ثانی ۱۰۰۰ (هزار سال)^۱

البته اگر نقل ذکر شده درباره طول عمر را ضعیف بدانیم اگر مسلمان باشیم راه‌های دیگر در این موضوع وجود دارد از جمله:

قرآن درباره حضرت یونس فرمود: «اگر در شکم ماهی (بزرگ) از مسبّحین (تذیبه و تقدیس کنندگان) نبود همان جا تا روز قیامت می ماند». و حضرت نوح نهصد و پنجاه سال رسالت نمود.

و در روایات صحیح از زنده بودن حضرت خضر زیاد سخن زیادی به میان آمده که حاکی از مکالمات او با رسول اکرم ﷺ و امیرالمؤمنین علیؑ و بعضی ائمه دیگر است و عمر حضرت خضر علیؑ تا قیامت طول خواهد کشید و از عمر حضرت حجّت (عج) بیشتر است.

پس عمر طولانی خاص حضرت ولی عصر (عج) نیست و نمونه‌هایی در طول روزگار داشته است و اصولاً کسی که به خداوند و قدرت او و معجزات انبیاء اعتقاد دارد، به این مطلب یقین می‌کند.^{۲، ۳}

بر فرض اگر این نمونه‌ها را سراغ نداشتیم، دو چیز ما را به عمر طولانی حضرت ولی عصر (عج) معتقد می‌نمود:

۱. روایات زیاد و متواتر درباره زنده بودن حضرت و پشت پرده غیبت بودن ایشان تا آن گاه که قیام کند، زمین را پر از عدل و داد کند و اسلام را در همه جهان رسمیت دهد. وارد شده که همین روایات، ما را در این موضوع کفایت می‌کند.

۲. تجربه و رؤیت افراد زیاد، که در زمان غیبت، حضرت را دیده‌اند و تاریخ

۱. غیبت طوسی ص ۷۹ و ۸۵ و بحارالانوار ج ۵۱ ص ۲۴۳ و ۲۸۸ و ۲۹۰ و تاریخ سنی ملوک ص ۲۷.

۲. سوره صافات آیه ۱۴۴.

۳. قدرت الهی را در خلقت جوّ لایتناهی و این همه کرات سمائی و منظومه‌های مختلف در فضا بنگریم و بهتر آن است که از علم هیئت و نجوم و حرکت آنها و نزدیکتر همین زمین و خورشید و ماه اطلاعاتی را اخذ کنیم تا بدانیم عمر طولانی انسان در تقابل این همه عظمت چیزی نیست ضمناً معجزات ابراهیم و موسی و عیسی و محمد بنگریم ... و از این طریق خدای را بشناسیم و بدانیم که بر هر چیز توانا است.

موارد زیادی از رؤیت ایشان توسط افراد را نقل می‌کند.

غیبت برای صاحبان ثبات قدم، نعمت بزرگی است

از امیرالمومنین علیه السلام، ضمن حدیثی طولانی نقل شده که فرمود:

«منتظر امر پیروزی ما، مانند کسی است که در راه خدا آغشته به خونش شود.^۱»

از امام صادق علیه السلام نقل شده که: بندگی کردن خداوند وقتی که امام شما پشت پرده غیبت باشد و در زمان دولت باطل انجام گیرد بهتر است، از عبادت و بندگی در موقعی که حق غالب شود و امام شما ظاهر باشد چنانچه صدقه سرّی، افضل از صدقه آشکار است.^۲ (زیرا دسترسی نداشتن به امام مشکلات زیاد دارد و تحمّل مشکلات موجب پاداش فراوان و توصل به درجات عالیّه است.

حضرت صادق علیه السلام در جای دیگری می‌فرماید: «همانا منتظر امر ما و صبرکننده بر آنچه موجب خوف و آزار او (در راه دین) است در زمره ما خواهد بود.^۳»
از حضرت صادق علیه السلام سؤال شد: آیا ما افضل هستیم یا اصحاب حضرت حجّت وقتی که او ظهور کرده و حاکم گردیده؛ فرمود: شما برتر هستید و علت آن این است که شما دائماً در بیم و خوف هستید و برای خود و امامتان از دست پیشوایان جائز رنج می‌برید.^۴»

حضرت صادق علیه السلام در جای دیگری می‌فرماید: «زمانی آید که اهل نجات کسی نیست جز همان کسانی که مردم دیگر آنها را ابله و بی‌عقل می‌دانند ولی آنها راه حق را می‌روند و در مقابل این تحقیر، صبر و تحمّل می‌کنند.^۵»

۱. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۲۳.

۲. کافی ج ۱ ص ۳۳۳؛ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۲۸.

۳. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۵۶؛ الزام الناصب ص ۱۸۳.

۴. اختصاص ص ۲۱؛ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۴۴.

۵. کافی ج ۲ ص ۱۱۷.

توضیح: مردمی که به هر قیمت دنبال مال، نام و مقامند و این معنا را وظیفه خود می‌دانند وقتی کسانی ببینند که از ریاست به خاطر حفظ دین چشم می‌پوشند، از ثروت به خاطر اینکه از راه غصب یا نزول یا رشوه یا پایمال شدن حقوق الهی و حقوق مردم حاصل می‌شود، می‌گذرند، تعجب کرده و آنها را ابله و نادان می‌دانند. باری فرمود: چگونه است حال شما وقتی که علم (به معنای واقعی آن) از جامعه فرار کند و شیعیان به جان هم افتند؛ عده‌ای، عده دیگر را دروغگو خطاب کنند و از آنها اظهار تنفر نمایند. (اما دین‌شناس‌ها تحقیرها را تحمل می‌کنند) یکی از اصحاب عرض کرد؛ جانم فدای شما، پس در آن زمان خیری وجود ندارد؟ فرمود: همه خیر آن موقع می‌آید. (وقتی که حکومت مهدی ظاهر شود).^۱

فرمود: خوشا به حال پیروان ما آنها که حب ما را در زمان غیبت رها نمی‌کنند و بر موالات ما ثابت و از دشمنان ما متنفر هستند آنها از ما و ما از آنها ایم، آنها به ما خشنود و ما به آنها خشنودیم؛ خوشا به حال آنها (طوبیٰ لهم ثمّ طوبیٰ لهم) و در قیامت با ما هستند.^۲

حضرت، مأمور به تقیه نیست

از ابی بصیر نقل شده که امام صادق علیه السلام فرمود:
ولادت صاحب این امر از خلق نهان است (و غائب است) تا آن که برای کسی در گردن او بیعتی نباشد و خداوند در یک شب امر او را برای قیام اصلاح نماید (اصحاب خاص او را در یک شب نزد او جمع می‌کند).
در روایت دیگر از امام هشتم علیه السلام آمده است:
... امام آن مردم (مردم آخر الزمان) از آنها غایب می‌باشد.

۱. کافی ج ۱، ص ۳۴۰؛ بحار الانوار ج ۵۲، ص ۱۳۴.

۲. بحار الانوار ج ۵۱، ص ۱۵۱؛ اعلام الوری ص ۴۰۷؛ کشف الغمّة ج ۳، ص ۳۱۴.

سؤال شد چرا غائب می شود؟

فرمود: برای این که بیعتی برگردن او هنگامی که قیام به سیف (و اسلحه) می نماید نباشد.

از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: برای قیام کننده غبّتی قبل از قیام می باشد زراره که از شاگردان حضرت بود عرض کرد چرا؟ فرمود: از ظاهر بودن بیم دارد و اشاره به خود کرد (یعنی یا باید همانند ما در تقیه زندگی کند که خداوند برای او تقیه را مصلحت ندانسته و او آخرین ذخیره ما است؛ یا اگر زود قیام کند کشته خواهد شد و هدف، ناتمام می ماند).

توقیع (نامه) حضرت به اسحاق بن یعقوب

در توقیعی که حضرت صاحب الامر (عج) در جواب اسحاق بن یعقوب (از مرتبطین با سفرای خاص حضرت بود) فرستاد، نوشته بود. *اما علت غیبت در قول خداوند است که فرمود: ای مؤمنان از اشیائی سؤال نکنید که اگر برای شما روشن شود ناخشنود گردید (نتوانید تحمل نمایید) و یکی از علل این است که هیچ کدام از پدران من (از ائمه) نبودند مگر آن که در گردن او بیعتی از طاغیه زمانش بود، (یعنی به حسب ظاهر یاور نداشتند و نمی توانستند با طاغوت مقابله کنند بلکه می بایست بعضی ستم های آنها را تحمل کنند) اما من وقت خروج تحمل هیچ طاغوتی را ندارم (شرایط برای من آماده است) آنها را تسلیم می نمایم و هیچ گونه تابع نشوم اما شکل انتفاع به من در زمان غیبت (نامه) همانند انتفاع به خورشید است، موقعی که پشت ابر و از چشم ها پنهان باشد، من موجب آرامش اهل زمینم چنانچه ستارگان موجب آرامش اهل آسمانند، باب سؤال را از من ببندید ... و برای تعجیل فرج زیاد دعا بنمایید؛ زیرا فرج خود شما در آن است ...، سلام بر تو ای اسحاق بن یعقوب^۱ و بر*

۱. یا ایها الذین آمنوا لاتسئلوا عن اشیاء ان تبدلکم تسؤکم ... سوره مائده آیه ۱۰۱ حدیث در بحار الانوار ج ۵۲، ص

کسی که پیرو راه هدایت باشد.

علت طول غیبت بعد از ظهور روشن می شود

از حضرت صادق علیه السلام سؤال شد که علت غیبت چیست؟ فرمود: همان علت که موجب پنهان شدن حجّت های دیگر خداوند قبل از او بوده است (علت اصلی) کشف نگردد مگر بعد از ظهور چنانچه حکمت کار حضرت خضر علیه السلام (از سوراخ کردن کشتی و به قتل رساندن آن جوان و بپا کردن دیوار خراب شده برای موسی علیه السلام) روشن نشد مگر موقع جدایی (در آخر کار) ...^۱

یکی از علل آن جدا شدن اهل یقین از اهل شک است

حضرت زین العابدین علیه السلام فرمود: مدت غیبت حضرت مهدی علیه السلام طولانی می شود تا آن که بسیاری از معتقدان به حضرت مأیوس می گردند و بر این امر (یعنی عقیده مند به آمدن حضرت) باقی نماند مگر آن که یقین او قوی و معرفت او درست باشد و در سینه خود تنگی نسبت به آنچه که ما خواسته ایم نبیند و تسلیم ما اهل بیت باشد.^۲

توضیح: طول غیبت مانند کوره طلاسازی است، اگر این کوره و حرارت نباشد طلای ناب از فلزات دیگر جدا نشود و قبل از به کوره رفتن ارزش آن فلز مشخص نمی شود.

جابر بن عبدالله از رسول اکرم صلی الله علیه و آله سؤال کرد: یا رسول الله: برای حضرت حجت

۹۲ و ج ۵۳، ص ۱۸۱؛ غیبت طوسی ص ۱۷۷.

۱. جریان خضر در سوره کهف آیه ۸۲ است و حدیث در بحار الانوار ج ۵۲، ص ۹۱؛ الزام الناصب ص ۱۲۶.

۲. ... فیطول امدها حتی یخرج من هذا الامر اکثر من یقول به فلا یثبت علیه الا من قوی یقینه و صحّت معرفته ولم یجد

فی نفسه حرجاً ممّا قضینا و سلم لنا اهل البیت

بحار الانوار ج ۵۱، ص ۱۳۴؛ الزام الناصب ص ۲۹، عن علی علیه السلام.

غیبت می باشد؟ فرمود بله به خدایم قسم، مؤمنان باید غربال و جدا گردند و (سپس) کافران مضمحل شوند.^۱

حضرت رو کرد به یکی از اصحابش و فرمود: حال تو چگونه است آن هنگام که امت من از آمدن حضرت مهدی علیه السلام مأیوس شوند اما مثل خورشیدی که یک مرتبه سر می زند طلوع کند و اهل آسمان و زمین خوشحال شوند.^۲

مثالی از روش حضرت علی علیه السلام در حکمت طول غیبت

از امام صادق علیه السلام سؤال شد، آیا حضرت علی علیه السلام در دین الهی قوی نبود، فرمود: بلی؛ عرض شد: چرا آن ملت او را کنار زدند و حضرت با آنها نجنگید؟ (حضرت به یک علت پنهان اشاره کرد زیرا، علت ظاهری آن کمی یاور بود)، فرمود: آیه ای از کتاب خداوند مانع نبرد و مقاتله او با آنها شد، عرض شد کدام آیه؛ فرمود: اگر عناصر کفر و ایمان جدا شوند آنان را که راه ناسپاسی و کفر بروند به عذاب الیم گرفتار کنیم.^۳ برای خداوند افرادی پاکیزه و شایسته است که ودیعه هستند و این ودیعه ها در صلب کافران و منافقان هستند، (و به دنیا نیامده بودند) به خاطر همین نمی شد که پدران حامل ودایع کشته شوند و اما آنگاه که ودایع ظاهر شدند حضرت با آنها مقاتله کرد و همچنین است قیام کننده ما اهل بیت، ظاهر نشود مگر بعد از ظهور ودایع^۴ ... (اما هنگامی که حضرت حجّت ظهور می کند مؤمن از غیر مؤمن جدا شده و آن هنگام دشمنان دین، ودیعه مؤمن به دنیا نیاورند).

۱. سألہ جابر بن عبد اللہ انصاری (ای سئل عن رسول الله) (قال) یا رسول الله و للقاء من ولدک غیبة؟ فقال: ای و ربی «و لیمحص الله الذین آمنوا و لیمحق الکافرین».

۲. و قال لاحد اصحابه: الایه فی آل عمران ۱۴۱ و الخبر فی بشاره الاسلام و الزام الناصب کیف انت اذا استیاست امتی من المهدی فیاتها مثل قرن الشمس لیستبشر به اهل السماء و الارض

(بحار الانوار ج ۵۳، ص ۶۵)

۳ و ۳. لوتزیلوا العذبن الذین کفروا منهم عذاباً الیماً (سوره فتح آیه ۲۵)

حدیث در بحار الانوار ج ۵۲، ص ۹۷؛ ینابیع الموده ج ۳، ص ۸۴؛ الامام المهدی ص ۵۶.

«ارزش نور بعد از تاریکی شدید است»

چنانچه از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرموده است: این امر واقع نشود (یعنی ظهور میسر نگردد) مگر آن که هیچ صنفی از مردم نماند، مگر آن که بر مردم حاکم شوند تا نگویند، اگر ما رئیس و حاکم می شدیم به عدالت رفتار می کردیم پس از آنها حضرت حجت قیام به حق نماید، (معنای عدالتی را که نتوانستند یا نخواستند برقرار نمایند با آنها می فهماند و عدالت را امری عملی و همه جایی و همگانی می نماید).^۱

امام باقر علیه السلام می فرماید: دولت ما آخر دولت ها تشکیل شود و اهل بیتی نمی ماند مگر آن که قبل از ما فرمانروا شود تا وقتی که ما را دیدند نگویند اگر ما فرمانروا می شدیم همانند اینها رفتار می کردیم.^۲

توضیح: آمدن نور حکومت حضرت مهدی بعد از تاریکی ها موجب قدردانی بهتر مردم خواهد بود.

مصلحت و زیبایی طول غیبت

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به اصحاب رو کردند (یا بعض اصحاب و یاران) و فرمودند:

جمعی بعد از شما خواهند آمد که پاداش اعمال بعضی از آنها به اندازه پاداش پنجاه نفر از شما می باشد؛ عرض کردند: یا رسول الله ما در جنگ بدر و حنین و احد بودیم و قرآن در میان ماها نازل شده! فرمود: اگر چیزی که آنها حمل می کنند (و منحرف نمی شوند) شما می خواستید حمل کنید استقامت آن را نداشتید، (شرائط آنها

۱. عن ابی عبدالله علیه السلام : ما یکون هذا الامر حتی لایبقی صنف من الناس الا ولوا علی الناس حتی لایقول اناسو ولینا لعدلتنا ثم یقوم القائم بالحق

۱۳ بحار به نقل از ملاحم مولانا سید علی

۲. ارشاد مفید ج ۲، ص ۳۸۴؛ اعلام الوری ص ۲۹۰.

بسیار سخت است بدعت‌ها زیاد و امام معصوم علیه السلام نیز در میان آنها نیست^۱.
رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خوشا به حال آنان که در غیبت حضرت (مهدی) صابر و
مقاوم هستند و خوشا به حال آنان که بر ایمان داشتن به او پا برجا هستند، اینها را
خداوند تعریف کرده و فرموده «هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» متَّقین آنها
هستند که به غائب از نظر ایمان دارند ...^۲. (یکی از معانی غیب برای ما غیبت امام
است.)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بار پروردگارا برادران مرا به من برسان که مشتاق لقای
آنها هستم عرض شد مگر ما برادران شما نیستیم؟ فرمود: نه شما اصحاب من هستید،
برادران من در آخر الزمان هستند که به من ایمان می آورند و مرا ندیده‌اند. عده‌ای از
آنها آن قدر ایمان قوی دارند که از کسی که شاخه خاردار را به کف دست می فشارد،
مقاوم‌ترند یا مانند کسی که خورده آتش به مشتش گرفته^۳ هستند.

حضرت محمد صلی الله علیه و آله در روایت دیگر فرمود: بیشتر مردم از نظر یقین آنها هستند
که در آخر الزمان زندگی می‌کنند و پیامبر را ندیده و حجّت خدا از میان آنها غائب
است اما به واسطه سیاهی که بر روی سفیدی است (یعنی کتاب و نوشته دینی ..) ایمان
و اعتقاد خود را نگه می‌دارند^۴. همانا طول غیبت آزمایش الهی است که خداوند
خلقش را امتحان می‌کند. (جوهره ایمان به کمال برسد)^۵

... خداوند تبارک و تعالی دوست داشت (مصحلت خلق دید) که قلوب شیعه را

۱. منتخب الاثر ص ۵۱۵؛ غیبت طوسی ص ۲۸۵.

۲. بنایع المودة ج ۳، ص ۱۰۱؛ الامام المهدی ص ۵۸.

۳. اللهم ائقنی إخوانی! فقال له واحد: اما نحن إخوانک یا رسول الله؟ فقال لا. إنکم اصحابی وإخوانی قوم فی آخر الزمان آمنوا بی ولم یرونی ... بحار الانوار ج ۵۲، ص ۱۲۴؛ الزام الناصب ص ۱۳۷.

۴. ان أعظم الناس یقیناً قوم یکونون فی آخر الزمان لم یلحقوا النبی و حُجبت عنهم الحجة فآمنوا بسواد فی بیاض بحار الانوار ج ۵۲، ص ۱۲۵؛ بنایع المودة ج ۳، ص ۲۶۹؛ الزام الناصب ص ۷۸.

۵. انما هی محنة من الله عزوجل امتحن بها خلقه. بحار ج ۵۱، ص ۱۵۰ و ج ۵۲، ص ۱۱۳.

امتحان کند در آن هنگام انسان‌های باطل‌گرا (در کنار ثابتان در حق) منحرف شوند^۱
 امام حسن مجتبی علیه السلام فرمود: پشت نهمین از فرزندان برادرم حسین علیه السلام که فرزند
 سرور کنیزان است خداوند عمرش را طولانی می‌نماید سپس با قدرتش آن **حضرت**
را در قیافه جوان چهل ساله ظاهر کند و این به خاطر آن است که مردم بدانند که خدا
 بر هر چیز توانا است^۲. (مردم آن زمان معجزه الهی را آشکارا ببینند).
 حضرت علی علیه السلام فرمود:
 خداوند تبارک و تعالی مردی را از فرزندان من ظاهر کند که خون‌های ما را مطالبه
 می‌نماید...^۳

جمع بندی و برداشت از حکمت‌های غیبت

غیبت حکمت‌های مختلف دارد چنانچه با دقت در روایات و تواریخ ائمه هدی،
 بخشی از آن حکمت‌ها مشخص می‌شود. وقتی که در روایت می‌خوانیم؛ یکی از علل
 غیبت این است که اگر ظاهر شده بود کشته می‌شد و یا همان علت است که پدران او
 گاهی پنهان زندگی می‌کردند، یا می‌خوانیم که باید روزی بیاید که ودیعه‌های پاک به
 دنیا آمده باشند، هم‌چنین با دقت در موقعیت ائمه علیهم السلام در زمان بنی امیه و بنی عباس و
 اختناق و فشاری که بر روی حق‌طلبان و ائمه بوده است، کشف می‌کنیم که خداوند
 می‌خواهد آخرین ذخیره‌اش از چند نظر محفوظ باشد؛ اول این که؛ امام معصوم باید
 در روی زمین بوده تا زمین برقرار باشد، پس آن حضرت را روی زمین نگه‌داری
 کرده؛ دوم این که؛ غائب نگه داشته تا اینکه مانند اجدادش به دست مشرکان کشته
 نشود و زمین خالی از حجّت گردد آن هم حجّتی لایق مهذب در میان بشر از شجره

۱. ان الله تبارک و تعالی احب ان یمتنح قلوب الشیعه فعند ذلک یرتاب المبتلون

کافی ج ۱ ص ۳۳۷؛ بشارة الاسلام ص ۱۱۷.

۲. منتخب الاثر ص ۲۰۶؛ الزام الناصب ص ۶۶؛ بشارة الاسلام ص ۵۲ عن الجواد علیه السلام

۳. الامام المهدی علیه السلام ص ۸۰.

ابراهیم و دودمان محمد ﷺ، پس از باب لطف همین فرد را که هم موجب استقرار جهان است و امام است و باید امامت کند، روزی او را ظاهر کند که ضروری تر از هر زمان باشد. روزی که بدعت‌ها و انحرافات در مکتب اسلام به وجود آمده و کفر و ظلم بی حد باشد آن نور را در شدیدترین تاریکی‌ها ظاهر کند و آئین را اصلاح و جهان را مهذب سازد.

می‌دانیم که اگر قبلاً ظاهر کرده بود از کشته شدن در امان نبود و هدف بزرگ الهی که آکنده از لطف بزرگ اوست، یعنی فرج مؤمنان بعد از شدت و بعد از اضطراب تأمین نمی‌شد.

سوم اگر قبلاً آمده و از دنیا رفته بود، چه کسی بعد از همه تاریکی‌ها، ظلمت‌ها، بدعت‌ها و جور‌ها می‌توانست اصلاح‌گر بشریت باشد، ضمناً راه حق مفقود می‌شد و همه حیران می‌ماندند و اگر بگویند خداوند قادر است هر کسی را قابلیت دهد که جبراً هدایت شده، محتاج امام نباشد، جواب این است که، قابلیت جبری قابل مقایسه با قابلیت اختیاری نیست. و امتیاز اختیار را ندارد.

چهارم این که؛ اگر ذخیره نشده بود معصومی نبود که ودایع را بعد از اصلاح جهان و به وقوع پیوستن وعده الهی درباره مؤمنان و استخلاف آنان به دست دیگری بسپارد، زیرا؛ در قانون الهی، اسرار و ودائع معصوم توسط معصوم به معصوم دیگر منتقل می‌شد، پس باید موقع نزول عیسی علیه السلام و موقع زنده شدن بعضی از معصومین بیاید تا بعد از حضرت مهدی علیه السلام دولت بعضی از ائمه هدی در رجعت و با اهل رجعت ممکن گردد.

پنجم؛ در زمان غیبت کبری در کنار لطف عام الطاف خاص برقرار بوده و هست و وقتی که گروه حق از هر طریق به بن‌بست رسیده و دشمن قصد اضمحلال آنها را داشته، حضرت به واسطه شایسته‌گان، گره سخت جامعه را باز کرده است، چنانچه داستان محمد بن عیسی بحرینی و انار، در بحرین معروف است و علت باقی ماندن

شیعه در آن جا چنین امدادهایی بوده که خداوند توسط حضرت حجت (عج) راهبری نموده و نمونه‌های امدادهای حضرت درباره جوامع و افراد زیاد است.

ششم؛ از آنجا که نزد خداوند متعال دنیا و امور آن هدف نیست و خلقت عبث آفریده نشده، قطعاً دنیا مقدمه دین است و اگر دین مضمحل و آیین کلاً دست خورده شود دنیا و امور دنیا عبث خواهد بود و در دوران آخر الزمان دین در همه جا تغییر کرده و وارونه می‌گردد و تغییر دین و آیین همانند عدم آیین، بلکه صدمه‌اش بیشتر است و تبعات سنگینی دارد زیرا؛ دین کاذب، قانون غیر الهی، با نام دین و قانون الهی، موجب می‌شود که انحراف و خیانت و فساد و خونریزی و شکنجه مشروع جلوه نماید و این معنا با ارسال رسولان تضاد پیدا می‌کند. آن هنگام اقتضاء می‌کند دست اصلاح‌گر خداوند از آستین حجت بن الحسن (عج) که شایسته اصلاح‌گری است، درآید و با توجه به این که آمدن حضرت بعد از جنگ خانمان سوزی است که ابرقدرت‌های خودکامه به وجود آورده و ملت‌های دیگر ضعیف شده‌اند و افراد با ایمان واقعاً مضطر گردیده و از خداوند کمک می‌طلبند و کسی غیر از همان شخصیتی که پشت پرده است، نمی‌تواند با آنها مقابله کند؛ در آن وقت حضور حضرت مغتنم و آن لطفی بزرگ از جانب خداوند است.

«سلام و درود فراوان بر او و یاران او باد»

فصل پنجم

ارزش انتظار

و

معنای عام و خاص آن

انتظار در لغت از کلمه «نظر» به معنای مترقب بودن، متوقع بودن گرفته شده و کلمه «نظرة» در جمله «فَنظِرَةٌ اِلَى مَيْسِرَةٍ» به معنای مترقب است که گشایشی در کار طرف پیدا شود؛ یعنی فعلاً مهلت بدهند و آنجا که می فرماید: «فانتظروا فانی معکم من المنتظرین» یعنی؛ مترقب باشید که من با شما مترقب سرنوشت شما هستم.

بنابراین انتظار؛ مترقب بودن وقوع آن یا نتیجه کاری در آینده است. در روایات ما از رسول خدا ﷺ چنین وارد شده که: «أَفْضَلُ أَعْمَالِ أُمَّتِي إِنْتِظَارُ الْفَرَجِ» یعنی؛ برترین اعمال امت من انتظار فرج است. به عبارت ساده تر یعنی سرنوشت امت رو به نصرت و گشایش است، پس شما هم مترقب بوده و امید داشته باشید که چنان می شود و ناامیدی و یأس را از خود دور کنید، یعنی؛ اگر امت دچار سختی ها، دشمنی ها و فشارها شد آن شدت و سختی روزی به نصرت و فتح تبدیل می شود.

در حقیقت «الْفَرَجُ بَعْدَ الشَّدَةِ» از وعده های الهی است چنانچه با تجربه روشن شده وقتی پیامبر، در غربت و تنهایی با یاران اندک و امواج دشمنی مشرکین و اهل کتاب و معاندین ظهور کرد چنان دایره را تنگ کرد که گمان نمی رفت پیروزی چون پیروزی بدر و پیروزی های باور نکردنی دیگر پدید آید اما؛ فرج و گشایش، دل های امت را خوشحال کرد، یا اگر در جنگ احد دشمنان همه نیروی خود را تجهیز کرده و چندین نفر از یاران رسول و عموی پیامبر را که حامی بزرگ پیامبر اسلام بود، کشتند، ضیق و شدتی را مسلمانان احساس کردند، اما در جنگ های دیگر گشایش عظیم پیش آمد، خیبر و خندق و سرانجام بعد از تحمل شدت ها و مشکلات و گاهی ناامیدی ها، امید بزرگ فراهم آمد؛ فتح مکه سرنگونی بت ها و شکست کامل مشرکین گشایش بزرگی بود. اگر بعد از پیامبر برای جانشینی آن حضرت، بن بست درست کردند تصوّر می رفت که گروه حق و پیروان راستین اسلام منقرض شوند، اما رو به تزیاید گذاشتند. با شهادت امام حسین علیه السلام بسیاری ناامید شدند اما همان شهادت احساسات

را برانگیخت و حق طلبان، موقعیت پیدا کردند و اگر امام سجاد علیه السلام تحت فشار، زندگی می کرد، ولی به امید انتظار فرج و گشایش در کار امت، طبق دستور اسلام (نه با افراط و نه با تفریط) کار می کرد تا آن که، زمان با لطف خداوند مستعد شد و حضرت باقر و صادق علیهما السلام فرهنگ اسلام را با فرصت و حوصله بیان کردند و شاگردان فراوان آنها استاد شدند؛ امروز آثار آنها را در مکتب روایت و تاریخ می بینیم و همین طور ... پس انتظار فرج به معنای این است که مسلمانان به وظیفه خود عمل کرده و بدانند که خداوند کارهای آنها را بی ثمر نمی گذارد و هر قدر در سختی قرار گیرند نباید ناامید باشند زیرا: هدف آنان را دیگران دنبال می کنند، چنانچه خداوند فرمود: «ای اهل ایمان اگر در پیمودن راه حق دچار شک هستید خداوند قوم دیگر را که دوست دارد و آنها خدا را دوست دارند بیاورد»^۱.

پس اگر بعضی تصور می کنند هر چه روایت درباره انتظار فرج از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله تا به حال داریم فقط به معنای انتظار فرج امام عصر «عج» است؛ این چنین نیست - فرج ها و پیروزی ها مختلف است، چنانچه نمونه های آن را متذکر شدیم به خصوص برای مردم آخر الزمان، فرج های زیادی به وجود می آید. امدادهای الهی و الطاف امام زمان «عج» از پشت پرده غیبت و حمایت حضرت از حرکت های شیعه و پیروزی های گسترده و منطقه ای در زمان غیبت از مصادیق فرج است. برای مثال: وقتی دشمن در کشور بحرین تصمیم به نابودی حق طلبان نمود و برای محو حقیقت، حيله ها به کار برد اما، توسط «محمد بن عیسی بحرینی» توطئه کشف شد و حضرت ولی عصر «عج» به محمد بن عیسی جریان را فرمود و حيله و فریب دشمن خنثی شد. آمدن حضرت نیز، گشایش عظیم تر برای امت است که می توان گفت نمونه ای در تاریخ ندارد. البته انتظار فرج بزرگ همان فرج ظهور امام عصر «عج» و گشایشی است که توسط حضرت در کار امت ایجاد می شود و اسلام جهانی می گردد و از آن بزرگتر

۱. یا ایها الذین آمنوا من یرتد منکم عن دینه فموف یاتی الله بقوم یحبهم و یحبونه ... مائده/۵۴

فرج و گشایش امت واقعی پیامبر ﷺ در صحنه قیامت و فوز و رستگاری ابدی آنها است که همه ما منتظر آن هستیم. انشاء الله.

رسول خدا ﷺ فرمود: بزرگترین درجه بندگی کردن بندگان خدا، انتظار پیروزی و فتح است.^۱

رسول خدا ﷺ در جای دیگر می فرماید: برترین اعمال امت من این است که منتظر گشایش و فتح الهی باشند. (یعنی برای آینده مسلمین ناامید نباشند)^۲.

رسول خدا ﷺ می فرماید: «ای گروه مردم، مژده باد بر شما به گشایش در آینده، زیرا وعده خداوند تخلف بردار نیست، قضای او بازگشت ندارد و او حکیم و آگاه است و به راستی که فتح خدا نزدیک است».^۳

از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که: انتظار و امید به گشایش امور را در آینده داشته باشید و از نسیم های الهی ناامید نشوید؛ زیرا محبوب ترین اعمال، انتظار فرج است. (اعمالی است که به امید گشایش انجام شود) و کسی که امر ما را بگیرد و سست نشود (به گفتار ما معتقدانه عمل کند) با ما در جایگاه رحمت خداوند است و منتظر فرج مانند شخص آغشته به خون در راه خداست.^۴

انتظار فرج و تشبیه حضرت مهدی «عج» به انبیاء:

امام صادق علیه السلام فرمود: نزدیک ظهور دوازده نفر به عنوان مصلح و صاحب پرچم

۱. عن رسول الله ﷺ: افضل العبادۃ انتظار الفرّج

بحار الانوار ج ۵۲، ص ۲۵؛ ینابین الموده ج ۳، ص ۱۶۹؛ تحف العقول ص ۳۳.

۲. عن رسول الله ﷺ: افضل اعمال امتی انتظار فرّج الله عزوجل

بحار الانوار ج ۵۲، ص ۱۲۲؛ الزام الناصب ص ۱۳۷.

۳. عن رسول الله ﷺ: معاشر الناس ابشروا بالفرّج فان وعد الله لا یخلف و قضاءه لا یردّ و هو الحکیم الخبیر و ان فتح

الله قریب

۴. عن امیرالمؤمنین علیه السلام: انتظروا الفرّج و لا تياسوا من روح الله فان احبّ الاعمال الی الله عزوجل انتظار الفرّج. الاخذ

بامرنا معنا غداً فی خطیرة القدس و المنتظر للفرّج کالمتشحط بدمه فی سبیل الله.

بحار الانوار ج ۵۲، ص ۱۲۳.

قیام می‌کنند که بسیاری را به تردید اندازند. (یعنی عده‌ای ندانند که کدام حق است و کدام باطل) (و مردم را به طرف خود بخوانند) راوی عرض کرد در آن هنگام چه باید کرد؟ حضرت به نور آفتاب که به ایوان تابیده بود نگاه کرد و فرمود: آیا این خورشید را می‌بینی؟ عرض کرد بله، فرمود: به خدا قسم امر ما (و شناخت ما) روشن‌تر از این خورشید است. (یعنی کسی که جداً طالب شناخت باشد برایش روشن خواهد شد و کسی که چشم را ببندد و حوصله دیدن نداشته باشد نخواهد دید).^۱

ابوبصیر و مفضل از یاران امام صادق علیه السلام، می‌گویند؛ ما بر حضرت صادق علیه السلام وارد شدیم و دیدیم؛ روی زمین بدون فرش نشسته و لباسی (ضخیم) از نوع پارچه‌های خیبری بردوش انداخته و مانند شخص فرزند مرده ناله می‌کند و آه می‌کشد آهی جانسوز، از چشم‌هایش خیلی اشک آمده بود (معلوم بود قبل از رسیدن ما زیاد گریه کرده بود) گونه‌های حضرت تغییر کرده و می‌دیدیم که اشک بر دامن حضرت سرازیر است و می‌فرمود: ای سرور من غیبت تو (طولانی شدن غیبت) خواب مرا ناگوار کرده، کم خوابم نموده، توان بدنی مرا کم کرده، مرا خسته دل کرده، دل ما را در تنهایی و در جمع جریحه‌دار کرده و برای تو ای سرورم گریه و ناله و سوز سینه بسیار با ارزش است که این ناله‌ها به خاطر بلیه‌ها و مصائب بزرگی است که (در آخر الزمان واقع شود و) تو را به خشم می‌آورد و ...

راوی گوید: از این انقلاب درونی و سخن جان سوزانه حضرت عقل از ما پرید و دل ما لرزید که چه ناراحتی برای حضرت پدید آمده و گمان کردیم که حضرت چیزی شنیده که برای حضرت خیلی سخت و کوبنده بوده و یا حادثه‌ای برای ایشان رخ داده که بسیار ناگوار بوده است.

عرض کردیم: ای بهترین خلق خدا، خداوند چشم شما را گریان نکند از چه حادثه چنین گریان و غمگین هستید؟

حضرت آهی جانسوز کشید و فرمود: افسوس بر شماها، امروز صبح در کتاب جَفر (که مشتمل بر علم منایا و بلایا و همه مصائب و احوال آیندگان و همه خبرها تا قیامت می باشد و مختص محمد ﷺ و ائمه علیهم السلام بعد از اوست) تأمل کردم و درباره کیفیت ولادت و غیبت و تأخیر در ظهور و طول عمر قیام کننده ما و مشکلات مؤمنان در زمان او و به وجود آمدن تردیدها و شکها در قلب مؤمنان از طول غیبت و مرتد شدن و بی ایمان گشتن اکثر مؤمنان و باز کردن قلابه دین اسلام از گردنشان را می دیدم، که خداوند در قرآن فرموده ﴿وَكُلِّ انسانٍ الزَّمانَ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَ نُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ كِتَاباً يَلْقِيهِ مَنشوراً...﴾^۱ پرواز کننده و همراهی کننده، (دائمی) هر انسانی را با شخص خود او حمل می کنیم (یعنی اعتقاد و نیت و عمل او را) و روز قیامت می بینید آنها بصورت کتابی منتشر شده است و به او می گویند کتابت را بخوان و حسابگر خودت باش. (بر انحطاط و سقوط آنها تأسف خوردم) مرارقت گرفت و بی اختیار اشکم جاری شد

توضیح: برای یک انسان وارسته، بالاترین غصه، غصه تضرر و ورشکست شدن معنوی دیگران است که انسانهایی با داشتن سرمایه بزرگ خلیفه الهی در منجلاب تباهی ها غرق شوند، بسیار جای تعجب است!!^۲

مفضل می گوید: عرض کردیم یابن رسول الله؛ برای ما بزرگواری کن (در مورد حضرت مهدی و آخر الزمان) از آنچه می دانی بهره ای عنایت کن.

حضرت صادق در جواب فرمود: خداوند تبارک و تعالی شباهتی از (کار) چهار پیامبر در قیام کننده ما قرار داده «از موسی علیهِ السلام، عیسی علیهِ السلام، نوح علیهِ السلام و خضر علیهِ السلام».

میلاد او را شباهتی از حضرت موسی علیهِ السلام و مختلف شدن مردم درباره او از حضرت عیسی علیهِ السلام و تأخیر در اصلاح و انتقام را از حضرت نوح علیهِ السلام و عمر طولانی

۱. سوره اسراء/۱۶.

۲. حافظ گوید:

حضرت را طولانی شبیه حضرت خضر علیه السلام (که دلیل و حجت بر طول عمر حضرت مهدی است قرار داده است).^۱

عرض کردیم؛ یابن رسول الله از شکل این معانی پرده بردارید قدری روشن تر برای ما توضیح دهید حضرت چنین فرمودند:

شبهت حضرت به موسی علیه السلام

می‌لاد حضرت که به موسی علیه السلام شبهت دارد، وقتی که فرعون گمان برد سرنگونی حکومت او به دست موسی علیه السلام است کاهنان را خواست و گفت او را معرفی کنید.^۲ آنها گفتند: (آن گونه که ما یافتیم و یا در کتب دیدیم) از بنی اسرائیل است، (دقیقاً نمی‌دانیم که مادر و پدر او کیست؟ ولی سال تولد او را می‌توانیم بگوییم) فرعون اطفال به دنیا آمده و آنها که جنین بودند؛ یعنی بیست و چند هزار نفر را کشت اما به هدف نرسید (و موسی علیه السلام سالم و محفوظ ماند) (امام عصر علیه السلام با همه اختناقی که بنی عباس پیش آوردند نتوانستند او را از بین ببرند) وقتی که بنی امیه و بنی عباس دیدند زوال ملک آنها و همه امراء و جبابره به دست قیام کننده ما است، **عداوت و خصومت را علنی و کشتارها را شروع کردند**، اما حضرت محفوظ ماند و خداوند امتناع کرده که حضرت برای آنها شناخته شود (لذا گاهی تصور می‌کردند حسین علیه السلام است و گاهی تصور می‌کردند امام موسی بن جعفر علیه السلام یا ائمه دیگر هستند.

پس امام منتقم برای هر ظالمی شناخته نشد تا آن که خداوند نورش را (به واسطه او) تمام نماید، ولو مشرکان (دشمنان حضرت) ناخشنود شوند. (و تاب دیدن آن پاکیزگی‌ها و عدالت‌ها را نداشته باشند).

۱. یعنی اگر کسی بگوید چرا تولد او مخفی بود و خیلی‌ها خبر نداشتند؛ گفته می‌شود حضرت موسی علیه السلام هم در مشکلات و مخفیانه متولد شد و در دامن فرعون بزرگ شد و فرعون خبر نداشت که او هلاک کننده خود اوست. و اگر بگویند؛ چرا غیبت دارد؟ حضرت عیسی علیه السلام هم تا زمان ظهور حضرت غائب است و اگر بگویند چگونه عمرش طولانی است منحصر به حضرت نیست بکله خضر علیه السلام هم عمر طولانی دارد و الان هم وجود دارد.

۲. نظر این جانب این است که از روی کتب آسمانی پیش از موسی خبر سقوط فرعون را توسط موسی داده بودند.

شبهت به حضرت عیسیٰ علیه السلام

با غیبت موسی علیه السلام یهودیان و مسیحیان هم قول شدند که عیسی علیه السلام کشته شد و بر سرِ دار رفت، ولی زنده بود. (خداوند هم آنها را تکذیب کرده و فرموده: ﴿مَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ﴾^۱ نه او را کشتند و نه به دار آویختند بلکه به اشتباه افتادند و غیبت قائم علیه السلام همین طور است زیرا؛ امت^۲ منکر حضرت شوند و از ظهورش به خاطر طولانی بودن غیبت ناامید گردند که بعضی از آنها گویند که؛ او متولد نشده و نبوده است و بعضی دیگر گویند؛ متولد شده اما از دنیا رفته و تاکنون نمانده است و بعضی نیز گویند که؛ امام حسن عسکری علیه السلام (امام یازدهم) عقیم و بی فرزند بوده و بعضی هاهم می گویند فرزند داشته اما امام قیام کننده، شخص دیگر و پیشوای سیزدهمین است (یعنی به سیزده پیشوا بعد از پیامبر قائل گردند) **ولی بدانید هیچ گاه غیر معصوم امام نگردد و از دوازده خلیفه تجاوز نکند** و عده ای معتقد شوند که روح قیام کننده (روح امامت حضرت) در وجود و شکلی، غیر از خودش قرار گرفته و سخن گوید.

شبهت به حضرت نوح علیه السلام

تأخیر اجابت نفرین حضرت نوح علیه السلام (نابودی کافران و نجات اهل ایمان) و نجات مردم به دست حضرت حجت علیه السلام هم بعد از گذشت زمان طولانی میسر شود. حضرت نوح علیه السلام دعا کرد که خداوند قومش را با عقوبت آسمانی عذاب نماید.

۱. نساء/۱۵۶.

۲. توضیح: وقتی که در قرآن می خوانیم: «ان الانسان لربه لکنود» یا این قبیل جملات را می بینیم یعنی اکثر مردم ناسپاسند (سپاس به معنای واقعی نمی کنند) یا اگر در روایت گوید: «الناس عبيد الدنيا» - مردم بنده دنیایند یعنی از بس این صفت دامن گیر همه است گویا «نادر کالمعدوم» است یعنی از آنجا که دنیا پرستان زیادند، یا ناسپاسان بی حدند کلمه (انسان ...) و ناس به کار برده شده است.

خداوند متعال، روح الامین (جبرئیل) را با هفت هسته درخت فرستاد و فرمود: ای پیامبر حق، خداوند تبارک و تعالی می فرماید: این ملت مخلوقات و بندگان من هستند و من ناگهان آنها را نابود نمی کنم مگر بعد از تاکید کردن دعوت و ارشاد کامل و اتمام حجت؛ تو دعوت و ارشاد خود را تکرار و در این راه تلاش خود را به کار ببند، که اجر تو نیز فراوان گردد. یکی از هسته های درخت را بکار؛ حضرت نوح دانه را کاشت (و به دنبال تبلیغ دین و کار خود رفت) و آن دانه را نیز رسیدگی کرد تا آن که رشد کرده، بزرگ شد و ثمر داد و منتظر استجاب نفرین خود شد که خداوند فرمود: دانه دوم را بکار؛ همین طور تا هفت دوره به ترتیب مأمور شد دانه های هفتگانه را کشت کند تا آن که دانه آخر به ثمر رسید.^۱ در این میان به علت مدت طولانی نوح را تمسخر کردند که تو مردم را نفرین کردی و خبری نشد؛ همه در ایمانشان به نوح مردد شدند غیر از هفتاد و چند نفر (که خالص بودند و از ناخالصان تصفیه شدند) و قابلیت استخلاف در روی زمین را پیدا کردند. سپس نوح مأمور شد که کشتی بزرگ نجات را بسازد، «جریان حتمی شدن عذاب الهی به دعای نوح مفصل بود ما خلاصه ای از آن را نگاشتیم» در جریان حضرت حجّت (طولانی شدن غیبت تا رسیدن فرج برای مؤمنان) نیز باید خالص ها از ناخالص ها جدا شوند آنها که به عنوان اداره کننده جهان می مانند قابلیت استخلاف داشته باشند و مصداق مؤمنانی باشند که در آیه شریفه فرمود: «وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم...»^۲.

شبهت حضرت حجّت «عج» به حضرت یوسف علیه السلام و حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم

۱. علم الیقین فیض چاپ قدیم ص ۲۷۸.

جریان نوح در علم الیقین و بعضی کتب مفصل تر نوشته شده، بعید نیست بعضی راویان تصرفاتی در این حدیث کرده باشند.

۲. سوره نور آیه ۵۵.

از ابوبصیر منقول است که: حضرت صادق علیه السلام فرمود: قائم ما به بعضی از انبیاء شباهت دارد. در شناخته نشدن حضرت یوسف علیه السلام که عده‌ای او را شناختند (حتی برادران) ولی او آنها را می‌شناخت^۱. حضرت حجت هم مردم را می‌شناسد اما غالباً او را نمی‌شناسند.

شباهت قائم به حضرت محمد صلی الله علیه و آله چنین است: به هدایت او هدایت کردن و به سیره او عمل نمودن است. در روایت دیگری از حضرت حسین علیه السلام وارد شده که؛ سیره حضرت رسول صلی الله علیه و آله قیام با شمشیر می‌باشد.^۲ (یعنی بعد از پند و اندرز، ستیزه گران را با قدرت بر جای بنشانند و یا با نبرد مسلحانه جواب یورش آنها را می‌دهد و پیروز می‌گردد چنانچه لشکر سفیانی منکوب و دجال که با حق طلبان در جنگ است به امر حضرت و به دست حضرت عیسی علیه السلام معدوم می‌گردد، یعنی در مبارزه با لشکری که فرمانده‌اش حضرت عیسی علیه السلام است کشته می‌شوند).

حضرت رضا علیه السلام و انتظار (با اشعار دعبل)

وقتی دعبل خزاعی (از شاعران اهل بیت و محبان واقعی آنها) اشعاری را در خراسان درباره پایمال شدن حقوق آل محمد علیهم السلام خدمت حضرت خواند، حضرت گریه کرد، آن گاه در آخر، ابیاتی از جمله بیت شعری که بیانگر ظهور حضرت مهدی «عج» در آخر الزمان بود اضافه فرمود و در موقع بیان آن شعر شدیداً گریه نمود. آن شعر چنین است.

خُرُوجُ إِمَامٍ لِأَمْحَالَةِ خَارِجٍ يَسْقُومُ عَلَى اسْمِ اللَّهِ وَ الْبَرَكَاتِ
يُمِيزُ فِينَا كُلَّ حَقٍّ وَ بَاطِلٍ وَ يَجْزِي عَلَى النَّعْمَاءِ وَ النَّقَمَاتِ

۱. کافی ج ۱، ص ۳۳۷؛ بحار الانوار ج ۵۱، ص ۱۴۲ و نزدیک به همین مضمون الزام الناصب، ص ۵۵.
حضرت ولی عصر «عج» هم مردم را می‌بیند در اجتماعات آنها داخل می‌گردد و از حال آنها به اذن خدا مطلع است ولی مردم او را نمی‌بینند جز تعداد اندکی که به محضر حضرت ولی عصر رسیده و می‌رسند و لیاقت ملاقات را دارند.
۲. علم الیقین فیض.

یعنی همیشه برای جهانیان پیشوایی (معصوم) لازم است که با نام (مبارک و اعظم) خدا قیام داشته باشد و برکت همراه خود بیاورد، اوست که هر حق و باطلی را جدا می‌کرده و با نعمت‌ها و نعمت‌ها پاداش و کیفر می‌دهد.

سپس فرمود: آیا می‌دانی او کیست؟ عرض کرد: نمی‌دانم، فقط می‌دانم که آن مصلح ظهور خواهد کرد. و زمین را از هر ظلم و ستم پاک می‌کند... فرمود: ای دعبل او فرزند چهارم من حجت بن الحسن است و غیبت او طول می‌کشد و وقتی که ظهور کند مورد اطاعت همه بشر است و اگر از عمر دنیا فقط یک روز نماند، طولانی می‌شود تا ظهور کند.^۱ (و برای ظهورش تعیین وقت نمی‌توان کرد).

دفع توهم درباره انتظار

بسیاری از مردم توقع داشتند و توقع دارند که؛ حضرت مهدی «عج» هر چه زودتر در زمان آنها بیاید و همه مشکلات را رفع کرده و عدل را به جای ظلم نشانده و آنها در واقع انتظار فرج را همینگونه تفسیر می‌کردند که قطعاً این توقع صحیح نیست. همین گمان بوده که شاید از هفتصد یا هشتصد سال پیش، امروز و فردا می‌کردند یا وعده می‌دادند که امام زمان فلان سال می‌آید اما وقتی که پیر می‌شدند تعجب می‌کردند که چرا حضرت نیامد، در بعضی از افراد ساده لوح، در اوایل غیبت کبری در اثر تصور

۱. اکمال الدین صدوق ج ۲، ص ۴۳ و در اینجا بعضی از اشعار دعبل را درباره اهل بیت ذیلاً نقل می‌کنیم.

و منزل وحي مُقَرَّر العرصاتِ
و آیدیه من فیئهم صَفَرَاتِ
أَكْفَأَ عَنِ الْاوتار منقبضاتِ
وَ أَنسى لَأَرْجوا الأَمَن بعدَ وفاتنی
تضمنها الرحمان فی العُرُفاتِ

أَلَحَّتْ عَلی الاحشاء بالزُّفَرَاتِ
يُفَرِّجُ عَنَّا الهَمَّ وَ الكسراتِ
يقوم على اسم الله و البركاتِ

مدارس آیاتِ خَلَّتْ مِنْ تِلَاوَةِ
أَرى فِئئهم فی غیرهم مُتَقَمَّماً
اذا وَتروا مدوا الی وانسره
لَقَدْ خَفْتُ مِنَ الدنیا و ایام شعیها
و قسیر ببغداد لِنفس زکِیةِ

سپس فرمود:

و قسیر بطوس یالها من مصیبة
الی الحشر حتی یبعث الله قائماً
خروج امام لامسحالة خارج

غلطی که از معنای انتظار فرج داشتند، و توقع ظهور حضرت را در زمان حیات خود می نمودند. این فکر غلط نتایج منفی به بار آورد؛ بعضی ناامید شدند، بعضی تاریخ دیگر معین کردند و ...، غافل از اینکه فهم روایت همیشه آسان نیست بلکه چنان که قبلاً انتظار را به عام و خاص تعریف نمودیم، بسیاری از روایات، مؤمنین را به انتظار عام؛ یعنی امید به گشایش کار مسلمین و نفوذ اسلام دعوت کرده که همیشه در حال وقوع است و بعضی روایات، انتظار خاص، یعنی؛ انتظار ولی عصر را می گوید که این هم انتظار فتح بزرگ اسلام است و پیامبر و ائمه منتظر آن بوده و آرزوی آن را داشته اند.

این کار شدنی و وعده الهی است و معلوم است که بعد از علائم و نشانه هایی که پیشوایان معصوم داده اند اتفاق خواهد افتاد. **لازمه انتظار فرج این نیست که در زمان حیات ما باشد، بلکه در زمان حیات بندگانی است که، آن زمان علامات ظهور را دارا باشد.** در هر حال چون بزرگترین فتح اسلام است، هنگام ظهور شایسته است ما، شما و هر مسلمان آرزوی یاری آن حضرت را داشته باشیم، و **آرزو کنیم اگر مرگ ما فرا رسید کاش زنده می شدیم، می دیدیم و حق را یاری می کردیم.** این نیت و عقیده علامت دوستی حق، دوستی ترویج دین خداوند، فضیلتی بزرگ و افضل عبادات است. چه اینکه موقع ظهور باشیم یا نباشیم.

دامن زدن به ظلم و فساد

انسان سست اراده تصور می کند، مفهوم علائمی که برای ظهور حضرت از طرف معصومین بیان شده آن است که باید چنین و چنان شده، ظلم و ستم فراگیر، و ... پس باید امر به معروف نکرد. و خدای نخواستہ با رواج منکرات همراهی کرد تا زودتر فساد همگانی و ظلم شدت بگیرد تا حضرت زودتر بیاید.

گرچه این طرز فکر، ارزش جواب ندارد ولی از آنجا که این توهم وجود دارد

جواب آن را به طور مختصر بیان می‌کنیم:

جواب اول: شخص پیامبر و ائمه ما این همه علائم را بیان کرده‌اند از همه مردم برای مبارزه با هر فساد و منکر بیشتر مجاهدت می‌نمودند و هم چنین مسلمانان همیشه موظف به تزکیه و تهذیب بوده‌اند، پس روشن است که منظور این نیست که باید چنین و چنان شود بلکه منظور این است که، برخلاف رضای خدا و رضای پیامبر و تلاش رسول‌الله و مؤمنان اوضاع چنین خواهد شد، اما نباید کار به آنجا برسد که جهان برخلاف دستورات دین حرکت کند؛ جبهه مخالفان حق و فریبکاران روز به روز رونق گرفته، لازم شود که ولی عصر در سخت‌ترین شرایط بیاید.

جواب دوم: پیامبران و امامان اتفاقاتی که در آینده می‌افتد را قبل از وقوع آن به واسطه علمی که دارند مطلع شده و به مردم گوشزد می‌نمایند. به این مثال توجه کنید، گرچه مثال نمی‌تواند گویای همه مطالب شود، ولی انسان را در فهم این قضیه کمک می‌کند: اداره هواشناسی اطلاع می‌دهد که مثلاً قسمت شرق یا غرب ابری یا بارانی خواهد شد، بعداً ما ملاحظه می‌کنیم که به همان صورت واقع می‌شود یا فردی خواب می‌بیند و بعداً مصداق پیدا می‌کند؛ آمدن ابر و باران یا تعبیر شدن خواب جریاناتی هستند که اگر هواشناس نگفته بود و یا این که آن شخص هم خواب نمی‌دید واقع می‌شدند.

جواب سوم: خداوند پاکی، تقوا، عمل شایسته، تسلط عدل را دوست دارد و ظلم، خیانت، کبر، غرور و... را دوست ندارد. (و این معنا یک اصل قطعی و همیشگی است.)

«انّ الله يحبّ المتقين ان الله يحبّ المقسطين - يحبّ المحسنين - يحبّ المتطهرين انّ الله يحبّ التّوابين لا يحبّ الظالمين ... لا يحبّ الخائنين»

توضیح: البته ذات خداوند مرکب نیست که مثل انسان محل حبّ و بغض و دگرگونی باشد، بلکه منظور از حبّ خدا یعنی مترتب شدن آثار حبّ و آثار بغض

است که در عالم معنا پدید می‌آید و این آثار پس از مرگ برای انسان ظاهر می‌شود و گاهی آثار حب و بغض در دنیا ظاهر می‌گردد. بهر حال اثر آن قطعی است، مثلاً می‌فرماید: «انَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازاً» رستگاری برای متقین است و ...

ارزش خوبی‌ها از قطعیات است؛ عقل، قرآن، حدیث، دیگر کتب آسمانی و فطرت، در این جهت یک صدا هستند و همیشه این مبانی باید جهت دهنده انسان باشد.

آیا ممکن است خداوند و ولی عصر (عج) از این مبانی محکم منصرف شده تا مردم بگویند دست از شایستگی‌ها برداریم و به دنبال ناپاکی برویم تا امام عصر زودتر ظهور کند؟

جواب چهارم: ظهور برای چیست؟ آیا هدف اصلی ظهور، زنده کردن ارزش‌ها، پاکی‌ها، عدالت‌ها و ... نیست؟ در واقع ظهور، وسیله‌ای برای گسترش پاکی و زدودن ناپاکی‌هاست و هدف امام عصر نیز همین است؛ باید قبل از ظهور به هدف آن حضرت نزدیک شده و خشنودی او را به دست آوریم تا اینکه افراد صالح زیاد و فاسد کم گردد.

در واقع این فاسدالعمل‌ها بودند که موجب قتل و آزار انبیاء و اولیاء شدند و موجب زحمت و رنج برای ولی عصر و افراد مؤمن و پاک بوده و سرانجام بر جمعیت سفیانی‌ها و دجال‌ها می‌افزایند.

پس چگونه ما در فکر اصلاح نبوده و خدای ناخواسته به فساد و ظلم دامن بزنیم.

جواب پنجم: رسول خدا و ائمه دیگر که از احوال آخر الزمان خبر داده‌اند و از طرف دیگر از کسانی که در آن زمان راه فساد و گناه رفته، اظهار دلتنگی کرده‌اند و حتی به دنبال بعضی روایات صریحاً فرموده‌اند: «ما از آنها بیزاریم» ... یا فرموده‌اند: «آنها از رحمت حق دور هستند» یا به عکس از بعضی تعریف کرده‌اند که: برادران ما در آخر الزمانند که در شرایط سخت، ایمان خود را حفظ می‌کنند».

وجود این مطالب می‌فهماند که باید از گناه دوری کنند و به طرف صلاح و بندگی حق قدم بردارند. پس صالح شدن قبل از ظهور ارزش بزرگی است و صالح شدن بعد از ظهور و بعد از دیدن قدرت بزرگ ولی عصر ارزش قبل آن را ندارد. چنانچه قرآن، بین هجرت قبل از فتح و بعد از آن را تفاوت گذاشته است.

جواب ششم: در روایات ما امام عصر به عنوان مضطرّ یاد شده است یعنی؛ راهی برای اصلاح جهان جز قدرت فوق‌العاده حضرت نیست، به این معنا که عمل ظالمان و فاسدان موجب غیبت و ظهور او است اگر مردم صالح بودند ائمه هدی به راحتی در میان آنها پیشوایی کرده و امام دوازدهم هم مضطرّ به غیبت و قیام با سیف نبود. بنابراین هیچ توجیهی برای قدم برداشتن در راه فساد و بی‌تقوایی وجود ندارد.

فصل ششم

انتظارات امام عصر (عج)

از ما

امام عصر به لحاظ این که جانشین رسول الله است نمونه‌ای زنده از شخصیت و مرام رسول اکرم است بنابراین آنچه رسول الله از ما انتظار دارد، در واقع انتظار خداوند از ما است و حضرت ولی عصر هم همان توقع را دارد^۱ ما که ولایت خدا، رسول و امام را بر ولایت خودمان بر خودمان مقدم می‌داریم، باید انتظار آنها را برآورده کنیم، انتظار آنها این است که از جهل در آییم، به مسائل خود معرفت پیدا کنیم، حق و باطل را بشناسیم، واجب را لازم الاجرا بدانیم، از حرام کناره بگیریم، تا آنجا که استطاعات داریم خشنودی آنها را فراهم کنیم، تولی و تبری را در قلب و عمل حفظ کنیم، محبت آنها را بر محبت دنیا و مال و جاه و شهرت و ... مقدم بداریم و تعلق‌ها را الهی نماییم.

به این داستان توجه کنید:

(اگر انسان از رنگ تعلق آزاد باشد، از محضر امام فیض می‌برد)

غلام همت آنم که زیر چرخ کبود ز هرچه رنگ تعلق پذیرد آزاد است
مرد صالحی که در بصره عطاری می‌کرد، داستان شیرینی دارد، می‌گوید: روزی در مغازه (عطاری) نشسته بودم، دو نفر برای گرفتن سدر و کافور به دکان من آمدند از گفتار و سیمای آنان چنین دریافتم که اهل بصره هستند، از حال و دیار آنان پرسیدم کتمان کردند، هر چه اسرار کردم آنها حاضر به معرفی خود نشدند تا آن که آنان را به حق رسول الله ﷺ سوگند دادم و اصرار کردم که بگویند چه کسانی هستند؛ چون دیدند من دست بردار نیستم گفتند: از ملازمان و چاکران درگاه حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه هستیم. شخصی از نوکران درگاه حضرت از دنیا رفته و ما مأمور هستیم که از شما

۱. ما اتینکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا
و ما ارسلنا من رسول الا لیطاع باذن الله
اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم

سوره حشر آیه ۷
سوره نساء آیه ۶۴
سوره نساء آیه ۵۸

سدر و کافور خریداری کنیم؛ فهمیدم که از یاران آن حضرت هستند، بی اختیار به دست و پای آنها افتادم و تضرع و زاری کردم که حتماً مرا به محضر حضور ببرید.

آنها گفتند: (ما نمی توانیم این کار را بکنیم) منوط به اجازه خود حضرت است، گفتم: مرا نزدیک مقام حضرت ببرید اگر اجازه دهند زهی سعادت؛ آنها امتناع کردند، باز اصرار زیادی نمودم، دل آنها به حال من نرم شد و به من ترحم کردند، به من قول دادند که مرا تا نزدیک مکان حضرت ببرند. سدر و کافور را به آنها داده با شتاب در مغازه را بستم و به دنبال آنها روانه شدم تا به ساحل دریای عمان رسیدیم؛ (بعید نیست با طی الارض به این نقطه رسیده باشند) آن دو نفر بدون احتیاج به کشتی روی آب قرار گرفتند اما من جرأت نمی کردم مثل آنان پا بر آب بگذارم، آنها رو به من کرده و گفتند: نترس؛ خداوند را به حضرت حجت سوگند بده و حرکت کن؛ من چنین کردم و بر روی آب مانند زمین خشک به دنبال آنها می رفتم، میان دریا رسیدیم، هوا بارانی شد از آنجا که من قبل از حرکت صابون پخته و بر پشت بام مغازه آفتاب کرده بودم تا خشک شوند؛ همین که باران را دیدم خیال صابون فکرم را احاطه کرد (چون دلم متوجه ضرر دنیوی شد در بهترین جا، **صفت شوم حرص و طمع** بروز کرد) همین طور که فکر می کردم صابون ها در باران خراب می شود... پاهایم در آب فرو رفت، به کمک فن شنا که آشنا بودم خود را نگه داشتم و فریاد می زدم آن دو نفر رو به عقب کردند و عجز و لابه مرا دیدند، مرا گرفتند و گفتند: بار دیگر خداوند را به حضرت حجت سوگند بده، من با تضرع و زاری خداوند را به حضرت سوگند دادم، توانستم روی آب بایستم، به راه رفتن ادامه دادم، (چیزی نگذشت) به ساحل دریا رسیدیم، خیمه پیدا شد **گویا شجره طور بود**، جذبه آن مکان مرا گرفت، فهمیدم پایان آرزوها در اینجا است، یکی از همراهان رفت برای من اجازه بگیرد که به آن مکان راه یابم، فقط صدایی شنیدم که او را برگردانید او مردی صابونی است. (یعنی اعماق قلب

او به دنیا تعلق دارد و قابلیت پیدا نکرده) به هر حال به محل خود برگشتم^۱. بنابراین کسی که می خواهد منتظر واقعی حضرت باشد و یا میل دارد در رکاب حضرت قرار گیرد باید بر قلب خود و علاقه های دنیوی خود مسلط باشد تا در موقع لزوم بتواند یکسره از آن ها بترسد و در حبّ محبوب ذوب شود.

خواسته (دعای حضرت حجت)

اگر انسان بخواهد هدف امام عصر را از لب های مبارکش استماع کند به دعایی که ذیلاً بیان می شود توجه نماید و اگر به دنبال مفاهیم آن، تلاش عملی نماید محبوب خداوند و امام عصر است.

این دعا بازگو کننده ارزش های انسانی است و کسی که چنین ایده هایی دارد عکس آن قدم بر نمی دارد.^۲

بار پروردگارا! توفیق طاعت و دوری از معصیت و صدق و اخلاق در نیّت و عرفان حرام عنایت فرما، (خداوندا) ما را بر صراط هدایت و استقامت موفق بدار، سخن ما را به صحّت و حکمت مستحکم، قلوب ما را از دانش و معرفت، پُر و لبریز نما و شکم های ما را از حرام و آنچه نزدیک به حرام است پاک کن و دستان ما را از ستمکاری و سرقت نگاه دار - چشم و بینایی ما را از فجور و خیانت، شنیدن های ما را از لغو شنیدن و غیبت (مؤمنان) محفوظ کن. بر علمای ما به زهد و خیرخواهی منت بگذار و بر دانش طلبان به تلاش و شوق و بر شنوندگان مطالب حق به تبعیت و پند

۱. داستان را دارالسلام عراقی ص ۱۷۲ و پندهای جاویدان ص ۱۳۶ و اسرار و فوائد وجود حضرت ولی عصر ص ۱۸۲ نقل کرده است.

۲. اللهم ارزقنا توفيق الطاعة، و بعد المعصية و صدق النية و عرفان الحرمة و اكرمنا بالهدى و الاستقامة و سدّد السبيلنا بالصواب و الحكمة و املأ قلوبنا بالعلم و المعرفة و طهر بطوننا من الحرام و الشبهة و اكفف ايدينا عن الظلم و السرقة و اغضض ابصارنا عن الفجور و الخيانة، و اسدّد اسماعنا عن الغو و الغيبة.

و تفضّل على علمائنا بالزهد و النصيحة، و على المتعلمين بالجهد و الرغبة و على المستمعين بالاتباع و المؤعظة و على مرضى المسلمين بالشفاء و الراحة و على موتاهم بالرأفة و الرحمة و على مشايخنا بالوقار و السكينة

گرفتن و بر بیماران مسلمین به شفا و راحت شدن و بر اموات آنان به رأفت و رحمت و بر پیران به حفظ وقار و آرامش (دوری از سبک سری و فتنه) و بر جوانان به توبه و انابه، و بر زنان به حفظ شرم و رعایت عفت تفضل کن و بر اغنیاء بر رعایت تواضع و دست باز بودن، و بر فقراء به استقامت و قناعت کردن (دوری از طمع و تملق...) و بر جنگجویان مسلمان به پیروزی و فتح و بر اسیران و افراد دربند به رهایی و آسایش و بر امیران به عدل و شفقت و بر رعیت به انصاف (دوری از تجاوز به مال و حیثیت و آبروی دیگران) و نیکی اخلاق و رفتار لطف فرما و بر حجاج و زوار در توشه و هزینه برکت بده و در به جا آوردن مناسک حج و عمره یاریشان فرما با فضل و رحمتت، ای مهربان‌ترین مهربانان (با همه آنها مرحمت کن)^۱

توضیح: اگر خودمان را چنان بسازیم که همسوی ولی عصر (عج) در خواسته‌هایمان باشیم راه اصلاح را خواهیم یافت. راه اصلاح در جملات این دعا ذکر شده، باید قبل از دعا کردن علاقه‌مند به صفات ذکر شده در دعا بوده و متناقض با این صفات قدم برنداریم تا این که از دعا بهره گیریم، زیرا اول، عشق به خواسته و بعد تصمیم و دعا است.

اگر ما تصمیم بر عمل به مضامین دعا نداشته باشیم دعای ما و دعای کسی دیگر در ما اثر نکند؛ چنانچه می‌بینیم حضرت ولی عصر (عج) برای همه دعا کرده ولی فقط افراد لایق اصلاح شدند پس باید قابلیت جذب دعا را داشته باشیم.

سخنی درباره استجاب دعا امام (عج)

۱. وَ عَلَيَّ الشَّبَابِ بِالْأُنَابَةِ وَ التَّوْبَةِ وَ عَلَيَّ النِّسَاءِ بِالْحَيَاءِ وَ الْعِفَّةِ وَ عَلَيَّ الْأَغْنِيَاءِ بِالتَّوَاضُعِ وَ السَّعَةِ وَ عَلَيَّ الْفُقَرَاءِ بِالصَّبْرِ وَ الْقَنَاعَةِ وَ عَلَيَّ الْعَزَاةِ بِالنُّصْرِ وَ الْعَلْبَةِ وَ عَلَيَّ الْأَسْرَاءِ بِالْخُلَاصِ وَ الرَّاحَةِ وَ عَلَيَّ الْأَمْرَاءِ بِالْعَدْلِ وَ الشَّفَقَةِ وَ عَلَيَّ الرِّعِيَةِ بِالْإِنصَافِ وَ حُسْنِ السِّيَرَةِ وَ بَارِكْ لِلْحُجَّاجِ وَ الزُّوَّارِ فِي الزَّادِ وَ النُّفْقَةِ وَ اقْضِ مَا أَوْجَبْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْحَجِّ وَ الْعُمْرَةِ بِفَضْلِكَ وَ رَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

حضرت ولی عصر (عج) برای امور مردم (همانند انبیاء و ائمه) دعا می‌کند و از خداوند برای آنها خیر می‌طلبد.

دعا کردن انبیاء و ائمه و دعای ولی عصر از نظر استجابت چه رتبه‌ای دارد؟ آیا مستجاب است؟ اگر مستجاب است پس چرا (چنانچه در دعا خواسته شده) توفیق عبادت و ترک معصیت و صدق نیت و عرفان حرام و استقامت و ... به همه داده نشده و اگر غیر مستجاب است چرا؟

جواب: خواست و اراده دو نوع است: ۱. اراده و خواست طبیعی که در همه انسان‌ها وجود دارد؛ ۲. اراده فوق طبیعی که همان تکوینی است (خداوند صاحب همین دو نوع اراده و خواست هست) و امام علیه السلام که جانشین خداوند در زمین است به اذن خداوند واجد این دو مرتبه است.

بنابراین معمولاً خواسته‌ها با اراده طبیعی بروز می‌کند نه اراده تکوینی و اعجاز آمیز، بلکه اگر با خواست تکوینی در مخلوقات اراده تصرف نمایند همه چیز وفق مرادشان خواهد شد، اما از اراده تکوینی کمتر استفاده می‌کنند و مشاهده می‌کنیم که خداوند حکیم هم غالباً اراده تکوینی را استعمال نمی‌کند^۱ و گرنه همه انسان‌ها مطیع و تسلیم حق بودند. خدایی که همه را از عدم آفرید و سبب‌ساز و سبب‌سوز است و آتش را بر ابراهیم گلستان نمود پرکاری که ما آن را مشکل و بالاتر از مشکل بدانیم به سهولت انجام می‌دهد، پس امام و معصومین دیگر از اراده تکوینی استفاده نمی‌کنند و سنت الهی در مورد آزمایش بندگان را حفظ می‌کنند؛ این که بعضی‌ها تصور می‌کنند اگر پیامبر یا امام میان مردم باشد، مثلاً احتیاج به دارو و دکتر نیست یا کارهای مردم بدون اسباب طبیعی انجام می‌شود، صحیح نیست.

بنابراین دعای حضرت ولی عصر «عج» از خواست تکوینی آن حضرت منشأ

۱. اراده تکوینی خداوند در آیات متعدد ذکر شده از جمله (فاذا قضی امرأ فانما یقول له کن فیکون سوره مؤمن آیه ۷۱) و اراده غیر تکوینی که گاهی از آن به تشریحی تعبیر می‌شود نیز در آیات متعدد ذکر شده از جمله ... ان کان الله ان یغویکم سوره هود آیه ۳۷ یا آیه کن من الشاکرین سوره زمر آیه ۶۷.

نگرفته و دعایی طبیعی است که به خاطر سعادت و خیرخواهی مردم، درباره آنها فرموده است، ضمناً موارد خواستن را آموخته است.

در این جا ممکن است سؤالی به ذهن آید که اصولاً چرا باید دعا کرد؟ و می دانیم آنچه را که ما می خواهیم فقط با دعا شکل نمی گیرد چرا دعا کنیم؟ جواب سؤال اول این است: دعایی که واجب است نماز است که با زبان و دل و جوارح به جا می آوریم. دعاهای دیگر واجب نیست و ما قصد پرداختن به این بحث را در این کتاب نداریم. البته این مطلب قابل ذکر است که دعای غیر لفظی زیاد وجود دارد که از حد مستحب بالاتر است، مثلاً باید دعای (خواسته) هر فرد چنین باشد که در قلب او آرزوی بهروزی مؤمنان را داشته باشد ولو به زبان نیاورد و این از واجبات قلبی است. **خواسته واجب دیگر این است که هدایت خود و دیگران را طالب باشد و یا طالب رونق معروف و محو فساد و منکر باشد.**

جواب سؤال دوم این است که اصولاً خواسته و دعای خیر نقش های سازنده زیادی دارد: ۱- روح ایمان و پاکی و فضیلت را در انسان تقویت می کند؛ ۲- رابطه انسان با خداوند را خاشعانه و زنده تر و محکم تر می کند؛ ۳- روح توحید افعالی بلکه توحید ذات و صفات را پرتوان می نماید. و اگر دعا برای دیگران باشد مضافاً به این که نوعی یاد خداوند است روح توحید را زنده می کند و فضیلت دعای فردی را نیز دارد و انسان را از خودگرایی و خودخواهی و کبر و حسد و ... دور می کند و به احساس همنوع دوستی انسان می افزاید؛ ۴- در مواردی هم احیاناً آثار اجابت حتی بصورت فوری و معجزه آسا داشته و دارد.

خواسته امام عصر از ما، همان خواسته خداوند است

از آنجا که امام عصر (عج) خلیفه الله است همان انتظاری را که خداوند از ما دارد آن حضرت هم بدون کم و زیاد دارد، به طور خلاصه، مصداق دادن به کلمه ایمان و اعتقاد

و سپس رفتار صالح و شایسته^۱ مورد انتظار خداوند امام عصر است که ریز آن‌ها در کتب معتبر اسلامی هست، چنانچه از بیان علایم ظهور تا حدی روشن می‌شود که چه چیزهایی مبعوض و چه چیزهایی محبوب خداوند است. این نکته مهم را نباید نادیده گرفت که در آیین سه چیز احتیاج دارد:

۱. شناخت اصول و فروع و اخلاق و مطالب لازم آنها، که در این راستا، وقت و حلم و حوصله لازم است و باید با تعقل و فکر و پی‌گیری، معرفت و شناخت صحیح را به دست آورد و گرنه سرنوشت تاریک است.

این معنا شامل شناخت مبدأ و معاد و شناخت آنچه ما را از مبدأ به معادی مطلوب می‌رساند، مانند شناخت رهبران الهی و در این وسط شناخت خودمان، مطرح می‌گردد که آیا قدر و هویت ما در میان پدیده‌ها چیست و ارزش ما به چیست و چه نیروهایی در ما وجود دارد که باید از قوه به فعل برسد و باید بدانیم جهانی بزرگتر در وجودمان که با بندگی حق شکوفا می‌شود. در کنار این شناخت، شناخت دنیا و تعلقات آن و اندازه ارزش آن و شناخت جهان بی زوال آخرت و اهمیت آن و آن‌گاه که این شناخت، دقیق شود به راحتی همه صفات ناپسند از باطن جان زدوده شده و معصیت از، کثافت ظاهری و لجن متعفن‌تر و از هر دشمن، منفورتر جلوه می‌کند.

در نتیجه عنصر استقامت دائمی در روح ما ایجاد می‌گردد؛ انسانی، صبور و وقور و شکور و قانع^۲.

آری امام عصر (عج) صاحبان صفات ذکر شده را خیلی دوست دارد چنانچه رسول خدا صاحبان این صفات را دوست داشته و از کسانی که عکس این صفات را دارا هستند، ناخشنود است، و از کسانی که دارای صفات ناپسند هستند و خلاف شرع

۱. إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا... فصلت/ ۳۰

۲. عن الصادق عليه السلام: ينبغي للمؤمن أن يكون فيه ثمانية خصال: وقور عند الهزاج، صبور عند البلاء، شكور عند الرخاء، قانع بما رزقه الله لا يظلم الأعداء ولا يتحامل الأصدقاء، بدنه منه في تعبٍ والناس منه في راحة إن العليم خليل المؤمن والجليل وزيره

خصال ص ۳۷۰.

را انجام بدهند و در عین حال آنها را جایز شمارند و معتقد شوند که اسلام آنها را تجویز کرده و یا صفت پسندیده یا کار شایسته‌ای را که اسلام به آن ترغیب کرده ناروا شمارد، این معنا را بدعت گویند که از همه امور قبیح‌تر است، امام عصر برای رفع بدعت‌ها ظهور می‌کند.

در اینجا اشاره‌ای به قُبْح و پلیدی بدعت (تغییر دستوری از دستورات دین با عنوان دین) می‌نماییم.

منفورترین کارها نزد خداوند و امام عصر (عج) بدعت‌گزاری و التقاط در دین است

رسول اکرم ﷺ فرمود: آنگاه که بدعت آشکار شد عالم باید علم خود را ظاهر کند و الاً منفور خداوند است.^۱

رسول اکرم ﷺ فرمود: کسی که با صاحب بدعتی همراهی کند در هدم و نابودی اسلام کوشیده است.^۲

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: همان مبعوض‌ترین افراد نزد خدای عزوجل دو فرد هستند: ۱. فردی که خداوند او را به خودش واگذار کرده و از راه صحیح بیرون رفته و شیفته بدعت نهادن است و نماز و روزه ورد زبان اوست، او موجب بدبختی آنهایی است که فریب او را می‌خورند، از هدایت گذشتگان دور و طرفداران خود را در زمان حیات خود و بعد از ممات خود به ضلالت می‌اندازد و **خطاهای آنها را به دوش می‌گیرد ...**

۲. فردی که میان جاهلان و انسان‌نماها دانا شمرده می‌شود، در حالی که از علم دور است و در موج‌های فتنه می‌ماند. (نمی‌تواند تصمیم صحیح بگیرد ...) ^۳.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ای مردم؛ آغاز به فتنه افتادن و گمراه شدن پیروی هوا و

۱. اصول کافی ج ۱، ص ۹۴. باب فضل العلم.

۲. اصول کافی ج ۱، ص ۹۴. باب فضل العلم.

۳. اصول کافی ج ۱، ص ۹۵. باب فضل العلم.

تبعیت از احکامی هست که مخالف قرآن باشد که در این مطلب افرادی دیگر را دنبال کنند. اگر باطل به طور عریان و خالص رخ می نمود ترسی از گمراهی خردمندان پیش نمی آمد (عاقل گمراه نمی شد) و اگر حق هم خالص رخ می نمود، اختلافی نبود؛ اما مُشتی از حق و مُشتی از باطل را به هم می آمیزند و ارائه می کنند، اینجا هست که شیطان بر دوستان خود مسلط می شود ولی مؤمنان حقیقی نجات می یابند.^۱

فصل هفتم

نشانه‌های آخر الزمان

و

فتنه‌های آن

(خصوصیات اهل آخر الزمان)

تذکری درباره علائم آخر الزمان و فتنه‌های آن

از آنجا که غرض از نگارش این کتاب توجه دادن مردم به نشانه‌های ظهور حضرت حجت (عج) و آنچه قبل از ظهور در آخر الزمان واقع می‌شود، می‌باشد. از این رهگذر شناختی نسبت به آخر الزمان و انحرافات که در آن واقع خواهد شد پیدا می‌کنیم؛ زیرا در علایم و نشانه‌ها، مطالبی بیدار کننده وجود دارد؛ در واقع نسخه‌هایی برای شفای امراض معنوی در آنها نهفته است. آشنایی با علائم و نسخه‌ها از یک طرف شناخت و معرفت را زیاد می‌کند و از طرف دیگر آمادگی به وجود می‌آورد و آن آمادگی انسان را در طریق سعادت‌مندانه مقاوم می‌کند. اینک به علائم و نشانه‌ها و در ضمن آن به فتنه‌ها توجه فرمایید:

حتمی و غیر حتمی چیست؟

علائمی درباره آخر الزمان و ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه) از بیان مبارک رسول الله ﷺ و ائمه معصومین علیهم السلام ذکر شد. اگر شخص معصومی چیزی را که بیان کرده‌اند، به همان گونه واقع خواهد شد و قطعی و حتمی است و غیر آن معنا ندارد پس اگر در روایاتی چنین وارد شده که: «و من المحتوم قیام قائمنا. و ظهور السفیانی ...» منظور این بوده که **شنونده یقین کند، قبل از قیامت چنین خواهد شد؛** یعنی قبل از ظهور حضرت ولی عصر یا خروج سفیانی، ممکن نیست که زمین و خورشید متلاشی شده و قیامت برپا شود. درباره علائمی که مقدمه ظهور حضرت و قبل از آن واقع می‌شود، هر چه بیان شده قطعاً واقع خواهد شد و حتی علامتی نداریم که معصوم به عنوان قبل از ظهور بیان کرده باشد و حتمی نباشد؛ پس قول معصوم و عده او از طرف خداوند تضمین شده و قطعی است؛ (مگر آن که راوی اشتباه کرده یا علامتی را که معصوم نفرموده عمداً به نام آنها بیان کرده باشد که آن هم در اخبار

غیر معتبر و یا در اخبار آحاد است نه در اخبار متواتر و معتبر)^۱.
 از طرف دیگر ما لفظ غیر محتوم نداریم بلکه فقط و من المحتوم داریم آن هم
 برای مطمئن کردن مردم به این مسئله بوده، که ظهور حضرت حجت، قبل از رستاخیز
 حتمی است و این کلام، مؤمنان را از هر گونه تردید بیرون می آورد؛ و برای تأیید این
 سخن باید گفت که سؤال بعضی از راویان درباره قیامت بوده و جواب مناسب هم به
 بر پا شدن قیامت است.

از امام باقر علیه السلام سؤال شد: آیا آمدن سفیانی حتمی است؟ فرمود: بله؛ همچنین ندا و
 طلوع شمس از غروب خودش و اختلاف بنی العباس در حکومت و قتل نفس زکیه و
خروج قائم آل محمد (پیش از قیامت) از حتمیات است.^۲

توضیح: اگر کسی تصور کند یا پیشگوها بگویند: کرات آسمانی به هم نزدیک
 می شوند و یا حادثه‌ای در حرکت منظومه‌ها به وجود آمده که باعث ویرانی عالم است
 و یا افرادی قبل از علامات ذکر شده، از وقوع حادثه قیامت خبر بدهند، یا به هر دلیل
 مردم را ناامید کنند که؛ «حضرت ولی عصر «عج» پیش از متلاشی شدن عالم نمی آید»،
 دروغ است، پس علائم ظهور دو نوع نیست و کلمه «حتم» را رفع نموده است.

اخبار غیبی آخر الزمان در احادیث

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

«آیا شنیده‌اید، از سرزمینی که یک طرف آن خشکی و طرف دیگر دریا است؟
 عرض کردند: آری. فرمود: قبل از قیام حضرت، هفتاد هزار نفر از فرزندان اسحاق در

۱. احیاناً بعضی از دستورات (احکام) هم از طرف ائمه به صورت تقیه صادر شده که فقیهان ما مشخص کرده‌اند.
 ۲. الزام الناصب ص ۱۸۴ و ص ۶۸۴ - جمله طلوع شمس از مغرب خودش نیز بعد از ظهور است و در آستانه قیامت
 واقع می‌گردد. بله ممکن است به احتمال ضعیف موقع ظهور یا حضرت ولی عصر به خاطر رفع تردید مردم درباره حقیقت
 خود ساعت‌هایی همانند یوشع بن نون خورشید را راکد کند و در واقع زمین را راکد نماید.

آن جمع شده و خواهند جنگید.»^۱

به احتمال قوی آن سرزمین فلسطین است.

رسول خدا ﷺ فرمود:

«نزدیک به ظهور حجّت «عج» اهل مغرب صدای اهل مشرق و اهل مشرق صدای اهل مغرب را می‌شوند و قرآن را همراه با ساز و نوا خوانند و بر فضای آنها آهن حرکت کند و سرانجام بر آنها آتش بریزد که از هر هفت نفر (در بسیاری از بلاد)، پنج نفر تلف شوند.»^۲

کمیل بن زیاد گوید:

حضرت علی رضی الله عنه در کوفه قدم می‌زدند و من با ایشان بودم تا به مکانی رسیدیم؛ گفتند: ای کمیل اینجا مکان دفن تو هست؛ سپس با دست مبارک به طرف راست و چپ اشاره کرد و فرمود: اینجا و آنجا خانه‌هایی بنا می‌شود و هیچ خانه در آن امان نماند مگر داخل آن شیطان اریل وجود دارد.^۳

توضیح: اریل، دستگاه‌های تبلیغاتی مدرن و سائل ماهواره‌ای که مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد و این دستگاه به شیطان تعبیر شده، زیرا؛ غالب برنامه‌های جهانی قبل از ظهور، تقویت خطّ انحراف و منزوی کردن افراد صالح است.

عیوب مردم آخر الزمان

از رسول خدا نقل شده که فرمود: زمانی بر مردم بیاید که شکم‌های آنها، خدای آنها است (مثل خداپرستانی که به دنبال امر خدا می‌روند، همت آنها هم، این است که همه تلاش خود را در راه تغذیه خود صرف می‌کنند) و زنانشان قبله آنها است (بیش از حدّ وقت و عمر خود را در راه هوس و خواسته‌های آنها صرف می‌کنند و طبعاً از تلاش

۱. عن رسول الله: هل سمعتم بمدنیة جانب، منها فی البر و جانب منها فی البحر. يوم الخلاص ص ۵۸۵.

۲. ترجمه تذکرة المهدي ص ۲۶، منقول از بیان الانمه.

۳. بیان الانمه.

دینی باز می مانند) و دنانیر (و پول و اسکناس) به جای دین آنها محسوب می شود و از اسلام جز اسم آن نمی ماند و (و نام اسلام را بر روی مجموعه مسائل و قوانینی می گذارند که ربطی به آن ندارد و از قرآن و حدیث استخراج نشده، بلکه تراوش رأی و فکر آنها است) و از قرآن جز بحث و درس و خواندن آن چیزی نماند. (به آن عمل نمی شود)^۱

از رسول خدا نقل شده که فرمود: زمانی بیاید که مردم کسانی که در دین دانا هستند دوری کرده (و آنها را منزوی کنند) چنانچه، انسان از گرگ دوری می کند (به سوی عالم نماها و آنهایی که اطلاع دقیق از دین ندارند به خاطر مطابقت نمودن با رأی و خواسته آنها رو می آورند) وقتی این چنین شد، خداوند آنها را به سه چیز مبتلا می کند: -برکت از مال آنها می رود؛ (مالشان نتیجه معنوی به بار نخواهد آورد) قدرتمند جائز به آنها تسلط پیدا می کند؛ و از دنیا بدون ایمان خارج می شوند.^۲

از علی علیه السلام نقل شده که فرمود: در آخر الزمان (بدترین زمانها) زنانی پیدا شوند که پوشیده، ولی ناپوشیده اند (پوشش آنها جذاب و زننده است) در فتنه ها و کارهایی که مربوط به مسایل مهم اجتماع است، داخل شوند و به خواسته های دل رو می آورند، (اعتنایی به دین خدا ندارند) فقط به لذات و خوش گذراندنی رو آورده، (حوصله تعبد و بندگی ندارند) حرام ها را حلال می شمردند اینها در عذاب خداوند جاوید خواهند بود.^۳ (مگر آن که جاهل قاصر باشند)

همچنین پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

-وضع شما چگونه است؟ وقتی که زنان شما تباه شوند، (تن به وظیفه دینی خود ندهند) و جوانان شما فاسق و بی بندوبار گردند و امر به معروف و نهی از منکر ننمایید؟ عرض شد یا رسول الله چنین خواهد شد؟ فرمود بله، و از این بدتر چگونه

۱. جماع الاخبار و بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۹۰... الزام الناصب ص ۲۱... ینابیع المودة ج ۳، ص ۱۰۰.

۲. منتخب الاثر ص ۴۳۸.

۳. وسیلة العفاف.

هستید آن وقت که به انجام منکر فرمان دهید و از معروف جلوگیری کنید ... و معروف را منکر و منکر را معروف پندارید.^۱

- زمانی آید که بیشتر مردم و جوهر و صورت آدمی، ولی روح آنها هم چون روح شیطان می‌گردد.^۲

- زمانی بیاید که اگر کسی بخواهد بر دین استقامت کند، گویا خرده آتش بر کف دست گرفته است.^۳

چگونه هستید وقتی که دین مختلط و مضطرب گردد احکام الهی کذب، و تفسیر به رأی صورت گیرد و رغبت به دنیا (و تجملات و زرق و برق و ثروت اندوزی) (همه جا) نمایان باشد و (سرانجام) خانه کعبه دچار حریق شود و بناهای بلند و زیبا ساخته شود و برادرها با هم در نزاع باشند.

امام باقر علیه السلام فرمود: (در آن زمان) ورع و پرهیز از حرام بسیار کم و طمع بسیار زیاد و مؤمن، کم سخن گوید؛ زیرا قول او پذیرفته نیست و بسیاری از مردم دروغ‌پردازی می‌کنند و کسی مانع آنها نشود، فاسق به خاطر فسق، تعریف می‌شود.^۴

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

از مخوف‌ترین چیزها که بر شما خوف دارم (موجب تباهی ایمانتان گردد) این است که؛ مال (در امت من) زیاد شود و دنبال آن حسدها و سپس کشتارها فراوان گردد.^۵

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: زمانی بیاید که امت من دچار خبث هدف‌ها و نیت‌ها شوند در حالی که ظاهر آنها شایسته جلوه می‌کند؛ و این به خاطر طمع آنها به دنیا

۱. کافی

۲. جامع الاخبار

۳. جامع الاخبار

۴. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۵۶.

۵. اخوف ما اخاف علی امتی ان یكثر لهم المال فیتحاسدون و یقتتلون

می باشد، به واسطه آنچه در دنیا می خواهند، از آنچه نزد خدا است قطع امید کنند؛ کارهای آنها ریایی است و انگیزه خوف خداوند ندارند، خداوند آنها را به طور دسته جمعی به عقاب گرفتار نماید و همچون انسان غریق، دعا کنند اما اجابت نشود^۱. (نیکان هم در دنیا بخاطر اعمال بدان، گرفتار شوند اما اجر خوبان نزد خداوند در قیامت محفوظ است).

باز از رسول خدا ﷺ روایت شده که فرمود: زمانی بر امت من فرارسد که؛ امیران (زمامداران) آنها به راه جور و بیداد، و علما و دانایان آنها بر راه طمع (مال و مقام...) باشند. عبادت کنندگان آنها ریایی، تُجَّار آنها رباخوار، زنان آنها خودنما (آرایش نموده و در معرض عام بیایند) پسران آنها به نکاح درآیند، در آن زمان، کسادی امت من (خالی بودن آنها از آثار ایمان) مانند کسادی بازارهاست، (از خرید و فروش)، انسان مستقیم در آنها نیست، (جز بسیار اندک) اهل قبور از خیر آنها بهره مند نشوند. (اگر مالی خیرات و انفاق کنند از حرام است و مردگان از آن سود نمی برند).

علی علیه السلام فرمود:

حضرت مهدی کجا ظهور می کند؛ و حال آن که روزگار به مشکل نرسیده و جفای برادران به یکدیگر عمومی (و شدید) نشده و ظلم سلطان فراگیر نگردیده و هنوز زندیقی (مخالف مذهبی) در قزوین^۲ بر سر کار نیامده تا آن که پوشش ها را هتک و بزرگان و علماء را ناچیز شمرد کسی که آن زمان را درک کند؛ اگر از او فرار کند او را دستگیر و اگر با او بجنگد او را به قتل برساند و کسی که از او دوری کند و نجات یابد، باید مفتخر باشد و کسی که پیرو او باشد راه کفر را رفته. در آن زمان دو نوع گریه کننده

۱. عن ابی عبدالله علیه السلام قال قال رسول الله ﷺ سیأتي علی امتی زمانٌ تخبث فیہ سرائرهم تحسن فیہ علانیتهم، طمعاً فی الدنیا، لا یُریدون به ما عند الله عزوجل، یكون أمرهم ریاءً لا یخالطه خوف یعمهم الله بعقاب فیہ فیدعونه دعاء الغریق فلا یستجاب لهم
ثواب الاعمال / ۳۰۱.

۲. اطراف دریاچه خزر را قزوین می گفتند و دریاچه خزر را قزوین می گفتند و دریاچه آن را بحیره قزوین می نامیدند.

است؛ گریه کننده بر دین خود و گریه کننده‌ای بر دنیایش ...^۱.
(بعید نیست مصداق زندیق رضاخان باشد).

حدیث صعصعه از امیرالمؤمنین علیه السلام درباره فتنه‌ها

روزی علی بن ابیطالب علیه السلام ضمن سخنرانی فرمود: «سَلُونِي أَيُّهَا النَّاسُ قَبْلَ أَنْ تُفْقِدُونِي» قبل از این که من از میان شما بروم مشکلات خود را پرسید. «صعصعة بن صوحان» که از اصحاب آن حضرت بود، بلند شد عرض کرد: یا امیرالمؤمنین دجال چه زمانی^۲ خروج می‌کند؟ حضرت فرمود؛ بنشین، که سؤال شونده، این مسئله را بیش از سؤال کننده نمی‌داند (یعنی تاریخ روز خروج او را) اما برای آن علامت‌هایی است که پی‌درپی پیش می‌آید، (سپس دجال پیدا می‌شود) اگر می‌خواهی، برایت بگویم. عرض کرد؛ ای امیرمؤمنان چرا نخواهم حضرت فرمود: حفظ کن که آن علامت‌ها چنین است: آن‌گاه که نماز بمیرد (غالب مسلمین نماز را رها کنند) و امانت را تباه نمایند (رد امانت نکنند) و دروغ روا و جایز شمرده شود و رباخواری رایج و از رشوه پرهیز نشود (یعنی رشوه و ربا امری عادی شود) و بناها و ساختمان‌ها، بسیار محکم و زیبا ساخته شود (ثروت‌هایی که باید در راه آخرتشان صرف شود به خاطر علاقه به دنیا خرج بناهای دنیوی و تجمل آنها گردد) و دین را بدهند و دنیا را بگیرند (تا آنجا دین را می‌خواهند که به منافع دنیای آنها ضرری نخورد) و افراد سفیه

۱. عن علی علیه السلام: اَنِّي يَكُونُ ذَلِكَ اِي خُرُوجِ الْمَهْدِيِّ وَلَمْ يَعْضُ الزَّمَانُ اَنِّي يَكُونُ ذَلِكَ وَلَمْ يَجِفِ الْاِخْوَانُ اَنِّي يَكُونُ ذَلِكَ وَلَمْ يَظْلَمِ السَّلْطَانُ اَنِّي يَكُونُ ذَلِكَ وَلَمْ يَقَمْ الزَّنْدِيقُ مِنْ قَرْوَيْنِ فَيَهْتِكُ سَتُورَهَا وَيَكْفُرُ صُدُورَهَا (ای سادتها) ... و من فرّ منه ادرکه و من حاربه قتله و عن اعترله افتخر و من تابعه كفر حتى يقوم باكيان باک علی دینه و باک ييكي علی دنیا الغيبة للطوسي ص ۲۶۹، منتخب الاثر ص ۴۴۱، البحار ج ۵۲، ص ۲۱۲، بشارة ص ۶۵... ینابيع المودة ج ۳ ص ۶۶ اول آن.

۲. دجال مردی بسیار فریبکار است که طرفداران زیادی پیدا می‌کند افرادی که در دین خود عمق ندارند و کتاب و سنت را کنار می‌گذارند مجذوب او می‌شوند و از روایات استفاده می‌شود که اظهار خداپرستی می‌نماید ولی راه و رسم پیامبران خدا را کنار می‌زند «این مطلب از عبارات کتاب علم الیقین فیض ص ۱۸۰ چاپ قدیم روشن می‌شود»

(بی اطلاع از عاقبت امور) را عامل و کارگزار مردم نمایند و با زنان به مشاوره و نظرخواهی بپردازند (در اموری که ربطی به زنان نداشته و در شأن مردان است؛ مثل امور مهم سیاسی و اجتماعی که نظر زنان شرط بوده و رأی آنها معتبر شمرده شود)^۱ و صله رحم نکنند (تفاوتی که از نظر مال و مقام و سطح فرهنگ میان افراد پیش می آید موجب دوری از یکدیگر می شود در بعضی موجب غرور و تکبر و نهایتاً به قطع رحم می انجامد) و مردم پیرو خواهش ها و افکار خود شوند (رأی و فکر و منویات خود را با قرآن و سنت منطبق نکنند) افسارگسیخته و بی بند و بار شوند و به قتل رساندن افراد را، کوچک و سبک می شمردند (با خصومت های جزئی، کشتن مسلمان را روا دانسته) و علم (علم حقیقی مثل فقه صحیح و اعتقادات صحیح) ضعیف گردد و ستمکاری (حق دیگران را به خود اختصاص دادن و دیگران را محروم و مصدوم نمودن) افتخار شمرده می شود (زیرا نظام سیاسی، نظامی و اقتصادی ناعادلانه خواهد شد) و صاحبان فرمان، و حاکمان، فاجر و معصیت کار، وزیران و مشاوران ظالم باشند. عُرُفا خیانت کار گردند (شناخت و عرفان حقیقی را کتمان کنند و به خاطر شهرت خواهی و حبّ جاه هم رنگ اجتماع باشند) و قاریان و گویندگان، فاسق و بدکار باشند (خود را با قرآن تطبیق نمی کنند، گویا قرآن برای غیر آنها است. آنها فقط گوینده آیات و توضیح دهنده آنها هستند اما غالباً برخلاف گفته خود عمل نموده و تعداد کمی اهل عَمَل می باشند) و شهادت و گواهی مغرضانه زیاد خواهد بود و

۱. آنها که می خواهند زن را از شخصیت زن بودن خارج کنند از طرفی به جامعه زنان در دراز مدت ضربه زدند و از طرف دیگر به مجموع اجتماع، خداوند بهشت و سعادت را آسانتر به زنان عنایت می کند جهاد که طبعاً با مشکلات همراه است و وظیفه مردان است تکفل و هزینه فرزند با مردان است (در غالب کشورها نیز ولو اسلامی نیستند با تجربه به این معنا رسیده اند که باید چنین باشد) در اسلام در بسیاری از تکالیف و عبادات، مرد و زن همانند هم باید عمل کنند جز آنچه که طبیعت آنها اقتضاء نکند مثلاً خوب مادری کردن که آن همه ثواب در پی دارد و خوب شوهرداری کردن و با تقوا بودن که برای زن جهاد است.

و قرآن فرموده «الرجال قوامون على النساء» یعنی تدبیر زنان زیر نظر مردان است و همه می دانیم آنچه پیامبر و امام است از مردان است اما آخر الزمان آئین خدا تحریف معنوی می گردد به بهانه های مختلف زنان در تدبیر اجتماع خود را هم رتبه مردان دانند و بسیاری احادیث را برخلاف نظر اسلام به معنا نمایند «پناه به خداوند از گمراهی»

کارهای خلاف دین در میان مردم آشکار و علنی است (به گمان این که آن کارها روا و حلال است و کسی نهی نمی کند یا دانایان آنها و موعظه گران هم آن اعمال را جایز می دانند) و تهمت زدن به افراد و خطاها و طغیانها بر اجتماع غالب شود و کتاب آسمانی را بسیار زیبا و هنرمندانه تزئین کنند و مساجد را قشنگ و دلپذیر مزین کرده و گلدسته‌ها را بسیار طولانی سازند (به جای آباد نمودن مساجد با نماز و ذکر الهی در ترفیع مناره و گلدسته رقابت نمایند) و اشرار و فاسدان مورد احترام و تعظیم و تعریف قرار گیرند (مثلاً فلان فرد بی تقوا که در عمرش به فکر دین، دیانت، عبادت و ترک حرام نبوده فقط به خاطر کمک به یک امر خیر، به بی تفاوتی یا بی تقوایی او سرپوش نهاده می شود و در میان مردم به عنوان فردی خوب و مسلمان و با تجلیل از او نام برده و ملاک صحیح خوبی و بدی فراموش می شود) و صف‌های مردم متراکم (به عنوان دین جمع می شوند) اما دل‌های آنها ضد یکدیگر است و پیمان‌ها و عهدها شکسته می شود و به روز موعود نزدیک می شوند (ولی غافلند؛ یعنی به بدبختی و انحطاط و سقوط نزدیک می شوند) **و زنان به خاطر حرص** (نه به خاطر شدت فقر) با مردان، همکار و شریک تجارت و معامله آنها گردند و صدای افراد بی تقوی در فضا طنین می اندازد (از رادیوها و روزنامه‌ها و امثال آن تبلیغ فاسدان و تبلیغ فساد صورت گیرد و نابخردان موقعیت می یابند) و حرف آنها شنیده و مورد تأیید باشد و پست‌ترین‌ها (از نظر رفتار و عقاید دینی) محور امور و رؤسای جمعیت شوند و از فاجر و بی بندوبار بترسند (و جلو او را نگیرند) و دروغگوها، راستگو شمرده شوند و مورد اعتماد باشند و خیانتکاران امین دانسته شوند (و مال و جان مردم را به آنها بسپارند) و (آشکارا) وسایل ساز و آواز و لهو و لعب به دست گیرند و بنوازند (افتخاری برای خود محسوب کنند) و آخرین‌ها از امت، اولین‌های امت را ناسزا گویند و زنان (و دختران مسلمان) بر هر گونه مرکب (و وسیله نقلیه با وضع زننده و

لباسی زننده) سوار شوند و زنان به مردان و مردان به زنان شباهت پیدا کنند^۱ و گواهان (به خاطر اغراض دنیوی) بدون آن که آنها را به شهادت بخواهند (علیه بی گناهی) شهادت دهند (حق او را ضایع کنند...) و افرادی بدون اطلاع از موضوع، شهادت می دهند و برای غیر خدا در جهت خلاف دین تفقه می شود (فقه انحراف پیدا هر کس به رأی خود فتوا می دهد) و عمل دنیا را بر عمل آخرت ترجیح دهند و لباس میس بر تن گرگ پوشانده می شود (افرادی با ظاهر خوب یا با لباس دین یا با زبان ترحم و دلسوزی، مسلمانان را طعمه خود قرار دهند) و دل های آنها کثیف تر و متعفن تر از جیفه و مردار و تلخ تر از صبر^۲ است، در آن هنگام مواظب خود باشید و شتاب کنید که بهترین مکان ها خانه مقدس است؛ که زمانی فرا رسد که افراد آرزو کنند از ساکنین بیت المقدس باشند (در آنجا که ظاهراً مکه است، خدمت حضرت حجت بن الحسن (عج) برسند) سپس «اصبغ بن نباته» بلند شد و عرض کرد: یا امیر المؤمنین دجال چه کسی است؟ فرمود: نامش «صاید» فرزند «صید» آن کس که بدبخت و شقی است، دجال (فریبکار) را تصدیق و آن کس که سعید و خوشبخت باشد (کتاب و سنت را معیار تشخیص می گیرد و می فهمد که او دروغ می گوید و نام مذهب را به خاطر رونق کار به زبان می آورد) او را تکذیب می کند، سرانجام ادعای خدایی می کند؛ بدانید (که هر قدر کار فوق العاده و سحرآمیز کند) بیهوده می گوید؛ او از شهری به نام اصبهان از قریه یهودیه ظهور می کند و یک چشم او معیوب و سفیدی چشم دیگر با کمی سرخی توأم است و زمانی که مردم در تنگنای مالی بوده و دچار فشار زندگی هستند ظاهر می شود (اکثر طرفداران او دور افتاده ها و یهودیان و زنان است) و لباس طرفدارانش غالباً سبز است و سرانجام به فرمان حضرت مهدی «عج» هلاک می گردد.

۱. زنان سر و موی خود را همچون مردان نمایند و لباس مردان بپوشند و مردان نیز چنین باشند قیافه و لباس خود را شبیه به زنان نمایند به عبارت ساده تر بوالهوسی بر آنها حاکم است.
 ۲. صبر دارویی است بسیار تلخ.

حدیث حضرت باقر علیه السلام درباره فتنه‌ها و علایم ظهور

از امام باقر علیه السلام سؤال شد که؛ چه موقع قیام کننده شما قیام می‌کند؟ حضرت فرمود: وقتی که مردان به زنان و زنان به مردان مشابه گردند (بلکه) مرد به زن و زن به مرد اظهار بی‌نیازی کند (همجنسان نیاز خود را ارضاء کنند) و زنان مرکب‌ها برانند (در غیر ضرورت بر مرکب سوار شده و برای تفریح و تفرّج در خیابان و بیابان و مقابل نامحرمان با خودنمایی صورت گیرد^۱) و شهادت دروغ پذیرفته ولی شهادت عادلانه قبول نگردد (زیرا منافع شخصی افراد بر حقیقت‌ها مقدم می‌گردد) و ارزشی برای خون بی‌گناهان قائل نشوند (به بهانه جزئی کشتار جایز شمرده می‌شود) و زنا فراوان گردد و ربا خواران نیز زیاد باشد و عده‌ای با سخن‌های کوبنده، مردم را تهدید کنند و از ترس آنها مردم به گوشه‌ای پناه برده و ساکت شوند، سفیانی از شام و یمانی از یمن خروج کنند و در سرزمین بیداء فرو رفتگی شدید پیش آید و مردی جوان سال از آل محمد صلی الله علیه و آله میان رکن و مقام ابراهیم در مسجد الحرام کشته شود، اسم او محمد و فرزند حسن و صاحب نفس زکیه و پاک است (پاک سرشت و خیرخواه اسلام و مسلمین است) و ندا بلند شود که او حق است و پیروی او حق می‌باشد، در آن هنگام قیام کننده ما (حجت بن الحسن عج) ظهور خواهد کرد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

زمانی بیاید که دین انسان سالم نماند مگر از این قله کوه به آن قله رفته و یا از لانه‌ای به لانه دیگر مانند روباهی که بچه‌هایش دنبال او به این طرف و آن طرف روند (آن زمان) معیشت و هزینه زندگی را با خشم خداوند به دست آورند و آن هنگام شخص به دست همسر یا فرزندان‌ش به هلاکت می‌رسد، (او را به حرام و ادار می‌کنند) اگر همسر و فرزند ندارد به دست پدر و مادرش (توقعات زیاد از او دارند...) و الا به

۱. سوار شدن حرام نیست زیرا در صدر اسلام هم سوار مرکب می‌شدند اینجا منظور سوار شدن بر مرکب‌ها با همان انگیزه مردها برای هرکار جزئی و غیر ضروری است.

دست دوستان و آشنایان و همسایگان است. (او را سرزنش می کنند برای این که از دیگران عقب نماند به دنبال حرام می رود)^۱ آن گاه که معاصی (بزرگ) در حرمین ظاهر شود، ... اذان هم به خاطر اجرت و پاداش گفته می شود (بسیاری از مردم خلاف شأن خود می دانند که اذان بگویند و مجبور می شوند کسی را اجیر کنند) ... و نماز را به خاطر اجرت و مزد دنیوی می خوانند^۲، بر منابر به تقوی امر شود و امر کننده ها غالباً به آنچه می گویند عمل نکنند^۳، قرآن با غنا و با آهنگ لهو و لعب می خوانند و قرآن از گلوی قرائت کنندگان تجاوز نکند. (به دل آنها نفوذ نکند)^۴.

رواج شراب و غنا و نوازندگی و ...

رسول اکرم ﷺ فرمود: جمعی از امت من مسکرات (مشروبات الکلی) می نوشند، اما آنها را به اسم های دیگر نام می برند (یعنی نامی که نشان دهنده مست کنندگی نیست بر آنها می گذارند و عنوان حلال به آنها می دهند) و بر بالای سر آنها ساز و آواز و نوازندگی برگزار می شود (مثلاً از بلندگوها، رادیوها، تلویزیون ها و ویدئوها صدای ساز و آواز بر آنها مسلط باشد)^۵.

از رسول اکرم ﷺ نقل شده که فرمود:

آنگاه که فاسقی بر مردم ریاست کند و بزرگترین (و محترم ترین) مردم پست ترین آنها شود و شخص به خاطر ترس از شر او اکرام و تجلیل شود و وسایل نوازندگی و سازها رواج پیدا کند و آخرین امت (اسلام) اولی ها (از خوبان و عالمان) را بد گویند،

۱. قال رسول الله ﷺ: يكون هلاك الرجل على يدي أبويه فإن لم يكن له أبوان على يدي زوجته و ولده فإن لم يكن له زوجة و ولد فعلى يدي قرابته و جيرانه

۲. بشارة الاسلام ص ۱۳۲ و ۱۳۴.

۳. بحار الانوار ج ۵۲، ص ۲۶۰ و بشارة الاسلام ص ۴۴.

۴. کافی ج ۲ ص ۶۱۴.

۵. رسول الله ﷺ: ليشربن الخمر اناس من أمتي يسمونها بغير اسمها و يضرب على رؤسهم بالمغازف مسند احمد

حنبل ج ۲ ص ۴۱۸.

در آن زمان است که باید منتظر باد سرخ و زلزله و مسخ و فرورفتگی زمین و نشانه‌های غضب الهی باشید که یکی به دنبال دیگر درآید.^۱

توضیح: مسخ در ملل قبل از اسلام بوده و به نظر می‌رسد که با آمدن حضرت رحمة للعالمین پیامبر اسلام برداشته شده است.

از رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده که فرمود: مردم در آن زمان به طور آشکار منکرات را انجام دهند و مال و ثروت را در راه غناء و آوازخوانی‌ها مصرف نمایند.^۲

مردم بیش از حد پارانرا گذاشته و برای خدا کار نمی‌کنند

رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: آنگاه که آزار دادن پدر و مادر فراوان و حقوق والدین کوچک شمرده شد.^۳

آنگاه که مرد را به خاطر زیاد نبودن درآمد سرزنش می‌کنند و از او بیش از توانش انتظار داشته باشند و در آن صورت او را به موارد هلاک ایمان کشانند.^۴

آنگاه که فرزند به پدر افتراء ببندد (به دروغ او را زناکار، سارق و ... معرفی کند. مثلاً در هنگام اختلاف پدر و مادر از مادر جانبداری کند و نسبتی که مثلاً مادر از روی دشمنی هنگام طلاق گرفتن و یا مواقع دیگر به پدرش می‌دهد، تأیید کند یا آلت دست مادر و اقوام مادر قرار گیرد و برای کوبیدن پدر از هر اقدامی مضایقه نکند (نمونه هایش الآن موجود است) و (یا) فرزند (بخاطر توقع زیاد) به پدر و مادر نفرین کند و با موت آنها خوشحال شود.^۵

۱. رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: إذا ساد القوم فاسقهم و كان زعيم القوم أرذلهم و اکرم الرجل مخافة شره و ظهرت الفینات و المعازف ... و لن آخر الامّة اولها فازتقبوا عند ذلك ریحاً حمراء و زلزلة و مسخاً و قذفاً و آیات تنابح کنظام بال قطع سلکھ فتتابع. بحار الانوار ج ۵۲، ص ۲۸۵ و تحف العقول ص ۳۱ و بشارة الاسلام ص ۲۰۳.

۲. يتجاهر الناس بالمنکرات فينفق المال للفساد بحار الانوار ج ۵۲، ص ۲۶۴.

۳. رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: رایت العتوق قد ظهر و استخف بالوالدين بشارة الاسلام ص ۱۲۴.

۴. رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: يعبرونه بضيق المعيشة و يُكلفونه ما لا يطيق حتى يورده موارد الهلکة منتخب الاثر ص ۴۲۷.

۵. و يفتری الولد علی ابيه و يدعوا علی والديه و یفرح بموتها منتخب الاثر ص ۴۳۱.

رسول اکرم ﷺ فرمودند:

آن هنگام که در سینه‌ها تکبر (فراوان) باشد هم چنان که زهر در بدن‌ها است (قلب و سینه متکبر همچون بدن مسموم است که سرانجام شخص را هلاک می‌کند) و جرم و معصیت آشکار گردد و معاصی بزرگ (مثل شرک و نزول خوردن و فساد و فحشاء) سبک شمرده شود.^۱

توضیح: عجیب است که انسان با همه ضعف و وابستگی به طبیعت به خاطر دارا بودن مال و مقام، تکبر کند. باید بدانیم ما به خودی خود هیچ نیستیم فقط چند صباحی امانت داریم.

ای هیچ ز بهر هیچ بر هیچ مپیچ تو هیچ و جهان هیچ و خلاق همه هیچ
امام صادق علیه السلام فرمود: آن گاه که مال (مسلمین) زیاد شود و برای صاحبان مال ارزش قائل شوند.^۲

امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی که اغنیاء (صاحبان ثروت و جاه) را (به خاطر مال) تعظیم نمایند و فقرای خودتان را اهانت کنید... و مردم را در مجالس چنان می‌بینی که گویا فقط احترام برای صاحبان ثروت (و مقام) قائل هستند (نه احترام برای علم و ایمان...)^۳.

رسول اکرم ﷺ فرمود: آن زمان فساد و معصیت آشکارا انجام شود (و این عمل برای مردم عادی شود و دوری از فجور نفرت‌انگیز گردد) و هم چنین تهمت، معصیت و طغیان (در ظلم و تباهی) زیاد گردد و اشرار محترم باشند (به جای افراد متقی افراد بی تقوی عزت پیدا کنند)^۴.

۱. رسول الله ﷺ: إذا دبّ الكبر في القلوب دبّ السم في الأبدان و ظهرت الجرائم و هُوئت العظام.

الزام الناصب ص ۱۸۱؛ بحار الانوار ج ۵۲، ص ۲۶۲؛ بشارة الاسلام ص ۲۳.

۲. عن الصادق علیه السلام: يُكثر فيهم المال و يُعظم أصحاب المال بشارة الاسلام ص ۳۲.

۳. عن الصادق علیه السلام: إذا عظمتم أغنياءكم و أهنتم فقراءكم... و رأيت الخلاق لا يتابعون الا الاغنياء

بشارة الاسلام ص ۱۳۴؛ الزام الناصب ص ۱۸۴.

۴. إذا استعلن الفجور و قول البهتان و الإثم و الطغیان و أكرم الأشرار

نتیجه: اکنون، پیش درآمد مصداق این روایت روشن است که بعضی از مردم کاری به تقوا ندارند بلکه جاه و ثروت و شهرت او را ملاک خوبی می دانند؛ نمونه اش را در تشییع جنازه ها نیز می توان یافت که به جای تشییع مؤمنان، تشییع فاسقان و مجالس ترحیم آنها پر رونق تر است.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: آن هنگام که قطع رحم (شایع) گردد و به خاطر طعام دادن بر هم منت گذارند (و خود را طلبکار طعام خورنده ای که حیانا بر سر سفره آنها طعام می خورد می دانند) آنگاه که بزرگترها (یا بزرگسالان) به کوچکترها محبت نکنند و حیای کوچکترها بسیار کم شود.^۱

نتیجه: ای مسلمان کوشش کن در ایمان مستقل باشی و تحت تاثیر وسوسه های شیطان های انسی که کمتر از شیطان های پنهان نیست قرار نگیری و اگر همه اجتماع هم فاسد شدند، تو مستقیم باش.

مشیر الاحزان ص ۲۹۸؛ بشارة الاسلام ص ۱۳۳.

۱. رسول الله صلی الله علیه و آله: اذا قطعوا الارحام و منوا بالطعام، اذا ذهب رحمة الاکابر و قلّ حياء الاصاغر (بحار الانوار ج ۵۲، ص ۶۳ المهدی، ص ۱۹۹ بلفظ قریب به این مطلب).

فصل هشتم

آستانه ظهور

مشکل ترین زمان ها

برای دینداری

مطالب این فصل تکمیل کننده مطالب فصل قبلی و تحت همان موضوع قبلی تهیه شده است. تفکیک کردن علایم ظهور مشکل است. بعضی از مطالب این فصل در میان روایات گذشته موجود است، اما شاید خالی از لطف نباشد که تعدادی از علایم را که در این عصر آغاز شده ولی در آینده و در آستانه ظهور شدت بیشتری پیدا می کند و خصوصیتی نسبت به آینده دارند را نیز جداگانه ذکر کنیم.

پول پرستی، رشوه، ربا و فقر

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: زمانی خواهد آمد که هدف مردم بطون و شکم آنهاست و شرفشان بهره های دنیوی آنها و زنان قبله آنها و دینشان درهم و دینار و پول است، اینها نزد خدا بدترین مخلوقات هستند و بهره اخروی ندارند.^۱

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: آن هنگام، نزول و ربا آشکارا و معاشرت ها و معاملات با رشوه باشد و دین پایین و دنیا بالا قرار گیرد.^۲

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: آنگاه، همه ربا بخورند، اگر کسی هم نخورد (و ایمانش قوی باشد) غبار ربا به او برسد.^۳

توضیح: گسترش رشوه، ربا و نابسامانی و فقر نتیجه نظام های اقتصادی غلط جهان است که دامن گیر بسیاری از ملت ها می شود.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: زمانی بر امت من می آید که فقراء بسیار گردند ... و هرج و مرج و اغتشاش زیاد شود ...^۴.

۱. یأتی علی الناس زمان همهم بطونهم و شرفهم متاعهم و قبلتهم نساءهم و دینهم دراهمهم و دنایرهم اولئک شر الخلق لاخلاق لهم عندالله

۲. بشارة الاسلام ص ۲۶.

۳. لایبقی الا اکل الربا و ان لم یاکله اصابه غباره

نهج الفصاحة ج ۲، ص ۵۰۰

۴. سیاتی علی امتی زمان یكثر الفقراء و یقل العلماء ... و یكثر الهرج

اسلام و قرآن غریب خواهد شد

رسول الله ﷺ فرمود:

اسلام، غریب آغاز شد و غریب خواهد گردید و خوشا به حال غریبان^۱. (یعنی بکوشید در غربت اسلام یاور اسلام باشید و لوا این که یاران دین کم باشند).

امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی که دیدی مردم در ترک امر به معروف و نهی از منکر و در ترک تعهد به دین یکسان شدند...^۲

حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرمود: آنگاه شنیدن قرآن بر مردم سنگین و سخت شده و از شنیدنی های باطل استقبال می کنند.^۳

حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرمود: زمانی خواهد آمد که چیزی پوشیده تر از حق و آشکارتر از باطل و دروغ نباشد و مطالب هیچ کتابی از مطالب و معانی قرآن بی خریدارتر نیست. (وقتی که که آن را به حق معنا نمایند).^۴

حضرت محمد صلی الله علیه و آله فرمود: آن هنگام قرآن را برای آهنگ و نوای خواهند و آن را به لحنِ غنا و آواز خوانی (نوازندگی) و بدون احساس خشیت و ترس از خداوند آن را قرائت می کنند.^۵

غربت مسجد

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

در آن زمان به مسجدها گذر کرده (اما به دیدن و عبور از مسجد قناعت می کنند) دو

صحیح مسلم، ج ۸، ص ۵۸

۱. بحار ج ۵۲ ص ۲۱۲ نیایع الموده ج ۳ ص ۶۴ الفظ دیگر.

۲. بحار ج ۵۲ ص ۲۵۹.

۳. (۳) منتخب الاثر ص ۴۳۰ بحار ج ۵۲ ص ۲۵۸.

۴. نیایع الموده ج ۳ ص ۱۰۶ و ص ۲۰۳.

۵. بشارة الاسلام ص ۲۶.

رکعت نماز هم در مسجد نخوانند (گویا فراموش کرده‌اند که اصولاً مسجد برای چه ساخته شده، به آیه «أَمَّا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ» هیچ اعتنایی نمی‌کنند و نمی‌دانند که کلمه مسجد یعنی؛ محل سجده مسلمانان وای و افسوس بر ما که تفکر صحیح و تعمق را از دست داده‌ایم و نزد امام عصر خیلی روسیاهیم که فقط موقع مجلس ترحیم ساعتی در مسجد نشسته نه برای نماز واجب و استماع موعظه ...)^۱.

مسلمان باید از گردانندگان مسجد باشد، فرش‌های آن را تمیز، چراغ‌هایش را روشن و از رفتن به مسجد لذت ببرد که معصومین فرموده‌اند: مؤمن در مسجد مانند ماهی در آب است و منافق در مسجد مانند پرنده در قفس است. یعنی؛ مسلمان اگر نماز واجب را در مسجد نخواند ناراحت است و منافق اگر به مسجد رود میل دارد فوری خارج شود.

تباه شدن نوجوانان

روانشناسان می‌گویند: در دوران نوجوانی احساسات دینی شکوفا می‌شود، (باید آن را تقویت کرد) اما در آخر الزمان فضائی درست می‌شود که احساسات مذهبی را به خاطر مسائل دنیوی خفه می‌کنند.

روزی پیامبر اسلام به کودکان نگاهی کردند سپس فرمودند:

افسوس بر فرزندان آخر الزمان از طرف پدرانشان! عرض شد: یا رسول الله از ناحیه پدران مشرک؟

حضرت فرمودند: نه، از ناحیه پدران مسلمان آنها که هیچ چیز از فرائض مذهبی را به آنان نمی‌آموزند و اگر خود فرزندان پاره‌ای از (مطالب و) مسائل دینی را فرا گیرد، آنها را از اداء دین و وظیفه مقدس باز می‌دارند و تنها به این قانع هستند که فرزندان آنها متاع ناچیزی از دنیا را بدست آورند. من از این قبیل پدران گریزان بوده و آنان نیز

از من (به خاطر آن که امر به آموختن دین نموده‌ام) بری هستند.^۱

انحراف زن و مرد (پیر و جوان) و تسلط زنان بر کارهای کلیدی

علی علیه السلام فرمود:

در آن هنگام جوانان خوانندگی آمیخته با غنا و نوازندگی و شرب خمر (مشروبات الکلی) را کاری بجا و حلال می‌دانند.^۲

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: ظاهر مردم (در آخر الزمان) بسیار تمیز و زیبا ولی (درون و) نیت‌های آنها پلید و خبیث است. دیدن آنها خوشحال کننده و معاشرت؛ آنها ستمگرانه است.^۳

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: آن زمان مردان امت من به واسطه طلا و دیباج (ابریشم و لباس‌های زننده‌ای که مختص زنان، آن هم در منزل است) خود را زینت دهند.^۴

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

آن زمان زنان پوشیده، ولی عریان هستند (لباس آنها چنان جلب نظر می‌کنند که گویا عریان هستند) بر سر آنها چون کوهان شتر است (خود را آراسته می‌کنند و در مقابل نامحرمان با بی‌اعتنائی رفت و آمد می‌کنند) این‌ها از بهشت دور و از رحمت خدا فاصله دارند، شما هم از آنها متنفر باشید (اگر توانستید آنها را نهی از منکر کنید و اگر قبول نکردند، از کار آنها خشنود نباشید زیرا تنفر از آن کار موجب می‌شود که خود انسان هم‌رنگ آنها نشود).^۵

۱. عن النبی... ویل لأولاد آخر الزمان من آبائهم فقیل یا رسول الله: من آبائهم المشرکین، فقال لا من آبائهم المؤمنین لا یعلمونهم شیئاً من الفرائض، و إذا تعلموا أولادهم منعوهم و رضوا بعرض یسیر من الدنیا فآنا منهم بریء و هم منی برآء... مستدرک ج ۲ ص ۶۲۵ جوان فلسفی ج ۱ ص ۲۵۱.

۲. منتخب الاثر ص ۴۳۷.

۳. بشارة الاسلام ص ۷۵ الزام الناصب ص ۱۹۴.

۴. منتخب الاثر ص ۴۲۵ بحار ج ۵۱ ص ۷۰.

۵. صحیح مسلم ج ۶ ص ۱۶۸.

از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است که: زنان عریان (و پوشیده) هستند و خود نمائی‌ها می‌کنند از راه دین منحرف و به فتنه و گناه و لذت‌رانی غیرمشروع تمایل دارند؛ حرام را حلال می‌دانند، جای آنها دوزخ است.^۱

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

در آخر امت من مردانی پیدا می‌شوند که (غیرت را از دست داده) زنانشان (با رضایت آنها) روی مرکب‌ها بدون حجب و حیا سوار شده و همانند مردان رانندگی نمایند (حتی آن‌که) بر در مساجد هم می‌آیند (یعنی با آن وضع زننده احترام مسجد را هم نگه نمی‌دارند نه از مؤمنان شرم می‌کنند نه از فاسقان)... آنها را لعن کنید که از رحمت حق دور هستند.^۲

توضیح: زنان در زمان رسول الله و ائمه - علیهم السلام - هم سوار مرکب شده و مسافرت می‌کردند، این عمل در اصل جایز و گاهی ضروری هست اما روایت، مسئله‌ای دیگر را می‌گوید که پرروئی و عدم حجب زنان در آخر الزمان به حدی است که خود را در اجتماع هم چون مردان و هم‌سنگ و هم‌بزم آنها می‌دانند و شرم زنانگی از میان آنان رخت برمی‌بندد.

توضیح: البته مردانی که اعمال و عقیده آنها فاسد است نیز اعتبار و ارزشی ندارند. رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:

چگونه هستید (آیا در دین ثابت هستید یا هم‌رنگ آن زمان می‌باشید) وقتی که زنان شما فاسد و جوانان شما فاسق گردند و امر به معروف نکنید، بلکه امر به منکر نمائید و از معروف جلوگیری کنید و آن‌گاه معروف را منکر ببینید و منکر را معروف. عرض شد؛ یا رسول الله این چنین خواهد شد؟ فرمود: بلی، و از آن بدتر هم خواهد

۱. عن علی علیه السلام تكون النسوة كاشفات (او کاشفات) عاریات متبرجات - من الدین خارجات و الی الفتن مائلات و الی الشهوات و اللذات مسرعات و للمحرمات مستحلات و فی جهنم خاندات. منتخب الاثر ص ۴۲۶.

۲. سیکون فی آخر امتی رجال یرکبن نساءهم علی السروج کأشباه الرجال علی العیائر حتی یأتوا أبواب المساجد. صحیح سلم ج ۶ ص ۱۶۸.

بود.^۱

حضرت رسول الله فرمود: وقتی که زنان با شوهرانشان به خاطر حرص (نه شدت فقر) در تجارت و کسب مال شریک شوند.^۲ (عشق به مال اندوزی او را در مقابل نامحرمان بی باک سازد) و آنگاه که مردان و زنان همانند گردند (یعنی زن از زنی زنانگی و حیا و حجب در آید و مانند مرد در اجتماعات جلوه گر شود)^۳

رسول الله فرمود:

در آن هنگام، زنان با شکل و لباس مردان در جامعه جلوه کنند. (حجب و حیا را کنار گذارند).^۴

رسول الله فرمود:

زمانی خواهد آمد که؛ سلطان‌ها جائز، (از عدل و ایمان دور باشند) بی نیازها بخیل و داناها راغب و عاشق مال، فقیرها دروغگو، پیرها تبه‌کار، بچه‌ها بی حیا و زشت رفتار، زنها فریبنده و چیزی به غیر از اینها دیده نمی‌شود.^۵ (احتمالاً روایت مذکور مربوط به نشانه ظهور قیامت باشد).

رسول الله ﷺ فرمود: در آن زمان بناهای بسیار بلند بسازند (بیش از اندازه علاقه به ساختمان زیبا و مجلل پیدا کنند مال را به جای مصرف در امور خیر در توسعه و زیبائی بنا خرج کنند) و زنان را مشاور خود نمایند، یعنی در امری که شایسته مردان است با زنان مشورت کنند و منزلت مردان کم شود) و اشتباه و اختلاط فراوان باشد.

۱. رسول الله كَيْفَ بِكُمْ إِذَا فَسَدَتْ نِسَاءُكُمْ وَفَسَقَ شُبَّانُكُمْ وَلَمْ تَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَبَلَّ أَمْرُكُمْ بِالْمُنْكَرِ وَنَهَيْتُمْ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَإِذَا رَأَيْتُمُ الْمَعْرُوفَ مُنْكَرًا أَوْ مُنْكَرًا مَعْرُوفًا.... منتخب الاثر ص ۴۲۶ و الزام الناصب ص ۱۸۰.

۲. إذا شاركت النساء ازواجهن في التجارة حرصاً على الدنيا. الزام الناصب ص ۱۸۲.

۳. يتشبه الرجال بالنساء والنساء بالرجال. منتخب الاثر ص ۲۹۲، المحجة البيضاء ص ۳۴۲.

۴. إذا تزينت النساء بشباب الرجال. الزام الناصب ص ۱۸۱، بحار ج ۵۲ ص ۲۶۲.

۵. رسول الله ﷺ: يأتي زمان... لا يرى فيه إلا سلطاناً جائراً أو غنيّاً بخيلاً أو عالمياً راغباً في المال. أو فقيراً كذاباً أو

شيخاً فاجراً أو صبياً وقیحاً أو امرأة زعناء. الزام الناصب ص ۱۸۱ بشارة الاسلام ص ۲۲.

(حق را با باطل مخلوط نمایند).^۱

رسول الله فرمود: در آن زمان حکومت زنان رسمی شود و با دختران کم تجربه مشورت نمایند و کودکان بر کرسی‌ها و منبرها قرار گیرند (فرمانروائی کنند) و لباس موجب مباحات باشد.^۲

علی علیه السلام می‌فرماید: در آن هنگام، زنان بر حکومت و بر هر امری مسلط شوند و با خواسته و میل خودشان رفتار نمایند.^۳

توضیح: آنها که با قرآن سر و کار دارند این آیه را مشاهده کرده‌اند: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ»؛ قوام صیغه مبالغه است که یک نوع قیمومیت و سرپرستی همیشگی و دائمی را می‌رساند. با این که اسلام جایگاه زن را در عالی‌ترین مراتب قرار داد و فرمود: «إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى» و نیز: «المؤمنون و المؤمنات بعضهم اولياء بعض» در عین حال قدر و حدود را هم معین فرموده است: «وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ».

در آخر الزمان ممکن است آیات قرآن را تحریف معنوی نموده و غرض یا عاطفه بیش از حد، موجب شود به بهانه این که در زمان‌های قبل و یا در بعضی مکان‌ها در حق زن ظلم شده است، مدیریت‌های سنگین را به جای اینکه به مردان بسپارند به زنان بسپارند و این عمل عواقب نامطلوب دارد.

دوری کردن از عالم واقعی، گرایش شدید به دنیا و آثار دنیوی آن

رسول الله فرمودند:

۱. رسول الله: إِذَا رَفَعُوا الْبَنِيَانَ وَ شَاوَرُوا النِّسْوَانَ وَ يَكْتُمُونَ الْإِخْتِلَاطَ. الزام الناصب ص ۱۸۱، المهدي ص ۱۹۹ بشارة الاسلام ص ۲۳.

۲. رسول الله: عندها امارات النساء و مشاورة الأئمة و قعود الصبيان على المنابر و التباهي باللباس. بشارة الاسلام ص ۲۵، الزام الناصب ص ۱۸۲.

۳. عن علي عليه السلام: إِذَا غَلَبَتِ النِّسَاءُ عَلَى الْمُلْكِ وَ غَلَبَتِ كُلُّ أَمْرٍ فَلَا يُؤْتَى إِلَّا مَالَهُنَّ فِيهِ هَوَى. بحار ج ۵۲ ص ۲۵۹.

هنگامی که مسلمانان از علمای دین خود نفرت پیدا می‌کنند، و بجای توجه به دیانت امر تجارت خودشان (مراکز مادی) را آباد و مرتب می‌نمایند و برای توسعه ثروت ازدواج می‌کنند (حرص دنیا در همه جهت‌گیری‌های آنها وجود دارد) خداوند آنها را به چهار بلا گرفتار می‌کند:

قحطی، جور سلطان، خیانت و حاکمان (مدیران امر) و ترس از دشمن.^۱

کاسته شدن عالم و علم ربانی و معنویات

حضرت رسول اکرم ﷺ فرمود: آن وقت که علماء دین شما کم شوند (یعنی علمایی که دقیقاً علم را براساس قرآن و احادیث صحیح و برداشت درست از دین، کسب کرده‌اند بسیار اندک باشند) و قاریان (قاریانی که حق قرآن را ادا کرده‌اند) از میان بروند (اندک گردند) و زکاتان را ندهید و منکراتان آشکارا انجام شود و در مساجد سرو صداها بلند، و دنیا را روی سر بگذارید (یعنی دنیا را بر دین مقدم دارید) و علم (اعتقادات و مسائل شرعی و اخلاق دینی) زیر پایتان باشد دروغ و نقل مجلس شما و غیبت میوه شما و حرام را غنیمت دانید و بزرگ به کوچک مهر نورزد و کوچک بزرگ را اکرام نکند؛ در آن موقع لعنت بر شما نازل و گرفتاری و بلا میان شما زیاد شود.^۲

علی علیه السلام فرمود: آنگاه فقهای هدایت‌کننده کم و فقهای گمراه‌کننده زیاد

۱. رسول الله: إذا أْبغَضَ الْمُسْلِمُونَ عُلَمَاءَهُمْ وَأَطْهَرُوا عِمَارَةَ أَسْوَاقِهِمْ وَتَنَاجَّحُوا عَلَى جَمْعِ الدَّارِهِمْ، وَمَا هُمْ إِلَّا بِأَرْبَعِ خِصَالٍ، بِالْقَحْطِ مِنَ الزَّمَانِ وَجَوْرِ السُّلْطَانِ وَالْخِيَانَةِ مِنْ وُلاَةِ الْحُكَّامِ وَالصُّوْلَةِ مِنَ الْعَدُوِّ. صحيح مسلم ج ۸ ص ۵۸، بشارة الاسلام ص ۲۰۳ و ص ۱۳۳ عن الصادق، بحار ج ۵۲ ص ۲۱۲

۲. رسول الله ﷺ:

إذا قلَّ عُلَمَاءُكُمْ وَذَهَبَ قُرَاءُكُمْ وَقَطَعْتُمْ زَكَاتَكُمْ وَأَطْهَرْتُمْ مُنْكَرَاتِكُمْ وَعَلَّتْ أَصْوَاتُكُمْ فِي مَسَاجِدِكُمْ وَجَعَلْتُمْ الدُّنْيَا فَوْقَ رُؤُسِكُمْ وَالْعِلْمُ تَحْتَ أَقْدَامِكُمْ وَالْكَذِبُ حَدِيثُكُمْ وَالْغَيْبَةُ فَكَيْهَاتِكُمْ وَالْحَرَامُ غَنِيمَتِكُمْ وَلَا يَرْحَمُ كَبِيرُكُمْ صَغِيرَكُمْ وَلَا يُوقِرُ صَغِيرُكُمْ كَبِيرَكُمْ فَعِنْدَ ذَلِكَ تَنْزِلُ اللَّعْنَةُ عَلَيْكُمْ وَيَجْعَلُ بِأَسْكُمْ بَيْنَكُمْ. الزام الناصب ص ۱۸۰ و ص ۱۸۱، بحار ج ۵۲ ص ۲۶۳، بشارة الاسلام ص ۲۳، الامام المهدي ص ۲۱۷.

باشند.^۱

رسول الله فرمودند:

زمانی آید که امرای آنها بر جور و علمای آنها بر طمع و عبّاد آنها بر ریا و تجار آنها بر خوردن ربا و زنان بر خودنمائی و نوجوانان بر عمل نامشروع بناگذارده باشند در آن هنگام (ارزش) عالم رانشاسند مگر به لباس خوب و قرآن را نشناسند (و اعتنا نکنند) مگر به صدای خوب (یعنی خیال می کنند که قرآن با هدف جذب مردم به زیبایی الفاظ همانند شعر نازل شده در حالی که قرآن برای فهم و عمل است و خواندن و الفاظ زیبا مقدمه آن است؛ چه مانعی دارد انسان قرآن بخواند و در آن دقت کند یا دیگری بدون آهنگ بخواند و انسان گوش کند و خود را تکمیل کند) در آن زمان بندگی خدا را فقط در ماه رمضان انجام دهند آن وقت است که سلطانی که علم و حلم ندارد بر آنها مسلط شود (و این یک نوع عقوبت برای آنها است).^۲

رسول اکرم ﷺ فرمود:

آن زمان راستی کم شود و کذب رواج گیرد دوستی ها (فقط) با زبان باشد ولی در قلب مخالف هم باشند و فسق موجب آشنایی و نسبت داشتن آنها و عفاف موجب شگفتی آنها باشد و اسلام هم چون پوشیدن لباسی، وارونه گردد.^۳

آثاری از گناه:

توضیح: گناهان علاوه بر آثار اخروی، آثاری نیز در این دنیا دارند و برای نمونه به آثار دنیوی آن توجه فرمایید:

۱. منتخب الاثر ص ۴۲۵، بحار الانوار ج ۵۱ ص ۷۰.

۲. رسول الله: أمراءهم یكونون علی الجور و علماءهم علی الطمع و عبّادهم علی الریاء و تجارهم علی أكل الریاء و نساءهم علی زینة الدنیا و علمائهم فی التزویج، لا یعرفون علماءهم إلا بثوب حسن و لا یعرفون القرآن إلا بصوت حسن و لا یعبّدون الله إلا فی شهر رمضان. فإذا كان كذلك سلط الله علیهم سلطاناً لا یعلم له ولا یحلم ولا رحم له. یوم الخلاص ص ۴۷۵.

۳. منتخب الاثر ص ۴۳۷ و عن علی فی نهج البلاغه ج ۲ ص ۲۰۹.

اگر زنا زیاد شد موت ناگهانی نیز زیاد می‌گردد، اگر کم فروشی کردند به کمبود اجناس مبتلا می‌شود، عدم پرداخت زکات موجب بی برکتی در زمین و معدن می‌گردد، وقتی که حاکمان جور نمایند، مردم به ظلم و عداوت با یکدیگر می‌پردازند و آنگاه که عهدها و قرارها شکسته شود دشمن بر آنها چیره گردد و وقتی که قطع رحم کنند اموال آنها به دست فاسدان خواهد افتاد.^۱

سروری کردن افرادی ایمان

رسول اکرم ﷺ فرمود: آنگاه که افراد پست و بی تقوی امیر شما و بخیلان و عاشقان، ثروت و ثروتمندان شما و زنان شما کارگزاران امور اجتماع شما گردیدند (خیر و برکت از میان شما رخت بر بسته بنابراین) مُردن از زندگی برای شما بهتر است.^۲

رسول اکرم ﷺ فرمود: آن زمان چنان خواهد شد که اشخاص بزرگ، پست‌ترین (و ضعیف‌الایمان‌ترین) آنهاست.^۳

رسول اکرم ﷺ فرمود: وقتی که امور اجتماع به افرادی که لیاقت آنرا ندارند (دانش دینی و دلسوزی و کاردانی لازم را ندارند) واگذار شود در آن موقع منتظر ساعت ظهور یا (ساعت رستاخیز) باشید.^۴

رسول اکرم ﷺ فرمود: وقتی خشم خداوند نصیب قومی شود (یعنی مستحق عذاب شوند) و عذاب‌های آسمانی نازل فرآیند نرخ آنها گران و باران حبس گردد و اشرار بر آنها مسلط شوند.^۵

۱. اذا كثرت الزنا بعدى كثرت موت الفجأة.... تحف العقول ص ۴۳، يوم الخلاص ص ۴۲۶.

۲. إذا كانت أمراءكم شراركم و أغنياءكم بخلاءكم و أموركهم إلى نساءكم فبطن الأرض خير من ظهرها. نهج النصيحة ج ۱

ص ۴۵.

۳. يصبح زعيم القوم أزدلهم. الزام الناصب ص ۱۸۰، بشارة الاسلام ص ۲۲، الامام المهدى ص ۲۱۹.

۴. إذا أشد الأمر إلى غير أهله فانتظر والساعة. الزام الناصب ص ۱۷۸.

۵. إن الله إذا غضب على أمة ولم ينزل لها عذاب خسف ولا مسخ غلت أسعارها و تحبس عنها أمطارها و يلى عليها

رسول اکرم ﷺ فرمودند:

هنگامی که مشاهده نمودید افراد نزدیک به حاکمان و سلاطین کسانی هستند که از خاندان پیامبر و دوستان آنها بدگویی می‌کنند.^۱

رسول اکرم ﷺ فرمود: وقتی مشاهده نمودی کسی را که دنبال مال حلال می‌رود (و از حرام گریزان است و شغل حرام را نمی‌پذیرد) سرزنش می‌کنند و اما کسی که دنبال حرام است و اعتنائی به شرع ندارد بزرگ می‌شمرند و تمجید می‌کنند.^۲

توضیح: از این مطالب چنین استفاده می‌شود که باید طلب کننده حرام همان طور که مبعوض خداوند است مبعوض مردم باشد، نه مورد مدح و تمجید و مردم نباید فقط به ظاهر زندگی افراد فریفته شوند.

رسول الله فرمود: زمانی بیاید که برای شما امامانی (و حاکمانی) باشد که ارزاق شما را در اختیار گیرند و به شما سخن دروغ گویند (البته همیشه حاکمان بی‌ایمان به دروغ متوسل می‌شوند اما در آخر الزمان دروغ، بی‌اندازه، رایج می‌شود و حاکمان با دروغ به حکومت خود دوام می‌بخشند و چه بسا مردم هم که خود عادت به دروغ کرده‌اند آن را قبیح نمی‌شمرند، آنها از شما خوشنود نیستند مگر آن که کارهای زشت آنها را زیبا بدانید و دروغ آنها را تصدیق نمایید.^۳

به صابران بشارت بده

از کتاب کمال الدین اثر محمد بن مسلم چنین نقل شده است: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: قبل از قیام حضرت مهدی «عج» مشکلاتی برای مؤمنان پدید

اشاره‌ها. بشارة الاسلام ص ۱۲۶، تحف العقول ص ۴۲.

۱. رسول الله: إِذَا رَأَيْتَ أَقْرَبَ النَّاسِ مِنَ الْوَلَاةِ مَنْ يَمْتَدِّحُ بِشَمِّ أَهْلِ الْبَيْتِ وَ مَنْ يُجِبُّهُمْ بِزُورِهِ وَ لَا تَقْبَلُ شَهَادَتَهُ.

۲. رسول الله: رَأَيْتَ طَالِبَ الْحَلَالِ يُدَمُّ وَ طَالِبَ الْحَرَامِ يُمَدِّحُ وَ يُعْظَمُ. بحار ج ۵۲ ص ۲۵۸.

۳. رسول الله: سَتَكُونُ عَلَيْكُمْ أُمَّةٌ يَمْلِكُونَ أَرْزَاقَكُمْ يُحَدِّثُونَكُمْ فَيَكْذِبُونَكُمْ لِأَيُّضُونَ مِنْكُمْ حَتَّى تُحَسِّنُوا قَبِيحَهُمْ وَ

تُصَدِّقُوا كَذِبَهُمْ. يوم الخلاص ص ۴۷۱.

می آید. عرض کردم فدایت کردم کدام است؟

فرمود: قول خداوند؛ «و لَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَ الْجُوعِ وَ نَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ» یعنی؛ شما را با خوف و گرسنگی و کم شدن مال و جان و محصول امتحان کنیم و صابران را بشارت باد.

امام فرمود: «شما را با خوف آزمایش می کنم برای نمونه؛ دچار ترس از ظلم سلاطین بنی فلان^۱ می شوید که آخر سلطنت آنها است؛ یعنی بعد از آن ظلم، منقرض می شوند و به خاطر گرانی نرخ ها دچار گرسنگی می شوید (بسیاری از مؤمنان و شیعیان از تهیه آن محروم می گردند) و در اثر تباه شدن تجارت ها دچار کمی مال و کمی فضل و برکت و کم شدن جان ها در اثر مرگ هایی که با وسایل آن روز پیش می آید و کم شدن ثمرات و محصول، کمی زراعت و برکت محصولات است، پس بشارت بده صابران را به ظهور حضرت مهدی «عج» که (بعد از مشکلات مذکور) خواهد آمد. سپس فرمود: یا محمد این تأویل است (نه ترجمه و تفسیر ظاهر) همان تأویل که خداوند فرموده: «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» تأویل قرآن را به جز خداوند و راسخان در علم و معصومین کسی نمی داند^۲.

نتیجه و حاصل ما از بیان علائم

چرا رسول الله و ائمه هدی این علائم را ذکر کردند؟ آیا هدف این نیست که آنها را بدانیم و از عیوب و اعمالی که موجب آزرده گی معصومین و خشم خداوند می شود، دوری کنیم. آن عیوب از بس مهم بوده اند قریب هزار و سیصد یا هزار و چهار صد سال قبل برای عصر ما بیان شده چون می دانستند که به گوش ما می رسد و موجب اصلاح سالکان راه حق خواهد شد. و ضمناً زنگ بیدار باش بوده و نشانه ای از طلوع

۱. بنی فلان: در آخر الزمان سلطنت بعضی بلاد را فرزندان عباس تصاحب می کنند.

۲. غیبت نعمانی.

خورشید امامت می باشد. وقتی که آن ظلمت ها و فسادها همگانی شد بدانند که ظهور نزدیک است و پایان شب سیه سفید است، خود را آماده جهانی شدن اسلام راستین نمایند و حضرت را که در آن تاریکی خواهد آمد نصرت کنند و به فیض نصرت حضرت نائل شوند.

از جمله صفات و خصوصیات که در علائم مذکور بیان شده یا از مفهوم آنها استفاده می شود صفاتی است که فهرست وار در ذیل، بیان می شود، باشد که به یاری خداوند و توجهات ولی عصر حتی المقدور موفق به اصلاح خود و افراد دیگر ولو در حد محدود گردیم و از امراض مهلک آخر الزمان محفوظ بمانیم.

اکنون عیوبی که مردم آخر الزمان دارند و ما از روایات برداشت کردیم فهرست وار اشاره می کنیم.

«امراض و عیوب مردم آخر الزمان»

- ۱- بی ثباتی در ایمان؛
- ۲- بی توجهی به شناخت خداوند؛
- ۳- بی توجهی به شناخت پیامبر و امام؛
- ۴- بی توجهی به شناخت روز قیامت؛
- ۵- دنیا را بیش از اندازه دوست داشتن؛
- ۶- ناامیدی از گشایش امر مسلمین؛
- ۷- جاه و مال را هدف دانستن؛
- ۸- دچار غرور شدن؛
- ۹- اسیر طمع و حرص شدن؛
- ۱۰- غفلت از تهذیب روح؛
- ۱۱- اسیر ریا و تظاهر شدن؛

- ۱۲- بدعت گزاری و همراهی با بدعت نما؛
- ۱۳- بندگی حق را در حاشیه زندگی قرار دادن؛
- ۱۴- نماز را ضایع کردن؛
- ۱۵- معروف را منکر و منکر را معروف دانستن؛
- ۱۶- ترک امر به معروف و نهی از منکر؛
- ۱۷- قضاوت ناحق کردن و شهادت بیجا دادن؛
- ۱۸- اهمیت ندادن به خون مؤمنین؛
- ۱۹- نهی فرزندان از تعلیم فرائض؛
- ۲۰- تشویق فرزندان به امور دنیا؛
- ۲۱- ربا و نزول را به شکل های مختلف خوردن؛
- ۲۲- خیانت و دروغ و فریب را زرنگی دانستن؛
- ۲۳- امور مهم را به ناآگاهان و افراد ضعیف‌الایمان سپردن؛
- ۲۴- حدود الهی را ترک کردن؛
- ۲۵- دانایان عمل به علم خود را ترک کردن؛
- ۲۶- افراد کم اطلاع از مذهب بر مسند یا منبر نشستن؛
- ۲۷- قرآن را برای آهنگ خواستن نه برای عمل؛
- ۲۸- قرآن را با ساز و موسیقی خواندن؛
- ۲۹- مساجد را با تجملات آراستن و عظمت مساجد را به گلدسته‌ها و گنبد های بلند تصور کردن^۱؛
- ۳۰- مساجد را از نماز خالی گزاردن؛
- ۳۱- در مساجد و غیر مساجد ساز و آواز را آزاد گذاشتن؛
- ۳۲- مساجد را احیاناً محل بروز اغراض شخصی قرار دادن؛

۱. بعید نیست گلدسته یا گنبد در حدّ مشخص شدن مسجد از بناهای مطلوب بوده و مکروه نباشد. الله العالم.

- ۳۳- پدر و مادر مؤمن را هتک حرمت کردن؛
- ۳۴- آزار و اذیت همسایگان؛
- ۳۵- عالم واقعی را حقیر شمردن؛
- ۳۶- فاسقان را تکریم و احترام نمودن؛
- ۳۷- ثروتمندان را به خاطر ثروت عظیم شمردن؛
- ۳۸- ثروت اندوختن و از انفاق بخل ورزیدن؛
- ۳۹- حج واجب را برای غیر خدا بجا آوردن؛
- ۴۰- افراد متقی و پرهیزکار را در امور مهم دخالت ندادن؛
- ۴۱- به طلا آراسته شدن مردان؛
- ۴۲- کاسته شدن حیا به خصوص حیای زنان؛
- ۴۳- از مؤمنان بدگویی کردن؛
- ۴۴- از بین رفتن قبح قمار و شراب؛
- ۴۵- شراب (مسکرات) را با اسم‌های مختلف نوشیدن؛
- ۴۶- مسکرات را به جای دارو نوشیدن و تجویز کردن؛
- ۴۷- در همه اجتماعات (و مسابقات) زنان را هم سنگ مردان دانستن؛
- ۴۸- سرود خوانی تکیه به صوت و آهنگ خواندن زنان در مجتمعات مردان (نامحرم)؛
- ۴۹- مشاوره نمودن با زنان در اموری که باید با مردان مشاوره کنند؛
- ۵۰- لباس زننده پوشیدن زنان (بخصوص زنان جوان)؛
- ۵۱- زیاد شدن موانع ازدواج و رو آوردن به فحشاء و اعمال قبیح؛
- ۵۲- نمایان بودن بدن زنان در مقابل نامحرم (چسبان و جذاب بودن لباس زنان در مجتمعات مردان)؛
- ۵۳- امور بسیار مهم اجتماعی را واگذار به زنان کردن و تحقیر نمودن مردان؛

۵۴- تمایلات و خواسته‌های خود را بر امر و نهی خداوند ترجیح دادن؛

۵۵- بنده مال و مقام شدن و بندگی خدا را فراموش کردن؛

۵۶- سریع و زود تحت تأثیر هر صدا و هر دعوت قرار گرفتن؛

۵۷- فریب سفیانی‌ها و دجال‌های شیاد را خوردن؛

توضیح: حتی المقدور و تا جایی که برای ما میسر است مراقب خود بوده، بنده دنیا نباشیم و تصمیم به بندگی حق بگذاریم؛ قطعاً خداوند هم ما را کمک می‌کند و از افتادن در منجلاب‌های آخر الزمان در امان خواهیم بود؛ امام عصر علیه السلام دست ما را خواهد گرفت و رستگار خواهیم شد؛ منتهی ما نباید خیال کنیم که نمی‌توانیم به راه حق و حقیقت برویم اگر چنین چیزی بود به ما دستور نمی‌دادند که در همه نمازها به خداوند عرض کنیم: «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» بنابراین تا جایی که می‌توانیم راه حق رفته و آنجا که در انجام وظیفه ناتوان یا مضطر شویم گناهی بر ما نیست و گناه بر آنها هست که توان اصلاح را دارند و به وظیفه عمل نمی‌کنند.

خداوندا به ما توفیق بندگی و تقوی عنایت فرما.

فصل نهم

مکان‌های نزدیک یا

دور به هدف

امام عصر (عج)

در آخر الزمان

خالی شدن کوفه از علم و رونق قم

امام صادق علیه السلام فرمود: کوفه و نجف از مؤمنین خالی می شود و علم از آن خارج می گردد چنان چه ما را از لانه خود خارج می شود، سپس در شهری به نام قم جای می گیرد، آنجا معدن علم و فضل می شود. به واسطه قم کسی از دین بی اطلاع باقی نمی ماند حتی تازه عروس های حجله، و این نزدیک ظهور قیام کننده ما هست و خدا قم و اهل آن (از عالمان) را جانشین حجت قرار داده است.^۱

در روایت دیگر وارد شده که حضرت صادق علیه السلام فرمود: قم و اهل آن (یعنی فقهای عادل) در مقام حجّت قائم هستند.^۲

قم حرم اهل بیت و اهمیت آن

عده ای خدمت امام صادق علیه السلام رسیدند و عرض کردند: ما اهل ری هستیم؛ حضرت فرمود: مرحبا به برادران ما از اهل قم! عرض کردند: ما اهل ری هستیم؛ حضرت همان کلام قبل را تکرار فرمودند، سپس فرمودند: خدا را حرمی خاص (در زمین است) و آن مکه است و برای رسول خدا صلی الله علیه و آله حرمی خاص و آن مدینه است و برای امیر المؤمنین علیه السلام هم حرمی و آن کوفه است و برای ما حرمی خاص است و آن شهر قم است.^۳

اهمیت قم

حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند:

۱. بحار الانوار.

۲. بشارة الاسلام ص ۸۷، يوم الخلاص ص ۴۷۸.

۳. ... إِنَّ لِلَّهِ حَرَمًا وَ هُوَ مَكَّةَ وَ إِنَّ لِلرَّسُولِ حَرَمًا وَ هُوَ الْمَدِينَةَ وَ إِنَّ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَرَمًا وَ هُوَ الْكُوفَةَ وَ إِنَّ لَنَا حَرَمًا وَ هُوَ

بَلَدَةُ قَمٍ. سفینه البحار ماده قم.

اگر اهل قم (یعنی فقهاء و علماء قم) نبودند دین ضایع می شد.^۱

حضرت صادق علیه السلام فرمودند:

ترتیب قم مقدس است و اهل قم (که اهل دین و مَرَوَج دین هستند) از ما هستند و ما هم از آنها هستیم. تا زمانی که اهل قم به برادران دینی خود خیانت نوزند هر جبّاری به آنها اراده بدی نماید دچار گرفتاری و هلاکت گردد، اما اگر اهل قم خیانت پیشه شوند جبّاران بر آنها مسلط شوند. اهل قم یاران قیام‌کننده ما اهل بیت و رعایت‌کنندگان حق ما هستند.

سپس امام سربلند کرد و فرمود: پروردگارا اهل قم را از هر فتنه و هلاکت حفظ کن.

۲

اهل قم یعنی عالمان و دانشمندان ربانی آن

امام صادق علیه السلام فرمود:

سلام بر اهل قم؛ خداوند سرزمین آنان را از باران رحمت خود برخوردار و برکات بر آنها نازل کند و گناهان آنها را به حسنات مبدّل سازد، آنها اهل رکوع، سجود، قیام، قعود، خضوع و خشوع در مقابل حق تعالی هستند، آنها علما فقهاء و فهما و اهل درایه و دقت در دین و اهل روایت هستند و عبادت نیکو دارند.^۳

شایسته است در اینجا از مسجد جمکران قم که منتسب به امام عصر «عج» است و اهمیت آن سخنی بمیان آوریم.

قیام مهم در قم

۱. لولا القمیون لضاع الدین. سفینه ماده قم.

۲. سفینه البحار ماده قم.

۳. سلام الله على اهل قم سقى الله بلادهم الغيث و ينزل الله عليهم البركات و يُبدّل الله سيئاتهم حسنات، هم اهل رکوع و سجود و قیام و قعود، هم الفقهاء العلماء الفهماء هم اهل الدرایه و الزوایه و حسن العبادة. ماده قم سفینه البحار مرحوم قمی.

امام هفتم علیه السلام فرمود:

مردی از قم قیام کند و مردم را به مکتب حق بخواند، یارانی بسیار مقاوم هم چون قطعه‌های آهن برای او فراهم گردد، بادهای تند حادثه، آنها را از حق باز ندارد، آنها از جنگ هراس ندارند و به خدا توکل دارند و عاقبت هم برای اهل تقوی است.^۱

مسجد جمکران

مسجد جمکران به دستور حضرت ولی عصر عجل بنا شده است. یکی از شایستگان «حسن بن مثله جمکرانی» رحمة الله علیه می‌گوید: نیمه شب هفدهم ماه رمضان در منزل خود خوابیده بودم که در خانه به صدا درآمد، متوجه شدم که پشت در چند نفر هستند یکی از آنها به من گفت: حضرت امام مهدی صاحب الزمان صلوات الله علیه تو را می‌خواهد، دعوت آن حضرت را اجابت کن، برخاستم لباس بپوشم، پیراهنی برای پوشیدن برداشتم، صدایی شنیدم که: «هُوَ مَا كَانَ قَمِيصُكَ»؛ این پیراهن مال تو نیست، متوجه شدم که اشتباه برداشتم پیراهن خود را برداشته و پوشیدم. شلوار را خواستم بپوشم صدا بلند شد؛ این هم از تو نیست، آن را گذاشتم و شلوار خودم را پوشیدم. به همسرم گفتم کلید را بیاور تا در خانه را باز کنم، از پشت در صدا بلند شد در باز است.^۲ سلام کردم، جواب دادند و مرحبا گفتند و باشگفتی تا جایی که

۱. عن ابی الحسن الاول علیه السلام قال رجل من قم يدعو الناس الى الحق يجتمع معه قوم كزبر الحديد لا تزلهم العواصف ولا يملون من الحرب ولا يجبنون و علی الله يتوكلون و العاقبة للمتقين. (سفينة البحار ماده قم)

توضیح: قم توسط مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی رونق علمی گرفت ایشان جلسه‌ای تشکیل دادند و فقه و اصول به عده‌ای از طالبان علم دین تدریس فرمودند. سپس توسط شاگردان ایشان و بعضی علماء بلاد، که به قم هجرت کردند توسعه علمی بیشتری پیدا کرد و مرحوم آیه‌الله بروجردی از بروجرد دعوت شدند و رونق و صفای خاصی به این حوزه دادند. در سال ۴۲ شمسی مرحوم آیه‌الله خمینی قیام کردند و ایران را از سلطه بیگانگان و ایادی آنها و از پایمال شدن قوانین اسلام نجات دادند و به توفیق الهی و هوشیاری مردم سال ۵۷ انقلاب اسلامی پیروز شد. امید است اسلامی بودن به معنای واقعی و عملی در میان ملت ایران و ملل دیگر برقرار باشد و خدای نخواستہ مراسم طاغوتیان مراسم موحدان غالب نگردد.

۲. قضیه پیراهن و شلوار و باز شدن در سه علامت خارق العاده به «حسن بن مثله» روشن کرد که پیام این جماعت درست است و مسئله عادی نیست.

حالا مسجد جمکران است با آنها رفتم با دقت نگاه کردم، تختی که روی آن فرش گسترانیده شده بود را مشاهده نمودم، بالش‌ها را بر اطراف آن گذاشته بودند، جوانی حدود سی ساله و پیر مردی که کتابی به دست داشت، روی آن تخت نشسته بودند، برای آن جوان می‌خواند. بیش از شصت مرد بر آن زمین نماز می‌گزاردند که بعضی از آنها جامه سبز و برخی دیگر جامه سفید داشته، آن پیر مرد (که بعد متوجه شدم خضر است) مرا آنجا نشانده و آن جوان اسم مرا صدا زد (دانستم که امام عصر علیه السلام است) فرمود: برو و به حسن مسلم (که ادعای مالکیت این زمین را می‌کند) بگو: چندین سال است که این زمین را کشاورزی می‌کنی از این که محصول نمی‌دهد و آباد نمی‌شود و خیر و برکت ندارد، پند نمی‌گیری) زراعت پنج سال گذشته خود را دیدی و متوجه نشدی آن اعمال را دوباره انجام می‌دهی؟ اینجا نباید کشاورزی و ساخت و ساز کنی. هر نفعی که از این جا بردی باید پس بدهی تا اینجا مسجد ساخته شود. به او بگو؛ این زمین شریفی است و **حق تعالی این زمین** را بر زمین‌های دیگر ترجیح داده و تو آن را در حاشیه زمین خود تصاحب کردی خداوند جان دو تا از پسران تو را گرفت (و داغ آن دو را دیدی) آیا تنبیه نشدی؟ اگر به خود نیایی (باز آن را تصاحب نمایی) برای تو عواقب بدی در پیش است.

حسن بن مئله (بعد از شنیدن این سخنان) می‌گوید: گفتم؛ مولا و سرور من گفته مرا بدون دلیل قبول نمی‌کنند.

فرمود: دلیل و نشانی هم قرار می‌دهیم که قول تو را تصدیق کنند. نزد سید ابوالحسن در قم برو (سید مرد صالح و معروفی بوده) و به ایشان بگو؛ بیاید و سود چند ساله را از (حسن مسلم) بگیرد و بنای مسجد را بگذارد و بقیه مخارج مسجد را از زمین رهق اردهال که وقف ما است بیاورد و مسجد را تمام کند (که نصف زمین رهق را وقف به این مسجد نمودیم هر ساله بیاورد و صرف ساختمان اینجا بنماید) و به مردم بگو که به اینجا راغب شوند و اینجا را عزیز شمرند.

چهار رکعت نماز در این مسجد بگذارند (دو تا دو رکعت) دو رکعت (اول) به عنوان تحیت (و احترام) مسجد، هر رکعت یک حمد و ۷ بار سوره قل هو الله و هفت مرتبه ذکر رکوع و ذکر سجود، بعد از آن دو رکعت نماز امام صاحب الزمان علیه السلام بگذارند به این ترتیب: در رکعت اول حمد را شروع کرده آنگاه که به جمله ایّاک نعبد و ایّاک نستعین^۱ رسیدند آن را صد بار بگویند و بقیه رکعت را بخوانند و در رکعت دوم نیز مثل رکعت اول رفتار کنند اما ذکر رکوع و سجود را هفت بار بگویند. بعد از نماز تهلیل (لا اله الا الله) و تسبیح فاطمه زهرا بگویند و سپس سر به سجده گذارد و صد بار صلوات بر پیغمبر و آل او بفرستند.

حضرت فرمود: هر کس این دو رکعت نماز را بگذارد گویی در بیت العتیق (مسجد الحرام و کعبه) نماز خوانده است.

با خود گفتم گویا این مکان مسجدی است که **مختص حضرت صاحب الزمان** است و اشاره به همان جوان کردم.

آن جوان فرمود: برو و من روانه شدم، مرا صدا زدند و نشانی که برای تأیید حرفهایم خواسته بودم این گونه بیان کردند: بُزی که در گله جعفر کاشانی است را خریداری کن، اگر کسی در خرید آن شریک تو شود، بهتر است و گرنه خودت آن را بخر، آن بز، ابلق و پر مو است، آن بز را که سه لکه بر یک طرف بدن و چهار لکه چون درهم بر طرف دیگر دارد، ذبح کرده و گوشت آن را روز هجدهم تقسیم کنید، هر بیماری که از گوشتش بخورد شفا خواهد یافت نشان دیگری که فرمود چنین است: و ما هفت (یا هفتاد شب) اینجا هستیم،^۱ که بعد متوجه زنجیر و میخ‌هایی که در زمین بوده شدیم و آنها را پیدا کردیم. آن شب به خانه رفتم و منتظر صبح بودم تا نماز گزارم بعد از آن به طرف قم حرکت کردم و نزد سید ابوالحسن رفتم خدمه‌های ایشان گفتند:

۱. اگر فرموده باشد هفت شب یعنی تا شب بیست و سوم که احتمال زیاد دارد که قدر باشد و اگر فرموده باشد هفتاد شب می‌مانیم یعنی تا شب ۲۵ ذی‌القعدة که روز عظیمی است.

سید از سحرگاه منتظر شما است، شما از جمکران آمدی؟ گفتم: بلی. داخل خانه شدم، سلام کردم، سید گفت: در خواب بودم که شخصی به من گفت: حسن مثله از جمکران پیش تو می آید هر چه می گوید اجرا کن و به او اعتماد کن از خواب بیدار شدم و منتظر بودم.

حسن مثله همه ماجرا را تعریف کرد و تمامی اوامر، به دقت اجرا شد مسجد را ساخته و با چوب پوشاندند. سید ابوالحسن میخ‌ها و زنجیر را به قم برده و در منزل نگه داشت، افراد زیادی استشفا می کردند و شفا می یافتند. سید که فوت شد زنجیر و میخ‌ها را نیافتند.^۱

تذکر: در این زمان نیز بعضی از افراد را می شناسم که در مسجد جمکران حضرت را رؤیت کرده‌اند.

مسجد سهله و کوفه ماوا و مرکز حکومت

مسجد سهله از مساجد بسیار با اهمیت در زمان غیبت، و ظهور و بعد از ظهور است و تعلق خاصی به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه دارد، بعد از ظهور نیز پایگاه تدریس حضرت حجت «عج» خواهد شد.

خود یا نماینده خاص حضرت در آنجا نماز جماعت اقامه می کند و مشکلات مختلف مردم را حلّ و فصل می نماید.

مسجد سهله چنان توسعه می یابد که هزار در از آن مسجد به روی مردم باز می شود.^۲

طبق روایات، مرکز حکومت حضرت جنب کوفه و مسجد سهله است.

۱. نجم الثاقب نوری ص ۲۱۹ از شیخ فاضل حسن بن حسن قمی معاصر صدوق در تاریخ قم از کتاب مونس الحزین فی معرفة الحق و الیقین تألیف محمد بن بابویه قمی نقل کرد.

توضیح: اواخر جریان را تا حدی فشرده نگاشتیم بر ما خورده نگیرید.

۲. بشارة الاسلام ص ۲۰۶، اعلام الوری ص ۴۰۳.

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

ای ابا محمد، حضرت مهدی علیه السلام را می بینم که در مسجد سهله با اهل و عیالش فرود آمده و مأوای و منزل گرفته اند. کسی که در آن مسجد دعا کند حاجتش بر آورده شود. (مگر آن که مصلحت الهی در استجابت دعایش نباشد) آن از خانه هایی است که خداوند زیاد دوست دارد در آن (مناجات شود و) نماز خوانده گردد. اگر من دور نبودم همه نمازهای واجب را در آن می خواندم. سپس فرمود: ای ابا محمد آنچه از فضائل این مسجد وصف نکردم بیش از آن چیزی است که وصف کردم.^۱

حضرت باقر علیه السلام فرمود:

می بینم که (حضرت) قیام کننده اهل بیت بر نجف (کوفه) ظهور کرده است و پنج هزار فرشته او را از مکه همراهی کرده و شعیب بن صالح مسئول لشکر، و مؤمنان مقابل روی او قرار گرفته و مشغول تفکیک نیروها برای ارسال آنها به کشورها و شهرهای دیگر است و قسطنطنیه و شهرهای جبال دیلم را تسلیم نماید.^۲

حضرت باقر علیه السلام فرمود: مهدی «عج» به کوفه وارد خواهد شد و سه لشکر در آن قرار دارد و حضرت برای اولین بار سخنرانی می کند، (اما آغاز سخن از شدت علاقه ای که مردم به حضرت دارند بی تاب هستند و نمی توانند ناله و گریه نکنند) به طوری که از شدت گریه متوجه نیستند حضرت چه فرموده است.^۳

امید است که ما و همچنین فرزندان و همه دوستان ما در میان آن عاشقان باشیم.

مکان و محیط زوراء

کلمه زوراء در لغت به معنای مکان بعید و گفتاری که دارای اعواج است گفته شده و به بغداد و احیاناً به طهران اطلاق شده است.

۱. فضائل مساجد کوفه در مفاتیح ذکر شده است.

۲. اعلام الوری ص ۴۲۰، المحجة البيضاء ج ۴ ص ۳۴۴، بحار ج ۵۲ ص ۳۳۷.

۳. غیبة طوسی ص ۲۸۱، المحجة البيضاء ج ۴ ص ۳۴۴.

در اصطلاحاً به شهری که ظاهر آن مذهبی جلوه می‌کند اما در واقع خلاف‌ها و انحراف‌های فراوان در میان آن وجود داشته باشد گفته می‌شود.

تهران در روایات

امام صادق علیه السلام به یکی (از شاگردان برگزیده‌اش به نام مفضل) فرمود: ای مفضل، آیا می‌دانی زوراء کجا واقع شده است؟ عرض کرد؛ خداوند و حجت او بهتر می‌داند. فرمود: ای مفضل: در حوالی شهرری کوه سیاه رنگی است که در کنار آن شهری به نام طهران بنا می‌شود و آن خانه زوراء (انحراف) است که قصرهای آن مانند قصرهای بهشت و زنانش چون حورالعین (دورنمای آنها چنین است) و به لباس اهل کفر ملبّس و همانند جباران (و مغروران و متکبران) زندگی می‌کنند و (در ملأ عام با وضع و لباس زننده) سوار مرکب‌ها شوند از شوهرانشن اطاعت نمی‌کنند. اگر خواهان حفظ دینت هستی در این شهر سکونت نکن.^۱

توضیح: شهرهائی مثل تهران فقط برای کسانی خوب است که آگاهی دینی زیادی داشته و مقاوم باشند.

توجه: خوانندگان محترم خبرهای غیبی را یکی پس از دیگری از زبان جانشینان خداوند می‌شنوید و می‌بینید که حوادث آینده را می‌دیدند. چنین بزرگوارانی قابلیت پیشوایی جهانیان را دارند که روح آنها به همه عالم مسلط است.

خبر فوق الذکر هم، یکی از آن خبرهاست، در آن روزگار فقط شهرری بوده و اصولاً شهری به نام تهران وجود نداشته است، مرحوم مجلسی این خبر را در کتاب «السماء و العالم» ذکر کرده و او در زمان صفویه بوده و شهر اصفهان بزرگترین شهر و مرکز تجارت بوده و تهران قابل ذکر نبوده است. و تهران حدود دویست سال بعد از مرگ مجلسی قابل ذکر شد.

۱. بحارالانوار مجلسی، ج ۵۲، ص ۲۵۸ - الزام الناصب، ص ۱۸۳.

امام صادق علیه السلام فرمود:

در طهران قصرها (در نهایت زیبایی) ساخته شود (از نظر جلوه) گویا قصر بهشت هستند، زنان آن (خود را) چون حورالعین (جلوه دهند) به لباس مخالفان دین ملبَس شده و به روش ستمگران و متکبران زندگی کنند و بر هر زمین و وسیله نقلیه غیر مناسب سوار خواهند شد، (رانندگی کنند و در آن حال حجم بدن آنها در مقابل نامحرمان مشخص باشد) از شوهران خود اطاعت نمی نمایند و مخارجی که شوهر در منزل برای آنها هزینه می کند (با آن که کافی است) را کافی نمی دانند (در خرج مال، تبذیر نموده و بیجا و بوالهوسانه خرج می کنند) آن هنگام از آنجا به جای دیگر ولو به کوه ها (و کوهستان ها) هجرت کنید.^۱

توضیح: ماندن در این نوع شهرها احتیاج به دانش دینی عمیق و مراقبت شدید نسبت به خود و فرزندان دارد و گرنه باید به شهرهای مطمئن مهاجرت است.

از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود:

آن ساعت به پانشود، مگر آن که یکی از موالی (از عجم) که به او جهجاه (شهنشاه) گویند، سلطنت نماید.^۲

به گفته کتاب یوم الخلاص (که مؤلف آن کامل سلیمان است) جهجاه شاهنشاه بوده است.

(این روایت را به مناسبت این که نامی از تهران به میان آمده در اینجا ذکر کردیم زیرا؛ به احتمال قوی همان شاه ایران بوده است که حکومت شاهنشاهی نیز در سال ۵۷ برچیده شد و لغت شاهنشاه یعنی مَلِکُ الْمَلُوک (شاه شاهان) که ادعایی بسیار زیاد و لقبی غیر مناسب است.

۱. تُصْبِحُ طَهْرَانَ قُصُورَهَا كَقُصُورِ الْجَنَّةِ وَ نِسْوَاتُهَا كَحُورِ الْعَيْنِ، يَتَلَبَّسْنَ بِلباسِ الْكُفَّارِ وَ يَتَزَيَّنْنَ بِزِيَّ الْجَبَابِرَةِ وَ يَرْكَبْنَ الشُّرُوجَ، وَ لَا يَتَمَكَّنَنَّ لِأَزْوَاجِهِنَّ وَ لَا تَكْفِي مَكَاسِبُ الْأَزْوَاجِ لَهُنَّ فَيُرَوْنَ مِنْهَا إِلَى قَلَّةِ الْجِبَالِ... الزام الناصب ص ۱۸۳، منتخب الاثر ص ۴۳۰، بحار ج ۵۲ ص ۲۵۸، بشارة الاسلام ص ۱۳۲.

۲. عن النبي صلی الله علیه و آله لا تقوم الساعة حتى يملك الناس رجلاً من الموالي يقال له جهجاه، صحيح مسلم ج ۸ ص ۱۸۴.

امروز در اجتماع ما هم خیلی از ارزش‌ها تغییر کرده و تملق و گزاف‌گویی رواج یافته و لقب‌هایی که برای بعضی به کار می‌برند مصداق ندارد و کذب است این معنا دو ضرر دارد: ۱- باعث فریب خوردن مردم بی‌اطلاع می‌شود و بی‌ارزش‌ها و کم‌ارزش‌ها را پرارزش و ارزشمندها را بی‌ارزش می‌دانند، ۲- به مرور زمان نزد بسیاری از مردم کلاً اعتبار آن لقب‌ها از بین می‌رود و در نتیجه؛ صاحبانی که لیاقت آن لقب‌ها را دارند شناخته نمی‌شوند و جامعه دچار عقب‌ماندگی فرهنگی می‌شود.

بر مکان‌هایی که حجت تمام شده عذر پذیرفته نیست

این سؤال مطرح است که؛ چرا شهرهای دیگر که انحراف زیادی در آنها وجود دارد و همان وضع بغداد و تهران را دارند، زوراء نامیده نشده‌اند؟

۱- چون شهرهایی که در کشورهای کفرنشین بوده یا در میان مخالفین ما هستند اگر در عمل خراب یا فاسدتر از این دو شهر هستند؛ ادعای ایمان، تقوی و پاک بودن را ندارند و اعمال آنها به نام اسلام عنوان نمی‌شود و مستقیماً آیین اسلام تضعیف نمی‌گردد، بلکه خود آن مردم بدبخت و منحط خواهند گردید؛ اما مسلمانانی که ادعای مسلمانی دارند و می‌خواهند که امتشان شاهد و الگو گردد ولی راه پیگانگان و منحرفین را دنبال می‌کنند، صدمه بزرگی به اسلام خواهند زد ۲- بلاد غیر شیعه و غیر مسلمان مانند مسلمین و شیعیان آگاه نیستند و انسان آگاه، به تناسب ازدیاد آگاهی مسئول‌تر است، پس توقع معصومین از چنین شهرهایی که در مهد اسلام هستند بسیار زیاد است و اگر به خود نیابند غضب الهی به آنها نزدیکتر است، زیرا حجت بر آنها تمام شده است.

فصل دهم

جنگ و ناامنی

بخشی بزرگ از جهان

بغداد و آشوب‌های آن

رسول اکرم ﷺ فرمودند:

شهری بنا خواهد شد که در وسط آن رودخانه بزرگی است، کنار آن شهر دو تن از امامان علیهم‌السلام دفن هستند. مردی از آن شهر می‌برخیزد که نام او «عبد» است و بر (سلطان آنجا غالب می‌شود، پادشاه، و دوستانش را به قتل می‌رساند و شخصی بنام عبدالله را می‌کشد و بدنش را قطعه قطعه می‌کند سپس مرد دیگری که نام او نیز «عبد» است در ماه رمضان قیام می‌کند و عبد اولی را به قتل می‌رساند و سپس با پروازکننده‌ای به هوا پرواز کند و بسوزد. پس از آن در سلطنت عجم در ماه محرم انقلاب صورت می‌گیرد و خون‌ها ریخته می‌شود و سلطان عجم از ترس آن که دستگیر شود فرار می‌کند سپس از غصه می‌میرد و آشوب و انقلاب خواهد بود در این زمان مردم را به ظهور حجت ما بشارت بدهید.^۱

توضیح: احتمال قوی آن شهر بنا شده بغداد است که رود بزرگی وسط آن است و آن دو امام. امام کاظم و امام جواد علیهما السلام هستند. عبد اول، عبدالکریم قاسم رئیس رژیم عراق بوده که ملک فیصل و عبدالله ولیعهد فیصل را کشت و بدن عبدالله را مثله نمود، بعد از او عبد دیگر که عبدالسلام عارف باشد در ماه رمضان قیام کرد و در هواپیما هلاک شد، سپس اشاره به انقلاب ایران است که از ماه محرم آغاز شده است. امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمودند:... اما زوراء از حوادث و فتنه‌ها خراب خواهد شد و واسط را طغیان آب خراب کند.^۲

جنگ و ناامنی در خاورمیانه

۱. تذکرة المهدی نوشته مدرس ص ۲۶ منقول از بیان الائمة و ملاحم و فتن خطی مجلسی.

۲. الزام الناصب ص ۲۰۳.

سُدیر صیرفی می گوید: که نزد حضرت صادق علیه السلام بودم، و در آن هنگام جماعتی از اهل کوفه خدمت حضرت بودند، حضرت رو به آنها کرد فرمود: به حج بروید (ای اهل عراق...)

پیش از آن که بر جانیّه (بریتانیا) جلو حج را بگیرد (حِجَّوْا قَبْلَ أَنْ يَمْنَعَ الْبِرْجَانِيَّةَ) و بر جانیّه را به بریتانیا تعبیر کرده اند) سپس حضرت فرمود: حج کنید پیش از آن که مسجدی که مابین درخت خرما و نهرها در عراق واقع است خراب شود. حج کنید پیش از آن که درخت سدر که در زوراء (بغداد) واقع است بریده شود و آن درخت متصل به ریشه های درختی است که حضرت مریم از آن رطب تازه خورد. وقتی که این ها واقع شد از حج کردن منع می گردید، آنگاه که میوه ها کم شد خشکسالی در شهرها پدید می آید به گرانی نرخ ها و به ستم سلطان و ظلم آشکار گرفتار می شوید و (مرض) وبا و گرسنگی به شمار روی می آورد و فتنه ها از همه طرف بر سر شما خواهد ریخت. (عراق محل جنگ و نزاع شود).

ای اهل عراق هنگامی که پرچم ها (و جمعیت ها) از خراسان به سوی شما آید چه می کنید؟ و آن وقت است که اهل ری از دست ترک ها عذاب و رنج کشند. وای بر همه این ها از ملت ثط. (شاید یکی یا چند قدرت جهانی را ثط می نامیدند مثل چینی ها و ژاپنی ها و امثال این ها) سُدیر می گوید، ثط کدامند؟ فرمود: آنها هستند که گوش های آنها از کوچکی مثل گوش موش است و لباس آنها از فلز باشد. (در وسائل جنگی مدرن حرکت کنند) گفتار آنها غیر منطقی و عجیب است و حدقه چشم آنها کوچک است صورتی بی مو دارند. پناه ببرید به خدا از شر آنها، این ها باعث ظهور دین و خروج (مهدی) می باشند.^۱ (این ملت، چینی ها یا همانند آنها هستند).

عراق و شام

۱. منتهی الامال معجزات امام صادق.

علی علیه السلام فرمود: آن گاه که زلزله‌ها به خراسان (قسمتی از ایران) و بلادها در همدان وارد شد و عراق در وحشت افتاد و اهل شام مختلف شدند (پرچم‌ها وارد سرزمین شامات و لبنان و حوالی آن شد) و اهل یمن بر سر حکومت به توافق نرسیدند.^۱

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

آن گاه که مسجد برائا خراب شود.^۲

توضیح: مسجد برائا در بغداد است و از مساجد مشهور است.

علی علیه السلام فرمود: عجم بر عرب هجوم برده و بصره را تصرف نماید. فتنه‌ها یکی پس از دیگری اتفاق می‌افتد، افسوس به مردم فلسطین و حوادثی که تحمّل می‌کنند و اینها به واسطه اعمال خود مردم است (که با داشتن کامل‌ترین ادیان به دنیا روی آوردند).^۳

قبل از جنگ جهانی حج کنید

حضرت علی علیه السلام فرمود: به حج بروید قبل از آن که توانایی آن را نداشته باشید؛ زیرا شخصی را با این نشان که سر او مو ندارد. و گوش‌های کوچک دارد که با دست خود خانه را خراب می‌کند می‌بینیم.^۴

علی علیه السلام فرمود: (حضرت مهدی ع) وقتی یک ثلث مردم کشته شوند و یک ثلث بدون کشته شدن بمیرند و یک ثلث باقی بماند.^۵

۱. عن علی علیه السلام اذا ظهرت بخراسان الزلازل ونزلت بهمدان النوازل فرجفت الارجف بالعراق و شمل الشام الخلف و اختلفت اهل اليمن علی الملك... الزام الناصب ص ۲۰۴.

۲. اذا هدم مسجد برائا. الملاحم و الفتن ص ۱۰۶.

۳. الزام الناصب ص ۱۹۶ و ۱۹۷.

۴. حَجُّوا قَبْلَ أَنْ لَا تَحِجُّوا فَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى حَبَشِيٍّ أَضْمَعَ أَقْرَعَ بِيَدِهِ مِعْوَلٌ يَهْدِيهَا حَجْرًا حَجْرًا. (يعني يهدم الكعبه) فی بعض النسخ (اصلع اقرع) ملاحم و الفتن ص ۱۳۱ بحار ج ۵۲ ص ۲۱۸.

۵. عن علی: لا يقوم (ای المهدی) حتی یقتل الثلث و يموت الثلث و يبقى الثلث. منتخب الاثر ص ۴۵۳.

همچنین آن حضرت فرمود: این امر نخواهد شد مگر دو ثلث مردم از بین بروند. عرض کردند پس چه کسی باقی می ماند؟ فرمود: آیا دوست ندارید از ثلث باقی مانده باشید.^۱

جنگ و خرابی توسط یکی از قدرتهای خودکامه و بزرگ

رسول الله ﷺ فرمود:

آن گاه که گروه «علج شلعین» به قصد هجوم و سرکوبی سرزمین ها حرکت کند و آنها ابزار جنگی بسیار عظیم دارند، آنها مقدمه ظهور هستند و شهرهای ارم را در یکی از ماه های حرام تصرف می کنند، آنها را به بدترین عذاب ها دچار می سازند، آنها فرزندان حام بوده، تا آن که قصد تخریب بیت المقدس کنند و ذلت آنها را فرا گیرد.^۲ هنگامی که سختی ها فراوان گردد و آزادگان هتک شوند و خراسان خراب شود آن وقت حضرت ظهور خواهد کرد.^۳

رسول اکرم ﷺ فرمودند:

شهر زوراء را جمعی از فرزندان «قنطوراء» که بسیار بی رحم هستند و پسران را کشته و زنان را هتک می کنند احاطه خواهد کرد. وای بر زوراء از فرزندان قنطوراء که آتش آنها به شام خواهد رسید و حلب را هم تصرف می کنند و در آن نواحی جز شهر دمشق و نواحی آن چیزی نخواهد ماند. سپس به بعلبک می رسند. و انواع بلاها را در نواحی لبنان وارد می سازند چه بسا که افراد زیادی در بیابان ها جان دهند و بسیاری کنار رودخانه، اسیر و درمانده گردند، آنجاست که ناله ها شنیده می شود و ترس و

۱. عن علی علیه السلام: لا یكون هذا الامر حتی یذهب ثلث الناس فقال اصحابه و من یبقی فقال اما ترضون ان تکونوا من الثلث الباقی. منتخب الاثر ص ۴۵۲، الزام الناصب ص ۲۸۱.

۲. رسول الله: ابن المفتر عند ظهور العلیج شلعین المیل الکالج و معهم الکرکدن و الفیل و ینبطنون الظهور و یقرعون الثغور و سیحبط بیلاذ الارم... الزام الناصب ص ۲۰۵.

۳. یخرج اذا تلاحت الشدائد... و یهتکون الحرائر و یخربون خراسان... الزام الناصب ص ۱۹۴ «در بعضی کتب (علج شلعین را اسم رمزی دانند).

وحشت‌ها ادامه پیدا کند.^۱

جنگ و ویرانی در بصره، هند، کرمان، آذربایجان و دیگر شهرها

در تفسیر آیه مبارکه «وَإِنْ مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَوْ مُعَذِّبُوهَا» از رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ آمده وارد شده که فرمود: در آخر الزمان شهرهای سمرقند، جاح، خوارزم، بصره و بلخ خراب می‌شوند و هند از لشکر تبت و از چین و همچنین کرمان و بخش‌هایی از شام به وسیله هجوم لشکریان مسلح خراب شده و یمن و سجستان و قسمتی از مرو به واسطه رمل، هرات با... و مصر از قطع شدن آب نیل، آذربایجان با هجوم لشکریان بسیار مسلح و صاعقه، و بخارا با غرق در آب و گرسنگی و بغداد چنان خراب شود که ساختمان‌های آن با خاک یکسان گردد.^۲

رسول الله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: فارس به دست پابرهنه‌های دیلم، دیلم به دست ارمن، ارمن به وسیله خزر، خزر از دست تُرک و تُرک از صواعق ویران خواهند شد.^۳

رسول الله فرمود: آن لحظه بپا نخواهد شد مگر آن که افرادی که سرخ رو هستند و میان بینی‌هایشان فرورفته و صورت‌های پهن و چشم‌هایی کوچک دارند. با مردم خوز و کرمان جنگ کنند.^۴

علی عَلِيٌّ فرمود: جمعی از فرزندان قنطوراء همراه افراد شروری که مهر و عاطفه در دل آنها نیست به شهر زوراء حمله می‌کنند. پسران آنها را می‌کشند، زنان را بر خود روا می‌دارند. افسوس به حال مردم زوراء از ستم این جمعیت. آتش جنگ این گروه به شام می‌رسد حلب را فرا گرفته همه جا را خراب می‌کنند جز دمشق و اطراف آن،

۱. سیحیط بالزوراء علیج من بنی قنطوراء باشرار قد سلب الرحمة عن قلوبهم. الزام الناصب ص ۲۰۵. توضیح فیل و کرکدن رمزی است از مرکب‌های قوی آنها مثل تانک‌ها و زره‌پوش‌ها و هواپیماها و...

۲. آیه در سوره مبارکه اسراء آیه ۶۰ است و حدیث در بشارة الاسلام ص ۴۳ و ص ۲۸.

۳. یوم الخلاص.

۴. رسول الله: لا تقوم الساعة حتی تقاتلوا خوزاً و کرمان قوم من الاعاجم حُمُرُ الوجوه، فطس الأنوف صغار الأعین، کَانَ وُجُوهُهُمُ الْمَجَانَّ الْمُطْرَقَةَ... صحیح نجاری ج ۴ ص ۲۲۸، اعلام الوری ص ۸۹.

ولی دمشق هم کشته‌های زیاد می‌دهد، در بعلبک با امان وارد می‌شوند و بلادهای گوناگونی به لبنان وارد می‌نمایند. چه کشته‌های زیاد که در بیابان‌ها و چه اسیرانی که در کنار نهرها باشند ناله‌های آنها بلند و همیشه در وحشت خواهند بود.^۱

علی علیه السلام فرمود: افسوس بر عرب از مخالفت ترک‌ها و افسوس بر امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم وقتی که تحمل نبردهای مختلف می‌کند و فرزندان قنطورا نهر سیحون را تصرف و از آب دجله استفاده می‌کنند و قصد تصرف بصره و ابله را می‌نمایند.^۲

شکست چینی‌ها یکی از علامات ظهور است

شما با گروهی که بینی و چشمانی بسیار کوچک دارند می‌جنگید^۳

حضرت حجة تاجیه به ابن مهزیار فرمود:

وقتی که چین شکست خورد و منهزم شد و غربی به تاخت و تاز پرداخت و عباسی (یا نعمانی) جلوه گر شد و برای سفیانی بیعت گرفته شد آن وقت است که ولی خدا اجازه ظهور دارد.^۴

۱. الزام الناصب ص ۲۰۴ بشارة الاسلام ص ۵۶-۵۷.

۲. بحار ج ۵۲ ص ۲۷۵ بشارة الاسلام ص ۴۱.

۳. مسند احمد خیل ج ۲۳ ص ۵۳۰.

۴. بحار ج ۵۲ ص ۱۰۴.

فصل یازدهم

خروج و ظهور

لشکرهای عظیم

خراسانی، یمانی، سفیانی

و سپس شعیب بن صالح

نبرد خراسانی‌ها (ایرانی) با جبهه باطل که از ارمنستان و آذربایجان حمله می‌کنند

حضرت مهدی علیه السلام به ابن مهزیار فرمود:

شروسی^۱ از ارمنستان و آذربایجان به تبریز آمده و به سوی ری و کوه سیاه (تهران) که نزدیک کوه سرخ است حرکت می‌نماید و بین او و مروزی (خراسانی) جنگ سخت و خونین واقع می‌شود چنان درگیری شدیدی که پیر و جوان را فرسوده و وحشت زده می‌کند، در آن هنگام (سفیانی) قصد زوراء می‌نماید، بعد از آن که او یکصد و سی هزار جنگجو به آن جا فرستاده و در اطراف آن پل، هفتاد هزار نفر در مدت سه روز کشته شوند آب دجله از کثرت خون سرخ رنگ شود و بوی بد اجساد متصاعد باشد و به دوازده هزار زن عفیف تجاوز شود سپس به کوفه و نجف وارد می‌شوند و کاری می‌کنند که عاقلان از فکر بازمانده می‌شوند. (از بهت زدگی در حیرت بسر خواهند برد) بعد از این وقایع، در امور مردم گشایش می‌یابد و آشوب و فتنه از بین می‌رود.

درگیری شدید در شام و بلاد دیگر

امام صادق علیه السلام فرمود:

پرچم‌های متفاوت در شام آشکار می‌گردد: ابقع، اصهب، سفیانی^۲. ابقع مترادف ابلق است و اصهب به معنای کسی که روی یا موی او سرخ و سفید رنگ است. از امام هشتم نقل شده که فرمود: سفیانی با ابقع جنگ می‌کند و او را می‌کشد و

۱. شروسی یخرج من اشروسنه فی آذربایجان که بین سیحون و سمرقند است - بحار، ج ۵۲، ص ۴۵، بشارة الاسلام، ص ۱۷۲.

۲. عن الصادق علیه السلام: اختلاف الرايات فی الشام. ابقع و الاصهب و السفیانی. الغیة للنعمانی، ص ۱۳۳، اعلام الوری، ص ۴۲۸.

همچنان همراهان او و اصهب را نیز به قتل می‌رساند.^۱

امام رضا علیه السلام فرمود: قبل از این امر (قبل از ظهور) سفیانی، یمانی، مروانی و شعیب بن صالح قیام می‌کنند.^۲

(در روایات ما از یمانی و مروانی که همان خراسانی است و از شعیب بن صالح به خوبی یاد شده است. روایت شده است که علامت خروج حضرت مهدی «عج» پرچم ها و لشکریانی است که از طرف غرب (کشورهایی که غرب عربستان هستند) می‌آیند و مردی از قبیله کنده آن را فرماندهی می‌نماید.^۳

همچنین اهل مغرب به سوی مصر هجوم آورده و آن وقت است که حکومت سفیانی شروع می‌شود.^۴

علی علیه السلام فرمود: آن گاه دو لشکر در شام مقابل هم قرار می‌گیرند آیه‌ای از آیات خدا ظاهر و شام را لرزشی فرا می‌گیرد که بیش از صد هزار نفر تلف می‌شوند، آنها که بی‌ایمان رفتند ضرر کردند آنها که با ایمان تلف شدند به رحمت خدا رسیدند، سپس منتظر مرکب‌های ویژه و پرچم‌های زرد باشید که از غرب وارد شام می‌شوند و این به وقتی نزدیک است که جزع و فزع زیاد خواهد شد و مرگ سرخ فراوان باشد و قریه‌ای از آبادی‌های شام به نام «خَرَشْنَا» نابود گردد و به زمین فرو رود بعد از آن منتظر فرزند جگرخوار (پسر ابوسفیان) باشید که از بیابان خشک وارد و بر منبر دمشق و حکومت آن مسلط شود آن وقت باید منتظر حضرت مهدی «عج» باشید.^۵

درگیری مصر و ظهور پرچم‌های حقیقت طلب سیاه رنگ

۱. فیلتقی السفیانی بالابقع... الغیبة للنعمانی ص ۱۴۹.
۲. ... قبل هذا الامر السفیانی و الیمانی و المروانی و شعیب بن صالح. الغیبة للنعمانی ص ۱۳۳، بشارة الاسلام ص ۵۹.
۳. ... علامة خروج المهدي الوية تقبل من المغرب عليها رجل أعرج من كنده. الحاوی للفتاوی ج ۱، ص ۱۴۴.
۴. من علاماته... تفراهل المغرب الى مصر و تلك امارة السفیانی. بشارة الاسلام ص ۱۷۷.
۵. الغیبة للنعمانی ص ۱۶۳ و ۱۶۴ الغیبة الطوسی ص ۲۷۷ و بحارج ۵۲ ص ۲۱۶.

یکی از علامت‌های ظهور: اهل مصر بر امیرشان هجوم برده و او را می‌کشند و پرچم‌های قیس و عرب بر مصر غلبه خواهند کرد.^۱

قبل از ظهور، حاکم شام و مصر کشته خواهند شد و تعداد زیادی از مردم مصر را اسیر می‌کنند.^۲

قبل از ظهور بین شام و مصر درگیر خواهد شد و گروه‌های زیادی از مصر به اسارت خواهند رفت و مردی از مشرق با پرچم‌های سیاه کوچک خواهد آمد و مقدمه را برای ظهور حضرت فراهم کند. (به احتمال قوی آن مرد از ایران یعنی همان خراسانی است).^۳

قبل از ظهور، سفیانی به مصر می‌آید و چهار ماه خواهد ماند و بسیاری را به قتل رسانده بسیاری را اسیر خواهد کرد و مردم به گریه و ناله می‌افتند و جنایات زیادی اتفاق خواهد افتاد که بسیاری از مردم آرزوی مرگ می‌کنند.^۴

هجوم سفیانی و بعضی از مشخصات او

و از امیر المؤمنین نقل کرده‌اند که فرمود: فرزند آكلة الاكباد (جگرخوارها) از وادی «یابس» خروج می‌کند او صورتی خشن دارد (ترشرو است) سر او بزرگ و در صورت او اثر آبله است، وقتی به او نگاه کنی گمان می‌کنی که یک چشم دارد (اما چنین نیست بلکه یک چشم او فشرده‌تر از چشم دیگر است) اسم او عثمان و پدرش عتبه است از منبر شام بالا می‌رود. (حکومت را به دست می‌گیرد).

علی رضی الله عنه خطاب به معاویه می‌فرماید:

مردی که از نسل تو است را با چشم خود می‌بینم او مردی شوم، ملعون، پلید و

۱. بشارة الاسلام ص ۱۷۵ الزام الناصب ص ۱۸۵.

۲. الملاحم و الفتن ص ۴۰ و ص ۴۳ بشارة الاسلام ص ۱۸۵.

۳. الملاحم و الفتن ص ۴۳.

۴. الملاحم و الفتن ص ۴۰.

درشتخوی است، رحم و رأفت ندارد، مادرش از قبیله‌ای مشهور به کلب است. اگر بخواهی نام و نشان و سن و سال او را بیان کنم: او سپاهی را به سوی مدینه می‌فرستد که در آن قتل، غارت و فحشای فراوان انجام می‌دهند و مردی پاک از تبار من در مقابل او می‌ایستد و زمین را پر از عدل و داد می‌نماید چنان‌چه از ظلم و جور پر شده است، او از نسل پسر حسین علیه السلام است^۱ خروج سفیانی با پرچم سرخ و امیر لشکر او از «بنی کلب» است که متوجه مدینه می‌شوند و امیر دیگر آن خزیمه نام دارد^۲.

علی علیه السلام فرمود:

نشانه خروج او (سفیانی) پشت سر هم آمدن پرچم‌های سه‌گانه است، پس وای به مصر از حمله عرب‌ها مزاحمت آنها و لشکریانی از بحرین و از جزیره آران و زمین فارس که از شام حرکت می‌کنند و بین آنها فتنه و درگیری شدید به مدت یک سال خواهد بود.^۳

صاحب پرچم‌های زرد

در روایتی چنین آمده است: وقتی بربرها با پرچم‌های زرد بر روی مرکب‌های مستحکم (و مدرن) سوار شده به مصر هجوم می‌برند و اهل مغرب نیز به مصر روی می‌آورند آن‌گاه حکومت سفیانی شروع می‌شود.^۴

پرچم‌های زرد از مغرب به شام وارد می‌شود و چنان جنگ خونینی است که همه فریاد می‌زنند آن‌گاه منتظر فرورفتن محله‌ای از محله‌های شام که آن را «خرشنا» گویند باشید، سپس منتظر فرزند جگرخوار (أكلة الاكباد) در وادی «یابس» باشید که در شام می‌آید در آن هنگام منتظر خروج حضرت مهدی «عج» باشید.

۱. نهج البلاغه به نقل از یوم الخلاص، ص ۶۷۵.

۲. نهج البلاغه ج ۱ ص ۱۹۴، ج ۲ ص ۲۲ و شرح نهج البلاغه ج ۱ ص ۱۹۳.

۳. الزام الناصب ص ۱۹۸، یوم الخلاص ص ۶۱۶.

۴. يُقْبَلُ الْبُرْبُرُ بِالرَّيَاتِ الصُّفْرِ عَلَى الْبَرَادِينِ السَّبْرِ... بشارة الاسلام ص ۱۸۶.

طبق نظر صاحب کتاب «یوم الخلاص»، بربرهایی که با پرچم‌های زرد می‌آیند غربی‌ها هستند.^۱

در روایات وارد شده که: «الیمانی یتولی علیاً»؛ یمانی ولایت علی علیه السلام را پذیرفته است. یمانی و سفیانی مانند دو اسب مسابقه هستند، یعنی خروج آنها فاصله‌ای با هم ندارد.^۲

خزیمه یکی از فرماندهان سفیانی

علی علیه السلام فرمود:

سفیانی دوازده هزار جنگجو به سوی مدینه اعزام می‌کند که فرمانده آن خزیمه است. نشانه سفیانی این است که؛ روی مردمک یک چشم او را سفیدی همچون پرده‌ای پوشانده است مردان را مثلثه می‌کند، در خانه ابوالحسن اموی نزول می‌کند و لشکر را به جستجوی مردی از اهل بیت می‌فرستد و آن گاه که مدینه را به قصد مکه ترک می‌کند وقتی به وسط بیابان می‌رسد، او و لشکریانش در کام زمین فرو رفته و فقط دو نفر از لشکرش او برای عبرت باقی می‌مانند که خبر آن را به دیگران برسانند، صورت آن دو نفر به عقب برگشته تا نشانه‌ای از آن حادثه شگفت باشد.^۳

توضیح: احتمالاً این واقعه بعد از درگیری‌های زیاد بین او و لشکر اسلام و جنگ و گریزهای متعدد است.

قتل شایستگان و نبرد لشکر شعیب بن صالح با سفیانی

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

از مشرق (کشورهایی که در شرق عربستان بوده‌اند را مشرق می‌نامیدند)

۱. الرایات الصُّفْر تَقْبَل مِنَ الْمَغْرَب... الغیة للنعمانی ص ۱۶۳ و الغیة للطوسی ص ۲۷۷.

۲.... أَلِیْمَانِی یتولی عَلِیاً. الیمانی و السفیانی کَفَر سِی زَهَان.

۳. الزام الناصب ص ۱۹۹، الغیة للنعمانی ص ۱۵۰، مضمّن آن صحیح مسلم ج ۸ ص ۱۶۷.

پرچم داران سیاه (لشکریانی با علامات سیاه) با مردی از اولاد ابی سفیان مقابله می کنند و زمینه پیروی را برای حضرت مهدی مهیا می نمایند^۱؛ پرچم های سیاه از خراسان می آیند و به کنار رود دجله قرار می گیرند.^۲

رسول الله ﷺ فرمود: **پرچم داران سیاه^۳ از خراسان به کوفه می آیند** آنگاه که حضرت مهدی ظاهر شد با آن حضرت بیعت می کنند.^۴

رسول الله ﷺ فرمود: پرچم دارانی که پرچم کوچک سیاه رنگ دارند با مردی از آل ابی سفیان می جنگند تسلیم حضرت مهدی هستند، پیشاپیش آن لشکر، شخصی از بنی تمیم است که او شعیب بن صالح نام دارد و با لشکر سفیانی جنگ می کند و بعد به طرف بیت المقدس می رود.^۵

رسول الله ﷺ فرمود: آنگاه که پرچم های سیاهی را دیدید که از طرف خراسان می آید به طرف آنها بشتابید و آنها را همراهی کنید اگر چه بنا باشد خود را با سرزانوها (سینه خیز) و روی بر آنها برسانید.^۶

باز رسول اکرم ﷺ فرمود: پرچم های سیاهی از خاور زمین به اهتزاز در می آید که با مردی از اولاد ابوسفیان می جنگند و زمینه حکومت مهدی علیه السلام را فراهم می آورند.^۷

پرچم هایی که از مشرق می آید رهبری آنها را شعیب فرزند صالح بعهدہ دارد.

۱. رسول الله: تَخْرُجُ مِنَ الْمَشْرِقِ رَايَاتٌ سُودٌ تَقَابِلُ رِجَالًا مِنْ وَلَدِ أَبِي سَفْيَانَ وَيُؤَدُّونَ الطَّاعَةَ لِلْمَهْدِيِّ ع. الملاحم و الفتن ص ۴۴، الحاوی للفتاوی ج ۲ ص ۱۴۱.

۲. رسول الله: و رَدَّ الرَّايَاتِ السُّودِ مِنْ خِرَاسَانَ حَتَّى تَنْزِلَ سَاحَةَ دَجْلَةَ. بشارة الاسلام ص ۱۷۵.

۳. پرچم معمولی را عَلَمٌ و پرچم بسیار بزرگ را إِلْوَاءٌ می نامیدند و امروزه لواء وجود ندارد می تواند رنگ کلاه ها و لباس های جنگی را شامل می شود.

۴. رسول الله: تَنْزِلُ الرَّايَاتِ السُّودِ مِنْ خِرَاسَانَ إِلَى الْكُوفَةِ فَإِذَا ظَهَرَ الْمَهْدِيُّ بَعَثَتْ إِلَيْهِ بِالْبَيْعَةِ. الملاحم ص ۴۴، الزام الناصب ص ۱۸۸.

۵. رسول الله: تَخْرُجُ رَايَاتٌ سُودٌ صَغَارٌ تَقَاتِلُ رِجَالًا مِنْ آلِ أَبِي سَفْيَانَ. بشارة الاسلام ص ۲۱۲.

۶. رسول الله: إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّايَاتِ السُّودَ قَدْ أَقْبَلَتْ مِنْ خِرَاسَانَ فَأَتَوْهَا وَلَوْ حَبْوًا عَلَى الثَّلْجِ. كشف الغمه ج ۲ ص ۲۶۲، الصواعق المحرقة ص ۱۶۳.

۷. والفتن.

لشکر سفیانی به بغداد می آید و آن را خراب می کند به سوی کوفه سرازیر می شوند و حوالی آن را به آتش می کشند سپس به شام می روند، لشکر حضرت مهدی «عج» به مسئولیت شعیب بن صالح آنها را منهدم کنند^۱

در روایات وارد شده است که: سه چیز باعث فرج و گشایش می شود: ۱- اختلاف اهل شام؛ ۲- پرچم های سیاه خراسان ۳- صیحه و صدایی عجیب در ماه رمضان، سپاهیان خراسان حرکت می کنند شعیب بن صالح در طالقان به آنها می پیوندد و برای سیدی موسوی بیعت گرفته می شود.

حیطه تسلط سفیانی

در روایات آمده که خروج سفیانی در ماه رجب و خورشید گرفتگی در پنجم ماه رمضان همان سال است. پنج منطقه از شام را تصرف می کند و بر دمشق، حمص، فلسطین، اردن، قنسرین هشت ماه حکومت می کند^۲.

بررسی کوتاه

در بعضی روایات آمده که علی علیه السلام فرمود: سفیانی، هرکسی را که نامش؛ محمد، علی، حسن، حسین، فاطمه، زینب، مریم، خدیجه، سکینه، رقبه به خاطر بغضی که نسبت به آل محمد دارد به قتل می رساند^۳

روایت فوق شاید از اشتباهات بعضی راویت کننده گان باشد؛ زیرا؛ اول این که: طبعاً سفیانی به کمک بعضی مسلمان ها در سرزمین های اسلامی نفوذ می کند به خصوص که هم شیعه و هم سنی به حضرت محمد علاقه دارند و افتخار می کنند که

۱. شعیب صورتی کم مو دارد و چهار شانه و گندم گون است.

۲. یوم الخلاص.

۳. عن امیر المؤمنین علیه السلام: لَمْ يَزَلِ السَّفْيَانِيُّ يَقْتُلُ مَنْ إِسْمُهُ مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَجَعْفَرٌ وَمُوسَى وَفَاطِمَةُ وَزَيْنَبُ وَمَرِيَمُ... يَوْمَ الْخِلاصِ ص ۶۸۲ بشارة الاسلام ص ۲۱۹ الرام الناصب ص ۱۹۹.

نام فرزندان آنها محمد باشد. چه بسا بعضی از طرفدارانش که نام‌های اسلامی داشته باشند. دوّم این که: نام مریم مشترک بین اسلام و مسیحیت است چه تضادی با سفیانی دارد، یا نام موسی که در اسلام و قبل از آن مرسوم بوده و اصولاً ریاست طلب‌ها برای بقای ریاست، خود را درگیر این مسایل جزئی نمی‌کنند بلکه از همین نام‌ها و صاحبان آنان برای مقاصد شوم خود استفاده می‌کنند؛ بنابراین بعید نیست راوی اشتباه کرده و چیزی را با تصور خود اضافه کرده باشد. به خصوص که این روایت از روایات آحاد است و متواتر نقل نشده تا بر آن تکیه کنیم. والله عالم.

کشته شدن سیدی هاشمی و نفس زکیه

رسول اکرم ﷺ فرمود: شخصی از اولاد حسن را می‌بینم که لشکری را فرماندهی می‌نماید تا آن که آن را به حسینی (شخصی از اولاد حسین) تسلیم می‌نماید.

یعنی باهم متحد می‌گردد. منظور از حسینی می‌تواند حضرت ولی عصر باشد و می‌تواند سیدی حسینی که از یاران امام عصر است باشد.^۱

علی رضی الله عنه فرمود: مرد هاشمی در آن سوی کوفه در جمع هفتاد نفر از صالحان کشته می‌شود و مردی پاک بین رکن و مقام کشته خواهد شد.^۲

رسول اکرم ﷺ فرمود: قبل از ظهور هفتاد نفر از صالحان که در رأس آنها مردی عالم و متقی است، کشته و سوزانده و خاکستر آنها در فضا پاشیده می‌شود و این واقعه در میان جلولا و خانقین می‌باشد و بعد از آن است که در کوفه چهار هزار نفر از نیکان

۱. رسول الله: کأني بالحسن والحسيني وقد قاذها فيسألها الحسيني فيباعدونه البحار ج ۵۱ ص ۸۳ و بشارة الاسلام ص

۳۰.

۲. عن علي رضي الله عنه: قتل رجل هاشمي بظهر الكوفة في سبعين من الصالحين و ذبح النفس الزكية بين الركن والمقام البحار ج ۵۲ ص ۲۲۰ المحجة البيضاء ج ۴ ص ۳۴۲ بشارة السلام ص ۸۸ بعضی احتمال داده‌اند مرد هاشمی سید محمد باقر صدر است.

به قتل خواهند رسید.^۱

در امان ترین مواضع

علی علیه السلام فرمود: سالم ترین مکان (نزدیک به ظهور) زمین جبل است آن گاه که خراسان متزلزل شود پس سالم ترین مکان ها قصبه قم است.^۲ (به احتمال قوی همین قم که محل علوم دینی است و اطراف آن می باشد)

در بعضی روایات موقع ظهور مکه، و بیت المقدس به عنوان خیر المساکن نام برده شده است.^۳

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده که فرمود: از مدینه طیبه به عنوان جای امن نیز یاد شده است.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

جنگ های آتشین و مخرب آخر الزمان، به اهل ساحل و اهل حجاز کمترین صدمه را وارد خواهد کرد.^۴

۱. رسول الله یكون قتل سبعین من الصالحین و علی راسهم رجل عظیم القدر یحرق ویذّر رماده فی الهواء بین جلولاء و خانقین بعد ان یقتل فی الکوفه اربعة الاف... البحار ج ۵۲ ص ۲۲۰ و مصادر قبل...

۲. کتاب البلدان ص ۳۴۶- الملاحم والفتن ص ۱۱۲.

۳. منتخب الاثر ص ۴۲۸، غیبت نعمانی ص ۱۶۱.

۴. الملاحم والفتن ص ۳۸، بشارة الاسلام ص ۱۰۹.

فصل دوازدهم

ظهور در شدت

تاریکی‌ها و نومیدی‌ها

اشاره‌ای به یک نمونه از غلبه صفات ناپسند

در فصل «فتنه‌های آخر الزمان» در لابلای احادیث، بسیاری از انحرافات ذکر شد در اینجا به نمونه‌های دیگر اشاره می‌کنیم.

علی علیه السلام در ضمن حدیثی مفصل فرمود:

آن زمان دو نوع گریه کننده است یک عده بر دین خود و عده‌ای دیگر بر دنیای خود.^۱

در آن زمان عالمان واقعی را حقیر می‌شمارند.^۲

در آن زمان تاجران رباخوار، زنان و پسران آلوده دامن هستند.^۳

امام باقر علیه السلام فرمود: قول مومن پذیرفته نیست. دروغگو (با پروئی و وقاحت)

دروغ می‌گوید و هیچ کس مانع او نمی‌شود و فاسق را به خاطر انجام فسق تمجید می‌کنند. (زیرا عمل او را فسق نمی‌دانند).^۴

رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: آن زمان حاکمان با جور حکومت می‌کنند و عالمان

طمعکار می‌باشند.^۵

علی علیه السلام فرمود: در آن زمان عموم مردم (جز افراد بسیار اندک) تابع افکار و

خواهش‌های خود می‌باشند (دین را با تمایلات و افکار خود تطبیق دهند نه آن‌که

خود و افکار خود را با دین منطبق نمایند).^۶

مبارزین مسلمان نما

۱. غیبت طوسی ص ۲۶۹، بحار ج ۵۲ ص ۲۱۲.

۲. بحار ج ۵۲ ص ۲۱۲.

۳. بحار ج ۵۲ ص ۴۵۴.

۴. بحار ج ۵۲ ص ۲۵۶.

۵. بحار ج ۴۱ ص ۴۵۴.

۶. علم الیقین فیض در فصل علائم ظهور.

بسیاری از گروه‌هایی که داعیه زنده کردن حق را دارند یا جاهل هستند یا مغرض و یا خوشبختانه در میان خودشان اختلاف پیدا خواهد شد.

علی علیه السلام فرمود:

در آخر الزمان جمعی کوچک متشکل شده ولی زیاد مطرح نمی‌شوند، قلوب آنها سخت همانند پاره آهن است (در راه انحرافی خود محکم و پایدارند یعنی براساس جهل حرکت می‌کنند ولی گمان دارند دانا هستند) آنها قدرت و دولتی تشکیل می‌دهند اما به پیمان و قرارداد پای بند نیستند، ادعای حق داشته ولی ربطی به حق ندارند (به اسامی زیبا و مقدس خود را وابسته نموده اما راه آنها را نمی‌روند) مشخصه آنها این است که اسم آنها معمول نیست جنبه کنیه دارد. نسبت آنها آلوده است، موهای آنها (به عنوان سنبل از دنیاگذشتگی معنویت گرایی) مانند زنان بلند است؛ اما میان آنها (خوشبختانه) اختلاف می‌افتد؛ پس از این ماجرا خداوند حق (حضرت مهدی) را ظاهر می‌کند.^۱ سپس فرمود: من چیزی نمی‌گویم جز آنچه که از بیان رسول خدا گرفتم.^۲

تغییر آیین در آخر الزمان

قبلاً نیز درباره این که حلال، حرام و حرام حلال می‌شود احادیثی ذکر کردیم اینک به نمونه دیگر اشاره می‌کنیم.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

قیام کننده خروج نمی‌کند مگر آن که (قبل از آن حضرت) دوازده نفر (منحرف) از بنی هاشم (و از سادات) مردم را به طرف خود (به نام اصلاح کننده جهان) بخوانند.^۳

۱. علی علیه السلام: ثم يظهر قوم صغار لا يؤبه لهم قلوبهم كزُبُر الحديد، اصحاب الدولة، لا يوفون بعهد و لا ميثاق يدعون الحق و ليسوا من اهل اسماءهم الكنى و نسبهم الفرى و شعورهم مُرْخَاةٌ حتى يختلفوا فيما بينهم... كتاب البلدان ص ۳۶۵.

۲. الملاحم و الفتن ص ۲۸.

۳. لا يخرج القائم حتى يخرج اثنا عشر من بنى هاشم كلهم يدعون لنفسه. بشارة الاسلام ص ۱۲۱ و ص ۱۷۵، الغيبة

توضیح: البته بسیاری یا تعدادی از این عده مذکور مثل سید احمد کسروی و محمد علی باب و... آمده‌اند.

رسول اکرم ﷺ فرمود:

قرنِ ستم و انحراف بعد از من ظاهر می‌شود و هر یک از شاخ‌های جور که طلوع کند همانند آن از عدل می‌میرد حتی آن که انسان‌ها از تولد تا هنگام مرگ جز جور چیزی ندانند (جور را بجای حق می‌دانند) و عملی از آنها سر نزنند مگر بر پایه جور و انحراف سپس خداوند متعال بر بندگان لطف کند و فرمان به ایجاد شاخ (اصلی) عدل نماید و هر شاخ عدل که ظاهر شود شاخ جور و انحراف می‌میرد تا آن که، جمعی به جای قبلی‌ها می‌آیند که فقط عدل را می‌شناسند و جز به عدل عمل نخواهند کرد.^۱

تفرقه و ارتداد

امام باقر علیه السلام فرمود:

قیام‌کننده قیام نمی‌کند مگر آن که: خوف شدید، (بخاطر جنگ‌ها و مشکلات دیگر) زلزله‌ها^۲، فتنه، فساد، درد، رنج‌ها و بلاهای مهلک واقع شود و میان عرب‌ها درگیری و قتل، و میان اهل دین تفرقه و انحرافات زیادی پیدا شود تا آنجا که بسیاری از مردم هر صبح و شام آرزوی مرگ کنند.^۳

حضرت علی علیه السلام فرمود:

برای قیام‌کننده ما غیبتی است که بسیاری از مردم مُرتد شده و عده‌ای هم ثابت قدم خواهند ماند.^۴

للطوسی ص ۲۶۷ از امام صادق.

۱. ... یطلع قرنُ الجور بعدی فلا یطلع من قرنِ الجور شیءٌ إلا ماتَ من العدلِ مثله حتی یولدوا و لا یعرفون الا الجور. الملاحم و الفتن ص ۱۳۲، بشارة السلام ص ۱۳۲.

۲. محتمل است در اثر کوبیده شدن زمین و با وسایل مخرب و بمب‌ها تزلزل شدید ایجاد شود.

۳. الغیبة للنعمانی ص ۱۲۳ و ص ۱۳۵، البحار ج ۵۲ ص ۲۳۱.

۴. قال علی علیه السلام له غیبةٌ یُرْتَدُّ فیها أقوامٌ و یُثْبِتُ علی الدینِ آخرون. غیبت طوسی ص ۲۰۴، الزام الناصب ص ۶۸.

بیان انجیل و آشوب جهان

آنگاه که دو ثلث زمین از بین برود و یک ثلث باقی بماند و آن ثلث باقی مانده هم از آتش جنگ در امان نباشد و خداوند آنها را غربال کند تا خالصان جدا گردند هم چنان که طلا را از فلز دیگر جدا می‌کند.^۱

حدیث فوق را به امام حسین نسبت داده‌اند.

۱. یکون فی کل ارض (يقول الرب) ان ثلثین منها یقطعان و یموتان. (از زکریا، ۸:۱۳ به نقل از یوم الخلاص، ص ۵۷۶).

فصل سیزدهم

سروشها و نداها

و

زمرمه‌های حق و باطل

ندا و سروش در ماه مبارک و صدای مخصوص

امام باقر علیه السلام فرمود:

ندای شب جمعه بیست و سوم ماه رمضان در اول صبح است که حق با حجة بن الحسن و پیروان او می باشد و این ندا به گوش کسانی که خواب هستند، نیز می رسد، حتی اسم خاص حضرت مهدی را (م ح م د) می گوید که دوشیزگان با این صدا از اطاق بیرون شده و پدر و برادر خود را تشویق به یاری حضرت می کنند.^۱

توضیح: می توان احتمال داد منظور از ندای آسمانی ندای حق طلبان و ندای زمین ندای دنیاپرستان باشد.^۲

روایتی منسوب به امام صادق علیه السلام

در شب بیست و سوم ماه رمضان اسم حضرت صدا زده می شود و در روز عاشورا، حضرت به خاطر بیعت مردم با بین رکن و مقام می ایستد^۳ (آن وقت شیعیان مطلع شده و به سوی مکه رهسپار می شوند).

حضرت باقر علیه السلام فرمود:

از آسمان ندایی در اول روز شنیده شود و این پیام را می رساند: «بدانید حق با علی و پیروان او است. در پایان روز ندای شیطان (شیطان گراها) از زمین بلند شود که حق با فلان و شیعیان اوست. در آن هنگام اهل باطل راه انحراف را بیابند.^۴ (اما ثابتان در

۱. منتخب الاثر ص ۴۴۹، الغیبة للنعمانی ص ۱۳۴، بشارة الاسلام ص ۱۵۶. قریب به آن و در بشارة الاسلام ص ۹۲ از حضرت جواد نقل شده.

۲. یعنی احتمال دارد ندای آسمانی بگوش جمیع مردم برسد و ممکن است ندا بصورت الهام در دل آنها بروز کند و اما آنها که آماده نیستند توجهی به الهام حق نکنند یا اصولاً به دل نالایقان الهام حق نشود و الله اعلم.

۳. ارشاد ص ۳۴۱، کشف النعم ج ۳ ص ۳۲۴، المحجة البيضاء ج ۴، ص ۳۴۴، اعلام الوری ص ۴۳۰.

۴. ... ینادی من السماء اول النهار الا ان الحق مع علی و شیعته ثم ینادی ابلیس فی آخر النهار من الارض الا ان الحق مع فلان و شیعته فعند ذلك یرتاب المبطلون. اعلام الوری ص ۴۳۶، منتخب الاثر ص ۴۵۷.

حق هیچ گونه اعتنایی به ندای دوم نکنند)

حضرت صادق علیه السلام فرمود: منادی از آسمان در اول روز ندا می کند که هر گروهی با زبان خود آن را می فهمند.^۱

در بعضی روایات استفاده می شود ندای حق به زبان خاص نیست و هر کسی به هر زبانی باشد آن را شنیده و می فهمد. (بعید نیست از نوع إلهام باشد).
رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:

در ماه رمضان سر و صدا بلند می شود در شوال درگیری و در ذی الحجه حمله های سخت گروه ها و ملت های مختلف اتفاق می افتد و علامت دیگر ناپدید شدن حاجی ها در سفر حج است و در سرزمین منی کشمکش روی می دهد و کشتار زیاد می شود و خون مردم تا جمرات خواهد رسید.^۲

صدایی تکان دهنده و وحشت آور

علی علیه السلام درباره آیه مبارکه (إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ) فرمود: نشان آن است که زنان را از پشت پرده ها بیرون آورد و خوابیده را بیدار نماید و بیدار به وحشت می افتد.^۳ (در روایات به این صدای مهیب صیحه آسمانی گفته شده است).

گفتار انجیل

در انجیل از قول یوحنا لاهوتی آمده است:
در خواب دیدم که فرشته ای در میان آسمان به مردم بشارت می دهد، این بشارت

۱.... یسمعه کل قوم بالسنتهم.... الزام الناصب ص ۱۰۹ و امام مهدی ص ۲۲۸.

۲.... سیکون فی رمضان صوت و فی شوال معمه و فی ذی الحجة تحارب القبائل... الحاوی للفتاوی ج ۲ ص ۱۶۱، بشارة الاسلام ص ۳۴ بلفظ آخر.

۳.... فی قوله (إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ (شعراء آیه ۴) آیه تخرج الفتاة من خدرها و توقط النائم و تُفزع الیقطان. الغیبة للنعمانی ص ۱۲۳، البحار ج ۵۲ ص ۲۲۹، منتخب الاثر ص ۲۲۰ XXX العوده ج ۳ ص ۱۰۹.

برای همه اهل زمین و همه امت‌ها به هر زبانی که سخن گویند خواهد بود، با صدایی بلند می‌گوید: از خدا بترسید و با تمام توان بسوی او بروید که زمان دین فرا رسیده، باید برای خالق آسمان، زمین و دریاها سجده کنید.^۱

دل‌های مستعد، کشف می‌کنند

نقل شده که امام صادق علیه السلام فرمود:

عارفان بالله که حقیقت را از شهود و کشف (بواسطه قلب نورانی خود) از ناحیه خدا گرفته‌اند (علم را منحصر به اخذ از نوشته و کتاب نکرده) حضرت مهدی را شناخته و با او بیعت می‌کنند.^۲

توضیح: این افراد از میان کسانی هستند که سخت از حرام و شغل حرام دوری کرده و همیشه رضای خدا را بر رضای خلق ترجیح دادند.

۱. (۱۴-۶-۸) انجیل.

۲. عن الصادق: يبایعه العارفون بالله من اهل الحقایق عن شهود و کشف بتعریف الهی - روزگار رهائی ترجمه یوم

الخلاص ص ۶۷۳.

فصل چہار دہم

دَجَّال

(یعنی یک شیادِ عوام فریب)

دجال، یک صفت است

دجال از لغت دَجَل به معنای روکش نمودن یک شیء است که باطن آن کم ارزش است ولی روی آن را زرق و برق می دهند، یا طلاکاری می کنند. بنابراین وقتی که لقب دجال را برای کسی به کار می برند، یعنی آن شخص منافق، دروغگو و فریبنده است. در واقع دجال اسم نبوده و صفت است، یعنی کسی را نمی توان دجال نامید هم چنان که سفیانی خود را به نام سفیانی معرفی نمی کند. سفیانی یعنی کسی که از نسل ابوسفیان است و به راه فاسدان می رود. چه بسا سفیانی و افرادی که دنبال او راه می افتند، خبر ندارند که او از نسل ابوسفیان است. انحرافات، بی اعتقادی و مخالفت با ولایت ائمه هدی می تواند معرف او باشند و دجال فریبنده تر و شیادتر از سفیانی است و نفوذ او به خاطر سوء استفاده از مذاهب الهی و نام خدا در پیشبرد مرام خود می باشد.^۱

جاهلان و مغرضان به دجال موقعیت می دهند

درباره دجال احادیث شگفت انگیز وارد شده که وقتی انسان آن روایات را می خواند تصور می کند او موجودی افسانه‌ای و دارای قدرتی فوق العاده است. ولی باید دانست که او موجودی معمولی اما شیاد و فریبکار است که در شرایط سخت (بعد از جنگ‌های خانمان سوز) و قحط آذوقه‌ها می آید و طمع کاران و جاهلان گیرد او جمع می شوند و از قدرت او به شگفت می آیند، او ساحری سامری گونه هست که بی خردان را در مقابل موسی و هارون قرار می دهد دجال در مقابل حضرت ولی عصر (عج) و حضرت عیسی علیه السلام قرار می گیرد و همان طور که سامری نابود شد،

۱. بعید نیست مرام او و طرفداران او این باشد که فقط اعتقاد به خداوند یا حبّ خدا برای انسان کافی است و انتخاب مکتب خاصی لازم نیست.

دَجَال و قدرت پوشالی او که احتمالاً نشأت گرفته از تصرف در اشیاء و پدیده‌های صنعتی برای نفوذ در افکار جاهلان است به دستور حضرت ولی عصر نابود می‌گردد.
البته هر قومی دجالی داشته اما دَجَال آخر الزمان استادتر است.^۱

دَجَال نشانه ظاهری هم دارد

خداوند دَجَال را تا آخر الزمان به تأخیر انداخت و هرگاه از قدرت پوشالی او به شگفت آمدید و فریفته افکار و برنامه‌های اقتصادی او شدید بدانید که او یک فریب‌کار و دروغگو است، او حتی ادعای خدایی هم می‌کند اگر کسی به علت جهالت به تردید افتاد، آسان‌ترین راه شناخت او قیافه اوست. او یک چشم دارد و خداوند جسم نیست که تا أعور و یک چشم باشد، پس نه خداست و نه خدا در او جلوه کرده بلکه انسانی شیاد و ناقص العضو است.^۲

رسول اکرم ﷺ فرمود: اکثر طرفداران (دجال) یهودیان و زنان و اعراب (دورافتادگان از فرهنگ دین) می‌باشند، او به همه جا جز مکه و مدینه نفوذ می‌کند.^۳
توضیح: احتمالاً همان موقع حضرت مهدی «عج» بر مکه و مدینه مسلط شده و اوایل حکومت حضرت مهدی «عج» است.

علی علیّه السلام فرمود:

نام دَجَال صائد فرزند صید است. سعادت‌مند کسی است که او را تکذیب کند و شقی آن کسی است که او را تصدیق کند.^۴

۱. ما بعث الله نبیاً الا وقد انذر قومہ الدجال. بشارة الاسلام ص ۱۵.

۲. بشارة الاسلام، ص ۱۵ و ص ۲۹۵، الزام الناصب، ص ۷۶ و ص ۱۸۱، الملاحم والفتن، ص ۱۴۶، صحیح مسلم ج ۴

ص ۱۲۰.

۳. آدرس قبل و علم الیقین فیض ص ۱۸۱.

۴. علم الیقین، فیض ص ۱۸۱.

اکثر اتباع دجال

می توان از روایات چنین استفاده کرد که دجال، اشباح حیوانات، انسان‌ها، نهرها، باغ‌ها و آتش‌ها را در مقابل مردم ظاهر می‌کند به طوری که افراد ناآگاه تصور می‌کنند که آن معجزه و واقعیت است.^۱

طرفداران و یاران دجال و آنها که فریب شیادی و سحر و وعده‌های پوچ او را می‌خورند عمدتاً چهار یا پنج طایفه هستند: ۱- زنان؛ ۲- افراد دور افتاده و بی اطلاع و بیابان‌نشین‌ها؛ ۳- اصحاب لهو و لعب و بی بندبار؛ ۴- جمع زیادی از ترک‌ها^۲ و جمعی از شهرهای اصفهان^۳؛ خراسان^۴؛ محلی به نام دارس و سجستان^۵؛ ۵- جمعی از کرمان و توابع آن.^۶

حضرت عیسی دجال را به قتل می‌رساند

علی علیه السلام فرمود:

تعداد هفتاد هزار نفر از یهودیان، دجال را حمایت می‌کنند و آنها اسلحه مخصوص دارند. حضرت عیسی بر آنها غلبه کرده و دجال را دستگیر می‌کنند. وقتی که دجال به عیسی نگاه می‌کند، وحشت تمام وجودش را فرا گرفته، خودش را سخت می‌بازد و سرانجام به قتل می‌رسد و یهودیانی که قصد فرار دارند و در گوشه و کنار فرار کرده‌اند توسط گواهی در و دیوار همگی آنها دستگیر و به قتل می‌رسند.^۷

در نهایت، همه ملل به حضرت مهدی (عج) و عیسی علیه السلام ایمان می‌آورند و

۱. الزام الناصب ص ۱۸۱، منتخب الاثر ص ۴۶۱، صحیح مسلم ج ۸ ص ۱۹۹.

۲. بحار ج ۵۲ ص ۱۹۴، الملاحم و الفتن ص ۶۶ و ۶۹ الزام الناصب ص ۲۰۲ و ۲۶۱.

۳. بحار ج ۵۲ ص ۱۹۳ و ۱۹۴، الزام الناصب ص ۱۸۰ و ۱۹۰، صواعق محرقة ص ۱۶۵.

۴. الملاحم و الفتن ص ۱۲۶، بحار ج ۵۲ ص ۱۹۰.

۵. بحار ج ۵۲ ص ۲۲۴، الزام الناصب ص ۶۴، الامام المهدی ص ۲۱۷.

۶. الزام الناصب ص ۲۶۱، الملاحم و الفتن ص ۶۹.

۷. کشف الغمّة ج ۳ ص ۲۷۳، صحیح مسلم ج ۸ ص ۲۹۶.

مسلمان می شوند.^۱

توضیح: دجال یا به دست حضرت عیسی علیه السلام کشته می شود و یا توسط لشکری که زیر نظر و تحت فرماندهی او است به قتل می رسد.

بعضی ها از دجال هم موذی تر هستند

خطر دجال ناآگاهان را تهدید می کند ولی ممکن است افرادی که توسط آنها که تحت تأثیر هوی و هوس ها قرار می گیرند و مرعوب جو و فضای دانشمندانها می شوند و یا ثروت و مقام آنها را شیفته کرده، به انحراف کشیده شوند؛ چنان چه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده که فرمودند:

من برای شما از غیر دجال خائف تر از دجال هستم. عرض شد؛ غیر دجال کیست چگونه است؟

فرمود: آن امامان (حاکمان و پیشوایان) گمراه کننده است.^۲

۱. و إن من أهل الكتاب إلا ليؤمّنن به و در بعض عبارات دارد که هفتاد هزار از اصفهان... دجال را حمایت می کنند (هفتاد هزار یعنی لشکر بی شمار) ینابیع الموده ج ۳ ص ۶۶، منتخب الاثر ص ۴۸۰.

۲. عن رسول الله... لا انا من غیر الدجال أخوف علیکم من الدجال، قیل و ما ذاک فقال ائمة مّضلون، المحجة البيضاء ج ۱ ص ۱۲۵، يوم الخلاص ص ۴۷۷.

فصل پانزدهم

طلوع خورشید امام منتظر

و

روش حکومتی حضرت

هنگام ظهور و بعد از آن

روز قیام حضرت از ایام الله است

حضرت صادق علیه السلام در ذیل آیه: **وَ ذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ** ^۱ (روزهای الهی را به یاد آنها بیاور)؛

فرمود: روز قائم، روز موت، روز قیامت (از ایام الله می باشند). ^۲

حضرت، مصداق اعلاى بعضی آیات است

آیات دارای تفسیر و تأویل هستند. تفسیر، ظاهر و تأویل باطن آیه را روشن می کند. در تأویل آیه «**و لِيَخْصَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرُونَ**» ^۳ از معصوم روایت وارد شده که مراد زمان حضرت ولی عصر (عج) است که مردم غربال شده و کفر زایل می گردد.

درباره آیه: «**فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنُوسِ الْجَوَارِ الْكُنُوسِ**» ^۴ از امام صادق نقل شده که فرمود: مراد از این که خداوند فرموده: «سوگند به ستاره‌ای که پنهان است و آشکار می گردد» همان امام پشت پرده است و وقتی که مردم از سال ۲۶۰ هجری از علم او بی بهره شوند، مانند شهاب نفوذکننده در شب تاریک ظهور می کند. کسی که ظهورش را درک کند چشم او روشن خواهد شد. ^۵

در ذیل آیه: «**أَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً**» ^۶ از حضرت صادق علیه السلام وارد شده که فرمودند: نعمت ظاهر امام ظاهر، و نعمت باطن امام غایب و او دوازدهمین ما می باشد که هر سختی برای او آسان و گنج‌های زمین برای او آشکار و هر دوری برای

۱. سوره ابراهیم آیه ۵.

۲. الزام الناصب ص ۲۳ و ۲۴۰، بحار ج ۵۱ ص ۴۵، هانی الاخبار ص ۳۶۶، یناسع الموده ج ۳ ص ۷۹.

۳. سوره آل عمران آیه ۱۴۱، بحار ج ۵۳ ص ۶۵، بشارة الاسلام ص ۱۸، الزام الناصب ص ۵۳.

۴. سوره تکویر آیه ۱۰.

۵. در غیبت نعمانی ص ۷۵.

۶. سوره لقمان آیه ۲۰.

آن حضرت نزدیک می شود.^۱

ظهور از بیت حمد است

از امام باقر علیه السلام منقول است که فرمود:

برای صاحب امر خانه‌ای است که آن را خانه حمد می گویند؛ در آن چراغی روشن است و از روزی که متولد شده تا وقتی که قیام می کند خاموش نخواهد شد.^۲

توضیح: چراغی که خاموش نمی شود غیر ممکن نیست، چنان چه آن حمای که با ابتکار شیخ بهاء الدین عاملی (شیخ بهائی) در اصفهان ساخته شده بوده سال‌های سال با یک شمع مشتعل بوده و اگر اهل تحقیق آن را تخریب نکرده بودند روشن می ماند، اما متأسفانه تحقیق آنها موجب تخریب و تخریب موجب خاموشی شمع گردید.^۳

البته ممکن است مفهوم روایت این باشد که به نور معنوی روشن است؛ یعنی ذکر خالص حضرت مهدی «عج» آن مکان را مقرب درگاه حق نموده است؛ زیرا روایت از معصوم وارد شده که فرمود:

مدخل مؤمن و محل خروج او نور است یعنی؛ ایمان نوری است که هر جهل، ظلم، کبر، غرور، خودخواهی، حسد و تعصب را از او دور می کند؛ هر جا قدم بگذارد با خود پاکیزگی می برد و حضرت ولی عصر (عج) با عمر طولانی خود اندکی دچار تاریکی و اشتباه نشده است.

ظهور از مکه

از شیخ صدوق نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

۱. بحار ج ۵۱ ص ۶۴.
 ۲. عن الباقر: إن لصاحب الامر بيتاً يقال له بيت الحمد، فيه سراجٌ يزهرُ منذ يوم وُلِدَ إلى ان يقوم بالسيف لألطفًا. الغيبة طوسی ص ۲۸۰، الغيبة للنعمانی ص ۱۲۶.
 ۳. يوم الخلاص.

در صُلب حسن (یعنی عسکری علیه السلام) نطفه مبارک، پاکیزه، پسندیده و والا گهری خواهد بود، هر کس که خداوند از او میثاق ولایت را گرفته از او خوشنود و مسرور است و طالب او است و هر ناسپاس او را ناسپاسی می‌کند، او امام پاک، مهذب، نیک خصلت، راه یافته، رهنما و راضی شده بر مبنای الهی است؛ آغازش عدل و آخرش صدق است، او تصدیق خدای عزوجل را به تمام و کامل رساند و خداوند هم او را تصدیق نماید، هنگامی که دلیل‌ها و علامات او را تصدیق نماید از سرزمین تهامه (در ام‌القری) خارج شود) و او در طالقان گنج‌هایی دارد که از طلا و نقره نیستند، آنها لشکری آماده، منتظر و مردانی صاحب نشان هستند خداوند اصحاب او را از دورترین نقاط به تعداد لشکر بدر (سیصد و سیزده نفر) جمع نماید. آن حضرت نوشته‌ای مهر شده دارد که نام اصحاب، نسب آنها نام محل‌ها، حرفه و عمل آنها در آن ضبط شده است؛ آنها به دشمن پشت نمی‌کنند و در اطاعت او بسیار کوشا هستند.

باز شدن پرچم

در این هنگام شخصی به نام «ابی ولاد» عرض کرد: علامت ظهور آن حضرت چیست؟ فرمود: پرچم، یعنی وقت ظهورش، پرچم باز می‌شود و خدا آن را به سخن می‌آورد و آن پرچم می‌گوید: «أُخْرِجْ يَا وَلِيَّ اللَّهِ» ای ولی خدا قیام کن. هم چنین اسلحه آن حضرت می‌گوید: قیام کن ای ولی خدا، دیگر در مقابل دشمن خدا نمی‌توانی کوتاه بیایی. در آن وقت حرکت می‌کند و پیروزی را به دست خواهد آورد و حدود و دستورات الهی را حاکم می‌نماید. جبرئیل و میکائیل او را احاطه کرده و حضرت شعیب مقابل او لشکر راهبری می‌کند خوشا به حال کسی که او را ملاقات کند و دوستش داشته باشد. و به او و رسول الله و امامان علیهم السلام اقرار نماید که خداوند به واسطه آن حضرت او را از هلاکت (در ایمان) نجات دهد و بهشت به سوی او پر می‌گشاید. مثال آنها در زمین هم چون مشک معطر است که بویش متصاعد و بی‌تغییر باشد، و

مثال آنها در آسمان مانند ماه منور است که نورش دائمی باشد، عرض شد؛ که یا رسول الله ائمه چه وضعی دارند؟ فرمود: خداوند تبارک و تعالی بر من دوازده انگشتر دوازده نوشته فرستاد، اسم هر امام بر انگشتری خاص بود.^۱

امام صادق علیه السلام فرمود:

قیام کننده را می بینم که؛ روز دهم محرم که شنبه است از بین رکن و مقام (ابراهیم) قیام کرده و شیعیان او از اطراف زمین با طی الارض نزدش حاضر می شوند و با او بیعت می نمایند.^۲ آن حضرت در سال و تر (طاق) ظهور می کند.^۳

حضرت هنگام ظهور، تکیه به کعبه یا مقام می نماید (و مردم برای یاری حضرت فراخوانده می شوند) و می فرماید: «بقیة الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین»^۴ سپس می فرماید: «انا بقیة الله». (من بقیة ای از طرف خدایم یعنی بقیة امامان و صالحان) حجّت و خلیفه او برای شما می باشم، بر شما هست که ما را یاری کنید.

بنابراین هر کسی که خدمت حضرت برسد می گوید: «السلام علیکم یا بقیة الله فی أرضه» و سیصد و سیزده نفر گرد او می آیند و با او بیعت می نمایند. بعد، یاران آن حضرت محضر او می رسند و تعداد آنها برای اولین قیام ده هزار نفر است و بت ها که محور گرایش های افراطی هستند، سوخته و نابود می شوند و این جریان بعد از غیبت طولانی است، چنان طولانی که معلوم شود چه کسانی بندگی خداوند را با پنهان بودن ائمه رها نکرده و مؤمن خواهند ماند.^۵

نکته: جدّ امام عصر «عج» حضرت ابراهیم علیه السلام فرمود: «ای جهانیان به سوی کعبه بیاید.» ندای حضرت ابراهیم به همه جا رسید و میلیون ها نفر هر سال به سوی کعبه

۱. علم الیقین.

۲. ارشاد مفید ج ۲ ص ۳۷۹، غیبت طوسی ص ۴۵۹.

۳. ارشاد مفید ج ۲ ص ۳۷۸.

۴. سوره هود آیه ۸۶.

۵. کمال الدین ۸۶/۳۳۰، اعلام التوری ج ۲ ص ۲۹۲.

می آیند. ولی عصر «عج» هم، چون تکمیل کننده هدف ابراهیم است وقتی مردم را صدا بزند به سوی حرکت می کنند. هدف اصلی انبیاء برآورده می شود. سلام بر اجابت کنندگان ندای حضرت مهدی (عج).

حضرت به افرادی که او را مشاهده کردند فرمود: علامت ظهور امر من، کثرت هرج و مرج و فتنه ها می باشد، سپس من به مکه و به مسجد الحرام می آیم. هنگامی که مردم می گویند باید امامی را نصب نمایم و سخن در این باره زیاد گفته می شود؛ تا آن که نگاه یکی از افراد (لایق) به صورت من می افتد، مرا می شناسد و صدا می زند ای مردم: شما دنبال پیشوا می گردید این است حضرت مهدی که امام شماست او را خوب بنگرید؛ سپس بین رکن و مقام به عنوان امام با من بیعت می کنند.^۱

امام باقر علیه السلام فرمود:

او در شب بسیار تاریک که تاریکی، ظلم، جهل، بدعت، تجاوز و فساد همه جا را فرا گرفته، قیام می کند و نورافشانی می نماید و او ذخایر و اماناتی که خداوند به انبیاء عطا فرمود را دارد. «یعنی کار موسی علیه السلام، عیسی علیه السلام و ابراهیم علیه السلام ... را انجام می دهد.^۲ آن حضرت دوازدهمین ما می باشد، هر سختی برای او آسان و هر مشکل برطرف و گنج های زمین ظاهر و هر دور نزدیک می شود.^۳

خلاصه ای از روایاتی که مجلسی نقل کرده

مفضل به امام صادق علیه السلام عرض کرد: قیام حضرت مهدی علیه السلام چگونه است؟ فرمود: از مکه ظاهر می شود، اول او را نمی شناسد اما لحظاتی بعد می فهمند که آن شخص امام عصر «عج» است و می گوید هر کس که می خواهد حضرت آدم را بنگرد یا از شیث و نوح و ابراهیم و اسماعیل و موسی و یوشع و عیسی و شمعون طلب حجت کند) به

۱. البحار ج ۵۱ ص ۲۲۰، بشارة الاسلام ص ۱۶۹ و ۱۷۰.

۲. الغیبة للنعمانی ص ۷۵، بحار ج ۵۱ ص ۷۲، کشف الغم ج ۳ ص ۳۱۱ بلفظ دیگر.

۳. منتخب الاثر ص ۴۷۲، الزام الناصب ص ۲۷.

من نظر کند و که علم و فضل همه با من است و هر کس که می خواهد حضرت محمد، علی، حسن، حسین علیهم السلام و ذریه آنها را ببیند نزد من بیاید، من از تمام کتب آسمانی خبر می دهم و همه نزد من است و اهل مکه را موعظه می کند و با یاران خود که در مرحله اول سیصد و سیزده نفر و سپس ده هزار نفر به آنها افزوده می شود قیام را آغاز می کند و گردنکشان هلاک می کند و مکه تسلیم خواهد شد، سپس از مکه به مدینه می رود^۱ و به جای خود در مکه نایب و حاکم می بگذارد و معاندین، حاکم منصوب از طرف حضرت را می کشند، حضرت باز می گردد و شخص دیگری می گذارد و به مدینه می رود و در مدینه طاغوت ها را به امر خدا زنده کرده و محاکمه و مجازات و به قتل می رساند، سپس برای اقامت به کوفه می رود و محل حکومت آن حضرت برای جهانیان کوفه باشد به طوری که به اندازه جای یک نفر انسان به قیمت زیاد معامله می شود.

یاران حضرت

وقتی که حضرت ظهور می کند خطبه می خواند، (خطبه یعنی سخنانی که در آن سخنان خطاب امر و نهی به مردم می شود) سپس مردی که حامی آن حضرت است بلند می شود و می گوید: ای مردم این شخصیت همان است که می خواستید؛ شما را به آنچه رسول الله به آن خوانده می خواند، دشمنی مخالفین شروع می شود و قصد کشتن آن حضرت را می نمایند، اما سیصد و سیزده نفر در مقابل آنها می ایستند و نقشه آن عده خشی می گردد.

از سیصد و سیزده نفر پنجاه نفر اهل کوفه و بقیه آنها از مردم جهان هستند. همه بدون وعده قبلی نزد آن حضرت جمع می شوند و غالباً یکدیگر را نمی شناسند.^۲

۱. در ارشاد مفید ج ۲ ص ۲۸۲ نیز وجود دارد.

۲. الزام الناصب ص ۲۲۶، البحار ج ۵۲ ص ۳۰۶.

از رسول خدا ﷺ نقل شده که فرمود: لشکری از طالقان برای یاری حضرت آماده می‌شود، آنها مرکب‌های رهوار و لباس نشان‌دار دارند.

یکی از مصادیق آیه‌ای که می‌فرماید: «ای مؤمنان» اگر کسی در دین خود شک دارد خداوند جمعی را خواهد آورد که آنها را دوست دارد و آنها هم او را دوست دارند (و از آن جا که دوستی آنها واقعی و با عمل همراه است) بر کافران شدید و در راه خدا مجاهدت کنند و از ملامت نمی‌ترسند.^۱

حضرت علی علیه السلام به دنبال این آیه فرمود: آنها اصحاب (حضرت) قائم هستند.^۲ از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده که اهل کهف همه عجم (غیر عرب) بودند ولی بعد از آن که حضرت مهدی «عج» ظهور کرد فقط به زبان عربی صحبت می‌کنند.^۳ (تعجب نکنیم زیرا همه نیکان در رستاخیز به عربی صحبت می‌کنند و آن لغت اهل بهشت است و خداوند این زبان را به آنها الهام می‌کند و با کمال فصاحت صحبت خواهند کرد) اصحاب کهف را خداوند در ظهور حضرت زنده می‌کند (با حضرت ملاقات می‌نمایند) و سپس به جایگاه خود خواهند رفت.^۴

توضیح: به سبب آنکه محبوب‌ترین خلق نزد خداوند محمد و آلش هستند زبان آنها را برگزیده است.

رسول خدا ﷺ فرمود:

نجباء از مصر، ابدال از شام و عصاب از عراق، همان‌ها که در شب، اهل مناجات هستند و در روز دلیرانه برای اسلام حرکت می‌کنند؛ قلوب آنها پاره‌های آهن است،

۱. یکی از مصادیق آیه یاران با وفای رسول الله مثل سلمان می‌باشند زیرا از پیامبر درباره تفسیر آیه فوق سؤال شد دست بشانه سلمان زدند فرمودند این و بستگان او که اگر دین در ثریا (ستاره آسمان) باشد رجالی از فرزندان فارس به آن می‌رسند. بیابیع الموده ج ۳ ص ۷۳.

۲. در مانده آیه ۵۴ و خبر در بیابیع الموده ج ۳ ص ۷۷ و منتخب الاثر ص ۴۷۵.

۳. منتخب الاثر ص ۴۸۵ در بعضی روایات با حضرت بیعت کنند و از وزراء او می‌باشند.

۴. ارشاد ص ۲۴۴، منتخب الاثر ۱۶۵ و گفته‌اند پانزده نفر از قوم موسی زنده می‌شوند و با حضرت بیعت می‌کنند و بعضی گفته‌اند اصحاب کهف در رکاب حضرت از یاوران حضرت قرار می‌گیرند و الله اعلم.

آنها بین رکن و مقام با حضرت بیعت می‌کنند.^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: اولین یاران حضرت (به تعداد اصحاب بدر) از مشرق و مغرب در نیمه شب در مکه (جنب حضرت حجت عج) حاضر می‌شوند.^۲

اصحاب حضرت حجت جوانان هستند و افراد غیر جوان در میان آنها بسیار کم است، همان طور که نمک، در توشه غذایی انسان از خوراکی‌های دیگر کمتر است.^۳

یاران از نقاط مختلف جمع می‌شوند

از امیرالمؤمنین نقل شده که فرمود:

حضرت (مهدی موعود) از شبیه‌ترین مردم به رسول خدا صلی الله علیه و آله است. آیا می‌خواهید شما را از یاران وی خبر دهم؟
عرض کردند: آری.

فرمود: از رسول خدا شنیدم؛ اولین نفر از یاران مهدی علیه السلام از بصره (یا مصر) و آخرین نفر از یمامه است.

از بصره (یا مصر) دو نفر، اهواز یک نفر، منا یک نفر، شوشتر یک نفر، دورق یک نفر، عمان دو نفر، سیرف دو نفر، شیراز سه نفر، اصفهان چهار نفر، ابدح یک نفر، کرخ یک نفر، بروجرد یک نفر، نهاوند یک نفر، دینور دو نفر، همدان سه نفر، قم ده نفر (که نام آنان با نام اهل بیت پیامبر مشترک است)، خراسان شش نفر، عامل یک نفر، جریان یک نفر، هرات یک نفر، بلخ یک نفر، عانه یک نفر، سرخس یک نفر، سیار سه نفر، ساوه یک نفر، سمرقند یک نفر، طالقان بیست و چهار نفر (اینها همان گنج‌هایی است که پیامبر خبر داد)، قزوین دو نفر، فارس یک نفر، ابهر یک نفر، برجان یک نفر، شاخ

۱. بحار ج ۵۲ ص ۳۰۴ الملاحم و الفتن ص ۵۰ و ۵۲. کلمه شام منحصر بسوریه نیست بلکه شامات و اطراف و بلاد قریب به آن را می‌گفتند.

۲. بشارة الاسلام ص ۲۲۳.

۳. الغیبة للنعمانی ص ۱۷۰، بحار ج ۵۲ ص ۳۳۳.

یک نفر، صریح یک نفر، اردبیل یک نفر، ارمنیه یک نفر، مراغه سه نفر، خوی یک نفر، سلماس یک نفر، برکری یک نفر، منار جرد یک نفر، قلقیلا یک نفر، واسط سه نفر، بغداد ده نفر، کوفه چهار نفر، قادسیه یک نفر، انبار یک نفر، عکبرا یک نفر، صیداء یک نفر، قصور یک نفر، حنانه یک نفر، تبوک یک نفر، جامده یک نفر، عبادان یک نفر، حدیثه موصل یک نفر، مغلثایا یک نفر، طرطوس یک نفر، انطاکیه یک نفر، حلب سه نفر، حمص دو نفر، دمشق چهار نفر، افرنجه یک نفر، بیت المقدس دو نفر، اسکندریه یک نفر، مدینه ده نفر، مکه چهار نفر، طائف یک نفر، شیروان یک نفر، احساء یک نفر، قطیف یک نفر، هجر یک نفر، از یمامه یک نفر.

تذکر: ممکن است اسامی بعضی از سرزمین‌ها برای نویسندگان قدیم نامأنوس بوده که به صورت اصلی نوشته یا چاپ نشده است و یا اینکه بعضی از اسامی تغییر کرده.

سپس فرمود: رسول خدا یاران (حضرت) مهدی را برای من شمرد تا به تعداد اصحاب بدر گردیدند.^۱

توضیح: اصحاب عام نیز به تدریج خدمت حضرت می‌رسند، آنها نیز از شهرهای مختلف حرکت می‌کنند. و محضر بقیة الله مشرف می‌گردند.

خوشابه حال مؤمنانی که در محضر حضرت مهدی «عج» هستند

مفسران این آیه را به زمان ظهور حضرت حجّت (عج) تأویل نموده‌اند: «وَلَسَنَ أَخْرَجَنَّهُمُ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لِّيَقُولَنَّ مَا يَجِبُ لَهُ إِلَّا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ...»^۲

یعنی: اگر انتقام آنها را تا چند صباحی دیگر به تأخیر اندازیم می‌گویند؛ چه شده که

۱. ملاحم و فتن سید بن طاووس از اصبع نباته نقل کرده است.

۲. سوره هود آیه ۸.

عذاب زودتر نمی آید. آگاه باش روزی که عذاب آنها بیاید، راه گریزی از آن ندارند. از امام صادق علیه السلام نقل شده که؛ این گروه که از طاغیان انتقام می گیرند اصحاب حضرت مهدی «عج» هستند که در یک لحظه از هر طرف دور حضرت را گرفته و بین رُکن و مقام با او بیعت می کنند.^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: بدانید اگر من زمان حضرت مهدی علیه السلام بودم، خود را در اختیار فرمان آن حضرت قرار می دادم.^۲

باز فرمود: او بین رکن و مقام می ایستد، فریادی می زند و می گوید: ای نقیبان، و ای خواص اصحاب، خداوند شما را برای من ذخیره کرده. با حالت تسلیم کامل بیایید. ندای حضرت به گوش آن نقبا و خاصان می رسد، آنها اجابت کرده و به سوی آن حضرت می آیند.^۳

اشاره حضرت رضا علیه السلام به بروز توانایی حضرت مهدی علیه السلام

شخصی خطاب به امام رضا علیه السلام گفت: آیا صاحب این امر (قیام) شما هستید؟ فرمود: بله من هم هستم، اما کسی که زمین را از عدل پر می کند، بعد از آن که پر از جور شده باشد نیستم. چگونه من صاحب امر باشم در حالی که ضعف جسم مرا می بینی ولی او کسی است که در سنّ، به سنّ پیران ولی در جسم و منظر، جوان و دارای بدنی قوی است، اگر بنخواهد درختی را ریشه کن کند، توانایی آن را دارد. اگر میان کوهها فریادزند کوهها می لرزند، عصای موسی و خاتم سلیمان با اوست. او چهارمین فرزند از فرزندان من است، او را خداوند به جهت راز خود پنهان می کند و تا وقتی که صلاح بداند ظاهر می نماید. برای مؤمنان رحمت و مهر و برای کافران عذاب است. (تمامی امامان چنین روحیه و قدرتی دارند اما موقعیت نشان دادن آن برای ولی عصر (عج)

۱. بحار ج ۵۱ ص ۵، الامام المهدی ص ۴۳، غیبت نعمانی ص ۱۲۷، ینایع الموده ج ۳ ص ۷۸ به لفظ دیگر.

۲. غیبت نعمانی ص ۱۴۵.

۳. بشارة الاسلام ص ۲۰۶، غیبت طوسی ص ۲۸۴، الزام الناصب ص ۱۸۸.

فراهم می شود تا آن که یاوران حضرت به تعداد ده هزار نفر برسند آن وقت به سوی مدینه می رود و مردم مدینه را دعوت به حق می نماید.

مردم را به اسلامی جدید (همان اسلام رسول الله ﷺ) که با گذشت زمان در دستوراتش تغییر پیدا شده، دعوت می کند، همان اسلامی که مردم آن را تحریف کرده و کنارش زدند و قائم را مهدی گویند، چون به امری که همه از آن گمراه شده اند آگاه است و به آن هدایت می کند و راه صحیح را پس از ضلالت می نمایاند (و چراغ روشن گر و نجات بخش در تاریکی های جهل و ظلم است) وقتی که آن حضرت ظاهر می شود پانصد نفر از قریش را می طلبد (به حق می خواند بنای مخالفت را می گذارند) و آنها را از میان برمی دارد تا شش مرحله که مجموع هلاک شده ها به سه هزار نفر می رسد. (آن وقت بقیه مردم مکه حق را قبول می کنند و مخالفت نمی ورزند)

زنده شدن بعضی از نیکان

حضرت بالشکر خود در پشت کوفه ظاهر شود آنجا، بیست و هفت نفر از مردگان زنده شده او را همراهی می کنند، پانزده نفر از قوم حضرت موسی زنده می شوند، آنها از کسانی هستند که به حق گرویده و به حق عمل نموده و هفت نفر از اهل کهف، و حضرات یوشع بن نون، سلمان، ابودجانه انصاری و مالک اشتر زنده شده و از انصار حضرت و حاکمان بلاد می گردند.^۱

اهل کتاب به حضرت مهدی و حضرت عیسی ایمان می آورند

در تفسیر علی بن ابراهیم آمده است که؛ شخصی بنام شهر بن خوشب می گوید: روزی نزد حجاج بودم، او به من گفت: ای شهر، آیه ای از کتاب خداوند مرا حیران و

خسته و گیج کرده، نمی دانم چرا چنین است؟ گفتم؛ ای امیر کدام آیه است؟ گفت این آیه: «وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ...»^۱ هر اهل کتابی به او (به حضرت عیسی ع) ایمان می آورد. سپس حجاج گفت: به خدا قسم یهودی و مسیحی را به قتل می رسانم اما ندیدم که آنها قبل از مرگ لبها را حرکت داده و ایمان بیاورند (بلکه با همان عقیده قبل، از دنیا می روند) گفتم؛ «اصح الله الامیر» چنین نیست که پنداشته اید، گفت؛ پس معنایش چیست؟ گفتم: حضرت عیسی قبل از قیامت به زمین می آید و به دنبال حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه نماز می گذارد، آن وقت است همه به حضرت عیسی عجل الله تعالی فرجه قبل از موتش ایمان می آورند (حضرت عیسی هم آنها را سوق می دهد که به حضرت مهدی ایمان آورند). «یهودیان نیز بعضی با شوق خود و بعضی به خاطر گسترش دولت حضرت مهدی «عج» تسلیم می شوند حال بقیه نیز چنین است».

حجاج گفت: این مطلب را از کجا گرفتی؟

گفتم: حضرت محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب (یعنی امام باقر عجل الله تعالی فرجه) چنین فرمود. سپس گفت: به خدا قسم از چشمه زلال گرفتی.^۲

زمین از ضلالت پاک شود

حضرت باقر عجل الله تعالی فرجه فرمود: تاویل این آیه: «و قَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَاقَّةٍ كَمَا يِقَاتِلُونَكُمْ كَاقَّةً»^۳ (یعنی: با همه مشرکین مقاتله کنید چنان چه آنها با همه شما مسلمانان مقاتله می کنند)، مربوط به زمان قیام کننده ما است که بر همه مشرکان غالب شود و دین حضرت محمد صلی الله علیه و آله برای همیشه پیروز گردد چنان چه باز خداوند فرمود: «فَأَصْبَحُوا لَا يُرَىٰ إِلَّا مَسَاكِينُهُمْ»^۴ ناگهان می نگری که جز محل سکونت آنها باقی نمانده است

۱. سوره نساء آیه ۱۵۹.

۲. حدیث از علم الیقین.

۳. سوره توبه آیه ۳۶.

۴. سوره احقاف آیه ۲۵.

(آنها به همراهی سفیانی ها و دجال ها به هلاکت رسیده اند).^۱

منصور به رعب است

از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: قیام کننده ما منصور بالرعب است، (در قلب دشمن های آن حضرت و حشت می افتد مثلاً چند فاسد که به سزای عمل خود برسند بقیه افراد هر شهر و استان تسلیم می گردند مگر عده طاغیه ای که لشکرکشی می کنند که آنها هم تاب مقاومت نخواهند آورد) زمین در هم نور دیده شود، (حضرت به هر جا بخواهد با سرعت فوق العاده برود) و گنج های زمین ظاهر شود و سلطنت آن حضرت بر شرق و غرب است و دین خدا بر همه مکتب ها غلبه کند و هر جای خراب، آباد، حاصلخیز و پررونق می گردد، حضرت عیسی علیه السلام پشت سر آن حضرت نماز بگذارد.^۲

از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده که فرمود: مهدی علیه السلام سی و نه سال حکومت می کند به طوری که پیرها آرزوی جوانی می کنند که ای کاش جوانی آنها در زمان حکومت حضرت بود و اطفال و نوجوانان آرزو می کنند جوان شوند تا بتوانند در دولت حضرت تلاش بیشتر کنند.^۳ (زیرا آثار مجاهدت را سریعاً مشاهده می کنند).

توضیحی درباره قیام به سیف و منصور به رعب

در روایت متواتر آمده که حضرت با شمشیر قیام می نماید و حتی حضرت عیسی در کنارش با دشمن می جنگد و به اصطلاح ما، مبارزه مسلحانه می نماید و در این مطلب هیچ تردیدی نیست و این به آن معنا نیست که مثل پادشاهان کشورگشا یک باره به شهری یا کشوری هجوم برده و به لشکریان شیخون زده و آنجا را بگیرند،

۱. حدیث در ینابیع الموده ج ۳ ص ۷۸ و ص ۱۳۲، الزام الناصب ص ۲۲.

۲. کمال الدین ۱۶/۳۳۰، اعلام الوری ج ۲ ص ۲۹۲.

۳. الملاحم و الفتن ص ۵۷.

بلکه کار او شبیه به کار حضرت موسی و نبرد او با فرعونیان و شبیه کار حضرت محمد ﷺ است که اول با دلایل، حق را برای آنها روشن می‌کند و پدرانۀ نصیحت و پند و اندرز می‌دهد بعد از اتمام حجت و مهلتی که به آنها خواهد داد، اگر مخالفت کردند و راه هدایت مردم را بستند، سران توطئه‌گر و پلید آنها را به قتل می‌رساند، همان طور که قرآن فرموده: «فَقَاتِلُوا أُمَّةَ الْكُفْرِ...» و اگر لشگرکشی کردند در مقابل آنها لشگری قوی‌تر آماده می‌کند و آنها را تسلیم خواهد نمود.

از آنجا که حضرت، منصور به رعب است خداوند در دل دشمن ترس می‌اندازد و خود را در مقابل حضرت می‌بازند و غالب دشمنان بدون مقاومت تسلیم می‌شوند یعنی با حداقل کشتار حداکثر نتیجه را می‌گیرد.^۱

اگر غیر از حجت بن الحسن شخص دیگری قدرت پیدا کند و بخواهد جهان را به صورت یک کشور متحد در آورد و همه تحت یک حکم باشند، چندین برابر آن حضرت باید کشتار کند باز هم بعید است بتواند تسلط پیدا کند؛ اما حضرت مهدی «عج» جامعه و مردم را به چشم یک پدر دلسوز می‌نگرد، در واقع او یک جراح است و تا ضرورت پیدا نکند دست به چاقوی جراحی نمی‌برد و همان طور که قبلاً گفتیم از طرفی منصور به رعب است و از طرف دیگر هر کس که کمی ذرّه‌ای ایمان داشته باشد با ارشاد و موعظه به خود آمده و در صف دوستان آن حضرت قرار می‌گیرد.

ظهور عیسی «ع» موهبت بزرگی است

حضرت عیسی ﷺ که از پیامبران اولوالعزم و حدود ششصد سال پیش از رسول گرامی اسلام ﷺ می‌زیسته است، نازل شده و با حضرت مهدی ﷺ بیعت می‌کند. آن وقت چند مطلب برای جهانیان و به خصوص مسیحیان روشن می‌گردد:

۱. در این باره روایات وارد شده که نمونه آن را قبلاً ذکر کرده‌ایم.

۱- صحت گفته قرآن که فرمود: «او را بر دار نرده و نکشتند بلکه شخص دیگری به جای عیسی بر دار رفت و حضرت عیسی را خداوند بالا برد و نجات داد».

۲- آمدن حضرت عیسی علیه السلام برای پیروزی حضرت مهدی «عج» نشانه‌ای از عظمت و برتری دین ابراهیمی و اسماعیلی و در نتیجه برتری رسول الله است که از فرزندان اسماعیل است، و فرمود: من آن هستم که پدرم ابراهیم برای من دعا کرد و اجابت شد. زیرا عیسی علیه السلام برای روزی که جانشین دوازدهم پیامبر و آخرین معصوم از نسل اسماعیل می‌آید ذخیره می‌شود و وزیر و سر لشگر او خواهد بود و او به این امر افتخار می‌کند.

زهی به سعادت شیعیان که چنین بزرگوارانی را پیشوا و رهبر خود می‌دانند اگر برای این نعمت هر روز نماز شکر گزارند، انفاق کنند و قدم خیری بردارند، جبران نشده است.

۳- به معجزه بودن آیات قرآن پی می‌برند که فرمود: ما فرستادگانمان را در زندگی دنیوی و آخرت یاری می‌کنیم و باز می‌فرماید: من و رسولانم غالب می‌گردیم و از آن جا که عیسی علیه السلام، مانند ابراهیم و نوح و موسی و... بر دشمنان غلبه نکرد سرانجام در همین دنیا در معیت حضرت مهدی «عج» غلبه پیدا خواهد کرد. شاید یکی از علل و بلکه علت مهم وجود عیسی علیه السلام در کنار حضرت همین امر باشد و جوابی برای پرسش کسانی است که می‌گویند؛ چرا از ابراهیم، موسی، نوح و یوسف علیهم السلام در یاری حضرت مهدی «عج» سخنی به میان نیامده، فقط روی حضرت عیسی علیه السلام تاکید شده است.

۴- چون مسیحیت به کتاب انجیل به خصوص اناجیل اربعه متمسک هستند و در اناجیل اربعه صحبت از صلح و صفا هست و نوشته است اگر کسی به طرف راست صورت شما سیلی زد، طرف چپ را مقابل او بگذارید تا سیلی بزند. (گرچه در عمل چنین نیستند و می‌بینید بسیاری از قدرت‌های بزرگ با این که خود را پیرو مسیح

می دانند با مردم مظلوم جهان چه می کنند) اما دست آویز آنها این است که؛ مسیح پیامبری با عاطفه بوده و بعضی از آنها که اطلاعی از اسلام ندارند و با قرآن و روایات کمتر سروکار داشتند و نمی دانند که چقدر در اسلام از احسان و عطوفت و مهر و توجه به دیگران و عفو سخن گفته شده، شیفته انجیل می شوند در حالی که برای همه و مسیحیت نیز، روشن است که انجیل های اربعه نسخه های اصلی نیستند؛ یکی از دلایل تحریف آنها این است که عیسی علیه السلام فقط یک انجیل داشته است، چرا بعد از او چهار انجیل گوناگون وجود دارد؟! این تصور که در انجیل، تشویق به مهر و محبت شده باعث می شود که خیال کنند باید افراد پاک و حقیقت طلب دست از حقیقت بردارند و تسلیم دشمن مسلح شوند، خلاصه همیشه دل دشمن را به دست آورند. اجتماع را به طاغوت ها و طرفداران آنها بسپارند و شاهد گرفتاری و کشتار صالحان به دست گرگ صفتان باشند!!

بنابراین وقتی که فهمیدند عیسی در رکاب حضرت ظاهر شد و لشکرش را فرماندهی کرد لباس رزم پوشید، می فهمند که برداشت آنها از تورات و مسیح یک بعدی و اشتباه بوده است و در مقابل کسانی که به هر قیمت می خواهند اجتماع را ضایع کنند و مردم را به فساد و انحراف بکشند و دشمن سعادت خلق هستند، باید ایستاد زیرا حضرت عیسی علیه السلام و حضرت مهدی «عج» یک هدف داشته و دارند و انجیل مقدمه ای برای قرآن و قرآن تکمیل شده کتب قبلی آسمانی است. آن کس که اسلام، محمد صلی الله علیه و آله و سلم و حضرت مهدی «عج» را پذیرفت، همه ادیان راستین را پذیرفته تمامی انبیاء معتقد شده است و کسی که زمان اسلام^۱ را درک کرده اگر به ادیان قبل از اسلام اکتفا کند، ایمانش ناقص و در برابر آن مسئول است و باید اسلام را پذیرفته و به قرآن معتقد گردد زیرا، هر کتاب الهی ناسخ کتاب های قبلی می باشد و بعضی از احکام

۱. روز قیامت از کسانی که زمان اسلام را درک کرده (در زمان پیامبر یا بعد از او زندگی کرده اند) نسبت به قبول اسلام و عمل به آن مؤاخذه می شوند مگر آنها که اسلام به آنها نرسیده و جاهل قاصر باشند یا حجت بر آنها تمام نشده باشد که متوجه حقانیت اسلام گردند.

(و فروع) آن را منسوخ نموده و حکم دیگر می آورد.

مبارزه مسلحانه چرا؟ پس معنای «لا اِکراهَ فی الدین» چیست؟

چون بعضی افراد برای توجیه اعمال فاسد خود و دیگران این آیه را دست آویز قرار می دهند بنابراین باید در این باره توضیحی داده تا روشن شود اول این که، این مطلب قطعی است که بشر از جانب خدا مأمور است که عمل حرام را ترک کند؛ و دوم این که کسی که به این آیه رجوع می کند طبعاً به قرآن معتقد بوده و مسلمان می باشد بنابراین، قرآن آیات زیادی درباره جهاد با کفار و منافقان، مقاتله با مشرکان، اجرای حدود نسبت به بعضی از معاصی و برتر از آنها وعده اخروی و بازگشت اعمال بعد از مرگ است مگر آن که توبه و اعمال خیر، به دنبال داشته باشد.

سوم این که آیه فوق در سوره بقره آیه ۲۵۶ آمده و اگر در سیاق آیه دقت شود، در کنار آیاتی است که بیانگر قدرت و عظمت فوق العاده خداوند است و بعد از آن می فرماید: «لا اِکراهَ فی الدین...» یعنی در دین هیچ اکراه نیست و خداوند (برای بشر) راه رشد و تعالی را از راه ضلالت روشن نموده و کسی که در مقابل طاغوت تسلیم نشود خداوند سرپرست و محبوب مؤمنان است و آنها را از ظلمت به نور هدایت کرده است. آنها که غیر خدا را سرپرست و محبوب گرفتند، طاغوتی شدند و طاغوت آنها را از نور به ظلمت می برد.

بنابراین از آیه فوق دو مطلب به دست می آید:

۱- قدرت و تسلط الهی بر همه چیز؛

۲- لزوم قبول ولایت الهی و لزوم دوری کردن از طاغوت و هر راه غیر خدایی.

بنابراین نتیجه می گیریم، با این که قدرت خدا بر همه چیز مسلط بوده و آسمانها و زمین تحت فرمان او هستند، انسان مثل آسمان و زمین یک بعدی آفریده نشده که جبری انجام وظیفه کند چون صاحب اراده بوده و می تواند راه خوب و بد را انتخاب

نماید. از مطلب دوم می‌فهمیم که نباید راه عصیان و طغیان را پیمود و گرنه ولایت حق از او قطع شده و به ظلمت و تباهی می‌افتد.

مفهوم آیه فوق این نیست که؛ انسان را در شریعت رها کنید، بلکه از هویت استثنایی انسان‌ها که برخلاف طبع آسمان‌ها، زمین و فرشتگان می‌تواند انتخاب‌گر راه رشد یا ضلالت باشد خبر می‌دهد.

به عبارت ساده، مفهوم آیه این است که: با این که خداوند می‌توانست دین را اجباری کند تا این که همه مردم به اجبار مطیع خدا و طبعاً تسلیم دین خدا باشند؛ یعنی سرشت آنها همانند موجودات دیگر یک جنبه‌ای بود و اختیار نداشت و مانند ملائکه به سرشت عبادت مجبور شده بودند. اما خداوند خواست که انسان دارای اراده‌ای دوگانه و بر سر دو راهی واقع شود (و ارزش انسان و ترجیح او بر همه مخلوقات به خاطر همین دو جنبه‌ای بودن و صاحب اختیار بودن او است) چنان که در آیه دیگر نیز فرموده؛ اگر خدا می‌خواست که همه ایمان بیاورند تمام اهل زمین با ایمان می‌شدند. (لکن آزمایش اقتضا می‌کند که راه هدایت و ضلالت فرا راه او باشد و باید که راه هدایت را انتخاب کند) لذا مکتب الهی آنها را امر به ایمان و پاکی و تقوی می‌نماید و به شدت از کفر، شرک، تجاوز، طغیان، ناپاکی و ... نهی می‌کند و وعده بهشت برای صالحان و عذاب برای مشرکان است.

اجتماع در تحقیق، تفحص، بحث و گفتگو در جهت شناخت حقیقت آزاد است اگر کسی جاهل قاصر باشد و علیه حق و طریق آن سخنی بگوید مجرم نیست.

اگر مشرکی برای شنیدن حقیقت از مسلمانان پناه بخواهد باید به او پناه دهند تا کلام حق را بشنود، این مطلب آیه صریح قرآن است و هیچ کس حق ندارد سد راه دین شود و عملاً درها را بر روی اهل دین خدا ببندد و بنای اضلال و یا مقابله را بگذارد و علیه اصل دین و یا حتمیات و ضروریات دین اقدام کند اگر چنین چیزی جایز بود و ساخته شدن انسان‌ها تحت تعالیم انبیاء الهی اهمیت نداشت و فرقی بین گمراهی و

راه راست وجود نداشت، انبیاء الهی در راه اصلاح جامعه این همه مشقت نمی کشیدند.

برای مثال حضرت نوح علیه السلام سال‌های متمادی برای ارشاد مردم رنج نمی کشید و ارشاد و موعظه نمی کرد یا این که فقط به راهنمایی قناعت می نمود و برای نجات مردم با ایمان کشتی نمی ساخت و معاندان غرق نمی شدند. اگر مسئله دین حساس نبود و با سرنوشت‌های مردم در جهان دیگر بستگی نداشت، چرا حضرت ابراهیم بت‌ها را می شکست و حداقل می بایست آنها را به عنوان آثار باستانی نگه می داشت و این که خداوند حضرت نوح را یاری کرد، ابراهیم در آتش محفوظ ماند، حضرت موسی که بعد از پند و اندرز و معجزات، حجت را تمام نمود و حق را روشن کرد و جایی برای ابهام باقی نگذاشت به همین قناعت می کرد و به فرعون و حکومت او کاری نداشت و با او نبرد نمی کرد تا سرانجام فرعون و فرعونیان را از بین ببرد.

قارون نیز بعد از پندها و اندرزها دچار قهر خدا نمی شد.

حضرت محمد صلی الله علیه و آله نیز فقط به همان معجزه و پند و اتمام حجت که کار اولیه انبیاء بود اکتفا می کرد و در مقابل لشگر کشی‌ها و کار شکنی‌های آنها قوا و نیرو تهیه نمی کرد.

امام عصر (عج) فرزند همین راه و و وارث نوح، ابراهیم و موسی و ... می باشد. آن حضرت نیز بعد از پند و اندرزها و معجزه‌ها اگر موانع ایجاد کنند موانع را از سر راه بر می دارد، ولی اگر مانع و مزاحمت ایجاد نکنند مورد مرحمت قرار می گیرند. و از طرفی دیگر مردم مانند مریض هستند و پروردگار جهانیان طیب آنهاست و صلاح مریض این است که به طبابت طیب عمل کند نه به اشتهای خود، یعنی در انجام اعمال خود آزاد نیست.^۱

از طرف دیگر همانند مسافران یک کشتی و یا سرنشین یک هواپیما هستند که اگر

۱. عن رسول الله صلی الله علیه و آله - أيها الناس أنتم كأمراضی و رب العالمین كالطیب....

چند نفر خودکامه بخواهند کشتی را سوراخ کنند تا غرق شود و یا هواپیما را منحرف نمایند تا سقوط کند آنها را نباید آزاد گذاشت. بنابراین مجازات و در صورت لزوم کشتن آنها معقول و مشروع است.

از نظر خداوند اگر مردم حق داشتند راه عصیان و فساد را پیشه کنند و این راه به نفع خود یا جامعه آنها بود پیامبران مبعوث نمی شدند و قوانین جزایی و حقوقی هم وجود نداشت.

(آزادی بی مرز نیست)

در کشورهای دنیا به ناچار آزادی را حد و مرزی گذاشتند و کسانی که آن حد و مرز را به هم بزنند مجرم شناخته - و برای آن مجازات قرار می دهند تا جامعه آنها طبق قوانین عمل کند یعنی امنیت اجتماعی برقرار شود.

مکتب الهی روی دو چیز تأکید دارد: ۱- انضباط و امنیت اجتماعی؛ ۲- انضباط و امنیت فردی؛ (به تعبیر دیگر نظم درونی) نظم دارای نظامنامه‌ای است که اگر در آن افراط و تفریط شود تا حدودی قابل اغماض است ولی به نقطه‌ای می رسد که نباید اغماض کرد چون مجازات به دنبال دارد.

از نظر مردم دنیا گراشک، ارتداد و هر گونه توطئه برای محو خداگرایی و توحید مانعی ندارد زیرا آنها ظاهر را می بینند^۱ و فقط آرایش ظاهری را می طلبند. و نمی دانند که: **اگر درون انسان‌ها فاسد شود عبث و بیهوده می گردند و به پست‌ترین پستی‌ها سقوط کرده و آن سقوط و پرت شدن جبران ندارد.**

مکتب های الهی خواستار نظم و امنیت جامعه هستند که در نتیجه آن، تک تک افراد جامعه رشد کرده مهذب گردند.

دنیاگران فقط آزار دیگری را جرم می دانند اما معنای واقعی آن را نمی دانند و از آزار و صدمه زدن افراد به خودشان آگاهی عمیقی ندارند.

۱. يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا (آیه ۷ سوره دوم)

قرآن که اولین و آخرین سخن حق است، می فرماید:

شرک نیاور که شرک (آوردن به خداوند) ظلم و ستمی بزرگ است، اهل دنیا کی می فهمند که شرک درون، برای انسان ها صدمه ای بزرگ است و توطئه و لشکر کشی و کار شکنی شرک در مقابل مکتب توحیدی چه اثری دارد.

اگر از دنیاگراها معنای ظلم را بپرسیم، صدمه بدنی یا مالی و حیثیتی به افراد را ظلم می دانند و هیچ گاه شرک درون را ظلم نمی دانند. در حالی که قرآن شرک را ظلم بزرگی می داند. انبیاء اعمالی را به مردم تعلیم دادند که مردم به خودی خود نمی توانند به آن پی ببرند و باید معانی و مفاهیم ارزشی را از آنان بگیرند و گرنه خود و جامعه را از هدف اصلی که خالق پیش پای آنها گذارده است دور می کنند.

سلاح و شمشیر با مهر الهی منافات ندارد بلکه لازمه جامعه است

بحث درباره این موضوع در این گفتار نمی گنجد، به ناچار خلاصه وار به آن می پردازیم.

مهر و عاطفه دو گونه است:

۱- مهر و عاطفه سقوط آور و ظالمانه. (سنجیده)

۲- مهر و عاطفه رشد آور و کامل ساز. (اکمل آفرین و سنجیده)

مهر و عاطفه سقوط آور و ظالمانه، گاهی به صورت پدر و مادری جلوه می کند که بدون توجه به آینده فرزند و دور از تعلیم و تربیت صحیح، به شدت فرزند خود را تحت حمایت مادی قرار می دهند و تجربه نشان داده که مهر و عاطفه ای که دور از رسیدگی مربیانه باشد نتیجه عکس خواهد داد و گاهی به صورت مهر و عاطفه حاکم فقط به کارگزاران و مأموران خودش که موجب سوء استفاده آنها می شود و در نتیجه خود کامگی های زیاد جامعه ای پر از قتل، بی عدالتی، سرقت، رشوه، تجاوز و بی بندوباری رخ خواهد نمود.

مهر پروردگار نه از سنخ مهر پدر حاکم، بلکه از نوع حکیمانه و مربیانه است و تا حدودی از سنخ مهر و عاطفه قانون گذار عادل و مهربان یک جامعه است با این تفاوت که قانون گذارها در حد مخلوق (با علم محدود) هستند ولی خداوند هم خالق و هم علیم به تمام معنا می باشد.

فیض خداوند در رابطه با مخلوقات جهان و حتی فرشتگان حدی دارد اما در مورد بشر چیزی شبیه به^۱ نامحدود است، و به همین خاطر ظرفیت گیرندگی بشر از همه مخلوقات بیشتر است و می تواند همه چیز را تسخیر کند.

در آن هنگام جبریل افتخار خدمت به بشر را دارد، منتها این رتبه عملاً نصیب کسی می شود که ظرفیت وجودی خودش را بشناسد و آن را مستعد دریافت کند زیرا فرستنده فیض، دائم فیض است ولی گیرنده می خواهد و گیرندگی به واسطه پرورش و تهذیب به وجود می آید. پرورش و تهذیب، کف نفس و کنترل می خواهد، و لازمه آن دوری از لذات حرام، در چارچوب بندگی حرکت کردن و مستلزم تحمل رنج و بلای دنیا برای رضای محبوب می باشد.

این ها سنت های الهی است که رعایت آنها برای پرورش بشر و تکامل او لازم است.^۲

انبیاء الهی برای مصداق دادن به تکامل بشر آمده اند و اگر عده ای از این راه دوری کنند و سد راه دیگران هم بشوند و به طغیانگری پردازند، همانند قوم عاد، ثمود، قارون و فرعونیان محکوم به هلاک خواهند بود.

آیا ارتقای فرهنگ موجب استغناء از سلاح نیست؟

۱. آنچه نیز صاحب اختیار بوده و می توانند دارای امتیاز خاص باشند.

۲. اگر فرشتگان رنجی ندارند از رسیدن به کمال اعلا هم محرومند و نمی توانند توانایی بشر را بدست آورند. عدل خداوند اقتضا می کند آن کس که رتبه اعلا بخواهد رنجی تحمل کند. به خصوص که بخواهد نازل منزله خداوند در جهان دیگر باشد و حیات طیبه و زیبای خود را با اراده «کن فیکون» شکل دهد «اللهم ارزقنا حیوة طیبه»

ارتقای فرهنگ وقتی جامعه را از اعمال قدرت و به کارگیری سلاح مستغنی می‌سازد که خود کامگان و سردمداران شرک و ظلم تسلط نداشته باشند و در عمل ثابت شده که حاکمان ستمکار محوریت خود و افکار تبه‌کارانه و استثمار‌گرانه خود را می‌خواهند آنها حق و حق‌طلبان را مزاحم منافع شوم خود می‌دانند.

تا وقتی که پیامبر اسلام مکه را فتح نکرد و بتها را با قدرت سرنگون نمود، روحیه متکبران تضعیف نشد و بر محو کفر و شرک و فساد تسلط نیافت.

همیشه گروه‌های خودکامه، مردم پاک و فرهیخته را پشت سر خود قرار داده‌اند. چقدر نیروهای انسانی دانا که ناخواسته دنبال مقاصد سردمداران کفر و استثمار بوده و البته بسیاری از این گروه‌های ریاست‌طلب از قبح آدم‌کشی، و چپاول و تحقیر دیگران مطلع هستند و زشتی‌ها را از نیکی‌ها تشخیص می‌دهند، اما حُب ریاست آنها را وادار به مخالفت با حق می‌کند آخرین راه اصلاح جامعه این است که اگر خودکامگان از راه خود دست برداشتند باید با قدرت در مقابل آنها ایستاد تا جامعه به راحتی با فرهنگ اسلام رشد کند. زیرا تا وقتی که فاسد و تبه‌کار به جامعه مسلط باشد، فرهنگ صحیح و دینی پیاده نخواهد شد و اگر پیاده شود دوام نخواهد داشت.

و آنگاه که عده‌ای دنیا طلب دیوانگان قدرت، عرصه را بر مردم تنگ کرده و با سلاح مخرب خود بشر را نابود می‌کنند، آیا راهی جز تحصیل قدرت و مبارزه مسلحانه وجود دارد؟

بیعت‌های نخستین

علی علیه السلام فرمود:

(جمعی) با حضرت مهدی «عج» بیعت می‌کنند که: به مواردی که ذکر می‌شود متعهد باشند. هیچ‌گونه دزدی انجام ندهند، عفت دامن خود را حفظ کنند، فحش و ناسزا نگویند، خونی بناحق نریزند، هتک حرمت ننمایند، به منزلی هجوم نکنند، (ادب

را در برخورد با مردم رعایت کنند) کسی را مگر به حق مورد ضرب قرار ندهند، پول و گندم و جو و ... را ذخیره نکنند، به مال یتیم دستبرد نزنند، به آنچه که علم ندارند یا ندیده‌اند شهادت ندهند، مسجدی را (موقع دفاع و جهاد) خراب نکنند، مسکری را ننوشند، خز و حریر نپوشند، طعامی را (که قوت مردم است) ذخیره نکنند، با کم راضی باشند، با عطر خود را معطر نمایند، از کثافت و نجاسات خود را دور نگه دارند، امر به معروف و نهی از منکر نمایند، لباس خشن بپوشند، صورت‌ها را با خاک آشنا کنند، (سجده زیاد نمایند) و در راه خدا با اخلاص و تلاش تمام مجاهدت کنند و خود حضرت هم تعهد می‌کند که با آنها هماهنگ بوده و مانند آنها زندگی کند، در سختی‌ها همراه آنها باشد و لباس و مرکب شخصی او هم بسیار ساده باشد. با چنین خصوصیتی خداوند با کمک خاص خودش زمین را پر از عدل می‌نماید چنان که پر از جور شده و خداوند به حق و حقیقت چنانچه راضی است عبادت خواهد شد.^۱ ظاهراً این بیعت کسانی است که عامل یا از همراهان و مشاوران حضرت می‌باشد و یا اوایل حکومت است که حضرت بر کل جهان تسلط نیافته است.

مخالفت بعضی افراد موجه با حضرت

در زمان امام عصر (عج) مغرضین و جاهلان، شایعات زیادی علیه آن حضرت پخش می‌کنند تا بدین وسیله از پیشرفت انقلاب کاسته شود زیرا موقعیت صاحبان جاه و مقام منقرض می‌شود. مریدها برای مرادهای خود و در واقع برای خودشان دل می‌سوزانند و علیه آن حضرت توطئه می‌کنند. ندهای حق را توجیه کرده و آنها را خیالات و ساختگی می‌دانند، حتی سادات آبرومند را علیه حضرت تحریک می‌نمایند و می‌گویند این شخص (حضرت) می‌خواهد دین جدّ شما را پایمال کند زیرا به قرآن و احادیث بی‌اعتنائی کرده است.

امام باقر علیه السلام فرمود:

اگر فرزندان فاطمه علیها السلام او را ببینند. دوست دارند او را قطعه قطعه و پاره پاره کنند (یعنی به کشتن ساده هم اکتفا نمی کنند اما توان ندارند).^۱
توضیح: اگر خداوند را بندگی کنیم و همیشه خود را از تعصب غرور و لجاجت حفظ کنیم، خداوند ما را هم هدایت خواهد کرد.

روش حضرت

امام صادق علیه السلام فرمود: حضرت مهدی با روش رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم عمل می کند. روزی «معلی بن خنیس» از حضرت صادق علیه السلام پرسید: آیا حضرت مهدی علیه السلام بر خلاف سیره حضرت علی علیه السلام حکومت می کند؟ فرمود: بله، (تفاوت می کند) زیرا حضرت علی علیه السلام به نرمی و رها کردن آنها رفتار می کرد، اما حضرت مأمور به اسلحه و اسیری است مگر آنکه تسلیم حق شوند و این برای آن است که حضرت مهدی «عج» می داند که اگر آنها را بکشد بعد از آنها شیعه‌ای (حقیقی) از نسل آنها به وجود نمی آید (ولی حضرت علی می دانست که اگر آنها را زنده بگذارد از نسل آنها شیعه به دنیا می آید).^۲
رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: کسی خواهد آمد که به واسطه او هر بدعت از بین برود و هر ضلالت و گمراهی محو و هر سنت احیاً شود.^۳

توضیح: بدعت و ضلالت‌هایی که حضرت مهدی علیه السلام از بین می برد عمیق بوده، ممکن است از صدها سال قبل در میان مردم و مذهبی‌هایی که در عمل بسیار محکم و استوار هم بوده ریشه داشته چه بسا آنها هم تقصیر نداشته‌اند که به عنوان دستورات اسلام به روایات عمل می کردند. بنابراین برای مردم آن زمان در مراحل اولیه بسیار

۱. عن الباقر: لَوْ أَنَّ بَنِي فَاطِمَةَ عَرَفُوا لَحَرَّ صَوَا عَلِيٍّ أَنْ يَنْقَطِعُوا بَعْضُهُمْ بِبَعْضٍ يَوْمَ الْخِلاصِ ص ۱۱۹ - بحار ج ۵۲ ص ۲۱۹ - الزام الناصب ص ۱۹۹.

۲. الغيبة للنعماني صفحه ۱۲۱ الجارح ۵۲ ص ۳۵۳ الزام الناصب، ص ۲۲۹

۳. عن النبي صلی الله علیه و آله و سلم: سَمِيَتْ اللَّهُ بِهَ كُلُّ بَدْعَةٍ وَ يَمْحُوكُلُ ضَلَالَةٌ وَ يُحْيِي كُلَّ سُنَّةٍ كَافِي جلد ۱ صفحه ۴۱۲

دشوار بوده و کار حضرت هم بسیار سنگین است. خداوندا ما را تسلیم واقعی حق قرار بدهد».

امام زین العابدین علیه السلام فرمود: قائم (ما) قیام کند در حالی که در قیام و حرکت او از هیچ قدرتی بیعت و پیمانی، به عهده ندارد.^۱

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

هنگامی که حضرت از پشت پرده غیبت ظاهر شود دعوت به امر جدید، کتاب جدید و سنت جدید می نماید و با قضاوت شدیدی بر عرب (که اسلام را تحریف نموده اند) حکومت خواهد کرد.^۲

حضرت صادق علیه السلام فرمود: همه ما یکی پس از دیگری قائم (قیام کننده) به امر خدا هستیم تا آن که صاحب شمشیر (آن کس که زمان و شرایط اقتضا می کند با سلاح و قدرت قیام نماید) وقتی که او آمد به امری که غیر از آنچه قبل بوده حکم کند.^۳

در آخر زمان حضرت حجة بن الحسن (عج) ظهور می کند و کار مهم او این است: آنچه بر اساس هوای نفس وضع شده بر میزان هدایت برگرداند، تفسیرهای به رأی را بر اساس تفسیر صحیح قرآن تغییر دهد، به آنها روش عدالت را نشان دهد و آنچه از کتاب خدا و سنت و احادیث میرانده شده زنده نماید.^۴

هدف بزرگ حضرت، رفع بدعت‌ها و چیزهایی است که به اسلام افزوده اند و یا تغییراتی که در حلال و حرام داده اند.

از آن جا که رسالت انبیاء برای ابلاغ دستورات الهی بدون کم و کاست است و حتی خداوند در قرآن صریحاً می فرماید: (فرضاً) اگر (پیامبر) از ما حکمی را بگوید که ما

۱. من علی بن الحسین: یقوم القائم ولیس لاحد فی عنقه عهد ولا عقد ولا بیعة

۲. لغیب للنعمانی ص ۱۳۵ و ص ۱۲۳ عن البقر

۳. بحار ج ۵۲ ص ۲۶۹ بشارة اسلام ص ۱۴۱

۴. نهج البلاغه ج ۲ ص ۲۱-۲۲ - منتخب الاثر ص ۲۹۷ نیابیع الموده ج ۳ ص ۹۴ - بحار الانوار ج ۵۱ ص ۱۳۰

بیان نکردیم رگ گردن او را قطع می‌کنیم. اصولاً روح عصمت در پیامبران برای دو چیز است: ۱- بیان بر طبق آنچه بر آنها نازل شده ۲- عملی کردن آن بنابراین قوانین باید طبق صحیح خود محفوظ باشد و در ارزشمند بودن بیان صحیح قوانین الهی همین بس که، بدعت‌گذار مهدورالدم است. آن‌گاه که ولی عصر (عج) می‌آید جامعه به شدت محتاج آیین دست نخورده اسلام است، بخصوص که قبل از حضرت ظلم‌های بسیاری به دستورات دین شده و بسیاری از مسایل آن تغییر کرده است.

انقلاب حضرت موجب برکات دینی و دنیوی است

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

وقتی که حضرت مهدی «عج» ظهور کنند خیمه‌هایی برای تعلیم کتاب خدا نصب شود که مردم طبق آیه‌های نازل شده خداوند تعلیم یابند. برای بسیاری از مردم که فکر می‌کنند آنچه را که آنان اسلامی می‌دانستند، زمان حضرت مهدی «عج» هم تغییر نمی‌کند، وقتی که ببینند تغییر نمود برای آنها بسیار سخت است^۱ که مطالب جدید و بسیار تازه‌ای که احتمال نمی‌دادند، حضرت آن مطالب را بگوید، قبول کنند، لذا بعضی به خاطر همین مطالب از خیمه‌ها دوری می‌کنند به طوری که آن مطالب را کفرآمیز می‌دانند همان طور که در جنگ صفین علیه السلام را به کفر نسبت دادند، حضرت را هم به کفر نسبت می‌دهند.

حضرت صادق علیه السلام می‌فرماید: وقتی که قیام‌کننده قیام کند کتاب خدا را با حد و مرز خود بخواند و مصحفی که علی علیه السلام نوشته ارائه می‌دهد.^۲ (زیرا مصحف علی علیه السلام روشن‌کننده مصحف موجود است.)

حضرت مهدی «عج» بر همه اهل جهان از نظر صفات معنوی سبقت دارد و جامع

۱. مضمون مطالب بالا در ارشاد ص ۳۴۴ عن الباقر و بشارة الاسلام ص ۲۳۴ و الزام الناصب ص ۲۲۳ و بیجار ص ۵۲

ص ۳۳۹

۲. الکافی ۲۳ ص ۶۳۳

همه ارزش‌های واقعی است. از علی بن موسی علیه السلام فرمود: قیام‌کننده ما داناترین، حکم‌کننده‌ترین، متقی‌ترین، حلیم‌ترین، سخی‌ترین و بهترین بنده خدا از میان مردم می‌باشد.^۱

حضرت علی بن موسی علیه السلام فرمود: آن حضرت از انسان‌ها به خود آنها اولی و علاقه‌مندتر است و شفقت او از پدران و مادران آنها بیشتر است (ولی مهربانی آن حضرت مانند بعضی از پدران، مادران و دوستان احساساتی نیست بلکه، دلسوزی حکیمانه و طبیبانه است) و تواضع او نسبت به ساحت الهی شدیدتر از همه است، امر خدا را قوی‌تر از دیگران حفظ و نهی او را شدیدتر از همه دوری می‌کند.^۲

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

حضرت مهدی علیه السلام کارهای من را دنبال خواهد کرد و هیچ‌گونه لغزشی ندارد، او پیرو من است، نه ابداع‌کننده دین (آنچه گوید ولو به نظر شما جدید آید از قوانینی است که من به او داده‌ام) او معصوم است و قیاس در احکام نمی‌کند (و با وجود این که نصوص صریح دستورات نزد او هست نیازی به قیاس امثال آن ندارد).^۳

آن حضرت با فاصله زیادی بعد از امامان قبل ظاهر شود، آن هنگام که انحرافات و گرفتاری‌ها زیاد باشد.^۴

وقتی که ظهور کرد و مسلط شد، گنج‌های زمین آشکار، برکت‌ها فراوان تا جایی که برای گرفتن زکات و صدقه کسی پیدا نمی‌شود (همه با روح استغناء تربیت شده‌اند و قانع به حق خود هستند)^۵ حضرت به بیت مقدس نزول کند^۶ وقتی که به فردی بگویند

۱. عن علی بن موسی الرضا: یکون اعلم الناس و احکم الناس و اتقی الناس و احکم الناس و اسخی الناس و اعبد الناس - الزام الناصب ص ۹

۲. عن علی بن موسی: یکون اولی الناس من انفسهم و اشفق علیهم من آبائهم و امهاتهم - یوم الخلاص ص ۸۲ (از الزام الناصب ص ۱۰)

۳. اسعاف الراغبین ص ۱۴۵.

۴. الحاوی للفتاوی ج ۲ ص ۱۳۳.

۵. الزام الناصب ص ۱۳۹ و ص ۲۲۲.

این مال را اگر احتیاج داری بگیر، گوید احتیاجی به آن ندارم.^۷

رسول اکرم ﷺ فرمود:

انسان با ایمان، گرچه مرده باشد در لحظات ظهور حضرت شادی به او دست می‌دهد.^۸

شبهه جمله فوق‌الذکر در انجیل نیز آمده است.

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: خداوند مردی را هنگام سختی‌ها و جهالت‌های آخر الزمان مبعوث می‌کند و او را به وسیله ملائکه تأیید می‌نماید و یارانش را نگه می‌دارد و با نشانه‌های خود او را پیروز می‌نماید، به طوری که همه مردم ناخواسته به آیین او گردن می‌نهند. زمین را پر از عدل، قسط، نور و بُرهان می‌نماید، هیچ شخصی کافر نمی‌ماند و همه ایمان می‌آورند و هیچ ناصالحی نیست که راه صلاح نرود.^۹

حضرت امام باقر علیه السلام فرمود:

(حضرت مهدی «عج») دستور می‌دهد، مسجدی بسازند که هزار در داشته باشد، آن مسجد بر یک نقشه صحیح و محکم بنا می‌شود و نهری پشت قبر امام حسین علیه السلام به سوی غریبن به راه می‌اندازند تا به نجف برسد و بین راه پل‌ها و آسیاب‌ها ساخته می‌شود و پیری را می‌بینم ظرفی از گندم بر سر گرفته تا آن را به صورت مجانی آرد کند. (در آن وقت) خانه‌های کوفه به نهر کربلا متصل می‌شود.^{۱۰}

امام صادق علیه السلام فرمود:

(در زمان حضرت حجّت امنیت کامل برقرار شود) اگر پیرزن (از کار افتاده‌ای)

۶. کشف الغمّة ج ۳ ص ۲۶۲ و البحار ص ۵۱ ص ۸۲ تلفظ دیگر، بشارة الاسلام ص ۲۸۵.

۷. مسند احمد ج ۲ ص ۵۳۰.

۸. لا یبقی مؤمن مَیتٍ الا دخلت علیه الفرحة فی قبره، الغیبة للنعمانی ص ۱۶، الزام الناصب ص ۲۲۷. توضیح البته این فرح و شادی ارواح بطور موقت ایجاد شود نه دائم زیرا آمدن حضرت عکس العمل اعمال آنها را در عالم دیگر محو نمی‌کند.

۹. بحار، ج ۵۲، ص ۲۸۰، بشارة الاسلام، ص ۱۹۷.

۱۰. بشارة الاسلام، ص ۲۰۶ و ۲۰۷، اعلام الوری، ص ۴۳۰.

بخواهد از مشرق به سوی مغرب برود، می تواند.^۱

تفسیر و تأویل یکی از روایات قرآن که در زمان حضرت مهدی «عج» ظاهر می شود آیه ای از سوره الرحمن است که می فرماید:

ای گروه جن و انس، اگر می توانید در اطراف آسمان و زمین نفوذ کنید، پس نفوذ کنید. شما بدون برهان و قدرت قادر به نفوذ در آنها نیستید.^۲

توضیح: اگر با وسایل صنعتی، هواپیما و سفینه ها، مختصری از این هدف به عمل آمده، اما زمان حضرت حجت با قدرت فوق العاده مافوق این وسایل ایجاد شود و جو و فضا را طی می کنند.

از امام صادق علیه السلام نقل شده که آیه درباره قائم «عج» است.

روز رجفه با هفت محمل و محفظه نور در فضا حرکت می کند و کسی نمی داند در کدام محمل و محفظه است تا سرانجام پشت کوفه نزول می کند.^۳

امام زین العابدین فرمود: ذوالقرنین به ابر سوار شد اما صاحب شما بر، ابر صاعقه دار و پر رعد سوار خواهد شد.^۴

حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم:

زمان آن حضرت باران به اندازه خواهد بارید و نباتات در همه جای زمین خواهد روید و دامها زیاد خواهند شد. امت من متنعم به نعمت ظاهر و باطن می گردد که قبل از آن (از آغاز عالم تا آن وقت) چنین نبوده است.^۵

حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

خداوند به واسطه آن حضرت در کار امت گشایش ایجاد کند، قلوب بندگانی را که

۱. بشارة الاسلام، ص ۲۳۰.

۲. سوره الرحمن، آیه ۳۳.

۳. الزام الناصب ص ۲۰۸.

۴. اختصاص ص ۱۶۹ و ص ۳۲۶، بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۲۱ عن الصادقین.

۵. منتخب الاثر ص ۴۷۳، البحار ج ۵۱ ص ۱۰۴.

عدل او را تحمل می‌کنند، روح بندگی خواهد بخشید. به واسطه آن حضرت دروغ (که قبل از آن رواج داشته) محو و زمان پردرد، به زمانی امن تبدیل خواهد شد ذلت (استثمار شدن) از بین می‌رود و مسلمین، سرافراز و مستقل می‌گردند.^۱

حضرت گوید: بیایید، این جاست آن چیزی که به خاطر آن رحم‌ها را قطع و خون‌ها را ریختید و محارم را مرتکب شدید.^۲

رسول اکرم ﷺ فرمود:

حضرت مهدی اموال را به مردم می‌بخشد و بر کار عاملان خود دقیق و سخت **مراقبت می‌کند** و با نیازمندان بسیار مهربان است.^۳

آن حضرت اعلم، احکم، اتقی، اشجع و اعبد مردم است، وزیران او از عجمی‌ها است و آنها خالص‌ترین مشاوران هستند.^۴

یاران آن حضرت بین رکن و مقام به طرف او هجوم می‌برند چنان‌چه زنبوران عسل به یعسوب و بزرگ خود پناه می‌برند، عدل را گسترده می‌کند و آغاز حرکت او ارشاد، نصیحت و اظهار معجزه است و هجوم و خون‌ریزی نیست^۵ سرانجام جایی نماند مگر آنکه لا اله الا الله بگویند.^۶

حضرت رسول ﷺ فرمود:

وقتی حضرت مهدی «عج» زنا، شرب خمر و ربا به کلی از بین می‌برود، مردم به سوی بندگی حق مشتاق شوند به امانت‌ها خیانت نمی‌شود و به صاحبش برگردانده می‌شود، اشرار از بین می‌روند.^۷

۱. البحار ج ۵۲ ص ۷۵، الملاحم و الفتن ص ۵۶، الغیبة للطوسی ص ۱۱۴.

۲. منتخب الاثر ص ۴۳۰.

۳. الملاحم و الفتن ص ۱۲۷، الحاوی للفتاوی ج ۲ ص ۱۵۰، عقد الدر در حدیث ۲۴۱.

۴. ینایع الموده ج ۳ ص ۱۲۳، اسعاف الراغبین ص ۱۴۴.

۵. الملاحم و الفتن ص ۵۱، الحاوی للفتاوی ج ۲ ص ۱۵۲.

۶. بشارة الاسلام ص ۲۵۶.

۷. منتخب الاثر ص ۳۰۸، الملاحم ص ۵۴.

توضیح: اختیار از انسان سلب نمی‌شود (زیرا اختیار وسیله امتحان بشر است) اما از بس محیط پاک است و هر کس به حق خود رسیده و مراد دنیوی افراد به اندازه معقول به دست آمده کسی دنبال کارهای خلاف نمی‌رود مگر افراد اندکی که دچار حرص و طمع شده و آنها اشتباهی انجام دهند.

امام باقر علیه السلام فرمود: آنگاه که حضرت حجت حاکم شود اموال به طور مساوی تقسیم و عدالت برقرار می‌شود، هر کس او را اطاعت کند خدا را اطاعت کرده است.^۱ آن حضرت تشریفات ساختمان مساجد را حذف می‌نماید. (حتی مناره آنها را کوتاه می‌کند) و مقصوره‌ها را (مکان‌های مرتفع امام جماعت که اهل سنت ساخته‌اند) خراب می‌کند.^۲

امام صادق علیه السلام: از کارهای نخستین حضرت آنست که دستور می‌دهد آنها که طواف مستحب دارند مطاف را برای طواف کنندگان واجب خالی کنند.^۳

امام باقر علیه السلام فرمود: هر مسجدی که بر سر راه باشد آن را خراب می‌کند. (مسجدها را در جای مناسب بنا کرده و گسترش دهد) و هر برآمدگی ساختمان که مزاحمت ایجاد کرده، (و هر پنجره و بالکن و ناودان که موجب زحمت دیگران است) و هر محل آلودگی را از میان برمی‌دارد.^۴

امام باقر علیه السلام فرمود:

آن گاه که قائم ما ظهور کند (بعد از غلبه) دست رحمت بر سر مردم خواهد گذاشت و افکار آنها را از تشویش‌رهایی می‌بخشید، آرزوی آنها معقول می‌گردد، چشم‌ها و گوش‌های آنان تیز می‌شود و بین آنها و حضرت حجابی نباشد، در هر جا

۱. غیبت نعمانی ص ۱۲۴، بحار ج ۵۱ ص ۲۹.

۲. عن الباقر، لم یبق مسجد علی وجه الارض له شرف الاهدمها و جعلها جماً. (اعلام الوری، ص ۴۳۲).

اعلام الوری ص ۴۳۲.

جماً یعنی: دیوارها همه یکنواخت می‌شود و کنگره ایوان و بلندی آن خراب می‌شود.

۳. بحار، ج ۵۲، ص ۳۷۴.

۴. ارشاد ص ۳۴۴.

می‌توانند حضرت را دیده و با او سخن بگویند (هر قدر از حضرت دور باشند و آن زمان امثال اینترنت ناچیز می‌نماید).^۱

امام باقر علیه السلام فرمود: در تأویل آیه: «الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ...» یعنی اگر آنها را در زمین مکنت قرار دهیم نماز را (به معنای حقیقی) اقامه نموده و زکات پردازند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند. و عاقبت امور برای خداوند است.^۲ فرمود: این معنا برای آل محمد علیهم السلام تا آخرین امام و برای مهدی و اصحاب او هست، بر شرق و غرب زمین فرمانروایی می‌کند و دین خدا بر همه غلبه خواهد کرد و خداوند به واسطه او بدعت و باطلی را از بین خواهد برد چنانچه سفیانی حق را کنار زده بود.^۳

نمونه‌ای از روش حضرت در قضاوت

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود:

وقتی که قیام کننده ما ظهور کند به سه چیزی که قبل از او کسی حکم نکرده حکم خواهد کرد: ۱- پیرمرد زناکار را به قتل می‌رساند؛ (در آن زمان از دواج‌ها آسان می‌شود و امکانات مادی برای همه هست اگر پیرمردی احیاناً این عمل زشت را انجام دهد دلیل بر شدت خباثت و بوالهوسی اوست) ۲- کسی که زکات پردازد به قتل می‌رسد؛ (یعنی اگر در مقابل عاملین زکات و پند و نصیحت آنها مقاومت کند و زکات پردازد) ۳- برادران از یکدیگر در سایه (ساختمان‌ها و درخت‌ها...) ارث می‌برند. در حظ و بهره‌ها نیز عدالت و تساوی برقرار است.^۴

حدیث فوق از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام نیز نقل شده است.

۱. بحار ج ۵۲ صفحه ۲۲۸ غیبه نعمانی ص ۴ یوم الخلاص ص ۳۷۷.

۲. سوره حج آیه ۴۱...

۳. بحار ج ۵۱ ص ۴۷ ینابیع الموده ج ۳ ص ۸۰.

۴. الزام الناصب ص ۵۷.

از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: آن گاه که قیام کننده ما حاکم شود بین مردم به **حکم داود حکم کند** که احتیاج به شاهد نداشته باشد او روشی دارد که مجرم مشخص و نشان دار می شود و هم چنین به روش قضاوت حضرت محمد صلی الله علیه و آله (با بینه و شاهد نیز) حکم می کند.

اشاره‌ای به مدت عمر مبارک حضرت

طول عمر و مدت حکومت حضرت از اسرار است، در غیر این صورت دشمن مطلع شده و روی این مسئله برنامه ریزی می کند. معصومین علیهم السلام ما از طول عمر حضرت یا اسرار دیگر آن فقط به دوستان خبر داده‌اند و از آنها نیز همان را درخواست کردند.

روایاتی در این باره وارد شده و چون آنها با یکدیگر فرق دارند نقل کردن آنها اشکال ندارد، زیرا این روایات اگر دست دشمن بیفتد آنها نمی توانند به نفع خود بهره‌برداری کنند.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: در امت من، مهدی علیه السلام ظاهر می شود و هفت یا هشت یا نه سال فرمانروایی می کند.^۱

توضیح: ملاحظه می شود که حضرت صلاح ندانسته مدت حکومت را به طور دقیق مشخص کند. در روایتی سیصد و نه سال و در روایت دیگری نقل شده که رسول اکرم فرمود: مهدی علیه السلام سی و نه سال فرمانروایی می نماید و در روایتی چهل سال و در دیگری هیجده سال ذکر شده است و نمی توان دریافت کدام روایت صحیح است.

حضرت محمد صلی الله علیه و آله در روایت دیگر فرموده: مدت مُلک و فرمانروایی مهدی علیه السلام هفت سال است، هر سال آن به اندازه ده سال طول می کشد.^۲

۱. الزام الناصب ص ۱۹۲ الحاوی للفتاوی ج ۲ ص ۱۵۷

۲. الملاحم و الفتن ص ۵۷، و طولانی شدن سال و ماه که هر سال به اندازه ده سال گردد گرچه برای خدا آسان است و مشکل نیست اما با آیاتی که تعیین ماه‌های سال را ۱۲ ماه دانسته و اهلّه و شکل ماه را برای تعیین وقت و مراسم حج دانسته و

توضیح: حدس ما این است که مدت حکومت حضرت طولانی است و بعید نیست روایاتی که مدت حکومت حضرت را کم ذکر کرده‌اند اشاره به تسلط کامل حضرت بر جهان در آن مدت کرده باشد بنابراین در این مدت حضرت موفق به پاک کردن زمین که کاری بسیار عظیم بوده، می‌شود؛ زیرا ابراهیم خلیل به کعبه و پاک بودن کعبه مسرور بود و پیامبر اسلام به زدوده شدن آثار شرک و فساد در حیطة حکومت بر بخشی از جهان و حضرت ولی عصر به پاکسازی کل جهان؛ یعنی آن حضرت به اذن خدا آرزوی همه انبیاء و به خصوص حضرت ابراهیم، حضرت محمد، حضرت امیر المؤمنین، ائمه دیگر و هر مؤمن مجاهد را برآورده می‌کند، (درود خدا بر شجره ابراهیم و درود بر محمد و آل محمد) و مصداق کامل: (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ) را ظاهر می‌نماید.

بار خدایا ما را با همه ناچیز بودنمان از یاران حضرت محسوب فرما.

آری، در مدت حکومت حضرت عدالت و تقوی حاکم و استعدادهای مختلف شکوفا و به سوی مبدأ جهان عروج می‌کنند و تقرب شگفت‌انگیز پیدا می‌نمایند و معنای حیات و عطر زندگی را می‌یابند.

یکی از مهم‌ترین کارهای آن حضرت که در طول مدت غیبت مسئله تحریف و تغییر دستورات دین بوده که به مرور زمان زیاد شده است حضرت با به دست آوردن قدرت، اسلام را به محور اولیه خود برمی‌گرداند دین را از تحریف مصون می‌دارد.

احتمال متأهل بودن حضرت

لازم نیست که در مورد تأهل حضرت چیزی بدانیم، چون اثبات یا نفی آن از مسائل مورد ابتلاء ما نیست. نظر مثبت باشد یا منفی به اعتقادات ما ضرری نمی‌رساند

زیرا از مسایل شخصی آن حضرت است؛ منتهی اگر به طور زودگذر به آن اشاره شود مانعی ندارد.

حضرت صادق علیه السلام فرمود:

قیام‌کننده (ما اهل بیت) را با اهل و عیال خود در مسجد سهله می‌بینم که نزول کرده آنجا جایگاه ادریس علیه السلام و ابراهیم خلیل الرحمن بوده و پیامبران الهی در آن نماز خوانده‌اند و مأوای خضر علیه السلام است.

کسی که آن جا بماند همانند کسی هست که در خیمه رسول الله صلی الله علیه و آله بماند.^۱

توضیح: باتوجه به این روایت، شاید آن حضرت قبل از ظهور متأهل بوده و بعید نیست بعد از ظهور در مکه یا مدینه متأهل شود.

شیخ صدوق - رحمة الله علیه - می‌گوید:

گفته می‌شود که حضرت حجت، در محلی خاص دارای اولاد، اصحاب، خدم و حشم است، آن مکان برای مردم مخفی است، آن حضرت ایام حج به مکه آمده و مناسک انجام می‌دهد.

تذکر: این که بعضی‌ها برای اثبات تأهل داشتن حضرت اینگونه استدلال می‌کنند که چون آن حضرت امام هست و به واجب و مستحب عمل می‌کنند، پس زمان غیبت قطعاً متأهل است.

این گونه استدلال صحیح نیست زیرا، زمان حضور، تفاوت زیاد با زمان غیبت دارد و وظیفه شرعی یکسان نیست. بله فردیّات، مثل نماز، روزه و... فرق نمی‌کند اما در زمان غیبت، ارتباطات اجتماعی محدود بوده و گاهی ممنوعیت شرعی دارد. اگر کسی وظیفه حضرت را در دو زمان «غیبت و حضور» یکسان بداند باید معتقد باشد که حضرت ولی عصر مسئله مهم‌تر از ازدواج، امر به معروف و نهی از منکر را دائم انجام می‌دهد، و با سلاطین جور و طاغوت‌ها رو در رو هست و مبارزه می‌کند در حالی که

۱. بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۱۷ و ص ۳۷۶، بشارة الاسلام ص ۲۵۷.

چنین نیست.

جمع بندی کوتاه درباره منافع ظهور

ظهور حضرت حجّت منافی دارد که به اختصار به آنها خواهیم پرداخت:

- ۱- تقیه ندارد؛
- ۲- با هیچ ستمگری بیعت نخواهد کرد. یعنی؛ برای مصلحت هم مسالمت با حکام جور و طرفداران آنها ندارد؛
- ۳- جزیه قبول نمی کند (لَهْ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْغًا وَكَرْهًا) همه باید تسلیم شوند اول با پند، استدلال و براهین روشن و در نهایت با اسلحه و مبارزه رودررو حق بر باطل غالب می گردد.
- ۴- مساوات و عدالت کامل برقرار خواهد شد؛
- ۵- راهها وسیع و به هم نزدیک می گردد، به موقع باران می بارد و فراوانی محصول خواهد بود؛
- ۶- همه مردم غنی شده و هیچ فقیری وجود ندارد؛
- ۷- موانع از سر راهها جمع و بدون مزاحمت عبور و مرور صورت می گیرد. حتی آب های آلوده و آب ناودانها مزاحم عابرین نمی باشد؛
- ۸- رفع هر بدعت و برگرداندن معانی صحیح قرآن به تفسیر آن است؛
- ۹- روایات صحیح مشخص شده و سنت رسول برای همه روشن می گردد؛
- ۱۰- همه جهان به صورت واحد اداره می شود و در تمام مکانها خدا و رسول و ائمه مسلمین مطرح شده و مردم به آنها عشق می ورزند؛^۱
- ۱۱- روح بی نیازی به واسطه تعلیمات حضرت در مردم احیاء می شود.
- ۱۲- مردم برای ثروت و ریاست ارزش قائل نشده بلکه برای علم و ایمان ارزش

۱. افراد فاسد العقیده نیز وجود دارد اما بسیار کم هستند.

قائل هستند و این از رسوم مردم قرار می‌گیرد؛

۱۳- مسجد بزرگی در کوفه یا نزدیک آن بنا می‌شود که مردم از تمام جهان جمع می‌شوند و پشت سر آن حضرت یا نماینده حضرت نماز اقامه کرده و از سخنان آنان بهره می‌برند؛

۱۴- خیمه‌های بسیاری نزدیک کوفه نصب می‌شود و در آن خیمه‌ها، قرآن به همان صوت و روشی که هدف رسول خدا ﷺ بوده، تفسیر و نگارش خواهد شد؛

۱۵- حاکمان دانا و دلسوز از طرف آن حضرت بر تمام ممالک حکومت کرده و تمام مردم در صلح و صفا زندگی خواهند کرد و خداوند را خالصانه بندگی می‌کنند؛

۱۶- دشمنانی که در اوایل ظهور، با مخالفین حضرت همکاری می‌کردند و زمان ظهور، از فریبکاران پیروی می‌کرده‌اند، همه مرعوب می‌شوند و مجبور هستند در راه حق قدم برداشته و با اجتماع اسلامی اظهار هماهنگی نمایند.

۱۷- بزرگ‌ترین لطف الهی به بشر این است که عقل انسان زیاد باشد و در زمان حضرت عقل‌ها زیاد می‌گردد.

بعضی از روایات آیه؛ «أَشْرَفَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا» (زمین به نور خداوند نورانی شود) را در مورد ظهور حضرت مهدی «عج» تأویل نموده به این معنا است که رحمت، لطف و فضل بزرگ خدا در آن زمان گسترده بوده و جهل و ستم از بین خواهد رفت.

در بعضی از روایات به دنبال این حدیث آمده که؛ خورشید از بین می‌رود و نور خداوند زمین را نورانی می‌کند. به گمان ما، این جمله را راوی به دنباله حدیث اضافه کرده زیرا؛ این معنا به جهان دیگر اختصاص دارد و حضرت مهدی «عج» در این جهان و بر همین زمین و مردم حکومت خواهد کرد، اگر کسی بگوید در زمان حضرت خورشید وجود ندارد جواب آن در روایات دیگر هست. برای نمونه روایاتی که مدت حکومت حضرت را چندین سال می‌دانند، وقتی که خورشید نباشد

روز و سال و ماه معنا نداشته و ماه رمضان و ذی الحجه مفهومی ندارند و روشن است که این دنیا به وقت و تاریخ بستگی شدید دارد چون اوقات عبادات، معاملات، قراردادهای سال و ماه می باشد، و اگر کسی بگوید ماه وجود دارد ولی خورشید وجود ندارد جواب این است که ماه (قمر) نور خود را از خورشید می گیرد. علاوه بر آن «نور ربّها» به معنای نور ماه نیست.

فصل شانزدهم

رجعت

(بازگشت عده‌ای از اموات به همین دنیا)

«لِكُلِّ أُنَاسٍ دَوْلَةٌ يَرْقُبُونَهَا وَ دَوْلَتُنَا فِي آخِرِ الزَّمَانِ سَيَظْهَرُ»

نقل از امام صادق

آیات پنجگانه رجعت

آیه اول: آنها که کفر پیشه کرده و کافر شدند، در قیامت می گویند: پروردگارا، جان ما را دو بار گرفتی و دو بار زنده کردی و ما به گناهان خود اعتراف کردیم.^۱

آیه دوم: ما رسولان خود و مؤمنان را در زندگانی دنیا، و روزی که شاهدان اعمال حاضر گردند (یعنی قیامت) یاری خواهیم کرد.^۲

آیه سوم: روزی که وعده خداوند باید عملی شود جنبندای زمین را برای آنها خارج می کنیم تا با آنها سخن بگویند (و قبلاً مردم ایمان نمی آوردند).^۳

آیه چهارم: روزی فرا می رسد که؛ از هر اُمتی گروهی را که تکذیب کننده آیات ما بودند محشور نماییم، آنان مورد مؤاخذه قرار خواهند گرفت.^۴

آیه پنجم: منتظر روزی باش که بادود سیاه در آسمان ظاهر شود و مردم را فراگیرد، گویند عذابی دردناک است. بار پروردگارا! عذاب را بردار که ما ایمان آوردیم. آنها کجا ایمان آورده؟ در حالی که رسول شناخته شده را دیوانه خواندند، ما عذاب می کاهیم زیرا بازگشت می کنید.^۵

رجعت و تفسیر و تاویل آیات مذکور

رجعت یعنی بازگشت و در اصطلاح احادیث، زنده شدن بعضی از معصومین و

۱. قالوا ربنا ائمتنا ائمتين و احييتنا ائمتين فهل اِلَى خُرُوجٍ مِن سَبِيلٍ. سوره مؤمن.

(غافر) آیه ۱۱.

۲. ... إِنَّا لَنَنْضُرُ رُسُلَنَا الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ. سوره مؤمن آیه ۵۱.

۳. وَ إِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ. سوره نمل آیه ۸۲.

۴. وَ يَوْمَ نَخْشِرُ مِن كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مَّمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا... سوره نمل آیه ۸۳.

۵. فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ... سوره دخان آیه ۱۵.

غیر آن در دنیا را گویند. عمده آیاتی که تفسیر یا تأویل آنها را متناسب با رجعت دانسته‌اند توضیح می‌دهیم.

آیه اول: در قیامت به کافران ندا می‌شود که، سرزنش الهی برای شما از سرزنی که خودتان را اکنون می‌نمایید، سخت‌تر است زیرا؛ در دنیا به ایمان (و تقوی) دعوت شدید و نپذیرفتند. آنها می‌گویند: پروردگارا! جان ما را دوبار گرفتی و دو بار زنده کردی و ما به گناهان خودمان اعتراف کردیم، آیا (اکنون) راه نجاتی برای ما هست (که ما را عفو کنی)^۱

عده‌ای از مفسران دوگانه بودن مرگ را به این صورت معنا کرده‌اند: مرگ اول همان معدوم بودن قبل از حیات و مرگ دوم، مرگ بعد از زندگی دنیوی است و اما دوگانه بودن حیات؛ حیات اول همان حیات برزخی است که از هنگام مرگ شروع می‌شود و حیات دوم را حیات روز قیامت دانسته‌اند.

این نوع تفسیر وقتی صحیح است که (أَمَّتْ = میراندی) برای معدوم بودن به کار رفته باشد و از نظر لغت عرب اشکال نداشته باشد. بعضی این نوع کاربرد را بعید دانسته و گفته‌اند: مرگ باید مسبوق به حیات باشد.

بعضی دیگر احتمال داده‌اند که منظور از مرگ اول مرگ بعد از حیات عالم «ذَرَّ» و «مرگ» دوم بعد از حیات دنیوی است و دو نوع زنده شدن هم یکی در عالم ذر و دیگری در قیامت است.

اما عده دیگر آیه فوق را مرتبط با رجعت می‌دانند یعنی مرگ اول را مرگ بعد از زندگی دنیا دانند و مرگ دوم را مرگ بعد از بازگشت می‌دانند و حیات اول حیات رجعتی آنها و حیات دوم محشر آنها می‌باشد. یعنی این آیه را مخصوص بیان مجرمان و کافرانی که قبلاً در بازگشت دنیوی زنده شده‌اند می‌دانند که این عده در قیامت چنین می‌گویند. در واقع از خدا طلب عفو می‌کنند. (یعنی دو مرتبه زنده شدیم و عذاب

۱. ... قالوا رَبَّنَا اٰمَنَّا اٰنْتَنِيْنَ وَاٰخِيْنَتُنَا اٰنْتَنِيْنَ فَاغْتَرَفْنَا بِذُنُوْبِنَا فَهَلْ اِلَيْ خُرُوْجٍ مِّنْ سَبِيْلِ. سوره مؤمن (غافر) آیه ۱۱.

کشیدیم)

احتمالاً این معنا با ظاهر آیه سازگارتر است و روشن است که قبل از قیامت هم اعتراف نموده‌اند، بنابراین بعضی از ستمکاران در قیامت می‌گویند جان ما را دو بار گرفتی و دو بار زنده نمودی و اعتراف کردیم که ما مقصر هستیم. موارد دیگری هم در تفاسیر ذکر شده که در صدد بیان آنها نیستیم.

وعدۀ یاری و نصرت

توضیح آیه دوم: خداوند صریحاً فرموده که: ما رسولانمان و آنها که ایمان آوردند را در دنیا و آخرت پیروز می‌کنیم.^۱

می‌توان از آیه چنین استفاده کرد که: رسولانی که بر دشمنان دین پیروز نشدند و مصداق کامل مؤمنان (ائمه هدی علیهم‌السلام) و مؤمنان کامل دیگری که استحقاق پیروزی داشتند و پیروز نشدند برگردند و پیروز شوند و قدرت را به دست بگیرند.

توضیح آیه سوم: فرمود: روزی که وعدۀ خدا حتمی شود جنبنده‌ای از زمین را خارج می‌کنیم.

به روایات زیر توجه فرمایید.

دابة الارض

امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود:

من تقسیم‌کننده بهشت و جهنم هستم. (و مردم طبق تقسیم^۲ که من انجام می‌دهم داخل آنها می‌شوند.) من برای مردم بعد از خود امام و برای قبل از خود تأدیه‌کننده (حق) هستم، هیچ کس جز حضرت احمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بر من پیشی نگرفته و ما بر یک طریق

۱. سوره مؤمن آیه ۵۱.

۲. یعنی شرط بهشت رفتن بعد از اعتقاد به توحید و نبوت پذیرفتن ولایت و وصایت است.

رهسپاریم، او از طرف خداوند به پیامبری برگزیده شده است و خداوند به من شش موهبت عطا کرده است: ۱- علم منایا (مرگ و میر انسان‌ها) ۲- علم بلایا (گرفتاری‌ها، حوادث و وقایع)؛ ۳- فیصله حق و باطل؛ ۴- صاحب کرات (بازگشت) ۵- صاحب دولت، عصا و نشان‌گزاری افراد؛ ۶- جنبنده‌ای که (در آخر الزمان) با مردم صحبت می‌کند ما هستیم.^۲

تفسیر علی بن ابراهیم در معنای جنبنده زمین

در تفسیر علی بن ابراهیم آمده است که؛ حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در مسجد خوابیده بود،^۳ پیامبر صلی الله علیه و آله به او فرمود: برخیز ای جنبنده زمین، بعضی از اصحاب عرض کردند: یا رسول الله، آیا ما می‌توانیم یکدیگر را چنین صدا کنیم؟ فرمود: نه، این اسم خاص است که خداوند در آیه قرآن ذکر فرموده: «فَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ» سپس فرمود: ای علی در آخر الزمان خداوند تو را به بهترین وضع ظاهر نماید و وسیله نشان‌گذاری دشمنان با تو خواهد بود.

بیان عمار یاسر

امام صادق علیه السلام فرمود:

شخصی به عمار بن یاسر گفت: آیه‌ای در کتاب خداوند است که ذهن مرا مشغول کرده و درباره آن حیران هستم.
عمار فرمود: کدام آیه؟

۱. صاحب کرات: بعید نیست که منظور این باشد که هر مسلمان موقع مرگ آن حضرت را مشاهده می‌کند همانطور که پیامبر را مشاهده می‌کند یعنی مکرر خود را نشان می‌دهیم.

۲. اصول کافی ج ۱ ص ۲۸۲ کتاب الحجة.

۳. خواب کردن در حال ضرورت در مسجد کراهت ندارد و در حال غیر ضرورت در مکان‌هایی که مختص به اقامه نماز نیست هیچ کراهت ندارد و در مکان‌های مختص به نماز کراهت دارد.

عرض کرد: قول خداوند که می‌فرماید: «و اذا وَقَعَ عَلَيْهِم اَخْرَجْنَا لَهُم دَابَّةً مِنَ الْاَرْضِ» هنگامی که وقت وعده رسید، جنبنده‌ای از زمین را بر آنها خارج می‌کنیم. این جنبنده و سیرکننده کیست؟ عمار گفت: به خدا سوگند، نخواهم نشست و چیزی می‌خورم و نمی‌آشامم تا این که او را به تو نشان دهم. عمار آن شخص را با خود نزد امیرالمؤمنین برد، حضرت مشغول خوردن خُرما و کره بود و عمار را به خوردن دعوت نمود؛ عمار نشست و مشغول خوردن شد، آن مرد تعجب کرد و گفت: تو سوگند خوردی، نخوری و نیاشامی تا «دَابَّةُ الْاَرْضِ» را نشان دهی. عمار گفت: اگر دقت کنی نشان دادم^۱.

توضیح: دَابَّةٌ در زبان عربی از کلمه دَبَّ به معنای موجوداتی هست که از نقطه‌ای به نقطه دیگر حرکت می‌کنند، در واقع غیر از جماد و نبات، یعنی صاحبان روح را دَابَّةٌ می‌گویند. (اعم از روح حیوانی یا انسانی).

در بعضی از روایات آمده که، تعداد زیادی از انبیاء هنگام رجعت زنده می‌گردند و حضرت علی علیه السلام به عنوان امیرالمؤمنین بر آنها ریاست می‌کند. تأویل و تفسیر آیه چهارم که فرمود: روزی فرا می‌رسد که از هر امتی، گروهی از تکذیب‌کنندگان آیات خود را محشور می‌کنیم.

تفسیر یا تأویل محشور شدن فوجی از مردم

شخصی از امام صادق علیه السلام سؤال کرد که عامه مردم (اهل سنت) این آیه را مربوط به قیامت می‌دانند: «يَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ اُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يَكْذِبُ بَايَاتِ اللّٰهِ»^۲ (روزی می‌آید که: از هر امتی، گروهی که آیات حق را تکذیب کردند، حاضر می‌نماییم). حضرت فرمود: آیا خدا در قیامت از هر امتی گروهی را حاضر کرده و محشور

۱. علم الیقین و عین الیقین، فصل علائم ظهور، ص ۱۸۵.

۲. سوره نمل، آیه ۸۳.

می‌نماید و بقیه مردم را رها می‌کند؟ چنین نیست این آیه مربوط به زمان رجعت است؛ و آیه قیامت چنین است: «و حَشْرُنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا» یعنی: هیچ فردی را در قیامت از قلم نمی‌اندازیم و همه محشور می‌شوند.

ایمان خالص و کفر خالص

در روایتی آمده است: هنگام رجعت کسانی که دارای ایمان خالص و کفر خالص هستند، باز خواهند گشت.^۱

توضیح: این روایات به این معنا نیست که تمام کسانی که مؤمن خالص یا کافر خالص باشند زنده می‌شوند، بلکه احتمالاً بعضی از آنها زنده می‌شوند و احتمال دارد آنها که دارای خصوصیت‌هایی هستند که زنده شدن آنها لازم است، همانند مؤمنین خالصی که در راه ایمان‌شان ستم‌های زیادی دیدند و مقهور دشمن گردیدند و نومیدانه از دنیا رفتند زنده شوند، چنانچه می‌توان این معنا را از آیه: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا...» فهمید.

سؤالی از شیخ مفید درباره نوعی حشر در رجعت

از شیخ مفید - علیه الرحمه - درباره این جمله که روایت شده امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که به رجعت ما ایمان ندارد از ما نیست. از آن حضرت سؤال شد: آیا این رجعت، حشری برای مؤمنان در این دنیا هست یا شامل ظالمان جبار هم می‌شود و آنها هم پیش از قیامت زنده می‌شوند؟ جواب دادند که: خداوند عده‌ای از آنها را بعد از مرگشان و پیش از قیامت زنده می‌کند و این مذهب مختص به آل محمد است و قرآن بدان گواه است زیرا؛ درباره حشر اکبر می‌فرماید: «و حَشْرُنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ

۱. علم الیقین و عین الیقین مجلسی، فصل علایم ظهور و رجعت.

أحداً^۱ یعنی: «همگان را بدون استثناء در قیامت حشر می‌کنیم.» ولی درباره حشر پیش از قیامت (رجعت) می‌فرماید: «و روزی که از هر اُمتی گروهی را که تکذیب‌کننده آیات ما بودند، محشور نماییم و باز داشته شوند...». پس حشر دو نوع می‌باشد: ۱- حشر عام؛ ۲- حشر خاص که رجعت است. دلیل حشر خاص قول کافران در قیامت است که می‌گویند: پروردگارا! جان ما را دو بار گرفتاری و ما را دو بار زنده کردی. (یک بار در رجعت «یک بار هم، اینک که قیامت است»)^۲.

مصدق جمله انکم عائدون:

توضیح آیه پنجم: «فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ.» منتظر روزی باش که دود سیاه در آسمان ظاهر می‌شود و مردم را فراگیرد و گویند: عذابی دردناک است. پروردگارا! عذاب را از ما بردار که ما ایمان آوردیم. آنها چه موقع و کجا بیدار می‌شوند در حالی که رسولی که می‌شناختند برای آنها آمد، اما پشت کردند و گفتند: دیوانه‌ای آموخته شده است ما عذاب را [فعلاً در رجعت] از شما می‌کاهیم، [زیرا] بازگشت خواهید کرد (یعنی در قیامت)، انتقام عمل را خواهید دید.^۳

در ذیل تفسیر یا تأویل این آیه که متناسب با رجعت است می‌فرماید [عده‌ای] زنده می‌شوند و آنها را تاریکی فرا گرفته است، گویند عذابی دردناک (به خاطر اعمالمان) بما رسیده... (معذرت می‌خواهند و اظهار ندامت می‌کنند و می‌گویند خداوندا ما را به عذاب گرفتار مکن) خدا می‌فرماید: ما عذاب را از شما می‌کاهیم زیرا در قیامت باز می‌گردید. امام صادق علیه السلام فرمود: این آیه اگر مختص قیامت بود نمی‌فرمود عائدون، یعنی در قیامت دوباره زنده می‌شوید و مؤاخذه می‌گردید.^۴

۱. سوره کهف، آیه ۴۷.

۲. سوره غافر، آیه ۱۱. برای اطلاع بیشتر به تفسیر مجمع البیان ذیل آیه مذکوره مراجعه فرمایید.

۳. ...إِنَّا كَاشِفُو الْعَذَابِ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ. سوره دخان، آیه ۱۵.

۴. علم الیقین فیض، ص ۱۸۵.

نقل بیان امام باقر علیه السلام درباره دولت آل رسول

«... الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ...»^۱ (اگر آنها را در زمین قدرت دادیم نماز را (آن طور که شایسته است) به پا دارند و زکات را بپردازند و امر به معروف و نهی از منکر کنند و سرانجام امور برای خدا و دین خداوند است. امام صادق علیه السلام در توضیح آیه فوق فرمود: این جریان برای آل محمد علیهم السلام تا آخر ائمه و مهدی علیه السلام و اصحاب او می باشد.^۲ در دعاهای ما سخنانی از رجعت به میان آمده که در آخر کتاب در بحث متون ذکر کرده ایم.

حضرت باقر علیه السلام فرمود:

ای مردم کجا می روید و چه هستید؟ به واسطه ما، خداوند اول شما را هدایت و آخرین شما پایان پذیرد. اگر حکومت شما موقت است حکومت ما طولانی است و بعد از حکومت ما (در آخر الزمان) حکومتی نیاید. ما اهل عاقبت نیک هستیم «و الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ».

هشام این کلمات را توهین به خود دانست و دستور داد امام باقر علیه السلام را به زندان بردند اما وقتی که زندانی ها خوبی، و صدق، و علم و قدرت معنوی حضرت را دیدند، فریفته او شدند و هشام به ناچار او را آزاد کرد.^۳

توضیح: حضرت فرمود: «حکومت ما طولانی است» این جمله در ظاهر بیانگر دولت جمعی از معصومین در آخر الزمان است. گرچه این جمله را درباره شخص حضرت که پیاده کننده مرام معصومین بوده می توان تطبیق داد، یعنی بگوییم منظور از دولت ما، دولت امامت شیعه توسط حضرت مهدی است ولی ظاهر آن رجعت

۱. سوره حج، آیه ۴۱.

۲. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۴۷، ینابیع المودة، ج ۳، ص ۸۰.

۳. الکافی، ج ۱، ص ۴۷۱ و در ملاحم والفتن ص ۹۵ قسمتی از آن وجود دارد.

جمعی را شامل می شود.^۱

کلامی از انجیل درباره رجعت

در انجیل یوحنا آمده (۵: ۲۵ - ۲۸) که عیسی علیه السلام فرمود: حقیقت را به شما بگویم؛ اینک که صدای مرا بعضی اموات می شنوند و زنده می شوند، از این تعجب مکنید، روزی می آید که این صدا را تمام کسانی که در قبورند، می شنوند، اما آنها که اعمال صالح به جا آوردند، زنده می گردند و کسانی که اعمال فاسد مرتکب شدند در قیامت زنده خواهند شد.^۲

بیان دو نظریه درباره رجعت

چون رجعت اجمالاً حتمی هست و ادعای اجماع هم بر اصل مسأله رجعت شده، اما درباره این که زمان حضرت مهدی «عج» واقع می شود یا بعد از آن حضرت و یا این که چه کسانی، نیکان یا بدان یا هر دو و چه تعداد (بعضی از خالصان در کفر و ایمان یا همه مؤمنان و کافران خالص) زنده می شوند یا احیاناً بعضی از افرادی که در ایمان یا کفر خالص نبوده و خصوصیات دیگری داشته اند، مثلاً همیشه آرزوی دیدن حکومت حضرت مهدی «عج» و ائمه علیهم السلام دیگر را داشته، مورد اختلاف است؛ یعنی تفصیل آن از نظر کیفیت و کمیت برای ما روشن نیست زیرا؛ روایات وارده درباره کیفیت و کمیت رجعت متواتر و زیاد نیست، بنابراین در مواردی محدود، مورد اطمینان هستند.

در اینجا از میان نظریه ها دو نمونه را که بیشتر مورد توجه است ذکر می کنیم:

۱- رجعت مختص زمان حضرت مهدی (عج) است و هر کس لازم باشد به اذن

۱. در بعضی از احادیث وارد شده که حضرت امام حسین علیه السلام زنده می شود و هنگام وفات حضرت مهدی علیه السلام امور او را به عهده می گیرد و غسل می دهد و کفن می کند و بر آن حضرت نماز می گذارد و انگشتر حضرت را نزد خود نگه می دارد.

۲. بوم الخلاص، ص ۳۴۹.

خدا زنده می شود. چنان چه در حدیثی که از رسول خدا ﷺ وارد شده است می فرماید: امتی که آغاز آن (حضرت) محمد و پایان آن (حضرت) مهدی ﷺ است، هلاک نمی شود. به زبان دیگر می گوید: پایان آن عیسی ﷺ است (البته عیسی ﷺ معاونت امور حضرت مهدی «عج» را به عهده دارد)، و اگر زمان رجعت طولانی، باشد در عرض طول عمر حضرت مهدی و عیسی است یعنی عمر این دو بزرگوار هم بسیار طولانی است.

۲- نظریه از زمان قدیم طرفداران زیادی داشته که: بعد از حضرت مهدی «عج»، رسول خدا ﷺ امیرالمؤمنین ﷺ و به احتمال حضرت امام حسین ﷺ و ائمه ﷺ دیگر حکومت خواهند کرد، و روایاتی را که می گوید آخر امت، حضرت مهدی «عج» است حمل بر تقیه می کنند و می گویند: ائمه ما در شرایطی که دشمن به دنبال بهانه می گشت خیلی مشکل بود که بحث رجعت خود را به میان آورند و بنابراین مجبور شدند از رجعت خود سخن زیادی به میان نیاورند. لذا، به اشاره کردن به حکومت حضرت مهدی «عج» که امری بسیار لازم بود اکتفا کردند و فرمودند: آنها که از ما هستند رجعت را قبول دارند. گاهی به آمدن دوباره خود در حضور دوستان خاص اشاره کرده، و مسأله را به صورت علنی بیان نکردند. زیرا، بیان خصوصیات رجعت مشکل ساز می شد، و بعید نیست که حکومت طولانی ائمه بعد از ولی عصر «عج» ظاهر گردد.

به نظر ما این نظریه به صحت نزدیکتر است. البته هر دو نظر، رجعت را اثبات می کند و با مفهوم روایتی که از امام صادق ﷺ نقل شده سازگار است و آن روایت این است: آنان که به رجعت ما ایمان ندارند و متعه ما را حلال نمی داند از ما نیستند.^۱ اما یکی از دلایل ما در صحت نظریه دوم این است که وجود و بروز ائمه هدی یا

۱. لیس منا الامن یومن بر رجعتنا و یحلُّ مُتَعَتَنَا. (یعنی مخالفین ولایت اهل بیت به این دو ایمان ندارند. من لا یحضره الفقیه صدوق).

بعضی از آنها پس از حضرت مهدی (عج)، موجب خالی نبودن زمین از حجّت است زیرا؛ وجود حجّت و امام، سبب حتمی حیات اهل زمین است، مگر آن که کسی بگوید: «عمر حضرت مهدی (عج) به درازای عمر اهل زمین تا قیامت است». چنانچه روایاتی وارد شده که می‌گوید: «آخر امت مهدی علیه السلام است»، یعنی عمر حضرت متصل به علامات قیام قیامت می‌باشد زیرا؛ بیشتر از دوازده امام معصوم علیهم السلام بعد از پیامبر امامت نمی‌کند. اگر به چنین چیزی معتقد شویم گرچه محال نیست و با ظاهر بعضی روایات هم خوانی دارد، اما نمی‌توانیم روایات متعددی که رجعت ائمه و امیرالمؤمنین و... را متذکر شده کلاً نادیده بگیریم زیرا؛ امام صادق علیه السلام یا ائمه دیگر فرمودند: «رَجَعْتُنَا» یعنی رجعت ما... دولت ما در آخر الزمان، کلمه «نا» بر ظهور جمع دلالت دارد و منحصر به حضرت مهدی (عج) نیست، البته ممکن است کسی بگوید کلمه «نا» دلالت بر جمع دارد و حضرت مهدی (عج) کارش به منزله جمع است زیرا اهداف ائمه علیهم السلام را پیاده می‌کند و مثل این است که خود ائمه وجود دارند. جواب ما این است که؛ این گونه توجیه با تکلف همراه است. «والله اعلم». و اگر کسی بگوید رجعت ائمه علیهم السلام را قبول داریم اما رجعت آنها در عرض حکومت حضرت مهدی (عج) است جواب آن آنست که لازمه این فکر آنست که مثلاً در رجعت، حضرت مهدی بر امیرالمؤمنین امامت کند و چنین چیزی بعید است.

فصل هفدهم

علائمی از قیام قیامت

علائم قیامت

بسیاری از علایم به پا شدن «یوم البعث» و «قیامت» با علایم ظهور حضرت مشترک است و بعضی به دوران بعد از ولی عصر (عج) و رجعت اختصاص دارد که آنها را ذکر می‌کنیم و از خدا می‌خواهیم که از آنها نباشیم و به صفات ناپسندی که شیوع آنها موجب انهدام جهان و آغاز قیامت می‌گردد آلوده نشویم.

علی بن ابراهیم در تفسیرش با سند خود از عبدالله بن عباس نقل کرده که؛ عبدالله می‌گوید «بارسول خدا ﷺ در حجة الوداع حج کردیم سپس حلقه در کعبه را گرفته، رو به ما کرد و فرمود آیا می‌خواهید شما را به شروط و علامات ساعت مطلع سازم؟ در آن وقت نزدیک‌ترین فرد به حضرت رسول، سلمان رضی الله عنه بود، گفت؛ بلی یا رسول الله بفرمایید، فرمود: از شروط و علامات آن ضایع کردن نماز، پیروی از تمایلات نامشروع، هواپرستی، بزرگ شمردن ثروت و معامله دین با دنیا (دین را به خاطر رسیدن به دنیا از دست دادن است)، آن گاه قلب مؤمن به خاطر منکرات از غصه آب می‌شود زیرا نمی‌تواند آنها را تغییر دهد). سلمان گفت: یا رسول الله چنین است؟ فرمود: بلی، سوگند به کسی که جانم در دست اوست چنین خواهد شد ای سلمان، آن موقع والیان و حاکمان بسیار ستم‌کار و جائر، وزیران فاسق و حقیقت‌شناسان ظالم و امینان خائن (فراوان) هستند.^۱

سلمان با تعجب گفت: آیا این امر واقع می‌شود؟ فرمود: بلی ای سلمان، قسم به کسی که جانم در دست اوست، منکر معروف و معروف منکر می‌شود (گناه کردن افتخار و ترک گناه قبیح شمرده می‌شود)، و خائن مورد اعتبار و امین نیز خائن شمرده می‌شود، و دروغگو را تصدیق می‌کنند (زیرا هم خصلت خودشان هست) و راستگو را تکذیب کرده و دروغگو می‌شمارند. سلمان گفت: واقعاً مردم چنین عوض

۱. یعنی به ندرت فرد صلاحیت‌دار در میان آنها پیدا می‌شود.

می‌شوند؟ حضرت فرمود: بلی، به کسی که جانم در دست اوست، در آن موقع حکومت و ریاست زنان مرسوم می‌شود (چیزی جدید در جامعه اسلام که خلاف رضای خدا و رسول است رسم شود) و [در کارهای مهم اجتماعی] با کنیزان [و دختران] مشورت می‌نمایند و بچه‌سال‌ها بر کرسی‌ها و منبرها می‌نشینند (با مختصر اطلاعات سطحی مردم را به خود جذب می‌نمایند) و دروغ، ظرافت و هوشیاری شمرده شده و زکات دادن ضرر و غرامت محسوب می‌گردد [ممکن است مال را در مواردی که میل خودشان هست در راه خیر صرف کنند اما طبق قانون الهی و مقررات دینی تزکیه اموال نمی‌کنند، بنابراین از ورع و تقوی دورند] و پرداختن انفال را نوعی جریمه می‌دانند برای خشنودی دوستان به پدر و مادر جفا و ظلم می‌کنند. وقت و محفل خود را با دوستان می‌گذرانند و حواجج آنها را با دل و جان برآورده می‌کنند اما از پدر و مادر دوری نموده با این که نیکی به والدین ثواب زیاد دارد) و ستارگان دنباله‌دار زیاد شوند (تغییر فوق العاده در منظومه شمسی به وجود آید). سلمان گفت: یا رسول الله واقعاً چنین خواهد شد؟ (کار بشر به اینجاها می‌کشد؟) حضرت فرمود: سوگند به کسی که جانم در دست اوست چنین می‌شود. آن گاه زن با شوهرش در تجارت [و کسب] شرکت می‌نماید (از رسوم مردم باشد که زن‌های جوان صاحب مغازه‌ها و شرکت‌ها شوند و بی‌باکانه با نامحرمان اختلاط کنند)، باران بسیار کم ببارد، بزرگواران [پرهیزکار] به غیظ و خودخوری فرو روند^۱، احتکار محصول رایج شود با این که بازارها به هم نزدیک می‌گردد و مردم می‌گویند چیزی نفروختیم و سودی نبردیم (در حالی که هم فروش و هم سود داشته‌اند) و اغلب مردم را در حال شکوه کردن از خداوند می‌بینی (حریص هستند و آنچه را به دست می‌آورند کم می‌دانند و ناراضی هستند). سلمان عرض کرد: چنین خواهد شد؟ فرمود: بلی، ای سلمان، به کسی که جانم در دست اوست. آن گاه (تعداد کمی از افراد حق طلب هستند، و اگر)

۱. مرحوم محدث قمی ره غیظ را به معنای کم شدن بزرگواران نموده یعنی آن را غیض با (ض) دانسته است.

سخن حق بگویند آنها را به قتل می‌رسانند، اگر ساکت باشند از زندگی محرومشان می‌کنند و مال و آبروی آنها را مباح می‌دانند و دنبال فرصت هستند که خون آنها را بریزند؛ آن حق پرستان در حالت رعب، وحشت و ترس زندگی می‌کنند. و آثار رسول و آل او را کنار زده یا تحریف می‌کنند و زمام مردم را به دست می‌گیرند. پس وای بر ضعیفان امت من که تسلیم فریب‌کاران گشته باشند و وای از خدا بر آنها، آنها به کوچک ترحم نمی‌کنند و به پیران احترام نمی‌گذارند، از بدی عمل خود خوف ندارند و قلوب آنها قلوب شیاطین خواهد بود. سلمان با تعجب گفت: یا رسول الله چنین باشند؟ فرمود: بله... آن گاه که مرد با مرد و زن با زن به شهوت رانی پردازند و هم چون دختران خانه بر پسران غبطه برند، مرد شبیه زن و زن شبیه مرد می‌شود، کاری که مخصوص زن است مرد و کاری که مخصوص مرد است زن انجام دهد، زنان بر زین‌ها (بی پروا هم چون مردان) سوار شوند، بر چنین زنانی از امت من (که حجب و شرم و زنی زنانگی را کنار زده‌اند و بر هر کوی و برزن با لباس‌های زننده که برآمدی جسمی آنها را نمایش می‌دهد، بر مرکبها بدون ضرورت در منظر عام بی‌باکانه جلوه گر می‌شوند)، لعنت خداوند باد. سلمان عرض کرد: چنین خواهد شد؟ فرمود: بلی، آن گاه، مساجد به زینت و تجمل آراسته شود چنان چه معابد غیر مسلمین زینت می‌شود، قرآن‌ها زینت و تجمل پیدا می‌کند، مناره‌ها (بیش از اندازه‌ها) بلند شود (به جای گرایش به تصفیه، تزکیه، ذکر و توجه به معنویت به زرق و برق دل‌خوش می‌شوند حتی به مساجد معمولی و ساده کم رغبت باشند)، صفوف (مسلمین) متراکم اما قلوب آنها از هم متنفر و گفتارها بسیار متفاوت و دور از هم باشند، مردان **امت من طلا، حریر و دیباچ می‌پوشند** (دنیا را برای خود بهشت فرض نمایند و راحت‌طلبی مطلق را پیشه کنند) و آن قدر مقید به پوشیدن لباس‌های لطیف هستند که اگر پوست پلنگ به دست آورند آن را به لطیف‌ترین صوت درآورده و متجملاًنه بپوشند و آن هنگام ریا به طور علنی و آشکار خواهد بود (یعنی در مقابل هر خدمتی،

طالب اسم و رسم و شهرت بوده و کسی آن را بد نمی‌شمارد).^۱

ارتباط آنها با بدگویی از دیگران، رشوه گرفتن و رشوه دادن است و دین در حاشیه زندگی آنان قرار می‌گیرد و دنیای خود را رفعت دهند و آن را مهم‌تر از دین بدانند. سلمان عرض کرد؛ چنین می‌شود یا رسول الله؟ فرمود: بله، سوگند به کسی که جانم در دست اوست؛ آن گاه طلاق فراوان باشد و حدّ الهی بر آنها که باید مورد حدّ و کیفر قرار گیرند اقامه نمی‌شود (آزادی در معصیت و گناه به وجود می‌آید و کسی جلو آنها را نمی‌گیرد)، در آن موقع همه جا صدای زنان آواز خوان به گوش می‌رسد و وسایل نوازندگی (تار و طنبور و ارگ و امثال این‌ها) علنی می‌شود، کمتر کسی پیدا می‌شود که به خاطر خدا از این معاصی دوری کند...^۲

اشرار امت من (و کسانی که عقیده و عمل آنها فاسد است) حاکم و رهبر آنها شود (زیرا لیاقت پاکان را ندارند، مصداق، الخبیثات للخبیثین).

اغنیاء (صاحبان قدرت و ثروت) برای نُزْهت (تفریح و تماشا و جهان دیدن) و متوسطین امت برای تجارت و سود مادی و فقیران برای ریا و چشم و هم چشمی و تعریف دیگران از آنها به حج (خانه خدا) می‌روند (کسانی که خالصانه و برای خدا به حج می‌روند، بسیار کم هستند). سلمان عرض کرد؛ واقعاً چنین است؟ فرمود: بلی، به خدایی که جانم در دست اوست. در آن هنگام گروه‌هایی هستند که دنبال فراگیری قرآن و تعلّم آن برای غیر خدا باشند (انگیزه آنها شهرت یا مقام یا ثروت و... است) و (عده‌ای) قرآن را همراه با وسایل ساز و آواز می‌خوانند و آن را به صورت غنا (و یا شبیه آهنگ‌های لهو و لعب تلاوت می‌کنند) و در این نوع تلاوت رقابت می‌گذارند تا این که به دنیای خود بهتر برسند، و گروه‌هایی برای غیر خداوند تفقه و تعلّم دین می‌نمایند (مثلاً برای کسب جاه یا به دست آوردن شغل و کار و یا برای مجادله با

۱. ممکن است کلمه ریا، ربا بوده است یعنی ربا و نزول خواری علنی شود.

۲. مؤمنی که حتی الامکان از این‌ها دوری کند کم است و خوشابه حال آن کم‌ها.

اَقْران^۱ فخر نمودن) و اولاد زنا زیاد گردد. سلمان عرض کرد؛ یا رسول الله چنین است؟ فرمود: بله. وقتی که محارم هتک شود (هر معصیت عادی شود) و ستمگران بر نیکان مسلط شوند^۲. و دروغگویی و لجبازی کردن با حق و حق طلبان و نابسامانی و فاقه زیاد گردد و (حتی) بالباس پوشیدن به هم فخر کنند و آن گاه باران در غیر موقع خود ببارد (ولی با وجود گرانی و مشکلات دیگر به خود نمی آیند) و نرد و شطرنج و ضرب نوازندگی و امثال آن را جایز و پسندیده دانند و امر به معروف و نهی از منکر را ناپسند شمرند، مؤمن در آن زمان نزد آنها بی ارزش از کنیز (مشرک) است. و عناد و لجاجت آنها (با حق و در واقع با خودشان) آشکار می گردد (گویا تکلیف آنها چنین است، پناه به خدا از این مسخ شدن فکر و روح که از مسخ شدن جسم خطرناکتر است) این ها در ملکوت آسمان ها (نزد فرشتگان) بسیار پلید و نجس خوانده می شوند. سلمان عرض کرد، یا رسول الله چنین می شود؟ فرمود: بله، واقعاً چنین است. به خداوندی که جانم در دست اوست. حضرت فرمود: در آن زمان غنی به فکر فقیر نیست و فقیر (آبرومند) بین دو جمعه کسی را نمی یابد که به او چیزی بدهد. (این علایم هنگامی رخ می دهد که صنعت بشر ترقی کرده باشد) و رو بیضه سخن می گوید. عرض شد، یا رسول الله رو بیضه چیست؟ فرمود: آن است که در امور اجتماعی مردم سخن گوید و مسایل بشر را بازگو کند^۳. زمان طولانی بر بشر نمی گذرد که زمین متزلزل می شود، هر صاحب قدرت احساس ضعف می کند گمان کنند که به زلزله و فرورفتن در زمین دچار می شوند. زمین درون و نهفته های خود را از طلا و نقره مانند این ستون ها بیرون می افکند و اشاره به ستون هایی نمود که نزد آن

۱. یعنی فراگیرنده علم دین برای خدا بسیار اندک باشد که اگر آن اندک ها نباشند مردم به هلاکت می رسند و عذاب آنها معجل می شود.

۲. از این عبارات معلوم می شود که نیکانی هم در میان همان جمع وجود دارند که رنج می برند.

۳. رو بیضه از ربض است یکی از معانی آن محل رو آوردن و مأوی گرفتن (دلخوش بودن) است احتمالاً وسائل خبری و سرگرم کننده همانند تلویزیونها و امثال اینها چنین خصوصیتی را دارند.

حضرت بود و آن زمان طلا و نقره برای کسی نفع نمی‌رساند.
پس این معنای قول خداوند تعالی است (فقد جاء اشراطها) که شرایط و علائم آن
زمان می‌آید.^۱

توضیح: تفسیر کلمه ساعت لحظة بپاشدن قیامت است.

رسول اکرم ﷺ فرمود: (آن زمان) علم و دانش رخت برمی‌بندد (منظور علم
ایمان و اخلاق و عقاید است)، خمر و مشروب الکلی نوشیده می‌شود (قبیحی ندارد)،
زنا علنی می‌شود، مردها کم می‌گردند، حتی آن که در میان پنجاه زن یک مرد وجود
دارد و (بسیاری از زنان سرگردان شوند) گاهی زنی از کنار مردها عبور می‌کند و مرد
دیگری بلند شده و دست به پشت کمر و پشت ران او می‌زند (این کار عادی باشد).^۲
بار خداوندا ما و جامعه ما را به خودمان وامگذار «رَبَّنَا لَا تَكِلْنَا إِلَىٰ انْفُسِنَا...»

۱. حدیث از علم الیقین فیض فصل علائم ظهور و شروط ساعة ص ۱۷۵ چاپ دارالطباعة سیدمرتضی.

۲. صحیح مسلم ج ۸ ص ۵۸، منتخب الاثر ص ۴۲۵ بلفظ دیگر.

فصل هجدهم

رجعت

و

بازگشت به خویشتن خویش

بازگشت به خویشتن

بیاییم خود را درک کنیم، رتبه خود را در آفرینش بدانیم، خود و دیگران را از فتنه‌ها رهایی بخشیم و اهل نجات و رهایی از فتنه‌ای آخر الزمان آنهایی هستند که دعای ولی عصر (عج) شامل حال آنها است و تأیید شده درگاه خداوند هستند. آنها عزم جدی بر ادای سه وظیفه مهم دارند:

۱- تصحیح اعتقاد؛

۲- تصحیح احکام و فروع،

۳- تصحیح اخلاق و زدودن خلیات فاسد از خود.

باید اعتقاد انسان بر مبنای خداشناسی، شناخت عظمت خداوند و ترجیح دوستی خدا بر سایر دوست داشتنی‌ها باشد.

دنیاپرست، مال اندوز، ریاست طلب و شهرت پرست نباشیم و همه این پرستش‌ها را فدای پرستش محبوب حقیقی نماییم. به صفات الهی همان گونه که سزاوار است معتقد بوده از عمق دل او را حکیم، علیم، سمیع، مهربان، عزیز و ذوانتقام و ... بدانیم و تسلیم امر و نهی او باشیم.

عاشقم بر مهر و بر قهرش به جد بوالعجب من عاشقم بر هر دو ضد
به همه انبیاء به خصوص حضرت محمد ﷺ که پیامبر خاتم است اعتقاد داشته و فرمان او و آل معصوم او را اطاعت نمائیم.

قیامت و آخرت را هدف بزرگ خود بدانیم و همیشه و همه حال محاسبات روز قیامت را در نظر داشته باشیم.

به انجام اعمال صحیح و جهت دار اعتقاد داشته باشیم و مطیع حق بوده و در بندگی خداوند کوشش کنیم.

اخلاق صحیح و حسنه را در خود تقویت و اخلاق فاسد را از خود دور کنیم. از

غرور، کبر، حسد، کینه و ... که موجب از بین رفتن اعمال نیک شده و انسان را به انحطاط می‌کشاند، دوری کنیم. از سیره پیشوایان پیروی کرده و همان گونه که معصومین فرموده‌اند: «اصول الکفر ثلاثة الحرص و الحسد و الاستکبار» (ریشه کفر، حسد و حرص و استکبار است) از این گونه خصلت‌ها دوری کنیم. باید بدانیم حرص موجب سقوط است و یکی از عوامل رشد ایمان عدم دلبستگی به ثروت است زیرا خداوند ثروت را امانت و برای انفاق خلق کرده است و انسان بخیل، بهشت نرود همچنین کسی که دچار حسد است باید بداند که، نعمت‌هایی که خداوند به او داده و به حق در اختیارش آنها قرار گرفته باید دایم به فکر تحصیل رضای خدا به واسطه آن نعمات باشد زیرا بهره‌ وافر در صورتی که شکرگزار نباشد، انسان را در آستانه خشم و عقوبت شدید الهی قرار می‌دهد. اما نعمت‌های معنوی که بعضی از افراد صاحب آن می‌شوند، براساس قابلیت است؛ مثل نبوت، امامت و یار رسیدن به مقام خلیفة‌اللهی که این نعمت‌ها از فضل الهی است. اگر کسی نتواند مقام‌های ذکر شده را بطور کامل کسب کند با انجام عمل صالح می‌تواند محبوب خدا گردد و درجات معنوی پیدا کند. بنابراین حسد پسندیده نبوده ولی غبطه نه تنها اشکالی ندارد بلکه پسندیده و موجب ترقی نیز می‌باشد.

اگر دچار استکبار هستیم باید به هویت خود توجه کنیم و باید به این نکته که ما هر چه باشیم ناچیز و ضعیف هستیم و ما محتاج خداوند بوده و باید مطیع و فرمانبردار و خاکسار درگاه حضرتش باشیم و بطور خلاصه هر صفتی که در آئین ما ممنوع است موجب سقوط و گرفتاری آخرت است و هر صفت ممدوح موجب رشد است باید شدیداً به آنها توجه کنیم.

در این عصر امام زمان را فراموش نکنیم

بعد از پیامبران الهی ولی امر و ولی نعمت ما ائمه هستند که بهترین ارمغان‌ها را

برای ما آوردند. پیامبران، امامان و پس از آنان علمای دین خدمتگزاران بی مانند جامعه بشریت هستند و نباید از هیچ کدام آنها غافل شویم. خداوند در این باره، لطف خود را عظیم شمرده و می فرماید: ما بر مؤمنان منت گزاردیم که رسولی را از میان خودشان برگزیدیم.^۱

امروز امام عصر (عج) محور اصلی معنویت و واسطه فیض الهی است. باید او را خشنود کنیم که در واقع خدا را خشنود کرده ایم؛ در راه اهداف حضرت که همان اسلام عزیز است از هیچ تلاشی دریغ نوزیم، دشمنان دین و منحرفین را یاری نکنیم، غیرت دینی خود را حفظ کنیم، ارادت خالصانه را به صاحب نعمت و واسطه فیض فراموش نکنیم.

آداب زنده نگه داشتن ارادت به حضرت

باید با حضرت ولی عصر (عج)، به هر طریق ممکن ارتباط برقرار کنیم؛ مثلاً شایسته است نمازی که از طرف آن حضرت برای خشنودی خداوند، دستور داده شده را اقامه کنیم تا از این طریق بتوانیم جزء بندگان صالح خداوند و یاران و علاقمندان به آن حضرت باشیم.

برای ظهور آن حضرت دعا کنیم و از خداوند منان رضایت آن حضرت را طلب کنیم. یکی از آداب زنده نگه داشتن ارتباط، یاد حضرت، و نماز است که ذیلاً اشاره می شود.

نماز مخصوص حضرت ولی عصر (عج)

نماز آن حضرت مانند نماز صبح دو رکعت است که به ترتیب زیر عمل می کنیم:

۱- نیت می کنیم (نماز وارد شده از حضرت ولی عصر (عج) را می خوانیم، قربة الی

۱. لقد من الله على المؤمنين إذ بعث فيهم رسولا من أنفسهم. آل عمران آیه ۱۶۴.

الله)؛

۲- سورة حمد را شروع می‌کنیم تا به جمله «ایاک نعبد و ایاک نستعین» رسیده، آن را یکصد مرتبه می‌گوییم؛

۳- بعد از آن بقیه نماز را خوانده و در سورة حمد رکعت دوم نیز مانند رکعت اولی، آن جمله را یکصد مرتبه تکرار می‌کنیم؛

۴- بعد از نماز برای فرج آن حضرت دعا کرده و می‌توان دعای فرج یا دعای «عظم البلاء» را خواند.

چه خوش است نماز و سلامی بعد از نماز

نماز حقیقت توحید است. نماز وصل به رحمت خدا، آن اقیانوس بی‌پایان است ولایت، تنزیل توحید است ولی نماز، بدون ولایت مفهوم ندارد. ولایت بدون نماز و بدون توحید اثربخش نیست. پس هر دو لازم و ملزوم و نردبان کمال می‌باشند. و اگر کسی نخواست نماز فوق الذکر را بخواند می‌تواند بشکرانه نعمت ولی عصر یک نماز دو رکعتی مثل نماز صبح یا چند نماز دو رکعتی بخواند یا روزه بگیرد یا انفاق کند یا حج نماید یا گهگاه سلام و درود فرستد.

به حادثه زیر توجه کنید:

مرحوم شیخ صدوق (اعلی الله مقاماً) از زبان یکی از اساتیدش نقل کرده که می‌گفت: دچار اندوه سختی شدم، شبی در خواب مرد خوش‌رو و خوش‌بویی را دیدم؛ با خود گفتم، این شیخی از مشایخ (استادی از اساتید دین) است، مشکل خود را برای او می‌گویم شاید گشایشی صورت گیرد، خواستم بگویم و هنوز چیزی نگفته بودم که فرمود:

در گرفتاری‌ات به خداوند متعال پناه ببر (همه چیز با خدا و به اذن خداوند است)

و از صاحب‌الزمان کمک بگیر، که بهترین یاور و پناه دوستان مؤمن می‌باشد».

دست راستم را گرفت و فرمود: او را زیارت کن و سلام بده و از او بخواه که پیش خداوند متعال در حاجتت واسطه شود. گفتم: چگونه زیارت کنم؟ فرمود: «لا حول و لا قوة الا بالله»^۱ (یعنی باید توجه داشت همه نیروها و کمک‌ها فقط به قوه و حول خدا برمی‌گردد) و به دست مبارک خود سینه‌مرا مسح کرد و فرمود: خداوند ترا کافی است، تطهیر کن (وضو، یا غسل) و دو رکعت نماز بجای آور در رکعت اول بعد از سوره الحمد سوره «أَنَا فَتَحْنَا...» و در رکعت دوم بعد از سوره «الحمد»، سوره «اذا جاء نصر الله والفتح» بخوان سپس رو به قبله زیر آسمان بایست و با تمام توجه بگو:^۲

سلام الله الكامل

سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلُ التَّامُّ الشَّامِلُ الْعَامُّ وَ صَلَوَاتُهُ الدَّائِمَةُ وَ بَرَكَاتُهُ الْقَائِمَةُ التَّامَّةُ عَلَى حِجَّةِ اللَّهِ وَ وَلِيِّهِ فِي أَرْضِهِ وَ بِلَادِهِ وَ خَلِيفَتِهِ عَلَى خَلْقِهِ وَ عِبَادِهِ وَ سُلَالَةِ النَّبُوَّةِ وَ بَقِيَّةِ الْعِثْرَةِ وَ الصَّفْوَةِ صَاحِبِ الزَّمَانِ وَ مُظْهِرِ الْإِيمَانِ وَ مُلَقِّنِ أَحْكَامِ الْقُرْآنِ وَ مُطَهِّرِ الْأَرْضِ وَ نَاشِرِ الْعَدْلِ فِي الطُّولِ وَ الْعَرْضِ وَ الْحُجَّةِ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ الْإِمَامِ الْمُنْتَظَرِ الْمَرْضِيِّ وَ ابْنِ الْأَئِمَّةِ الطَّاهِرِينَ الْوَصِيِّ بْنِ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ الْهَادِي الْمَعْصُومِ ابْنِ الْأَئِمَّةِ الْهُدَاةِ الْمَعْصُومِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُعَزَّ الْمُؤْمِنِينَ الْمُسْتَضْعَفِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُذِلَّ الْكَافِرِينَ الْمُتَكَبِّرِينَ الظَّالِمِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنِي الْأَئِمَّةِ الْحُجَجِ الْمَعْصُومِينَ وَ الْإِمَامِ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ سَلَامٌ مُخْلِصٍ لَكَ فِي الْوِلَايَةِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْمَهْدِيُّ قَوْلًا وَ فِعْلًا وَ أَنْتَ الَّذِي تَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا فَعَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَكَ وَ سَهَّلَ مَخْرَجَكَ وَ قَرَّبَ زَمَانَكَ وَ كَثَّرَ أَنْصَارَكَ وَ أَعْوَانَكَ وَ أَنْجَزَ لَكَ مَا وَعَدَكَ فَهُوَ أَصْدَقُ الْقَائِلِينَ، وَ

۱. از ائمه‌ای پرسیدند: معصیت خداوند آیا با خواست خداست یا نه؟ فرمود: با قودای است که خداوند به بشر داده اما به

خواست خدا نیست، یعنی درست است خداوند می‌تواند جلو معصیت را بگیرد اما می‌خواهد بشر را امتحان کند.

۲. دارالسلام ج ۲ ص ۱۵۲. حضرت بقیة الله ص ۴۹.

نُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ، يَا مَوْلَايَا
 يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ حَاجَتِي... (مقصد خود را در نظر بگیرد، بهتر است
 نجات و سعادت دیگران را نیز در نظر بگیرد)

فَاشْفَعْ لِي فِي مُجَاحِيهَا فَقَدْ تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحَاجَتِي لِعِلْمِي أَنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَفَاعَةً مَقْبُولَةً
 وَ مَقَاماً مَحْمُوداً فَبِحَقِّ مَنْ اخْتَصَّكَ بِأَمْرِهِ وَ ارْتَضَاكَ لِسِرِّهِ وَ بِالشَّانِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ
 بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُ سَلِّ اللَّهُ تَعَالَى فِي نُجْحِ طَلِبَتِي وَ إِجَابَةِ دَعْوَتِي وَ كَشْفِ كُرْبَتِي. حاجت را
 بگوید، از بهترین حاجت‌ها آن است که فرج اسلام و مسلمین و هدایت خلق را از
 خدا بخواهد.

توجه: به گونه ساده‌تر نیز می‌توانیم متوسل شویم، بدین صورت که گاهی دو
 رکعت نماز معمولی بخوانیم سپس با زبان خود عرض ارادت به حضرت نماییم.
 نکته: گاهی طبق مصلحت خداوند، دعا زود اجابت می‌گردد. ولی در بعضی مواقع
 این طور نبوده و به عللی تأخیر می‌افتد و بعد از سال‌ها همان حاجت یا بهتر از آن
 برآورده می‌شود. گاهی هم در دنیا اجابت نمی‌گردد و فقط اجر خواستن از خداوند
 نزد او محفوظ است و در درجات آخرت ما مؤثر است.

...اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي حَجَّتَكَ

زراره که از شاگردان ممتاز حضرت صادق عليه السلام است می‌گوید:
 از امام صادق عليه السلام شنیدم که فرمود: برای قیام‌کننده (ما) قبل از قیام، غیبتی است.
 عرض کردم به چه علت؟ فرمود: خوف دارد؛ سپس به خود اشاره نمود و فرمود: باید
 منتظر او باشند. خداوند شیعیان را در زمان غیبت امتحان می‌کند، در آن هنگام اهل
 باطل در حالت شک باقی می‌مانند.

زراره گفت: جانم فدای شما، اگر آن زمان را درک کردم چه عملی بجا آورم؟

فرمود: ای زراره، (اگر امثال تو آن زمان را درک کردید) این دعا را با توجه بخوانید:
 اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي نَفْسَكَ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي رَسُولَكَ
 فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ اللَّهُمَّ عَرَّفَنِي حُجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تُعَرِّفْنِي
 حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي...^۱

سپس فرمود: ای زراره در آستانه ظهور او، جوانی (پاک سرشت) در مدینه به قتل
 می‌رسد.

در روایت دیگری خواندن این دعا را سفارش فرمود: «یا الله یا رحمن یا رحیم یا
 مقلب القلوب ثبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ»^۲

یار من معشوق من ای ماه و ناهیدم بیا
 در جهان نزد رقیبان بر تو بالیدم بیا
 تا یکی در پشت ابر غیبتی مولای من
 یوسف کنعانیم ای عیش جاویدم بیا
 نوجوانان پیرو پیران خفته در بالین خاک
 بسادم عیسائیت ای نور امیدم بیا
 کفر کیشان بر حقایق خط باطل می‌کشند
 سوزش پروانه‌ها با چشم خود دیدم بیا
 ای که گفתי با رقیبان کم نشینم در جهان
 در میان آشنا بیگانه گردیدم بیا
 اندرون قلب ما را از ولا پرکرده ای
 جانک ناقابل را بر تو بخشیدم بیا

۱. کمال الدین ۲۴/۳۴۲ کافی ج ۱ ص ۲۷۲.

۲. کمال الدین ۵۰/۳۵۱.

فصل نوزدهم

متون عربی در علایم ظهور

در این فصل، منتخبی از متون عربی در علایم ظهور و رجعت و
قیامت برای اهل علم و ادب به اضافه خواهیم آورد؛

درباره حضرت ولی عصر (عج) و ظهور رجعت و قیامت

رَوَى الصَّدُوقُ رَهَ بِاسْنَادِهِ مِنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمِ الثَّقَفِيِّ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام يَقُولُ:
الْقَائِمُ مَنَا مَنْصُورٌ بِالرَّعْبِ مُؤَيَّدٌ بِالنَّصْرِ تَطْوَى لَهُ الْأَرْضُ وَ تَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ وَ يَبْلُغُ
سُلْطَانَهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ وَ يَظْهَرُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ.
فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا عَمِرَ وَ يَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ عليه السلام فَيُصَلِّيُ خَلْفَهُ.
قَالَ فَقُلْتُ يَا بَنَ رَسُولَ اللَّهِ مَتَى يَخْرُجُ قَائِمُكُمْ قَالَ إِذَا شَبَّهَ الرَّجَالُ بِالنِّسَاءِ وَ النِّسَاءُ
بِالرِّجَالِ وَ اكْتَفَى الرَّجَالُ بِالرِّجَالِ وَ النِّسَاءُ بِالنِّسَاءِ وَ يَرْكَبُ ذَوَاتُ الْفُرُوجِ السَّرُوحَ وَ
قُبِلَتْ شَهَادَةُ الزُّورِ وَ رُدَّتْ شَهَادَةُ الْعُدُولِ وَ اسْتَخَفَّ النَّاسُ بِالدِّمَاءِ وَ ارْتَكَبَ الزِّنَا وَ
أَكَلَ الرَّبَا وَ اتَّقَى الْأَشْرَارَ مَخَافَةَ السِّنْتِهِمْ وَ خُرُوجِ السُّفْيَانِيِّ مِنَ الشَّامِ وَ الْيَمَانِيِّ مِنَ الْيَمَنِ وَ
خَسَفُ الْبَيْدَاءِ وَ قَتْلُ غُلَامٍ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عليه السلام بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ إِسْمُهُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ
النَّفْسُ الزَّكِيَّةُ وَ جَاءَتْ صَيْحَةٌ مِنَ السَّمَاءِ بِأَنَّ الْحَقَّ فِيهِ وَ فِي شِيعَتِهِ فَعِنْدَ ذَلِكَ خُرُوجُ قَائِمِنَا
فَإِذَا أَخْرَجَ أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْكَعْبَةِ وَ اجْتَمَعَ إِلَيْهِ ثَلَاثُ مِائَةٍ وَ ثَلَاثَةٌ عَشْرَرٌ جُلَاءً فَأَوَّلُ مَا
يَنْطِقُ بِهِ هَذِهِ الْآيَةُ بَقِيَّةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ثُمَّ يَقُولُ أَنَا بَقِيَّةُ اللَّهِ وَ حُجَّتُهُ وَ خَلِيفَتُهُ
عَلَيْكُمْ فَلَا يُسَلِّمُ عَلَيْهِ مُسَلِّمٌ

إِلَّا قَالَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ فَإِذَا اجْتَمَعَ لَهُ الْعَقْدُ وَ هُوَ عَشْرَةُ الْأَفْرِ رَجُلٌ
خَرَجَ فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مَعْبُودٌ دُونَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ صَنَمٍ وَ وَثْنٍ وَ غَيْرِهِ إِلَّا وَقَعَتْ فِيهِ
نَارًا فَاحْتَرَقَ وَ ذَلِكَ بَعْدَ غَيْبَةٍ طَوِيلَةٍ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يُطِيعُهُ بِالْغَيْبِ وَ يُؤْمِنُ بِهِ.^۱

متن عربی از خطبه های امیر المؤمنین عليه السلام

عن نزال بن سیره قال خَطَبَنَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فَحَمَدَ اللَّهُ وَ اثْنَى عَلَيْهِ وَ صَلَّى عَلَى
مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ثُمَّ قَالَ سَلُونِي أَيُّهَا النَّاسُ قَبْلَ أَنْ تَفْقَدُونِي ثَلَاثًا فَقَامَ إِلَيْهِ صَعْصَعَةُ بْنُ صَوْحَانَ
فَقَالَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَتَى يَخْرُجُ الدَّجَالُ فَقَالَ لَهُ أَقْعَدَ فَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ كَلَامَكَ وَ عَلِمَ مَا أَرَدْتَ وَ

الله ما المسئول عنه بأعلم من السائل و لكن لذك علامات و هيئات تتبع بعضها بعضاً كحذو النعل بالنعل فإن شئت أنباتك بها قال نعم يا اميرالمؤمنين فقال ﷺ احفظ فإن علامة ذلك: ١

إذا أمت الناس الصلوة و اضاعوا الأمانة و استحلوا الكذب و اكلوا الربا و أخذوا الرشا و شيد و البنيان و باعوا الدين بالدنيا و استعملوا السفهاء و شاوروا النساء و قطعوا الارحام و اتبعوا الأهواء و استخفوا بالدماء و كان العلم ضعيفاً و الظلم فخرأ و كانت الأمراء فجرة و الوزراء ظلمة و العرفاء خونه و القراء فسقه و ظهرت شهادة الزور و استغلن الفجور و قول البهتان و الأثم و الطغيان و حليت المصاحف و زخرقت المساجد و طولت المنارات و أكرمت الأشرار و ازدحمت الصوف و اختلفت القلوب و نقضت العهود و اقترب الموعد و شارك النساء ازواجهن في التجارة خرصاعلى الدنيا و علت أصوات الزناديق و استمع منهم و كان زعيم القوم أزدتهم و اتقى الفاجر مخافة شره و صدق الكاذب و اثمن الخائن.

و اتخذت القينات و المعازف^٢ و لعن اخر هذه الأمة أولها و ركب ذوات الفروج الشروج و تشبه النساء بالرجال و الرجال بالنساء و شهد الشاهد من غير أن يستشهد و شهد الاخر قضاء للذمام بغير معرفة و تفقه لغير الدين و آثر و اعمل الدنيا على الاخرة و لبسوا جلود الضان على قلوب الذئاب و قلوبهم آتت من الجيف و أمر من الصبر فعند ذلك ألوحا ألوحا العجل العجل خير المساكين يؤمئذ بيت المقدس ليأتين على الناس زمان يتمنى أحدهم أنه من سكانه.

فقال اليه الاصبغ بن نباته فقال يا اميرالمؤمنين من الدجال فقال ﷺ إلا ان الدجال صايد بن الصيد، فالشقي من صدقه و السعيد من كذبه، يخرج من بلدة يقال لها إصبهان من قرية تعرف باليهودية عينه اليمنى ممسوحة...

١. ورد نظير هذه الخطبة في خطبات اميرالمؤمنين.

٢. ادوات الموسيقى و الاوتار و امثالها.

... في قحطٍ شديد... يقول انا الذي خَلَقَ فَسَوَّى و قَدَّرَ فَهَدَى و كَذَبَ عِدْوَالله، انه
 اَعْوَرَ يُطْعِمُ الطَّعَامَ و يَمْشِي في الاسواق و اَنَّ رَبَّكُمْ لَيْسَ بِاَعْوَرَ و لَا يُطْعَمُ و لَا يَمْشِي و لَا
 يزول تعالى اله عن ذلك عُلُوًّا كَبِيرًا الا و انَّ اَكْثَرَ اتِّبَاعِهِ يَوْمَئِذٍ اَوْلَادُ الزَّانَا و اصْحَابُ
 الطِّيَالِسَةِ الخضر يَقْتُلُهُ اللهُ عزوجلّ بالشَّامِ على عَقَبَةٍ تُعْرَفُ بِعَقَبَةِ اُفُقٍ لَثَلْثِ سَاعَاتٍ مِنْ
 يَوْمِ الْجُمُعَةِ على يَدِ مَنْ يُصَلِّي الْمَسِيحَ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ خَلْفَهُ.

قال النزال: فقلتُ بَضَعَصَعَهُ مَا عَنَى اميرالمؤمنين عليه السلام بهذا القول فقال صعصعه، انَّ
 الَّذِي يُصَلِّي خَلْفَهُ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ هُوَ الثَّانِي عَشَرَ مِنَ الْعَتَرَةِ، التَّاسِعَ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ وَ هُوَ
 الشَّمْسُ الطَّالِعَةُ مِنْ مَغْرِبِهَا.

قال الله عزوجلّ في عيسى «و اِنَّ مِنْ اهلِ الْكِتَابِ الْاَلْيَوْمَانِ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ» و لم يؤمن
 به بعد نزول هذه الآية الى يومنا هذا اَحَدًا و لا بَدَّ مِنْ اَنْ يَكُونَ فِي آخِرِ الزَّمَانِ كَمَا وَرَدَ بِهِ
 النِّصُّ فِي اَخْبَارٍ كَثِيرَةٍ

روى مسلم في صحيحة عن النّوَّاسِ مِنْ سَمْعَانَ فِي حَدِيثٍ طَوِيلٍ فِي قِصَّةِ الدَّجَالِ قَالَ:
 فَيَنْزِلُ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ عِنْدَ الْمَنَارَةِ الْبَيْضَاءِ بِشَرْقِيِّ دِمَشْقٍ بَيْنَ مَهْرٍ وَ دَتِينَ وَاضِعًا كَفَّيْهِ عَلَيَّ
 اَجْنَحَةَ مَلَكَيْنِ.

و في حديث آخر: كيف انتم اذا نزل ابن مريم فيكم و امامكم منكم.
 و عن ابن عباس عن النبي ص. قال تُهْلِكُ أُمَّةٌ أَنَا فِي أَوْلَاهَا وَ عِيسَى فِي آخِرِهَا^١ وَ
 الْمَهْدَى فِي وَسْطِهَا^٢

على بن ابراهيم في تفسير باسناد عن شهر بن خوشب:
 قال قال لي الحجاج يا شهر آية من كتاب الله قد أعيتني فقلتُ ايها الامير: آية آية هي
 فقال قوله: (و اِنَّ مِنْ اهلِ الْكِتَابِ الْاَلْيَوْمَانِ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ) و الله اني لا امر باليهودي و
 النَّصْرَانِي فَيُضْرَبُ عُنُقُهُ ثُمَّ اَرْمَقُهُ فَمَارَاهُ يُحْرَكُ شَفِيَّتِيهِ حَتَّى يُخْمَدُ فَقُلْتُ اصْلِحَ اللهُ الْاَمِيرَ

١. اي آخرها النَّسَبِي و يحتمل ان يكون آخرها مطلقاً اي بمتدّد عمره في طول الرجعه.

٢. علم اليقين و عين اليقين ص ١٨٠.

ليس على ما ناولت قال كيف هو قلت ان عيسى عليه السلام ينزل قبل القيمة إلى الدنيا فلا يبقى اهل ملّة يهودى و لا غيره إلا آمن به قبل موته و يُصلى خلف المهدي عليه السلام قال و يحك انى لك هذا و من اين جئت به فقلت حدّثنى به محمد بن على الحسين بن على بن ابيطالب صلوات الله و سلامه عليه فقال جئت و الله بهامن عين صافية.^١

عن مسلم فى صحيحة عن ابي سعيد الحذرى قال حدّثنا رسول الله حديثنا طويلاً عن الدجال فكان فيما حدّثنا قال يأتى و هو محرّم عليه أن يدخل نقاب المدينة فينتهى الى بعض السباخ الذى يلى المدينة فيخرج اليه يومئذ رجل هو خير الناس او من خير الناس فيقول له اشهد انك الدجال الذى حدّثنا رسول الله حديثه فيقول حين بحبيبه و الله ما كنت فيك قطّ اشدّ بصيرةً منى الآن قال فريد الدجال ان يقتله فلا يُسلط عليه.^٢

متن عربى حديث در علت غيبت

عن زراه قال سمعت ابا جعفر عليه السلام يقول انّ للقائم غيبة قبل ان يقوم، قال قلت و لم قال يخاف و اومى بيده الى بطنه. «و فى لفظ آخر يخاف على نفسه الذبح» توضيح لمؤلف: انّ الامام عليه السلام لا يخاف من القتل فى سبيل الله و لكن يخاف من أن يكون قتله قليل الثمره للاسلام و المسلمين و يرضى بما رضى له من الله و هو القيام بعد فساد الارض...

عبد الله بن فضل قال سمعت الصادق عليه السلام يقول انّ لصاحب هذا لامر غيبة لا بدّ منها يرتاب فيها كلّ مبطل فقلت له و لم جعلت فداك قال لامر لا يؤذن لنا فى كشفه لكم قلت فما وجه الحكمة فى غيبته قال وجه الحكمة فى غيبات من تقدّم من حجج الله تعالى... وجه الحكم فى ذلك، لا ينكشف إلا بعد ظهوره كما لا ينكشف وجه الحكمة فيما اتاه الخضر عليه السلام من غرق السفينه و قتل الغلام و اقامة الجدار عليه السلام الا وقت افتراقهما....

عن ابراهيم قال قلت لابي عبد الله عليه السلام «او قال له رجل» اصلحك الله الم يكن على

١. علم اليقين و عين اليقين فيض ص ١٨٠ چاپ قديم.

٢. علم اليقين و عين اليقين فيض ص ١٨٠.

قویاً فی دین الله قال بلی قال و کیف ظهر علیه القوم و کیف لم يدفعهم و ما منعه من ذلك قال: آیه من کتاب الله عزوجل مَنَعْتَهُ قَالَ قُلْتُ وَ أَى آیه قال قوله عزوجل لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَاباً أَلِيماً. و انه كان لله عزوجل ودايع مؤمنون فی اصلاب قوم کافرين و منافقين و لم یکن ﷺ لیقتل الاباء حتى تخرج الودایع فلما خرج الودایع ظهر علی من ظهر فقاتله و کذاک قائمنا اهل البيت

متن در نشان ظهور

عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله - أَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ رَكَّبَ فِي صُلْبِ الْحَسَنِ ﷺ يَعْنِي الْعَسْكَرِيَّ ﷺ نُطْفَةً مَبَارَكَةً زَكِيَّةً نَامِيَةً طَيِّبَةً طَاهِرَةً مُطَهَّرَةً يَرْضَى بِهَا كُلُّ مُؤْمِنٍ اخذ الله ميثاقه في الولاية و يكفر بها كل جاحد فهو امام نقي بار مرضى هاد مهدي اول العدل و آخره يُصَدِّقُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَ يُصَدِّقُهُ اللَّهُ فِي قَوْلِهِ، يَخْرُجُ مِنْ تَهَامِهِ حِينَ تَظْهَرُ الدَّلَالَاتُ وَ الْعَلَامَاتُ وَ لَهُ بِالطَّالِقَانِ كَنُوزٌ لَا ذَهَبُ وَ لَا فِضَّةٌ إِلَّا خَيُْولٌ مَطْهَمَةٌ وَ رِجَالٌ مُسَوِّمَةٌ يَجْمَعُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مِنْ أَقْصَى الْبُلْدَانِ عَلَى عَدَدِ أَهْلِ بَدْرِ ثَلَاثَةَ ثَلَاثَةِ عَشَرَ رَجُلًا مَعَهُ صَحِيفَةٌ مَخْتُومَةٌ فِيهَا عَدَدُ أَصْحَابِهِ بِأَسْمَائِهِمْ وَ أَنْسَابِهِمْ وَ بُلْدَانِهِمْ وَ صَنَائِعِهِمْ وَ حُلَاهِمُ وَ كُنَاهِمُ، كَرَّارُونَ مُجَدِّونَ فِي طَاعَتِهِ.

فَقَالَ لَهُ (أَيُّ) وَ مَا دَلَائِلُهُ وَ عِلَامَاتُهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ لَهُ: إِذَا حَانَ وَقْتُ خُرُوجِهِ انْتَشَرَ ذَلِكَ الْعِلْمُ مِنْ نَفْسِهِ وَ انْطَقَهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى فَنَادَاهُ الْعَلَمُ أَخْرِجْ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَ أَقْتُلْ أَعْدَاءَ اللَّهِ وَ هُمَا آيَاتَانِ وَ عِلَامَتَانِ وَ لَهُ سَيْفٌ مَغْمَدٌ فَذَا حَانَ وَقْتُ خُرُوجِهِ اقْتُلْ ذَلِكَ السَّيْفُ وَ يَقِيمُ حُدُودَ اللَّهِ وَ يَحْكُمُ بِحُكْمِ اللَّهِ تَعَالَى يَخْرُجُ جَبْرَائِيلُ عَنْ يَمِينِهِ وَ مِيكَائِيلُ عَنْ يَسَارِهِ^۱ وَ شَعِيبُ بْنُ صَالِحٍ عَلَى مَقْدَمِهِ سَوْفَ تَذَكَّرُونَ مَا أَقُولُ لَكُمْ وَ افْوِضْ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ لَوْ بَعْدَ حِينٍ... طُوبَى لِمَنْ لَقِيَ وَ طُوبَى لِمَنْ أَحَبَّهُ وَ طُوبَى لِمَنْ قَالَ بِهِ يَنْجِيهِمْ وَ اللَّهُ مِنْ أَهْلِ الْهَلَاكِهَ بِالْأَقْرَابِ بِهِ وَ بِرَسُولِ اللَّهِ وَ يَجْمَعُ الْإِثْمَ يَفْتَحُ لَهُمُ الْجَنَّةَ مِثْلَهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمِثْلِ

۱. جبرئیل و میکائیل با حضرت هستند اما مردم آنها را نمی بینند.

المسك يَسْطَعُ رِيحَهُ فَلَا يَتَغَيَّرُ أَبَدًا وَ مِثْلُهُمْ فِي السَّمَاءِ كَمِثْلِ الْقَمَرِ الْمُنِيرِ الَّذِي لَا يُطْفِئُ نُورَهُ أَبَدًا قَالَ أَبِي: كَيْفَ بَيَانُ حَالِ هَؤُلَاءِ الْأَئِمَّةِ عَنِ اللَّهِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَنْزَلَ عَلَيَّ إِثْنَا عَشَرَ خَاتَمًا وَ إِثْنَا عَشَرَ صَحِيفَةً اسْمُ كُلِّ إِمَامٍ عَلَى خَاتَمِهِ وَ صِفَتُهُ فِي صَحِيفَتِهِ.
و عَنْ الْبَاقِرِ (ع) فِي (تَاوِيلِ) إِنَّ نَشَأَ تُنَزَّلُ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ.^١

سيفعل الله ذلك بهم: رُكُودُ الشَّمْسِ مِنَ الزَّوَالِ إِلَى وَقْتِ الْعَصْرِ حَتَّى يَلَا خَطَّ النَّاسِ ذَلِكَ وَ ظُهُورَ رَجُلٍ وَ وَجْهٍ فِي عَيْنِ الشَّمْسِ (أَي مِنَ الْمَشْرِقِ)... وَ ذَلِكَ فِي زَمَانِ السَّفِيَانِيِّ وَ عِنْدَهَا يَكُونُ بَوَارُهُ وَ بَوَارُ قَوْمِهِ.^٢

و عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ فِي تَاوِيلِهَا:
هَذِهِ نَزَلَتْ فِينَا وَ فِي بَنِي أُمِّيهِ يَكُونُ لَنَا عَلَيْهِمْ دَوْلَةٌ فَتَذَلُّ أَعْنَاقَهُمْ لَنَا بَعْدَ صَعُوبَةِ رَهْوَانٍ بَعْدَ عَزِّ^٣

(و فِي رَوَايَةِ أُخْرَى) عَنِ الصَّادِقِ يَظْهَرُ كَفُّ مِنَ السَّمَاءِ تُشِيرُ هَذَا، هَذَا^٤
مُحَمَّدُ بْنُ عَثْمَانَ الْعَمْرِيُّ (رَضِيَ) قَالَ سَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ سَأَلَ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَنَا عِنْدَهُ عَنِ الْخَبْرِ الَّذِي رُوِيَ عَنْ آبَائِهِ أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُوْا مِنْ حُجَّةِ اللَّهِ عَلَيَّ خَلَقَهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ إِنَّ مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً فَقَالَ (ع) إِنَّ هَذَا حَقٌّ كَمَا أَنَّ النَّهَارَ حَقٌّ فَقِيلَ لَهُ يَا بَنِي رَسُولِ اللَّهِ فَمَنْ الْحُجَّةُ وَ الْإِمَامُ بَعْدَكَ فَقَالَ (ع) ابْنِي م. ح. م. د وَ هُوَ الْإِمَامُ وَ الْحُجَّةُ بَعْدِي مَنْ مَاتَ وَ لَمْ يَعْرِفْهُ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً أَمَا أَنْ لَهُ غَيْبَةً يُحَارُ فِيهَا الْجَاهِلُونَ وَ يُهْلِكُ فِيهَا الْمَبْطُلُونَ وَ يُكْذَبُ فِيهَا الْوَقَاتُونَ، ثُمَّ يُخْرَجُ فَكَأَنِّي أَنْظُرُ إِلَى الْأَعْلَامِ الْبَيْضِ يَخْتَقِقُ فَوْقَ رَأْسِهِ بِنَجْفِ الْكُوفَةِ.

قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَا مَنْصُورُ إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَأْتِيكُمْ إِلَّا بَعْدَ يَأْسٍ وَ لَا وَاللَّهِ لَا يَأْتِيكُمْ

١. سورة شعراء آية ٤.

٢. بحار ج ٥٢ ص ٢٤٢.

٣. بحار ج ٥٣ ص ١٠٩، الزام الناصب ص ٢٣٨.

٤. يوم الخلاص بحث خوارق.

حَتَّى يَتَمَيَّزُوا وَ لَا وَاللَّهِ لَا يَأْتِيكُمْ حَتَّى تَمَحَّصُوا وَ لَا وَاللَّهِ لَا يَأْتِيكُمْ حَتَّى شَقِيَ مَنْ شَقِيَ وَ
 سَعِدَ مَنْ سَعِدَ عَنْ مَفْضَلٍ مِنْ عَمْرِ وَ الْجَعْفِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ سَمِعْتُ يَقُولُ: أَيَاكُمْ وَ
 التَّوْبِيهِ أَمَا وَاللَّهِ لِيُغَيِّبَنَّ أَمَامَكُمْ شَيْئاً مِنْ دَهْرِكُمْ وَ لِيُحِصِنَنَّ حَتَّى يَقَالَ مَاتَ أَوْ هَلَكَ وَ بَائٍ
 وَادٍ سَلَكَ وَ لَقَدْ مَعَنَ عَلَيْهِ عَيُونُ الْمُؤْمِنِينَ وَ لِيَكْفُونَ كَمَا تَكْفِي السُّفُنُ فِي أَمْوَاجِ الْبَحْرِ وَ
 لَا يَنْجُوا إِلَّا مَنْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَهُ وَ كَتَبَ فِي قَلْبِهِ الْإِيمَانَ وَ أَيَّدَهُ بِرُوحٍ مِنْهُ وَ لِيَرْقَعَنَّ اثْنَيْ عَشَرَ
 رَايَةً مُتَشَبِّهَةً لَا يَدْرِي أَيُّ مَنْ أَيٌّ قَالَ فَبِكَيْتُ قَالَ مَا يَبْكِيكَ يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ فَقُلْتُ وَ كَيْفَ لَا
 أَبْكِي وَ أَنْتَ تَقُولُ تَرْفَعُ لَهُ اثْنَيْ عَشَرَ رَايَةً مُتَشَبِّهَةً لَا يَدْرِي أَيُّ مَنْ أَيٌّ فَكَيْفَ يَصْنَعُ قَالَ
 فَنَظَرَ إِلَى شَمْسٍ دَاخِلٍ فِي الصَّفَةِ فَقَالَ يَا أبا عَبْدِ اللَّهِ تَدْرِي هَذِهِ الشَّمْسُ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ وَ اللَّهُ
 لَا مَرْنَا ابْنَ مِنْ هَذِهِ الشَّمْسِ.^۱

عن سدير الصير في قال دخلتُ انا و المفضل بن عمرو ابوبصير و ابان بن تغلب على
 مولانا ابي عبدالله عليه السلام فرايناه جالسا على التراب و عليه مسح خيبرى مطوق بلا
 جيب مقصر الكمين و هو يبكي بكاء الوالد الثكلي ذات الكبد الحرى قد نال الحزن من و
 جنتيه و شاع التغير في عارضيه و املى الدموع محجريه و هو يقول سيدي غيبتك نفت
 رقادى و ضيقت على مهادى و اتيسرت منى راحة فوادى، سيدي غيبتك اوصلت
 مصابي بفجايح الامل و فقدت الواحد بعد الواحد يعنى الجمع و العدد فما احسن بدمعة ترقى
 من عيني و انين يفتقر عن صدرى عن روارج الرزايا و سوائف البلايا...

.... قال سدير فاستطارت عقولنا و لها و تصدعت قلوبنا جزعاً... و ظننا انه اسمعت
 لمكروهة قارعة او حلت به من الدهر بايقة فلنا لا ابكى الله يا خير الورى عينيك، من آية
 حادثة تستندف دمعتك و تستمطر عبرتك و آية حالة حتمت عليك هذه المآثم قال فزفر
 الصادق عليه السلام زفرة انتفح منها جوفه و اشتد عنها خوفه و قال ويلكم نظرت في
 كتاب الجفر^۲ صبيحة هذا اليوم و هو الكتاب المشتمل على علم المنايا و البلايا و علم ما

۱. علم اليقين للفيض رحمة الله عليه.

۲. ممكن است از فرشته الهام مى گرفتند و ضمناً بر كتاب مخصوص نگاه مى كردند و بعد از آن به مردم مى گفتند كه
 مطالب را در كتاب جفر ديدم كه مردم درباره آنها غلو نكنند و آنها را بنده خاص خدا و برگزيده او بدانند نه آن كه در حد

كان و ما يكون الى يوم القيمة، الذي خص الله به محمداً و الائمه من بعده و تأملت فيه مولد غايينا و غيبته و ابطاءه و طول عمره و بلوى المؤمنين في ذلك الزمان و تولد الشكوك في قلوبهم من طول غيبته و ارتداد اكثرهم عن دينهم و خلعتهم ربقة الاسلام من اعناقهم التي قال الله تقديس ذكره و كل انسان الزمان طائرته في عنقه يعني الولاية فأخذتني الرقة و استولت على الاحزان، فقلنا يا بن رسول الله:

كرمنا و فضلنا با شراكك ايانا في بعض ما انت تعلمه من علم ذلك، قال عليه السلام ان الله تبارك و تعالى، ادار في القائم منا ثلاثة اذار، لثلاثة من الرسل، قدر مولده مولد موسى عليه السلام و قدر غيبته غيبة عيسى عليه السلام و قدر ابطائه ابطاء نوح و جعل من بعد ذلك عمر العبد الصالح اعني الحضرة عليه السلام دليلاً على عمره فقلنا اكشف لنا يا بن رسول الله عن وجوه هذه المعاني قال عليه السلام اما مولد موسى لما وقف فرعون ان زوال ملكه على يده امر باحضار الكهنة فدلوه على نسبه و انه يكون من بني اسرائيل حتى قتل نيفاً و عشرين الف مولود و تعذر عليه الوصول الى قتل موسى لحفظ الله تعالى اياه و كذلك بنو امية و بنو العباس... في قتل آل الرسول و اباد نسله طمعاً منهم في الوصول الى قتل القائم و يابي الله عزوجل ان ينكشف امره لواحد من الظلمه الا ان يتم نوره و لوكره المشركون و اما غيبة عيسى فان اليهود و النصارى اتفقت على انه قتل فكذبهم الله جل ذكره بقوله و ما قتلوه و ما صلّبوه ولكن شبه لهم كذلك غيبة القائم عليه السلام فان الأمة ستنكره لطولها فمن قائل يهذي بانه لم يلد و قائل يقول انه ولد و مات و قائل يكفر بان حادي عشر كان عقيماً و قائل يمرق بقوله انه يتعدى الى ثلث عشر و ماعدا و قائل يعصى الله عزوجل ان روح القائم عليه السلام تنطق في هيكل غيره،

و اما ابطاء نوح عليه السلام فانه لما استنزل العقوبه على قومه... بعث الله تبارك و تعالى جبرئيل الروح الامين مع سبع نوايات فقال يا نبي الله ان الله تبارك و تعالى يقول لك ان هؤلاء خلائق و عبادي لست ابدىهم بصاعقه من صواعق الا بعد تأكيد الدعوة و

الزام الحجة فعاود إجتهادك في الدعوة لقومك فاني يُثيب عليه و أغرس هذا النوى فان لك في نباتها و بلوغها و ادراكها إذا أثمرت الفرج و الخلاص فبشر بذلك من أتبعك من المؤمنين فلما نبتت الاشجار و بارزت و تسوقت و غصبت و اثمرت و زهى الثمر عليها بعد زمان طويل استتجز من الله العده فامر الله تبارك تعالى ان يغرس من نوى الاشجار و يُعاود الصبر و الاجتهاد و يؤكد الحجة على قومه و اخبر بذلك الطوائف التي انبتت به فارتد منهم ثلاثة مائة رجل و قالوا لو كان ما يدعيه نوح حق لما وقع في وعد ربه خلف... الى أن غرسها سبع مرات فما زالت تلك الطوائف من المؤمنين يرتد منهم طائفه بعد طائفه... (قال) فاصنع الفلك باعيننا و وحيننا... قال الصادق عليه السلام و كذلك القائم فانه يمتد أيام غيبة ليصرح الحق من محضة و ليصفوا الايمان من الكدر بارتداد كل من كانت له طينة خبيثه من الشيعة الذين يخشى عليهم النفاق اذا حسوا بالاستخلاف و التمكين و الامر المنتشر في عهد القائم... قال المفضل فقلت يا بن رسول الله فان النواصب تزعم ان هذه الايه نزلت في (ابى قحافه و عمر و عثمان و على ع) فقال لا يهد الله قلوب الناصبه متى كان الدين الذي ارتضاه الله و رسوله^١ متمكنا بانتشار الامر و ذهاب الخوف من قلوبها و ارتفاع الشك من صدورها في عهد واحد من هؤلاء و في عهد على عليه السلام مع ارتداد المسلمين و الفتن... ثم تلى الصادق ع «حتى اذا ستياس الرسل فظنوا انهم قد كذبوا جائهم نصرنا» و اما العبد الصالح أعنى الخضر ع. فان الله تبارك و تعالى ما طول عمره لنبوته قدرها له و لا كتاب نزله عليه و لا شريعة نزلها عليه و لا لشريعة ينسخ بها شريعة من كان قبله من الانبياء و لا لإمامة يلزم عباده الاقتداء بها و لا لطاعة يفرضها له بلى ان الله تبارك و تعالى لما كان في سابق علمه ان يقدر من عمر القائم في ايام غيبته ما قدره و علم ما يكون من انكار عباده بمقدار ذلك العمر في الطول طول عمر العبد الصالح من غير سبب اوجب ذلك الا لعل الاستدلال على عمر القائم ع ليقطع بذلك حجة

١. مصداق آيه وعد الله الذين امنوا منكم و عملوا الصالحات ليستخلفهم في الارض كما استخلف الذين من قبلهم و

ليمكن لهم دينهم الذي ارتضاهم و ليبدلنهم من بعد خوفهم امنا يعبدوننى لا يشركون بى شيئا.

المعاندین^۱.

قال ابو عبدالله ع انّ في صاحب هذا الامر سنن من الانبياء سنة من موسى بن عمران و سنة من عيسى و سنة من يوسف و سنة من محمد فاما سنة من موسى بن عمران فخائف يترقب و اما سنة من عيسى فيقال فيه ما قيل في عيسى عليه السلام و اما سنة من يوسف فالتستر يجعل الله بينه و بين الخلق حجاباً يرونه و لا يعرفونه و اما سنة من محمد ص فهتدى بهداه و يسير بسيرته ... و في رواية أخرى من ايوب فالفرج بعد البلوى و اما من محمد فالخروج بالسيف.

عن ابي عبدالله عليه السلام قال صاحب هذا الامر تغيب ولادته عن هذا الخلق لئلا تكون لاحد في عنقه بيعة اذا خرج و يصلح الله عزوجل امره في ليلة.

عن مولانا الرضا عليه السلام ... كاني بالشيعة عند فقدهم الرابع من ولدي يطلبون المرعى لا يجدونه قلت له و لم ذلك يا بن رسول الله قال لان امامهم يغيب عنهم فقلت و لم، قال لئلا يكون في عنقه لاحد بيعة اذا قام بالسيف.^۲

قطعاتی از ادعیه (سخن عشق در ادعیه)

در پایان قطعاتی از ادعیه که با حضرت ولی عصر عطر ارتباط دارد و زمزمه آنها عشق و ارتباط را محکم تر می سازد را از میان چندین دعا انتخاب و شمارا به خواندن آنها سفارش می کنیم. امید است یاد این واسطه قوی بین خدا و خلق فراموش نشود.

۱- اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم.

۲- آخرین جمله در دعای الهی عظم البلاء:

یا مولای یا صاحب الزمان یا مولای یا صاحب الزمان یا مولای یا صاحب الزمان

أَلْعُوْثُ الْعُوْثُ الْعُوْثُ أَدْرِكْنِيْ أَدْرِكْنِيْ أَدْرِكْنِيْ (الآمان الآمان الآمان)

۱. علم اليقين فيض ص ۱۷۸-۱۷۹.

۲. علم اليقين فيض، ص ۱۷۹.

می توان به صورت دیگر نیز بیان کرد: چنان چه «کفعمی در بلدالامین نقل کرده است:»

یا مولانا یا صاحب الزمان الغوث الغوث الغوث ادركنا ادركنا ادركنا الساعة الساعة الساعة، العجل العجل العجل یا ارحم الراحمین بحق محمد و اله الطاهرین.

در اعمال روز جمعه وارد شد که:

اللهم وَ صَلِّ عَلَيَّ وَ لِيكَ الْمُحِبِّي سُبَّتَكَ الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ الدَّاعِيَ إِلَيْكَ الدَّلِيلَ عَلَيْكَ...
اللَّهُمَّ أَعِزَّنَا نَصْرَهُ وَ مَدَّنَا فِي عُمُرِهِ وَ زَيَّنَّا الْأَرْضَ بِطَوْلِ بَقَائِهِ

چند جمله از دعایی که در اعمال روز جمعه وارد شده به شرح ذیل است:

... اللَّهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ شَيْعَتِهِ وَ رَعِيَّتِهِ وَ خَاصَّتِهِ وَ عَامَّتِهِ وَ عَدُوَّهُ وَ جَمِيعِ
أَهْلِ الدُّنْيَا مَا تُقْرِبُهُ عَيْنُهُ وَ تَسُرُّهُ بِهِ نَفْسُهُ وَ بَلَّغُهُ أَفْضَلَ مَا أَمَّلَهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ إِنَّكَ
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ...

چند جمله از زیارتی که روز جمعه وارد شده بدین شرح است:

السلام عليك يا حجة الله في أرضه السلام عليك يا عين الله في خلقه... يا مولاي يا
صاحب الزمان صلوات الله عليك و على آل بيتك

این قسمت را در روز جمعه بخوانید: هذا يوم الجمعة و هو يومك المتوقع فيه
ظهورك و الفرج فيه للمؤمنين على يدك و قتل الكافرين بسيفك و أنا يا مولاي فيه
ضيقتك و جارئك و انت يا مولاي كريم من أولاد الكرام و مأمور بالضيافة و الاجارة
فأضفني^۱ و أجرني صلوات الله عليك و على أهل بيتك الطاهرين.

در دعای توّسل می خوانیم:

يا وصي الحسن و الخلف الحجة أيها القائم المنتظر المهدي يا بن رسول الله يا حجة الله

۱. نمی دانم که این دعا از طرف معصوم رسیده یا خیر. اگر از طرف معصوم باشد جمله مأمور بالضيافة باید توجیه شود و احتمال هست که از طرف غیر معصوم باشد زیرا امام چنان مأموریتی ندارد که بنده ناقابل را و هرکس غیر قابل را ضیافت نماید. زیرا ضیافت اهلیت می خواهد.

عَلَى خَلْقِهِ يَا سَيِّدَنَا وَ مَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَ اسْتَشْفَعْنَا وَ تَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ وَ قَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ إِشْفَعُ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ.

دعایی که سید بن طاووس از حضرت زین العابدین علیه السلام نقل کرده چنین است: وَ عَجَّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ انصُرْ شِيعَةَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارزُقْنِي رُؤْيَةَ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اجْعَلْنِي مِّنْ اتْبَاعِهِ وَ اشْيَاعِهِ وَ الرَّاظِينَ بِفِعْلِهِ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

در اعمال شب نیمه شعبان آمده است:

وَ اللَّهُ نَاصِرُهُ وَ مُؤَيَّدُهُ إِذَا ان مِيعَادُهُ وَ الْمَلَائِكَةُ أَمْدَادُهُ...اللَّهُمَّ وَ أَدْرِكْ بِنَا أَيَّامَهُ وَ ظُهُورَهُ وَ قِيَامَهُ وَ اجْعَلْنَا مِنْ أَنْصَارِهِ وَ اقْرِن ثَارَنَا بِثَارِهِ.

و در دعای افتتاح نیز چنین آمده است:

اللَّهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى وَ لِيِّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ وَ الْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ وَ حَقِّهِ بِمَلَائِكَتِكَ الْمُقْرَبِينَ وَ أَيَّدُهُ بِرُوحِ الْقُدْسِ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ الدَّاعِيَ إِلَى كِتَابِكَ وَ الْقَائِمِ بِدِينِكَ ...
اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعَزِّبُنَا بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَ أَهْلَهُ وَ تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدَّاعِيَةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَ الْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ ...

در اعمال روز «دحو الارض» هم آمده که:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَ عَلَى جَمِيعِ آبَائِهِ وَ اجْعَلْنَا مِنْ صَحْبِهِ وَ أُسْرَتِهِ وَ ابْعَثْنَا فِي كَرَّتِهِ ...
در زیارت عاشورا می خوانیم:

أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبِ ثَارِكُمْ مَعَ إِمَامٍ هُدًى ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ ...

در زیارت حضرت رضا علیه السلام نیز می خوانیم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ وَ وَلِيِّكَ الْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ صَلَوةً تَامَّةً نَامِيَةً بَاقِيَةً تُعَجِّلُ بِهَا فَرَجَهُ وَ تَنْصُرُهُ بِهَا وَ تَجْعَلُنَا مَعَهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ ...

همچنین در زیارت ائمه در سامرا چنین می خوانیم:

وَ تُعَجِّلْ فَرَجَ قَائِمِهِمْ بِأَمْرِكَ وَ تَنْصُرَهُ وَ تَنْتَصِرَ بِهِ لِدِينِكَ وَ تَجْعَلْنِي فِي جُمْلَةِ النَّاجِينَ بِهِ وَ الْمُخْلِصِينَ فِي طَاعَتِهِ ...

در دعای ندبه عبارات عشق آمیز زیادی درباره حضرت آمده و بهتر است از خواندن و توجه به معانی آن غافل نباشیم.

متون عربی در رجعت

قال ابو عبدالله عليه السلام قال رَجُلٌ لِعَمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ يَا اَبَا الْيَقْطَانَ آيَةٌ فِي كِتَابِ اللَّهِ قَدْ اَفْسَدَتْ قَلْبِي وَ شَكَّكْتَنِي قَالَ عَمَّارٌ وَ آيَةٌ آيَةٌ هِيَ قَالَ قَوْلُ اللَّهِ تَعَالَى «وَ اِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ اَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْاَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ اِنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يوقِنُونَ» فَأَيَّةُ دَابَّةٍ هَذِهِ قَالَ عَمَّارٌ وَ اللَّهُ مَا اَجْلِسُ وَ لَا اَكُلُ وَ لَا اَشْرَبُ حَتَّى اُرِيكَهَا فَجَاءَ عَمَّارٌ مَعَ الرَّجُلِ اِلَى اميرِ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَ هُوَ يَأْكُلُ تَمْرًا وَ زَبَدًا فَقَالَ يَا اَبَا الْيَقْطَانَ هَلُمَّ فَجَلَسَ عَمَّارٌ وَ اَقْبَلَ يَأْكُلُ مَعَهُ فَتَعَجَّبَ الرَّجُلُ مِنْهُ فَلَمَّا قَامَ عَمَّارٌ قَالَ الرَّجُلُ سُبْحَانَ اللَّهِ يَا اَبَا الْيَقْطَانَ حَلَفْتَ اِنَّكَ لَا تَأْكُلُ وَ لَا تَشْرَبُ حَتَّى تُرِيَنَهَا قَالَ عَمَّارٌ قَدْ اُرِيْتُكَهَا اِنْ كُنْتَ تَعْقِلُ.

قال (الصادق) في تفسير قوله عزَّوجلَّ فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ قال ذلك اذا خَرَجُوا فِي الرَّجْعَةِ، مِنَ الْقَبْرِ يَغْشَى النَّاسَ كُلَّهُمُ الظُّلْمَةُ، فيقولوا هذا عذابُ اليمِ رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ انا مُؤْمِنُونَ «فقال الله رَدًّا عَلَيْهِمْ اَنِّي لَهُمُ الذِّكْرُ (في ذلك اليوم) و قد جائهم رسول مُّبِينٌ ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَ قَالُوا مَعَلَمٌ مَّجْنُونٌ انا كاشِفُوا الْعَذَابَ قَلِيلًا اِنَّكُمْ عَائِدُونَ» يعنى الى القيمة و لو كان قوله... في القيمة لم يَقُلْ اِنَّكُمْ عَائِدُونَ لانه ليس بعد الاخرة و القيمة حالة يَعُودُونَ اليها.

رجعت در ادعیه

در زیارت رجبیه می خوانیم:

... رحمة الله و بركاته و تحياته عليكم حتى العودُ الى حضرتكم و الفوزُ في كرتكم و الحشرِ في زميرتكم و رحمة الله و بركاته عليكم
در دعای روز سوم شعبان آمده است که:

... سَيِّدَ الْأُسْرَةِ (ای ابی عبدالله الحسین) الْمَمْدُودِ بِالنُّصْرَةِ يَوْمَ الْكُرَّةِ... وِ الْقَوْزِ مَعَهُ فِي
أَوْبَتِهِ وِ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ عِترَتِهِ بَعْدَ قَائِمِهِمْ وَ غَيْبَتِهِ حَتَّى يُذْرِكُوا الْأَوْتَارَ وَ يَشَارُوا الشَّارَ وَ
يُرْضُوا الْجَبَّارَ...

در اعمال روز «دحو الارض» نیز چنین آمده است:

وَ عَجَلِ فَرَجِ أَوْلِيَائِكَ وَ اَزْدُدْ عَلَيْهِمْ مَظَالِمَهُمْ

در زیارت عاشورا می خوانیم که:

فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ وَ أَكْرَمَنِي «بِكَ» أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكَ مَعَ إِمَامٍ

منصور...

... وَ أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكَ مَعَ إِمَامٍ هُدًى ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ.

در زیارت عاشورای غیر معروفه نیز می خوانیم:

... وَ أَنْ يُؤَفِّقَنِي لِلطَّلَبِ بِثَارِكَ مَعَ الْإِمَامِ الْمُنْتَظَرِ الْهَادِي مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ ﷺ

باز در زیارت عاشورای غیر معروفه می خوانیم:

... اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِنَ الطَّالِبِينَ بِثَارِهِ مَعَ إِمَامٍ عَدْلٍ تُعَزِّبُهُ الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ.

در زیارت وارث آمده که:

... أَشْهَدُ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ وَ أَنْبِيَائَهُ وَ رُسُلَهُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَ بِأَيَابِكُمْ مُوقِنٌ

و در زیارت جامعه کبیره نیز چنین آمده:

... جَعَلَنِي تَمَنَّ... يَكْرِئُ فِي رَجْعَتِكُمْ....

در دعای عهد می خوانیم:

اللَّهُمَّ إِنْ حَالَ بَيْنِي وَ بَيْنَهُ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَيَّ عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا فَأَخْرِجْنِي مِنْ

قَبْرِي مُؤْتَزِرًا كَفَنِي شَاهِرًا سِنِي....

در بخش صلوات بر حجج طاهره (و بر ابا عبدالله الحسین ع)

قُتِلَتْ مَظْلُومًا وَ مَضِيَّتْ شَهِيدًا وَ أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى الطَّالِبُ بِثَارِكَ وَ مُنْجِزُ مَا وَعَدَكَ

مِنَ النَّصْرِ وَ التَّايِيدِ فِي هَلَاكِ عَدُوِّكَ وَ إِظْهَارِ دَعْوَتِكَ

در زیارت امام حسین علیه السلام در عید فطر و قربان چنین وارد شده است:
 ... یا مولای انا موالٍ لولئیکم و مُعادٍ لِعَدوّکم و انا بکم مُؤمنٌ و بایا بکم مُوقنٌ بِشَرایعِ
 دینی و خواتیمِ عملی...

متن عربی در اشراط ساعت و قیامت

فمن اشراط الساعة التي يشارک باشرط قيام المهدي بعضاً، أنظر فتأمل فخذ بحول الله
 روى على بن ابراهيم ره في تفسيره باسناده عن عبدالله بن عباس قال حَجَجْنَا مع رسول
 الله ص فَأَخَذَ بِحَلْقِهِ بَابِ الْكَعْبَةِ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيْنَا بوجهه فقال أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَشْرَاطِ السَّاعَةِ وَ
 كَانَ أَدْنَى النَّاسِ مِنْهُ يَوْمَئِذٍ سَلْمَانَ (ره) فَقَالَ بلى يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ إِنَّ مِنْ أَشْرَاطِ السَّاعَةِ
 إِضَاعَةَ الصَّلَوَاتِ وَ اتِّبَاعَ الشَّهَوَاتِ وَ الْمَبْلُ مَعَ الْأَهْوَاءِ وَ تَعْظِيمُ الْمَالِ وَ بَيْعُ الدِّينِ بِالدُّنْيَا
 فَعِنْدَهَا يَذُوبُ قَلْبُ الْمُؤْمِنِ فِي جَوْفِهِ كَمَا يَذُوبُ الْمِلْحُ فِي الْمَاءِ مِمَّا يَرَى مِنَ الْمُنْكَرِ فَلَا يَسْتَطِيعُ
 أَنْ يُغَيِّرَهُ قَالَ سَلْمَانَ وَ أَنْ هَذَا لِكَائِنِ يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ ائِى وَ الَّذِى نَفْسِ بِيَدِهِ يَا
 سَلْمَانَ،

انّ عندها يليهم امراء جوره و وزاره فسقه و عرفاء ظلمه و أمناء خونه فقال سلمان و
 ان هذا لكائن يا رسول الله فقال ائى و الذى نفسى بيده يا سلمان انّ عندها يكون المنكر
 معروفاً و المعروف منكراً و ياتمن الخائن و يخون الامين و يُصدّق الكاذب و يُكذّب
 الصادق قال سلمان و انّ هذا الكائن يا رسول الله ﷺ قال ائى و الذى نفسى بيده يا
 سلمان، فعندها اماره النساء و مشاوره الاماء و قعود الصبيان على المنابر و يكون الكذب
 ظرفاً و الزكوة مغرماً و الئى مقسماً و يحجفوا الرجل و ائديه و يبر صديقه و يطلع
 الكواكب المذنبه^۱

۱. بعض العلامات لبيان محض العلامة لايان العيب و القبح من طلوع الكواكب المذنبه و تكلم الروبيضة. و بعض
 العلامات لبيان صلاح ظاهرهم للفخر و الرياء و الاشتهار كحلية المصاحف و طول المنارات و زخرفة المسجد او لبيان الغفلة
 عن العبودية و لذا قال يلبسون الحرير و اما سائر العبارات يدل على وجوه المحرمات و المنكرات و شياعها «اعاذنا الله من فتن
 آخر الزمان»

قال سلمان و انّ هذا لكائنٌ يا رسول الله ﷺ قال اى و الذى نفسى بيده و عندها تُشارك المرأة زوجهها فى التجارة و يكون المطر قبضاً و يعيظ الكرام غيظاً و يحتكر الرجل الثمر فلا فعندها يقارب الاسواق اذا قال هذا لم ابع شيئاً و قال هذا لم اربح شيئاً فلا ترى الاّ ذاماً لله قال سلمان و انّ هذا لكائنٌ يا رسول الله ﷺ قال اى و الذى نفسى بيده يا سلمان. فعندها يليهم اقواماً ان تكلموا قتلوههم و ان سكتوا استباحوهم ليستاثرون فيئعهم و يطؤون حرمتهم و ليسفكن دمائهم و ليملان قلوبهم رعباً فلا تريهم الاّ و جلين خائفين مرعوبين مرهوبين قال سلمان و انّ هذا لكائنٌ يا رسول الله قال اى و الذى نفسى بيده يا سلمان، انّ عندها يؤتى بشيءٍ من المشرق و شىءٍ من المغرب يلون اُمتى فالويل لضعفاء اُمتى منهم و الويل لهم من الله لا يزحمون صغيراً و لا يوقرون كبيراً و لا يتخافون عن موسى خيارهم حيّاً، قلوبهم قلوب الشياطين قال سلمان و انّ هذا الكائنٌ يا رسول الله قال اى و الذى نفسى بيده يا سلمان و عندها يكتفى الرجال بالرجال و النساء بالنساء و يُغار على الغلمان كما يُغار على الجارية فى بيتِ أهلها و شبه الرجال بالنساء و النساء بالرجال و تركبن ذوات الفروج السروج فعليهنّ من اُمتى لغته الله قال سلمان و ان هذا لكائنٌ يا رسول الله قال اى و الذى نفسى بيده يا سلمان، انّ عندها يزخرف المساجد كما يزخرف البيع و الكنائس و يحلّى المصاحف و يطوّل المنارات و يكثر الصفوف، قلوب متباغضة و ألسنٌ مختلفة قال سلمان و ان هذا لكائنٌ يا رسول الله قال اى و الذى نفسى بيده يا سلمان. و عندها يحلّى ذكور اُمتى^٢ بالذهب و يلبسون الحرير و الديباج و يتخذون جلود النمار صفاً قال سلمان و انّ هذا لكائنٌ يا رسول الله قال اى و الذى نفسى بيده يا سلمان، و عندها يظهر الربا (يظهر الربا) و يتعاملون بالغيبة و الرشا و يوضع الدين و يرفع الدنيا قال سلمان و انّ هذا لكائنٌ يا رسول الله قال اى و الذى نفسى بيده يا سلمان فعندها يكثر الطلاق فلا يُقام لله حدّ و كن يضر الله شيئاً قال سلمان و انّ هذا الكائنٌ يا رسول الله قال

١. يحتمل ان يكون «حباً للدنيا» - او يكون - حياً أو ميتاً.

٢. تأمل فى كلمة (اُمتى) اى كل ذلك من المنكرات فى مرئى المسلمين من الغرائب.

اي وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ يَا سَلْمَانَ، عِنْدَهَا يَظْهَرُ الْمَغْتِيَّاتُ وَالْمَعَازِفُ وَيَلِيهِمْ أَشْرَارُ أُمَّتِي قَالَ سَلْمَانَ وَ إِنَّ هَذَا لَكَائِنٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ أَيُّ وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ يَا سَلْمَانَ، عِنْدَهَا يَحْجُ أَغْنِيَاءُ أُمَّتِي لِلزَّهْرِ وَ يَحْجُ أَوْسَاطُهَا لِلتَّجَارَةِ وَ يَحْجُ فَقَرَاءَتُهُمْ لِلرِّيَاءِ وَ السُّمْعَةُ... فَعِنْدَهَا يَكُونُ أَقْوَامًا يَتَعَلَّمُونَ الْقُرْآنَ لغيرِ اللَّهِ وَ يَتَّخِذُونَهُ مَزَامِيرَ وَ يَكُونُ أَقْوَامًا يَتَفَقَهُونَ لغيرِ اللَّهِ وَ يَكْثُرُ أَوْلَادُ الزَّوْنِ وَ يَتَغَنُونَ بِالْقُرْآنِ وَ يَتَهَافَتُونَ بِالدُّنْيَا قَالَ سَلْمَانَ وَ إِنَّ ذَلِكَ لَكَائِنٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَيُّ وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ يَا سَلْمَانَ،

ذَاكَ إِذَا انْتَهَكَتِ الْمَحَارِمُ وَ اكْتَسَبْتَ الْمَآثِمَ وَ سَلَّطَ الْأَشْرَارُ عَلَى الْأَخْيَارِ وَ يَفْشُو الْكُذْبُ وَ يَظْهَرُ اللَّجَاجُ وَ يَفْشُو الْفَاقَهُ وَ يَتَبَاهُونَ فِي اللَّبَاسِ وَ يَمْطَرُونَ فِي غَيْرِ أَوَانِ الْمَطَرِ وَ يَسْتَحْسِنُونَ الْكُوبَةَ^١ وَ الْمَعَازِفَ وَ يُنْكِرُونَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ حَتَّى يَكُونَ الْمُؤْمِنُ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ أَذَلَّ مِنَ الْأُمَّةِ^٢ وَ يَظْهَرُ فَرَاهِمُ وَ عِنَادُهُمْ فِيمَا بَيْنَهُمُ التَّلَازِمُ.

فَاوَلَّكَ يُدْعُونَ فِي مَلَكُوتِ السَّمَوَاتِ الْأَرْجَاسِ وَ الْأَنْجَاسِ يَا سَلْمَانَ وَ إِنَّ هَذَا لَكَائِنٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ يَا سَلْمَانَ فَعِنْدَهَا لَا يَغْشَى الْغَنَى الْفَقِيرَ حَتَّى أَنْ السَّائِلَ لِيَسْأَلَ فِيمَا بَيْنَ الْجُمُعَتَيْنِ لَا يُصِيبُ أَحَدًا يَضَعُ فِي يَدِهِ شَيْئًا قَالَ سَلْمَانَ وَ إِنَّ هَذَا الْكَائِنُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ وَ الَّذِي فِي نَفْسِي بِيَدِهِ يَا سَلْمَانَ.

عِنْدَهَا يَتَكَلَّمُ الرُّوَيْبِضَةُ فَقَالَ وَ مَا الرُّوَيْبِضَةُ يَا رَسُولَ اللَّهِ فِدَاكَ أَبِي وَ أُمِّي فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ يَتَكَلَّمُ فِي أَمْرِ الْعَامَةِ مَنْ لَمْ يَكُنْ يَتَكَلَّمُ فَلَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا قَلِيلًا حَتَّى تَحُوزَ الْأَرْضَ حُوزَةً فَلَا يَظُنُّ كُلُّ قُوَّةٍ إِلَّا أَنَّهَا جَاءَتْ فِي نَاحِيَّتِهِمْ فَيَمْكُثُونَ مَا شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ يَمْكُثُونَ فِي مَكْثِهِمْ فَيَلْقَى لَهُمُ الْأَرْضَ أَفْلَاذَ كِبْدِهَا قَالَ ذَهَبَ وَ فَضَّهَ ثُمَّ أَوْمَسَى بِيَدِهِ ﷺ إِلَى الْأَسَاطِينِ فَقَالَ مِثْلُ هَذَا فَيَوْمئِذٍ لَا يَنْفَعُ ذَهَبٌ وَ لَا فِضَّةٌ فَهَذَا مَعْنَى قَوْلِهِ تَعَالَى فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا.^٣

١. الكوبه في اللغة، الترد و الشطرنج.

٢. طوبى لمن صبر و استقام على دينه لخلوة الآخرة (مؤلف).

٣. علم اليقين و عين اليقين مرحوم فيض اعلى الله مقامه.

منابع و مصادر

- ۱- قرآن.
- ۲- ارشاد شیخ مفید: چاپ تهران ۱۳۵۸ هـ.
- ۳- الزام الناصب شیخ علی یزدی حائری چاپ تهران ۱۳۵۱.
- ۴- اسعاف الراغبین ... شیخ محمد الصبان، حاشیه بر کتاب «نور الابصار»، چاپ مصر ۱۳۸۰.
- ۵- اعلام النوری باعلام الهدی طبرسی، چاپ ایران، ۱۳۳۸.
- ۶- الامام المهدی علی محمد علی دخیل، چاپ نجف.
- ۷- امل الامل حر عاملی، چاپ بغداد، ۱۳۸۵.
- ۸- الكتاب المقدس عهد قدیم، عهد جدید.
- ۹- بحار الانوار مجلسی، چاپ تهران ۱۳۸۵.
- ۱۰- بشارات عهدین صادقی، چاپ تهران سنه ۱۳۴۶.
- ۱۱- بشارة الاسلام، سید مصطفی کاظمی، چاپ نجف ۱۳۸۲.
- ۱۲- البلدان ابن الفقیه، چاپ لیون، ۱۳۰۲.
- ۱۳- البیان فی اخبار صاحب الزمان، گنجی شافعی. چاپ نجف ۱۳۲۵.
- ۱۴- تحف العقول، حسن بن علی الحرّانی، چاپ بیروت ۱۳۸۲.
- ۱۵- الحاوی للفتاوی، سیوطی چاپ مصر، ۱۹۵۹ م.
- ۱۶- صحیح بخاری، چاپ مصر ۱۳۷۲.
- ۱۷- صحیح مسلم، چاپ مصر ۱۳۸۴.
- ۱۸- الصواعق المحرقة ابن حجر، چاپ مصر، ۱۳۷۵.
- ۱۹- عیون اخبار الرضا، الصدوق، چاپ نجف ۱۳۹۰ هـ.
- ۲۰- علم الیقین، فیض چاپ قدیم.

- ۲۲- الغيبة للطوسى، چاپ نجف ۱۳۵۷، چاپ تهران، ۱۳۸۵ هـ
- ۲۳- الغيبة للنعمانى . .
- ۲۴- الفصول المهمة، ابن صباغ، چاپ نجف، ۱۹۵۰ م.
- ۲۵- كافي، كلينى، چاپ ايران، ۱۳۸۸ هـ
- ۲۶- كشف الغمّة فى معرفة الاثمه، حسن اربلى، چاپ ايران، ۱۳۸۲ هـ
- ۲۷- منير الاحزان، شيخ يوسف جواهرى، چاپ نجف، ۱۳۸۳ هـ
- ۲۸- مجمع البحرين، طريحي.
- ۲۹- محجة البيضاء، محمد بن مرتضى كاشانى.
- ۳۰- معجم البلدان، ياقوت حموى، چاپ مصر، ۱۳۲۴.
- ۳۱- الملاحم و الفتن، ابن طاووس چاپ نجف، ۱۳۸۲.
- ۳۲- منتخب الاثر، لطف الله صافى.
- ۳۳- المهدي، سيد صدر الدين صدر، چاپ ايران، ۱۳۵۸.
- ۳۴- نهج البلاغه، چاپ بيروت مكتبة الاهليه.
- ۳۵- نهج الفصاحة، چاپ ايران، ۱۳۴۱.
- ۳۶- وسائل الشيعة، حرّ عاملى، چاپ بيروت، ۱۳۹۱.
- ۳۷- ينابيع الموده، قندوزى، چاپ ۱۳۰۱.

کتاب منتشره انتشارات دارالنور

- ◀ انتظارات حضرت مهدی(عج) از شیعیان / ۸۸ صفحه رقعی ۴۰۰ تومان /
- ◀ سروش عشق ((مجموعه اشعار در مدح حضرت مهدی(عج))) / ۱۲۰ صفحه رقعی ۵۰۰ تومان /
- ◀ چهل حدیث درباره دروغ و غیبت ((مجموعا ۸۰ حدیث)) / ۲۸ صفحه جیبی ۱۷۰ تومان /
- ◀ ارتباط با خدا ((شامل: دعای کمیل ، توسل ، ندبه و زیارت عاشورا)) / ۹۶ صفحه جیبی ۲۴۰ تومان /

تعدادی از کتابهای شبکه توزیع انتشارات دارالنور

همال آفتاب: شرحی بر دیوان حافظ ، برگرفته شده از جلسات اخلاقی علامه سید محمدحسین طباطبائی(ره) تالیف و تدوین: آقای علی سعادت پرور / دوره کامل ۱۰ جلدی ۳۵۰۰۰ تومان /
حلیة القرآن جلد ۱-۲ ((دوره ۲ جلدی ۷۰۰ تومان)) /
کتابهای سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بیشتر از ۵۰۰ عنوان و همچنین کل کتب درخواستی هموطنان عزیز شهرستانی تهیه و برای آنها ارسال میگردد.

جهت درخواست و خرید کتاب: متقاضیان محترم میتوانند به آدرس: قم ، بلوار شهید محمد منتظری ،
نرسیده به پل نیروگاه ، ساختمان شهاب حضورا مراجعه یا با انتشارات مکاتبه نمایند.

جهت سهولت کار با شماره تلفن ۰۲۵۱-۷۷۳۷۴۶۹ تماس حاصل فرمایند. تا در اسرع وقت کتب درخواستی متقاضیان محترم ارسال گردد.

با امید توفیق روزافزون
انتشارات دارالنور